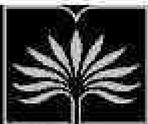
روزنامه محاصره شهر پاریس

که بحکم اعلیحضرت شاهنشاهی ناصرالدین
شاه میرزا رضای مهندس از فرانسوی
ترجمه نموده است بتاریخ
شهر جمادی الاول
۱۲۸۹

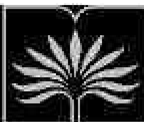






کتابخانه دولت علیه ایران

اسم کتاب .... مصنف ....
درجه علم .... بچه زبان ....
اسم محرر .... تاریخ تحریر ....
روی کاغذ .... بچه خط و قلم ....
عدد صورت .... عدد سرلوحه ....
جلد کتاب .... عدد اوراق ....
ورق مذهب .... قطع کتاب ....
متن و حاشیه .... یک نسخه در چند جلد ....
ملاحظات ....



جلد اول

روزنامهٔ محاصرهٔ شهر پاریس

روز اول پنجشنبه پانزدهم ماه سپتامبر

در این روز دشمن نزدیک شهر پاریس رسیده بود و در قبل مواضع بیرون پاریس توپ نشان ملاحظه شد

و چون لازم بود که تفصیل آنچه اتفاق خواهد افتاد ذکر نمائیم لهذا با دقت تمام کل اخبار که بدست ما

میرسد جمع میکنیم و هرچه ممکن است از آنها تصحیح میکنیم قبل از آنکه منطبع نمائیم و این روزنامه یادداشتی است

که در حقیقت روز بروز و ساعت بساعت هرچه اتفاق افتاده از خوب و بد بلاغرض درو ثبت خواهیم نمود و از

اول است که باید اعلان خبر رسمی دولت ذکر نمائیم ——————

اخبار دولتی شهر پاریس —— از قرار خانهٔ راه آهن شمالی شهر پاریس در پانزدهم سپتامبر یک ساعت

بعد از ظهر گذشته بود در صنایع و کلا خبر رسید که دشمن عرادهٔ پاسبان راه آهن را امروز در [illegible]

[illegible] تصرف نموده اند و در نزدیک شهر سانلیس است خراب راه آهن را تیر تفنگ زده اند لکن

اصلاً ضرری برنداشت و دیگر دکان راه آهن آمد و شد میان پاریس و شهر سانلیس با عراده [illegible] نموده

و از شهر روشن در پانزدهم ماه مذکور سه ساعت بعد از ظهر محاکم پاریس نوشته [illegible]

اعلان ( ) که میان لشکر [illegible] جنگ [illegible] و گویا این مکان جای [illegible]

[illegible] گفتیم [illegible] انتظام پاریس



قشون است که با صبح خبر رسید لیکن باید همه مردم را اعلام نمود که آماده و مستعد باشند و حاکم قلعه شهر استراسبورغ به حاکم

شهر پاریس نوشته بود که چند نفر از اولان پروسیان در نزدیک شهر کلمار آمده چند نفری را [illegible]

ساخته و دسته سواره که قراول کنار رودخانه [illegible] فرستاده بودیم در آن جنگ [illegible] رسیده و [illegible]

نیز تفنگ انداخته ایشان فرار اختیار نمودند ———

و از قراری که استماع میشود یک دسته و دویست نفری از سواران پروس در اطراف موضع [illegible] حاضر و مهیا شده اند

پانزدهم شهر مذکور سه ساعت از شب گذشته بحاکم پاریس نوشته رسید که از قراری که امروز چنانچه استماع نموده ایم

چند نفر سواره قراول در بعضی مواضع یافت میشود و تنها مقدمة الجیش یک دسته سپاه و سه هزار نفری دیگر که

سپاه دو هزار نفری مهیا شده و سواره پروسیان شهر [illegible] را محاصره نموده اند و لشکر [illegible] از راه آهن

روانویل لشکر کرده و تلگراف خانه را با راه آهن شهر پاریس تلگراف نموده که تعداد دو هزار کس قشون دشمن بجهت

شهر روانویل می آیند و سربازان ما در قلعه جات مستحفظ می شوند تا یک ساعت دیگر دشمن بانجا خواهد رسید

اخبار اطراف شهر پاریس ——— دیروز پنج شش هزار کس از پروسیان در [illegible] دیده شده

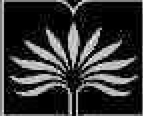
و شب هنگام در تلال بعضی مواضع میان [illegible] واقع است بواسطه امکان آتش زدن گذاشته

بجهت ممکن نشد که دشمن تا آنجا ورود خواهد [illegible] مقدمة الجیش سپاه پروس [illegible]

نیز [illegible] ایشان رسیده اند و فوج مقدمة الجیش فرانسه در اطراف پاریس از پروسیان

اسیر و دستگیر کرده اند و روز گذشته ده نفر اسیر که جاسوس بوده اند با یک عراده [illegible]

رطوبت هم



عمارت الیزی روانه شده و بعضی اینکه در اطراف قلاع کلیه در دروازه‌ها [illegible] باید سوخت برای آنکه

راه تیراندازی باز شود و در شب پنجشنبه دو نفر از کمپنی که قراول بود کشته شدند و اکثر دهات قریه [illegible]

بجهت گشودن راه تیراندازی مخروبه و بازگشته و نیز از جماعت تجارکان در خارج ابواب [illegible] باز کنند

سبب زمین و [illegible] آلات را بکنند که بدست قشون پروس نیفتد و امروز تخت [illegible] و ستون [illegible] سنگی

توپ و تفنگ می‌آید و در بالای عمارت ورسای و در [illegible] نظامی [illegible] مریضخانه که [illegible] صلیب

سرخ دارد برپا نموده [illegible] و عمارات را تماماً بجهت زخمداران آماده ساخته‌اند و در آنجا چند نفر زخمداران

جا داده‌اند [illegible] مریضخانه نهاده‌اند لباسشان [illegible] آستین سفید دارد [illegible] که این عمارات

اهل آنکه مریضخانه نموده‌اند پروسیان حرمت خواهند داشت [illegible] باور کردن ——

پولوار خیابانهای بزرگ و صفات که در اطراف پاریس است

اخبار روز سه‌شنبه شهر پاریس —— که [illegible] از افواج [illegible] (۷) [illegible]

و واضح است که ما نمی‌گوییم مأمور کجا بودند و امروز منتظرند که در اطراف دروازه‌های پاریس جنگ شود

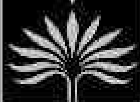
صبح امروز [illegible] دو نفر [illegible] از اهل [illegible] مخصوص [illegible] شهر پاریس کشته شدند و در وقت [illegible]

در میدان [illegible] شانزده [illegible] که اهل پاریس بسیار پسندیده‌اند و آنچه از پیش [illegible] بود عمل

صورت خواهد [illegible] چراکه در پاریس بسیار از جاسوسهای پروسیان مانده‌اند که مقصودشان اینست

که شورش و غوغا برپا نمایند تا راه دخول دشمن به پاریس آسان شود و در شب یک [illegible] گرفت

اهل محله [illegible] را ترسانیده و گویا اضطراب [illegible] در انظار [illegible] بودند و هر [illegible]



نگاشته بوده که پابند یکی از قطاران ماده طلب شده بودش نخواست از شوهرش جدا شود تفریح

فرانتیر رسم دیوانه‌اند ۵ ع رحمت و هر روز دو بار ماده و شب در دیوار و ملت دو زن که لباس

نظامی پوشیده دارند مشق تفنگ بفوج شهری میدهند و بسیار قابلیت تعلیم میدهند و تا اینکه اموال خود را

محافظت نمایند کمپنی راه آهن مشرق کل عراده‌های بخار را جدا نموده و کل خدام را بطور رفیق رای

خود شان قرار داده‌اند و شخصی که سرکرده ایشان بود سلطان شان است و چند کس که عمده ترشان در

باب مصلحت آنکه [illegible] است در دیوان باره پاریس سد ببارند اهل محال حتی زن و بچه شان میروند

کار را بکنند و الله مرد و کسی نیست که منکر چنین خدمت شود و اجزای مجلس شورای جمهوریت شهر

پاریس را سر راه‌های خانه‌های چوبین بسیار خوب درست به دیوارهای قدیم قرار داده‌اند و آنها بجهة

داوطلبان ولایات فرانسه که آمده‌اند ساخته شده ممکن است که از خانه‌های مردمان که منزل کرده

بوده‌اند برونند در آنجا باشند ـــــــــــــــــــ

احکام دولتی ـــ قبل از آنکه داوطلبان رعیت زیر حکم وزارت جنگ باشند گاردبال موبیل‌های

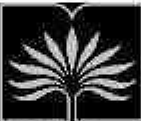
فوج میدادند چون چند باطالیان بپاریس فرستاده شده و ممکن نیست در پاریس منزلی خود پیدا بکنند

لهذا دولت حکم کرده که سربازی یکصد و [illegible] روزه شاهی داده شود و چونکه صاحب‌منصبان را با این تفاوت

تمکین نشسته بوده‌اند بانصاف نیست که امروز این تفاوت ما بین بهره [illegible] و سربازهای [illegible] دو شاهی

علاوه داده شود و جنرال لفلو وزیر جنگ این حکم را رقم کرده است و حکم دیگر که از مجلس [illegible] صادر شده

دیوانه‌ید [illegible]
ملبس لباس نظامی دارند
[illegible]
[illegible]
[illegible]



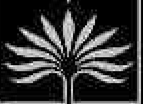
آنکه مدارک برای حفظ موضعها ( ) وکتابخانها داده شود

عمارت بزرگ است که دولت ... بجهت نگاه داری ... دولت در آنجا ...

روز دویم جمعه شانزدهم ماه سپتمبر

اخبار دولتی ـــ سرکرده قلاع ... تلگراف نوشته که قراولان چیزی مشاهده نکرده اند
و فرض میکنند که دشمن عقب نشسته است و چون پل رود که نزدیک شهر است آن پل را باید خراب کرده
ممکن نیست که حرکت پروسیان معلوم شود و دسته توپ قشون رعیتی با توپخانه رسیده است و به کار ...
و سرکرده راه آهن اورلیان خبر داده که شما ... بکار نفر رسید چون محلی را که نزدیک پل واقع است
پروسیان با توپ خراب کرده اند ... خبر کرده اند که ... پاریس نفر رسید
چون دشمن نزدیک است ... تلگراف نزدیک ... خراب کرده اند و دشمن ...
پیش عبور کرده ... و در آنجا یکدسته توپ قرار داده

اخبار اطراف پاریس ـــ نمی شود حالت اطراف پاریس را همچنانکه اکنون هست تصور کرد
ملکی که سوخته شده است کلا ... خانها خالی و درب بسته شده و خرمنها ... را سوزانیده
و به ندرت دهاتی پیدا میشود که بحالت حیرت واند ... و اسیرهای پروسیان را که در شهر ... دستگیر کرده
بودند سواره فوج اول کرده اند ... که نزدیک شهر بود و چون شنیده که دشمن نزدیک شهر میآید
نخواست عقب بکشد و با دشمن مقابل شود و چهار نفر پروسیان که پیدا شدند چند نفر
اند ... و کثیری از پروسیان گرفتار شدند ولی ...



هم به نزد اینها مأمور آورده مردهایی که جمع بودند سر پوش دشمن پنهان میکردند و در روز یک ماه تیر ایچل

نفر سوار از فوج پنجم و آنچه که متعدد الجیش بودند با یکدسته متعدد الجیش پروسیان ملاقات کردند و دشمنان

جنگ بزرگ نموده بدل شد ولی چون پروسیان قریب یکصد و پنجاه نفر بودند که تشان این جوک که روسیان

بیشتر نبودند باز برگشته به جنگل متحصن شدند و دیروز چند دفعه صدای شلیک تفنگ و توپ از سمت دوردست

می آمد و در اول شهر فرنیسن همه در تشویش هستند و به واسطه سربازانیکه در آنجا اطراق کرده اند بجهت محاربات آنجا

و شب که تا بسمت قلعه رانی عبور میکردیم صدای صدای توپ که شنیدیم ما مستحضر شدیم و فهمیدیم که جنگ

بود و این شلیکها با جهت خوف بود و در وقت عبور دیدیم که عمارات گنبدهای شهر [illegible] که بسیار عالی بودند تماماً

خراب میکردند و ظروف قدیم و بخاری مرمر قشنگ که در دست توپ شکسته شده خطا گشتند با آنکه مأمور به قلعه

[illegible] ای که رسیدیم به واسطه آتش بانی داخل شدیم و در همان وقت قراولان یکدسته قشون دشمن بیرون رفتند

[illegible] و فرار کرده میگویند فوج نودم پیاده با طور رفته ولی تا شهر تونویل رفته و چون قراولان دشمن از ملاقات

نموده بودند عقب نشسته و بدل [illegible] چند نفر از روسیان را اسیر نموده و یکنفر صاحب منصب ایشان زخمدار شد

و از دو ساعت بعد از صبح به پل رود تونویل را با باروط خراب کردند و احتمال دارد که اگر این کار را ده

وقت شب با هم خراب میکردند همه دشمنان دستگیر میشدند و دیروز که ژنرال [illegible] سرور کل کارهای محاربات

تونیل را بازدید میکرده همه قراولان او را گرفتند و این کار بجهت احتیاط است و دیروز چونکه سربازان

جنگل [illegible] از بالای برج قلعه فرنیسن سوار و پروسیان را مشاهده نمودند هشت نفر از ایشان رفتند



هشت کس از پروسیان را اسیر کردند ولی پروسیان چهار راس اسب بردند و دیروز چند نفر قراول ایالت

سمت شد آنوئیل چند سوار پروس را که در کنار جنگل بودند ملاقات کردند بحکم سرکرده آنها

نفر از ایشان بر دشمن تاخت آوردند اما چند نفر پیاده نظامی پروسیان که در جنگل پنهان کرده بودند بر

ایشان تیر تفنگ خالی کردند و ده هم نیز با تفنگ جواب کردند و یکی از ایشان یکنفر سوار پروس را با تفنگ مقتول

ساخت اما خودش هم زخم شمشیر برداشت و یکی دیگر که نوبت طپانچه سوار پروس خالی کند یکنفر سوار

فرانسه از فوج او نیکه او را خلاص کرد و آن پروس را با تیر طپانچه کشت و یکی دیگر که اسبش سرکشی کرد

او را وسط سوار پروسیان کرد دو نفر از قراولان او را خلاص کرد ولی چون دو دسته سوار پروسیان

ایشان را تعاقب کردند لابد شدند که باز گردند و سلاح دو نفر را که کشته بودند آوردند ولی دو نفر از خودشان

زخمدار شدند و سرپرس ایشان بچنگ دشمن افتاد

اخبار روزنامه شهر پاریس — قریب یکساعت از مغرب گذشته بسمت شمال مغرب آسمان

مانند آتشی عمود بطور غریب هویدا شد و کل مردم بسمت قلاع رفته جمعیت زیاد تماشا میکردند و میدیدند

این آتش از چیست ولی شنیدند در شتانی نقش بود از جود ولی در جشنها و منیفه‌ها که در اطراف

پاریس هست شد صبور زند و خاکستر میشود که بجای آبادی آنکه بایستی بسنگ بندند حیف که این درختها که جنس

جنگل و انبوه بود و اطراف پاریس از میان میرود در تابستان آینده چه خوب

کوچک در تابستان نمیشود چه عیب دارد که زنها عوض جایها آنها با چیز شلوغ بخت



برای تفحص دشمن اول دفعه هوا کرده‌اند و مسیو (؟) [ناخوانا] بشهر تور عازم شده با نگر (؟) میوه و گل چیز دیگر (؟) در آنجا

وکلای دولت خواسته بوده در این دو روز که این وکلا قرارداده شده‌اند وقت وصیت (؟) بیرون هزار تفنگ (؟) باز نوع (؟)

شهری پاریس تقسیم شده و دیروز یک صاحب‌منصب سواره پروسیائی با لباس [ناخوانا] فرانسوی با کلاه

پیاده‌ای نزدیک [ناخوانا] دستگیر و محبوس شده و داوطلبان شهر و آنانکه در پاریس هستند مجلس [ناخوانا] شهری

خودشان آراسته شده‌اند ولیکن در بعضی چیزها که ناقص بوده‌اند با ایشان داده شد ———

اخبار دولتی ——— امیر [ناخوانا] ژنرال‌ها که وزیر [ناخوانا] ملحوظ وکالت امور وزارت

جنگ در پاریس خواهد پرداخت و از جانب دولت مستحفظ ملت حکم شد که [ناخوانا] ژنرال‌ها و امیر [ناخوانا]

مشهور [ناخوانا] و همراه جمهوری دولتی با احکام دولت که دشمن تصرف کرده میپردازند و نیز دولت مستحفظ

حکم کرد که چون ژنرال الفلو در سال هزار و هشتصد و پنجاه و یک از نوع معزول شد دوباره با منصب ژنرالی

داخل لشکر شود و نیز [ناخوانا] نوجهای [ناخوانا] که در پاریس هستند صاحب‌منصبان خودشان انتخاب کنند

و حاکم پاریس حکم کرده که چونکه ولایت [ناخوانا] که در زمان جمهوری عامل لایق بود که سرباز فرستاده و برای دولت

میدان ساختن اسم آن ولایت را که بر وی نقش بکنند و چنانچه جمهوری اول قرارداده بود و وزیر جنگ

چنین حکم کرده بود که [ناخوانا] پاره بیشتر [ناخوانا] در هر کارخانه پاریس و ولایات زیاد بسازند و لیکن چنان کارخانه‌ها

که حالا ساختن اسباب مخصوص برای آنها زیاد تمام میشود و طول میکشد و وزیر جنگ قرارداده که هر اسبابی که ممکن است

در کارخانه‌ها بسازند یا تمام رسانند در کارخانه‌ها اسباب‌های بیشتر [ناخوانا] که آلات مخصوص میخواهند در کارخانه‌های

دولتی جبار زده و اکنون قریب سی نفر متجاوز صاحب کارخانها سفارش این کار شده و چهار هزار کارگر مشغول این

کار هستند و چند روز دیگر در مقابل خواهد بود ———

روز سه شنبه هفدهم ماه سپتمبر

اخبار دولتی — سفرای اتریش و انگلیس و اسپانیا و روس امروز صبح از پاریس بیرون

بتور رفتند باین مقصود که بتوانند باسانی با دولتشان مراوده نمایند ولی باز سفرای دول خارجه که در پاریس هست

مراسلات خواهند داشت و سفرای ایتالیا و ترکی و بلژیک و سویس و بعضی سفرای دیگر دول خارجه اعلام

کرده اند که در پاریس خواهند ماند ———

اطراف پاریس — پیش قراولان پروسیان بسمت قلعه تا پیش آمدند ولی جنگ نشد

و میل که آنجا بودند از قرار یک راپورت بیشتر شده تمام خانه گردو یار هست که در

سکاها پروسیان جا شدند و تا اکنون آن جنگ را آتش زده اند و دیروز در سمت دولت یک بالون افتاده

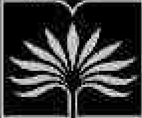
بود که خطوط و سیاه داشت پیدا شد و از آنجا یک عده سوار نظام در راه آهن از آنجا

حمله کردند و از قرار یکه ظاهر است پروسیان در اطراف پاریس عمل خود شروع میکنند چون دو نفر صاحب

ملک دیروز آمده بودند چند خانه خودشان را سوزانیده اند یا اسیر شدند و چند نفر از جزو پروسیان

دیده بودند باری هر چه بود ولی آنکه بودند همراه بودند چند زنان که از ترس

ابو شخص مجروح است که اول او را گرفته نزد حاکم فرستادند و دیروز



تا اول نانمای قلعه جات نزدیک ورژنرال یک یاور فوج رعیتی با یک وکیل آمدند که داخل پادگان شوند ولی

حد مکان نشان ندادند فرض کردند که در او حسب باری جیش دوران وقت که اسم شب منکشف و شنیده شد که از کجا آمده

بودند رئیس سربازخانه نزدیک او آمد بلیت از او خواست جواب داد که من یاور هستم و بلیت ندارم بلکه خود

بسا بیرون بلیت میدهم رئیس سربازخانه از بیان او راضی نشد از او خواهش کرد که در اطاق داخل شود

تا چه با شود خبرش راست است یا نه آن شخص بی ادبی تقصیری خود کرد و شکر حکم رئیس شد این وقت خواست

که او را گرفته بنزد ژنرال ببرد در همان وقت آن شخص معلوم است که جاسوس پروسیانی بود در خندق جست و گریخت

و چونکه سربازها فشنگ نداشتند نتوانستند او را با تفنگ بزنند و آن شخص وکیل که همراه او بود در توقیف نگاه

و شعور زحمت یافت و آخر گریخت

جنگ کرقی — در روز صبح تقریباً پانزده هزار نفر از دسته فوج ژنرال دینوا نسبت ده

کرتیل رفتند و با آنکه در بیشه نزدیک فی الجمله رسیدند بر جیش فرانسه لانیاسه جنگ شده بود چند

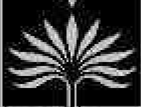
تیر توپ بانها رسید معلوم بود که پروسیانی در وقت شب دسته توپ خود را در آنجا قرار داده بودند

و مکان خوبی بود که تقریباً جمله از قشون آنجا جمع شده بودند و ژنرال دینوا همان وقت آنجا خود را

با چند ژنرال بود را فرستاد تا جیش فرانسه را محافظت نمایند و قدری ضرر بر پروسیانی رسانیدند معلوم

بود در وقت جنگ ایشان تا در دشمن بجهت محافظت مکان خویش آمده بودند چند نفر از ایشان کشته شده

و از طرف ما شش نفر کشته و تقریباً سی نفر زخمدار شدند و از قراری که در او مجروح شدیم قشون



و نیوا در این جنگ با قشون ژنرال ووشل مخاصمه کرده بودند ... دو ساعت تیراندازی توپ بسیار کرده

و از دشمن پنجاه و هشت نفر مرده و بسیاری زخمدار در مکان جنگ ماندند و ژنرال نیوا بسیار از حرکات

از حرکات بطالیان چهارم که جنگ اول ایشان بود و ژنرال ... خودش از ... نفری تفنگ دار

بود و از ایشان بسیار راضی شد

جنگ انی وری — در روز ... که جنگ سخت که در سمت ارت ... دشمن میان ...

ژنرال تاتن و ... بود و ممکن نبود که در آن باب تفصیل حقیقی داشته باشیم گویا باید از آنچه

استماع شده تکرار کرد و چهار ساعت بعد از ظهر ... دشمن که راه آهن ... صدای تفنگ

می آید از قلعه انی وری سربازان ... پروس تفنگ می انداختند و چهار ساعت

نیم که گذشته ... حکم شد که ... سواره نظام ... بودند و چهار نفر اول ... شدند

و دو نفر که یکی صاحب منصب و دیگر سرباز بوده و زخم کاری خورده بودند اسیر کردند و از قراری که معلوم

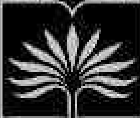
دشمن یک پل چوبین روی رودخانه ... نزدیک بود تمام کنند فی الجمله در ظهر گذشته

در جانب سمت بودند باز بعد ... نیز توپ و تیر تفنگ بسیار شنیده شد و مکان بود که از قلعه انی ...

ژنرال تاتن بود را اخبار کردند که چند ... کمپانی راه آهن ... بطور شجاعت

حرکت کردند چون دشمن پیروز ... سواره ... راه آهن را دیدند ...

امداد خواست زیرا که او را محاصره کرده بودند پیروز دو ساعت ...



که رئیس منزل گاه شوآزی را بیاورند یک فاصلهٔ کمی دیدند که چندین نفر از اولان سرزده آمدند اگر تفنگی

از ایشان تفنگ خود رو به ایستاد کالسکه چی را کرده بزبان فرانسه فصیح فریاد زد که بپاریس برگرد که تفنگ

می اندازم ولی عراده چی مجال نشده ماندند که اینها خیال برگشتن دارند ولی وقتیکه اولان [illegible]

دو عراده تا منزل گاه بردند و تحصیل اسباب و عیال رئیس گاه را توپ شده بیاورند اما بمحض وقتیکه

بیرون شدند عازم شوند قریب شصت سوار پروس که پنهان بودند به عراده تفنگ انداختند و [illegible]

تفنگی از رئیس منزل گاه گلوله خورد اما به ایشان ممکن بود که بپاریس برسند ——

گرفتن سردار ولیان — دیروز بعد از ظهر شهرت کرد که سردار ولیان در یک باستیان

وقتی که سرباز را مخاطب میکرد و اشعار مصلحت میداد که شهر پاریس را محافظت نکنند او را گرفتند ولی

باستیان گردیدیم معلوم است که آن سردار بر دولت متسلط بود و خلافت یعنی دیروز که باستیان

نهم از طرف [illegible] میکردند جمعیتی که آنجا بودند او را شناختند او بنای هیاهو کردند

و چند نفر از سربازان ملی دور او را گرفتند بجهت حفظ بجهت گرفتن او و چهار صاحب منصب

با یک دسته سرباز در یک کالسکه نشسته بعمارات اوتل دوویل او را بردند جمعیتی که عقب کالسکه

میرفتند فریاد میکردند که خیانتکاران بمیرند و چند سنگ را آن اجزا طرف شوند بعد آنکه

با وتل دوویل رسید حاکم پاریس دو نفر سوار فرستاد که او را بیاورند و دعوی که

با رئیس جمعیتی که [illegible] او با جرأتش بودند بیان کرد که یک امر واجب نبوده و [illegible]



نیست و در چنین وقت شهر پاریس با مدتی محکم و آرام باشد گرچه آن جمعیت پراکنده شده ولی هزار

ولیان از دریچه پشت عمارت بیرون رفت ———

حالت و مشغله پاریس — دیگر اهل دهات و شهرهای اطراف پاریس بشهادت

که داخل شهر میشوند نه تنها خود و کسان و کدخدایان دهات بشهر می‌آیند که از دشمن در امان باشند و علاوه

اسباب خانه و آذوقه هرچه تعلق بدفتر خانه ایشان دارد بشهر آورده چنین دفتر خانه و کدخدای

فلان ده و دهستان بشهر اکنون در فلان کوچه پاریس میباشند و از شهر پاریس میل برای نه تنها

چوب گردوار خود همراه آورده‌اند بلکه سگهای خودشان را همراه آورده‌اند و چنین است که این

حیوانهای با وفا انتشده دیده میشود که باقی خودشان در حالت خوش گردش تماشا میکنند و مثل است که

هرکه دوست دارد من است با من بیاید پس این حیوانها آقای خود را دوست دارند که با ایشان آمده‌اند

و فوجهای سیل بسیار با غیرت هستند بعد از آنکه تفنگ و شصت بو گرفتند کامل میشوند و نتایج بحری نیکو

باشند و شخص اول که در محاصره پاریس حاضر گشته مرد بسیار دانا بود که زیستی فلان در یکی از

کوچه شهر نولیای ساکن بود و در وقت رسیدن دشمن لابد شد آنجا ترک کند و بسیار غمگین

بود چون گمان میکرد که کتابخانه خود را که فرصت برداشتن ندارم چگونه بگذارم بجهان

بروسی بگذارم نیست ولی لابد شد که برود و دست از خانه و کتابخانه برداشت

خوابید صبح دید که در خواب ... واضح است که از غصه



روز قوچی که اسم دوستان فرانستان گرفته است اول دفعه در پاریس بیرون آمد و مشق اول است

از سربازان هر جور ملتی چنین که سوئیسی ایتالیایی آمریکایی هولندی انگلیسی لهستانی پروسی وغیره و همچنین

از جوانان بزرگان و کاسبان و صاحب املاک جات شده و لباس قشون را سبزی با سجاف سیاه و نشان

سنگ روی کلاه‌شان بوده و تفنگ بسیار خوب دارند و خود یک قسمت از ایشان در اطراف پاریس قراول کشی

میروند و بزرگان پنج قسم مدارس فرانستان قرار داده‌اند که نسبت به محاصره پاریسیان به نوبه ایشان

بر عمارات دولتی و کتابخانه‌ها و موزه‌ها پرورش کنند یعنی تا ضعافت خود را اظهار کرده‌اند و در این هنگام وقتی

که فرار شد یکی است که مسیو فرر وزیر دول خارجه مینزد نوشته است که روسای فرقه دولت اعلام کردند

که اجزای دیوانخانه انتخاب شوند تا آنکه اهل شهر دیوانخانه را در دو ساعی دولت خودشان تعیین کنند بحیث

وقتی با دولت پروس مشغول در باب صلح بود دولت پروس به وزرای فرانسه گفت که شما از جانب کسی

مختار نیستید و مسیو فرر این حرف را قبول کرده خواست که بعد از پراکندگی اجزای دیوانخانه دولت و وزرا

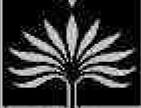
وزرای خودشان روسا تعیین کنند و میگویند که اجزای سلطنت هیچ طور تقصیر ندارند که با دولت پروس

جنگ کردند اگر موافق میخواهد دولت فرانسه میبود این جنگ اتفاق نمی‌افتاد و تقصیر از آنست که که ما [illegible] چنین

سلطنت که این ضررها را بما رسانید تا بحال بر پا مانده و تکلیف ما آنست که هر چه ضرر به ما وارد شده است از دوش

گشتیم ولی اگر آن دولت که با او مخالفت داریم بخواهد از بالای ما عبور و برود تا نفس آخر ایستادگی بکنیم

روز چهارم یکشنبه بیستم ماه سپتمبر



اخبار دولتی — سرهنگ فرمانفرمای قلعهٔ شرقی به حاکم پاریس یک ساعت و نصف شب مانده می‌نویسد

صدای تفنگ زیاد اکنون از سمت بریچ که مکان فی خاصه قلعهٔ شرقی پیدا شد می‌آید و حاکم شهر تول محصور

بود وزیر جنگ و سردار یکه فرمانفرمای شهر بلفور است نوشته است که دشمن شهر را زحم داده و دو ساعت بطرف مانده

داخل شهر تول محصور شده بود دیروز وقت ظهر از اول کرده است آنکه قشون‌شان سمت شهران سمت رفته

و باقی قشون دو باره از ورود دن مجبور گردد — و حاکم پاریس نوشته است موافق آنکه به من خبر رسیده که آنها

در جلو بستیان شاتیل یا جنگ شده و سردار به حاکم پاریس نوشته است که با صدای الهم باروط عمارات آن

که نزدیک با صدای توپ شنیده شد ما کمی می‌شنیم ولی پاسبانی می‌کنیم یک کپانی تفنگ‌دار مار حفظ جنگ

و عمارت اکنون آتش گرفته می‌شود و سردار دولتی با بیر رسیده موافق اخبارهای که سلطان

میش و اولادان آورده بیست هزار پروس در دو مرتبه پیدا شده و قریب شش هزار نفر دیگر سمت تامی

و بطالیان در باد در معدن آوردن جمیع پیدا شده و یک صدای توپ یک ساعت از شب رفته

بود جنگ نوشته و تفصیل از این باب آنکه پروسیان فرستاده که دشمن از سمت راست رود خانهٔ شن پیدا شده

و در چهار روده قریب شش هزار نفر در می‌نمایند و تجارات ایشان در فلند می‌ساخت قرار داده‌اند و از سیاره

سمت راست رود شن هستند خبر ندارم و آنچه فرض می‌کنم است حاضر می‌شوند که از رودخانه عبور کنند و کیا

در اطراف دو دار تونیل خواهند بود ولی از اسباب و آلات پل بستن چیزی

اسلحهٔ قوچ را اسکیر بود زیاد از وفادار هر نوع از مردم که جنگجو بوده اکثر

سوار قلعه ونسن یکساعت از شب رفته بحاکم پاریس می‌نویسد فرانسوی‌ها با پروسیان دو ساعت و آمدی

ساعت از شب رفته بمن نوشته است که قریب دویست نفر سرباز پیاده پروسیانی تا پانصد زرع از پل

شوازی لروا آمده مدت نیم ساعت با تفنگ داران ما که سمت دیگر رودخانه مرن بودند تیر تفنگ تبدیل کردند

و پروسیان از همان راه که آمده بودند مراجعت کردند و ژنرال دوکر رو بحاکم پاریس نوشته است چنانچه

گفته بودند حضور پروسیان در شهر مودان ثابت است یک ستون از ایشان از راه تپی ور از عقب چشمه‌های

موجود بسمت شهر [illegible] می‌آیند و تا بحرکت آمد محافظت کند یک ستون کوچک سواره و پیاده که از راه

تپی ور بمودان مأمور کردند و یک جنگ کوچک داشتیم با چند نفر از سربازان پروسیان که در

سرقلعه بوده‌اند واقع شده و من با تیر توپ آنها را از آنجا بیرون کردم ——

اخبار اطراف پاریس —— نقشه‌ها را [illegible] کردن و آتش زدن مصمم کرده‌اند ولی

جنگ نمیکنند برای محافظت کردن ده و دهاتی را از قراریکه مذکور کرده‌اند وقتی که در یک مکان میرسند

همان جا عوض آنکه آنها را بجهت خوش آمد گفتند در خانه خود را میبندند آنچه ضرور دارند از ایشان مطالبه

میکنند و بعضی دهاتی و صاحب ملک خوششان می‌آید که بجهت راضی کردن پروسیان آذوقه خود را نگاه دارند

عمده وقایع از این قبیل است یکی از فرزند که وقتی جلالتمآب سیم تفنگداران مارلاک موسیو [illegible]

رسیده در وقت نهار خوردن بنا کردند قرقاول و خرگوش با تفنگ بزنند همان وقت ضابطه [illegible]

موسی [illegible] حاضر شده صحبت آنها از شش شکار منع کند واضح است آورده و کرده [illegible]



بود از برای غذای طلابان گشته و در ده و در همان طلابان وقتی که چیک خانه آمد سربازان را در

انبار استقرار داده بود وقتی که منصب بتاریخ جواب چرخ نوشته جواب داده چون صاحبان خانه

چیزی ندارند نمی شود داد آن وقت که کلید خانه را خواستند نداده اند حکم کرد که در انبار را شکسته

داخل طاقها شدند و هر چه در آنجا افتاده پیدا کردند باری وزیر مختار رفته آنچه رود خودشان را

پرورش شده و پیر پرسیم که این همه را از تقصیر نوشته باشد جواب این است که چیزی چون انگلیسی که را

پرورش پیدا شده و منزل داده و نگاه داشتند و انگلیسها از اینها نمیگیرند باید گرفته شوند و نیز

شود آنها را ملاحظه کرد که گویا که پاره کیسه را آتش زدند حکم دولت بود به جهت حفظ ولایت و درخت

کاران خبر شده بودند و نمی شد آنها به جهت دشمن که میرسد نگاه داریم و در وقتی دولت گیلان

باروطها را آتش زدند و شب شنبه ساعت بعد سه چهار طاق انداخته آتش توپ آن شهر

با باروط آتش زدند و چنان شد که پانصد ذرع فاصله سنگ شاخهای درخت را شکست و یک

تکه قریب بیست ذرع بعد از هوا رفتن بر زمین افتاد متلاشی شد و نیز یک ستون از پل آهنی

به قدری با باروط آتش زدند به نوعی که رود خانه مرز حدی شد بهمان میان پیش قراولان

روسی و قشون ما در روز صبح قریب به ساعت سیم بیست کم چند جنگ کوچک کردند در اطراف شهر آنچه

در حقیقت سرکردگان بیل پاریس بسیار با غیرت شده و طالبانه به جنگ پیش قراول

نفر گیلانی سیم زنگ پل قایم شدند یک دسته سواره به بورلی چند نفر از



به یک وکیل و دو نفر را بدست خود کشت و بقیه ایشان بی نظم مراجعت کردند و عمارت را ویران نمودند از قبیل

کلاه و تفنگ و شمشیر و غیره جواب که زخمداری از ایشان بر عقب خود نهاده بود معلوم است

که یاوه کاری هم شده خود نمی بوده این تفصیل دیگر است که در باب جنگ شوازی که مذکور است شنیده ام

که ساعت ظهر مانده بیست سوار و پیاده پروسیان به رسم پیش قراول نزدیک پل شوازی رسیده اند قوت

بازو افکنده از پل که قراول افغان بوده تفنگ بر ایشان انداخته اند یکی از ایشان جوان

هیجده ساله کشته شده و سه نفر دیگر زخم خورده ممکن بود مراجعت کنند و پیلها را قشون برده که لاشه

مقتول را بگیرند در وقتی که چند نفر روسی در آن نزدیکی بوده اند خواستند اتحاد اسلحه کرده

و شب در نزدیک پل ژوبو امر مشتبه واقع شد سربازان پل به سوار اعراب که

اسم شب نشنیده و جواب نداده بودند تفنگ انداختند از قضا کسی زخمدار نشد در سمت دروازه

خانم لوپ بار از عام مردمان است با اسباب ایشان به پاریس میگریزند و در مزارع از قبیل

سرباز و اهل پاریس این وجه هر چه حاصل است می کشند مانند کلاغ که بر مردار هجوم می آورند این

نوع حرص بیشتر برای است که چیزی نگذارند برای پروسیان بماند و صاحبمنصبان و سرباز

که سمت اردو زده اند منتظر هستند که شب یا فردا صبح جنگ شود آنچه تکلیف جنگ است همه

خواهند آورد و هر چه گویا که گیاهی را که خوب شده بود برداشته آتش زدند اکنون می سوزد

اخبار سمت سن کلو — بیرون دروازه اوتیل سه چهار باغچه که آتش زدند



از سوختگی اینها باقی است و سر پل سنکلو چند نفر از سربازان فرانسه شهری قراول ایستاده بودند هر که

سبد میوه یا چیزی می آورد تا ثابت بکند که مال خودش است و از غارت نیست از او نمیگیرند و کالسکه چی هم

جا چنین بکاری بکنند و در آن سمت مثل سایر جاها همه دکانها بسته است باغات و خانه‌ها ویران افتاده

و چون راه آهن را از آنجا بریده بودند پیچیده است که مردمان پیاده به پاریس بروند و در این سمت صدای

تفنگ می آمد ولی آنطرف شکارچی هستند که در باغات شکار میزنند اما دانستم که این صدا می‌شنود و خوب

معلوم که صدای جنگ است و در شهر ولی یکدانه بارش در یک عراده بار نفت بسته بودند

و میگریختند و میگفت که دو دسته پروسیان آنجا رسیده بودند و از قصر باید که کلمه جنگ

از مردمان دور شده و چون ولی بیرون ما خواهند برد یا همین قدر فرصت داریم که مراجعت کنیم

و در سر راه شنیدیم که پروسیان داخل شوسی شده و شهر و ساکنین منزل خواهند گرفت و دو پیش قراولان

سواره فرانسه در نزد یک عمارت سوار کشته شده‌اند و چند دسته از پیاده نظام رفته که با آنها جنگ

بکنند ولی خبر نداریم که چه شده است و وقتی که به پاریس داخل شدیم باقی سوخته شده که در

و کلیسا را مشاهده کردیم دیروز در نزدیک سنکلو یک صاحب منصب پروسی با رخت نظام آمده بوده

عقب او رفتند اسب خود را در چشمه رها کرده و خودش گریخته در رفت و یکی از عمارات را که دیروز

در یک گروش که در طرف پاریس گروه است نقل میکنند ما از دروازه آنجا

در آن دروازه ما از هر نوع اسباب محافظت موجود است و در حقیقت



که همین امشب همه جا جنگ شود و درست قلعه جات همان حالت است که هر کس پیاده شد یا خانه خراب گشت ید

باغ که هنوز سالم مانده مشاهده میشود و در این اثنا کسی صحبت کرده و اوده نفره لشکر ایشان را ن که تقسیم نمایانها

انجا رفته در باغات میروند میوه و گل را میچینند ما در انجا از کالسکه پیاده شدیم سمت صحرا رفتیم و هیچ خبری

ندیدیم نگردیم و سرباز چپل با تفنگ یکدفعه دیدیم که گشت کرده و بزمین افتاده و تفنگ بدیش نهاده بود ما

توقف کردیم و دیدیم سه نفر که در یک ساده از رودخانه پل بود عبور کرده بزرها میروند همان وقت تیر

تفنگ شنیدیم و سه شخص دیدیم بزمین افتادند و یکی از آن چپل بود که با سه تیر تفنگ سه نفر از پروسیانی

زده بود که یکی از آنها صاحب منصب بود و یکی سواره کشته شدند و سیمین زخمدار شده و آن چپل شمشیر و پلک تفنگ

صاحب منصب را برداشت و در همان وقت سه نفر سواره پروس دیگر از جلو پیش قراولان رفته یا تاخت

کرده کشته شد و یک چپل که قراول بود صدا کرد و گمان کنم یکی از ایشان بزبان فرانسه جواب داد که و چپل قراول

تفنگ بر ایشان خالی کرد و بقدر یک میدان اسب که از آنجا دور شدند سه سرباز با یک سلطان پیاده و ...

ملاقات کردند و سه کشته شده و یک نفر از آن سواره بزمین ماندند و سیمین که گریخت تعاقب او

نتوانستند بگیرند و همان وقت آن دو دیگر که معلوم است چندین زخم خورده بودند ...

اشتهای پروسی — پریشب که فوج قراولان از یک پشته بان در ... کرده

بودند قریب سه ساعت بعد از نصف شب ... هنگ ... آتش در جنگلهای مختلف مشاهده کرده ...

شده بودند که ممکن نبود که عده شان را تشخیص دهند و چون ... از پاریس خبر کرده بودند که سواره ...

فرستاد او احتمال داشت که آنها باشند اما زود فهمید که چنین نبود و آن آتش از پروسیان بود یک برگه

و آن سمت فرستاده بود بعد از یک ساعت مراجعت کرد سرهنگ لقا اخبار آورد که آنجائیکه نزد آن آتش

هستند بزبان فرانسه تکلم میکنند و این آتشها را بدین قسم ساخته اند که ذغال تابیده نوعی از مشعل

گذشته در بالای یک شیشه کرده قرار داده اند بنوعی که شعله آتشها را تشخیص او و سرهنگ لقا از نیم

ساعت نصف شب الی تا سه ساعت بعد سرباز خود را در حالت حاضر باش نگاه داشت و چون

میدانست که پروسیان وقت طلوع بنای جنگ دارند بجای لشکر خود را عقب کشید بمحض آنکه

از عقب پیش آمده و نزدیک قلعه نوازی رسیده بودند پروسیان از هر سمت بیرون

آمده بودند اما دیر بود و گول خورده بودند ——

در باب شوتینک —— اکثر اوقات میخواستند که بفهمند پروسیان بچه قسم میتوانستند

حرکت لشکرشان را پنهان کنند و همه شان یکدفعه بی صدا بتدبیر حرکتشان بدانند ما دیگر

قشونها حرکتشان همیشه بواسطه شیپور و ساز و طبل خبر میدهند اما بواسطه آنچه از آن اسیر شنیده

و گرفتند فهمیدیم که مانند کشتی روی دریا قشونشان با شوتنک فرمان میدهند راست است که

صدای تیز دارد ولی مثل شیپور دور رس نیست ——

اولان ورسانی —— دیروز اولانهای پروسانی ر

آمدند و چون کسی نخواست که با ایشان مکالمه کند مراجعت کردند و گفتند که ما



و بعد از ظهر قریب چهارصد اولان بدروازه های شهر ورسای حاضر شده و دروازه را بروی ایشان

باز کردند و وارد ورسای شدند بسی مشهور است که محل رؤسای قشون پروسی قرار داده و خواهد بود چنانکه

که حرکت قشون ایشان بسمت این دو شهر است و چون شنیده بودند که از رودخانه سین عبور کرده‌اند ولیکن پلها

خراب شده بود و نتوانستند لابد شدند بشهر مانت بروند تا آنکه از رودخانه عبور کرده‌اند و در سمت

شمالی پروسیان قریب یکفرسخ بیشتر نرفتند از عقب قراولان ما ——

اخبار داخله پاریس —— شهر پاریس عجیب ترین شهرهاست چون در شب جنگ بزرگ

در حالت عیش خود چنانچه باشند و آواز میخواندند که ما ببرلن همراه سربازهای پاشند روز یکشنبه بود و مثل

عید بود در هر محله و هر کوچه که گذشتیم دیدیم همه ایشان خوشحال و بی تشویش بودند غیر از آنکه در روزنامه

خارجه نوشته بودند و آن بازیگران که در کوچه ها میکردند همان قسم بازی در می آوردند و اگر

جاسوس پروسی آنجا بوده باشد مثل خودمان شنیده که همه ایشان منتظر خبر هستند که قلعه جات

و قشنگ پروسیان حمله کنند و قبل از گرفتن پاریس پروسیان منهدم شده اهل پاریس آسوده

ولی نشده و غیرت فوج میل زیاد است و شب بولان چاپان شده است درهای لیست دیگر

نه باغ است و نه سرباز است و نه توپ است و نه زینت است و نه عمارات و دفترخانه ها همه بزرگ شده اند

نه انسان و نه حیوان باقی است مگر آنهایی که در برگه مانده است پیدا میشود و بغیر از شبهای سکوت

و در میکنید بازدهم روز قبل حسین باغیش وصله بود عالم خبری دیگر نیست و همه جا کافه‌ها و قهوه‌خانه‌ها



غالبیت داشته یک پاسبانی هم پیاده هست آنا از دروازه آلتی تا دروازه مل بو صدای

تیر می آید درختهای بزرگ بر زمین می افتد و خیابانها معدوم میشوند هر مکانیکه دشمن میتواند

آنجا پنهان بشود برای ما مکان حفظ هست چونکه برای تیر اندازی باید مکان وسیع باشد

و درختها را که میزنند بر زمین مانده اند و کنده درخت را بقدر یک ذرع از زمین مرتفع کرده اند

برای پیاده و سواره و توپخانه اشکال زیاد دارد و ممکن نیست که از آنجا پیش بیایند در آنجاها

روز پنجم نوزدهم ماه سپتمبر

اخبار دولتی —— یکساعت از روز رفته حکمران قلعه ایوری بحاکم پاریس و ژنرال تروشو

حکمران قلعه بیست نوشت که دشمن در بلندی سمت چپ ویل ژیف بیدار شده است

شروع تیر اندازی توپ کردیم و خبر دیگر بحاکم پاریس رسید از یک جنگ سخت که از سمت ویل ژیف

صدای تفنگ و توپ می آید و حکمران قلعه ایوری بحکمران قلعه بیست نوشت که دشمن

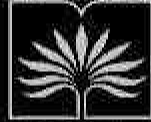
عقب اسباب از آن و عقب دیوری مباشر شده از صبح تا کنون چند مکان مختلفه آمده و لیکن

از زیاد مودان و بیر سمت ... دیده شده است و در همین مکانها با قشون ما ملاقات کرده

و جنگ شد و تیر تفنگ و توپ رد و بدل کردند و اخبار دیگر سر کردگان قشون فرستادند از

نتیجه آن جنگها حرفی نزدند و مفتول تلگراف سمت شرقی که تنها مانده بود ...

می آمد امروز یکساعت بعد از ظهر بریده شد پس باید مردم متحمل شوند ...



اخبار لشکر از فرانسه یک ژنرال دیگر حاکم پاریس نوشت که چند نفر از پیش قراولان خبر داده‌اند که قلعجات

نوازی و رسه و پل وقت مغرب روی ده نوازی که گشته شده دشمن تصرف کرده است تیراندازی سنگینی

و یکساعت طول کشید و یک میرالبحر حاکم پاریس نوشته است که فوج جمهوری از گردش بیرون شهر

بازگشت کرده و گفته‌اند که دیشب سه پل با باروط آتش زدند و میرالبحر سواره از قلعه نوازی

چهار ساعت از شب رفته حاکم پاریس نوشته است که تمام روز دشمن حرکت کرده در سمت راست ناحیه

در دو هزار قدم فاصله قلعه نوازی و ده آمده‌اند یا بیشه‌های انگشت را تصرف کرده‌اند و چندین سواره

و چند دسته پیاده چنین جرأت کردند که وقت مغرب تا نزدیک پل راه آهن که هزار قدم از

باستیان پاسی برآمدند و مکان ملاحظه خودشان در یک خانه خود نهادند دو هزار قدم فاصله از

قلعه نهاده‌اند و لابد شدم که آنها را منع کنم با تیراندازی دو توپ بر باستیان و در تیرهای اولی

سواره نظام و دو پیاده نسبت به پیش مراجعت کردند قریب سه هزار قدم فاصله و پیاده نظام نیز مراجعت کردند

و حرکت کردن به سمت راست و در این وقت ما تیراندازی را با تمام رسانیدیم و دو ساعت از شب رفته چند

خمپاره به دو هزار و هشتصد ذرع فاصله انداختیم و سه ساعت از شب رفته سمت قلعه نوزان

صدای تیر تفنگ زیاد می‌آمد و قدری بعد در سمت راست صدای توپ می‌آمد ولی دشمن با

توپخانه که نزدیک ده نوزیل قرار داده بودند به چهار هزار قدم فاصله خاموش نمودند بکلی

قلعه نوزان چهار ساعت از شب رفته حاکم پاریس نوشته است که شهر ... سواره



و دشمن در کار است که آماده شود از رود عبور کند و بیست پل خونیاز زده اند چشم و اقدامات دیده ایم که مبادا

اشغال حمله کنند و حکمران حلب دشمن و بیل خیسکوان طلعت نوازی نوشته است که قشون زیاد بسمت شرق

آماده دور دیده و کنفس میرود

جنگ شاتیل یان

تفصیل که در زیر دو ملاحظه گاه موافق اخبار جنگ که باور رسیده منتشر

کرده است که در نوزدهم ماه سپتامبر پریروز دوشنبه قشون ژنرال کیسیا از دو قسمت بیرون رفته بودند

که پیش و اولی بجهت دشمن که سمت شوازی ملاحظه شده بود و حرکت قشون که ژنرال وینوا فرمانده

بوده جنگ کوچکی اتفاق افتاد و مستفیض شدیم چونکه شش نفر کشته و سی و هفت نفر زخمدار و اسیر و از

قراریکه ژنرال وینوا نوشته اند از دشمن پنجاه و شصت نفر کشته و سیصد و چهل و دو نفر زخمدار شده و قشون

پروسی که جنگ کردند قریب سه چهار هزار بوده اند و باقی قشون از عقب کلاه بسمت دره های میرفتند و

موافق خبر یک چند نفر سواره که ژنرال دوک رو برای ملاحظه فرستاده بود معلوم شد که دشمن در دو سمت

یک حرکت بزرگ میکند و روز نوزدهم اول صبح ژنرال دوک رو لابد شد که با قشونش برود بیاید و دید که

و چندین دسته بزرگ از قشون دشمن که پنهان و تقسیم شده بودند در جنگلها و درهات و بخصوص ...

زیاده هستند و بعد از آنکه قدری جنگیده قشون ولا ... عقب کشیده و یک قسمت از سمت راست باین

حرکت را چنان شد که ... که از برای حاضر شده و قسمت دیگر سمت راست ...

که در طبقه ای شاتیان قرار داده بودند جمع شدند و سمت چپ ممکن بود که در ...



تکبیر شده در همان وقت توپخانه دشمن بشدت تیراندازی کرده‌اند و چهار ساعت بعد از ظهر ژنرال دوکرو با فوج

مخالفین که بکرونز بطول انجامیده بود ملاحظه شد که قشون فرانسه قلعه‌جات بجهة حمایت برگردانده‌اند و بعد از آنکه

خراب و قورخانه را بسمت پاریس روانه کرده و هشت عدد توپ که در باستیان [illegible] نهاده بود

ولی نتوانسته بردارند آنها را میخ زده بقلعه خرابه دوانیدن و بازگشت نموده در تمام امروز شجاعت

و مردانگی که در میان قشون شهرت داشت ظاهر کرده و توپخانه ما که از حمله دشمن پریشان بود بواسطه زیادی

توپهایشان بسیار خوب ایستادگی کرده‌اند و در میان افواج که دفعه اول جنگ میکردند بسیار دلی

قوی ایستادگی نمودند و حکم داده شده است که بر چیدن قشون متفرقه که هست در اطراف و داخل پاریس نموده

و آنچه ضرر که رسیده و آدم کشته شده هنوز معلوم نیست و از قراری که میگویند توپخانه دشمن زیاد

ضرر رسانیده و این کاغذ را گامبتا رقم کرده است

موافق تفصیلات آن کاغذ معلوم است که توپخانه ما امروز بسیار خوب ایستادگی کرده و بدشمن بسیار

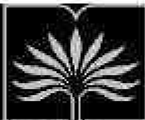
ضرر رسانیده و دسته توپها از چپ و چهار [illegible] انداخته‌اند و دو دفعه توپهای دشمن را

ساکت کرده و معلوم است که چنین خبری ضرر زیاد از برای دشمن شده است وقتی که ژنرال [illegible]

از فوج [illegible] علی الخصوص [illegible] کرده است و ژنرال دوکرو فرمان بازگشت داده و در آخر آن باستیان

کلمبار [illegible] کرده است و فوج پانزدهم که سرهنگ [illegible] سرهنگ [illegible] بسیار خوب جنگ

کرده تمام روز [illegible] خوب ایستادگی کرده‌اند [illegible] دیگر این جنگ بدین تفصیل است که فوج [illegible]



که در روز قبل بوده بودند زیر حکم ژنرال دوک رو دشمن را که در پشت باغستان بودند و مخفی بودند ... شدند ایشان را

پس نشستند و در اطراف خودشان گلوله و چهارپاره توپ می‌ریختند و یک ساعت طول کشید ... چنین خوف

و افتاد که سرکرده‌های ایشان هم پس نشستند چهار یک شدند و از یک ساعت بعد از ظهر تا سه ساعت دیگر قریب دو

هزار نفر از هر قسم قشون در خیابان شتاب‌ها می‌کردند مثل آنکه دشمن متعاقب ایشان باشد و ترس اینها

سربازان که لایق پوشیدن لباس نظام فرانسه نیستند چنان بود که خودشان می‌گفتند که پروسیان

فردا در پاریس خواهند بود و کپیتان از قوچ جیش دوم تصویب کرد داشت که آنها فرار کرده ولی اکثر

سربازان سرکرده همه سر باز نداشتند و در حالت مستی بودند چون این چیزها را نمی‌توانستم باور کنم رفتیم به

بینیم که حقیقت دارد یا نه و بعضی در دروازه دوان آمده موسیو روشفور را ملاقات کردم که قریب پنجاه

نفر او را شناخته دور او را گرفته و فریاد می‌زدند که روشفور زنده باشد جواب داد ای دوستان

فریاد زنید که روشفور زنده باشد فریاد زنید که جمهوری زنده باشد بخصوص از آنها که اطفال

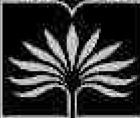
کشیدند توقف روشفور سوار کالسکه شده و رفت همین قدر ما دیدیم که غفلت زیاد داشت گویا بجهت

کوچها که می‌خواستند بسازند در عهده گرفته است بعد از آن از قلعه‌جات دو شنبه صحبت و اخبار آمد

قریب چهل سرباز که بجهت او دوغ آمده بودند دیدیم و خبر بهتر از آنکه شنیده بودیم بما دادند همه ایشان

می‌گفتند که از نصف شب تا سه ساعت بعد جنگ کرده و توپ بسیار از [illegible]

بازگشت شد و بلکه ... نفر ... از دو هزار ... یا دو در حقیقت جنگ [illegible]



جمعیت توپ‌ها را داشتیم که چهار ضرب به دشمن رسانیدیم و نیم ساعت به صبح مانده چند دسته‌های توپ زنبورکچی

در مکانی در بروی [illegible] که دشمن خیال داشت در آنجا باشد وارد شدند و هر فوج توپخانه [illegible]

حفظ خود داشت و چهار الی [illegible] که در دامان سوار [illegible] اتفاق [illegible] بود و در زمان جنگ با حرص و ولوله

و حمله کردند هر فوج و هر سرباز تکلیف خود را به عمل آورد و گویا سوار و مال چهار صدمه خورده در جنگ

ایشان زخم کاری خورده اما از بدبختی به چیز در صدد ما بود باد شدیدی به صورت سربازان ما میزد و دود

باروط به سمت ایشان می‌آمد و نمی‌گذاشت درست ببینند به نوعی که وقتی در [illegible] مختلفه فاصله بین

پیر مسیحیان و [illegible] صد ذرع بیشتر بوده و جای توپخانه [illegible] شاغلین [illegible] رجعت کرده

دو دشمن در یک ساعت و نیم بعد از ظهر آن را گرفته و از فوج نوزدهم توپچی چهار نفر زخمدار و [illegible] کشته شدند

[illegible] از قلعه بیرون آمده [illegible] جنگ رفتند با لباس نیم رسمی و تفنگ

از جلو خود [illegible] گذشت بدون پیاده شدن از اسب یک [illegible] اسب [illegible] خورده

و از سرکردگان جویا شد که به تدارک محافظت نماید و خودش خاطرجمع شده در این جنگ

هیچ هرکس میگوید که توپهای قلعه [illegible] که در دست سربازان [illegible] است به دشمن زیاد ضرر رسانید

و تیراندازی ایشان [illegible] با ایشان [illegible] بوده و یک [illegible] میکرد [illegible] تمام [illegible]

ایشان روی زمین [illegible] بوده و تیراندازی میکردند خودش روی اسب نشسته در حالتی که

گلوله مثل تگرگ در اطراف او می‌بارید ولی اضطراب و تشویش نشان نمیداد [illegible] فریاد میزد

کرشنا بسیار دشوار بود و خودش ملتفت نشد بهمان قسم مانده بود و همه کالسکه آهنی انگلیسانی مشرق بجهت

مریضان استعمال کردند و عمارت وزارت بحری یک علم دارد که مریضخانه بحری را نوشته است و

سنرال یوز تا دو ساعت بعد از ظهر تیر انداخته شدند تا همان وقت که ژنرال دوک رو حکم بازگشت

داد و ایطالیان هشتاد و هشتم بازگشت ایشان را حفظ میکردند و همه سنرال یوز را از دست دشمن

نجات دادند مگر سه توپ میخ زده بدست ایشان افتاد و چهار ساعت بعد از ظهر سرباز زیر فانا

هنوز ایستادگی میکرد تا وقتی که ژنرال دوک رو بایشان حکم بازگشت داد و بایشان

گفت دیگر اینجا کاری نمی توانیم کرد و می توانید بعد از این بازگار بسیار بدی خواهید گشته

نشود و از بدبختی چنین کاهی اتفاق می افتد که یک ایطالیان از چپل رجوع شانزدهم کرده

مانند بجنگ
ح

هیئت مشرق بودند تیر انداخته شدند و دیگر کسانی که در نمره دهم چپل گرفته شدند چند سرباز پیاده از فوج

دهم و هیئت هشتم بودند و فشنگ چپل ایشان را بردند بزودی که خدای ... پس معلوم کردند که

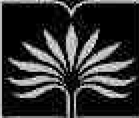
اکثر ایشان یک فشنگ هنوز نینداخته بودند و یک کپیانی سواره از سی و ششم ایطالیان که مامور

محافظ کردن سرچپل محصور شده بودند تمام روز با سواره پروسیانی ایستادگی کردند یک کپیان زخم کاری

به پهلوی چپش خورد و سربازان دست خودش بسیار شجاعت کردند نفر زخمدار وی را اسیر کردند دو

ساعت از شب رفته سرباز خانه ادوتی مراجعت کردند و اسلحه سربازان

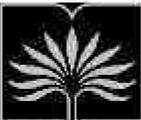
بودند که خدای بیتوز بنام روی خواهش کرد که اسم سربازان پروسی



داده که اگر پروسیان اسلحه بخواهند خودشان بیایند بردارند و یک اسب توپخانه که پایش را گلوله
برده بود و شکسته و بدوش توپخانه نتوانسته بود حرکت کند روی سه پا ایستاده همراه ایشان
تا آنکه آن حیوان فقیر را خلاص کردند بگوشش تفنگ زدند در میان دو طلبان هم چند نفر
جوانان نوشته اند که بحضور من شهادت کردند

جنگ نوازی —— پیش قراولان فوج اول متصل پیش قراولان پروسی‌ها از
سید سپید و ما در جلو قلعه نوازی در همان جا که طلبان اردو زدند رفتیم و بمحض آنکه رسیدیم نزدیک
پل ما از آنجا شنیدیم که بفاصله چند قدم صدای تفنگ آمد و چند نفر که در میان اطراف گردش
میکردند بسیار بجسته و فریاد میزدند یک پسر پانزده ساله که بسیار ترسیده بود در حالت گریه
نقل میکرد که پروسیان عقب او رفته بودند و بر او تفنگ انداخته و صدای گلوله نزدیک گوشش
شنیده بود و بر زمین خوابیده و نجات یافته بود و تفصیل بهتر از این جنگ نمیتوانم بدهم آنچه از حکم
تفنگدار پیاده است بدین تفصیل است

چون این حکم شد که اراده باید تا نزدیک خانه اول بریم آمدند سه چهار سواره دشمن و تا
نزدیک آمدیم بعد بازگشتند ملاحظه کردیم و بعد از آنکه چند قدم رفتیم دیدیم تعداد صد پیاده بنظام
دشمن که از پشت خانه و پنجره‌ها تفنگ بر ما خالی کردند ملاحظه کردیم تا چهل دقیقه تفنگ آمد
تا وقتی که این حکم شد که مراجعت کنیم بنظم مراجعت کردیم و یکی از سربازان ما از زخم جزئی که بدست برداشت

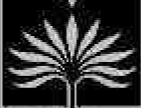


اما از طرف دشمن پنج شش نفر کشته شد و این یقین است چون وقتی که افتادند دیده
شد دو دسته سرباز من بسیار خوب حرکت کردند و ما از ایشان راضی هستیم هر سربازی
پنج فشنگ آتش زدند و دسته پیاده نظام که در سمت چپ ما بودند هر یک قریب شش
یا هفت پنج گلوله بیانداختند و تفصیل این است ———
دو ساعت که این دفعه پیش قراولان سوار دشمن غیبت بلکه اول قوجهای [illegible]
پیدا شد که از هر سمت پیدا میشوند و لشکرها را در جاها و قلعه جات متصل با جمع
حاضر و آماده جنگ میباشند و همراه ایشان چند دسته از پیاده نظام و توپخانه هستند
که آنها را امداد میدهند اما اتفاق می افتد که گاهگاهی از بدبختی چنان سهو و
اشتباهها بشود مثل این اتفاق که در پیش از باب پیش ذکر کردیم ———

اخبار اطراف پاریس ——— پروسیان دو ساعت بعد از ظهر داخل ورسای
شدند و راه آهن پاریس شعبه اورلئان وقف بریده شد و سه ساعت از شب رفته
مشغول تلگراف میان پاریس و شهر تور در جنوب مملکت هنوز منقطع نبود و جزیره
کوهی که در رودسن است از قرار مذکور پانصد نفر اولان آنرا تصرف کردند و پلهای
سوزی و سنکلو را امروز صبح با باروط آتش زدند چونکه
لابد شدند که صندوق باروط پر کرده با خوف پاره



این دفعه طاقها بقاعده خراب شدند و چهار روز بود که شش نفر علاجات کشتی با
یک سر کرده روی یک تراده کوچک بسمت بالای رودخانه شش رفته بودند که پلها
آتش بزنند و خبری از آنها نشد تا امروز که توانستند باز آمده و دیگر جمع شوند
و از حیله و توپ دشمن که در بلندیهای سوداقن اطراف بودند رو شوند و دو شش
تفنگها از زیر حکم دولت تمام روز پل بودرا از دشمن حفظ کردند و در همان
شب حکم شد که این پل را با باروط آتش بزنند و تفنگچیهای دو طلب از
فوج علیتی بسیار در این کار زرنگی کردند و یکصاحب منصب از فوج پیاده و نظام با
نوشته است که روز سه شنبه در موداق و روز پنجشنبه در ژوان و پل بز
بعضی دو سنه های اولاد روسی انگ اند چشم و امروز نزدیک دیل زیف
حاضر هستیم که با بیست هزار روسی که زیاده تر ایشان در شوازی میباشند جنگ
نمائیم و اکنون صدای توپ می آید و در هنگه خودمان قرار گرفته ایم و چون از
مکن جنبت که از برای ما آذوقه پیدا شود با نان و گوشت و آب نهار میخوردیم و
نزدیک است به روسیان عازم شویم تا اکنون چندان صدمه به ما وارد نشده
اما باید صدمه دشمن زیاد باشد چونکه توپخانه ما بسیار بقاعده
تیراندازی کردند



بیرون آمدن از پاریس فوج دوستان فرانسه ـــــ شب دوشنبه

دفعهٔ اول یکدسته از افوج از دروازهٔ مونروژ از پاریس بیرون آمده بسمت
شاتلیان رفتند صبح دوشنبه یکساعت از روز رفته وقتیکه ایشان در دروازهٔ
شاتلیان صف جنگ بستند دفعتاً دویست نفر پیاده پروسی که در میان درختها
کنار راه پنهان بودند بر سر ایشان آمدند و سربازان ما بر ایشان تفنگ خالی
کردند و سه نفر از سرباز پروسی کشته شدند و بعد از آن با قدم شد مراجعت کردند
با نظم یکساعت بغروب مانده باز بپاریس برگشتند یک یوزباشی پروسی که مدتی
دقیقه با سرکردهٔ ایشان جنگ کرده بود و زخم جزئی بر پایش رسانیده زخم
کشته شد و یک شیپورچی ازین فوج پایش زخم خورد سایر سربازان بی زخم
مراجعت کردند و در همانوقت که بعضا داخل شهر پاریس میشدند یکدسته دیگر از
قشونشان بسمت باستیان عازم شده بیرون رفتند و سرکردهٔ ایشان مرد جوان غیرت
کی بسیار قابل و با سررشته و در امور جنگ میباشد و در لشکر بلجیکی که سابقا
صاحب منصب بود وقتیکه بیرون رفتند چند ساعتی بود که دشمن باستیان شاتلیان را
تصرف کرده بود و بعد از آنکه از قلعه جات پاریس روشن
حکم کرد که تفنگهای خود را پر کنند و آنها را افشانیده که چون



واجب تر است که تکلیف جنگ شما از سربازان دیگر بیشتر باشد و بعد از آنکه

آنکه قراولان را قرار دادند راه افتادند هرچه نزدیک ده شاتیان میرسیدند

صدای تفنگ بیشتر می آمد باری قریب یکساعت از شب رفته جنگ جزئی شد چند تیر

تفنگ رد و بدل گردید ولی بیحاصل بود گویا دشمن خیال کرد که اینها زیاد تر بودند

عقب کشیدند و در همان وقت از سردار کل حکم آمد که چون قشون دشمن زیاد است

و قشون بپاریس مراجعت کنند و در سر راه یک کمپانی سواره نظام که نیز

بپاریس برگشت ملاقات کردند برای ایشان خدمت و پیش قراولی کردند

و در سر راه پنج نفر جوجی گرفتند و بعد معلوم گردید که دو نفر ایشان سرباز

پروسی بود که رخت دهاتی پوشیده بودند و آن سه نفر دیگر خود را شناساندند

رها شدند و امروز باین فوج اذن دادند که در باستیان [illegible] و [illegible] مامور

خدمت باشند

اخبار روز خشله پاریس — امیر البحر کنل [illegible] بجای ژنرال [illegible]

بر حکمران فوج ملتی منصوب شد و بیست یکساعت بنصف شب مانده سربازان که

سر خدمت بودند خبر داده شد و بموافق حکم وزیر البحر در تالارهای دولت

بحری برای مریضان چند رختخواب قرار داده شد و تختهای موزه لوور

که سمت رودخانه سن میباشند با جوال پر خاک میگیرند و این کار را که بجهت جری

تا از صدور تهاجمی بکنند البته برای پخته مرتبه اول علامت خواهد بود و اعیان دولت

تجارتی

فرانسه در پاریس میباشند با وزیر کبرای تازه تی بسیار گفتگو کردند و از قرار اعتقاد بعضی

ولایات دیگر امری بسیار عمده بود و امروز یکساعت بعد از ظهر مانده جمعی از خلق چاپار

سفارت انگلیس را گرفتند که اخبار عمده می آورد و خوش خوش کرده که او را بسفارت

خانه انگلیس ببرند وقتی که رسیدند دربان او را شناخت و بمردم گفت که من او را

میشناسم مدتیست و پنجسال است که چاپار اعلیحضرت پادشاه انگلیس میباشد

مردم گفتند که بنا بمدتست باشد باید یک جاسوس که نوکر انگلیس است بجهت خبر

دادن به پروسیان باشد جمعیتی که زیاد میشدند و کینه ایشان در تزاید بود بدون

ملاحظه دیگر چاپار را گرفته بقراولخانه ذیل ژنو بردند و صعوبت بود که کمیسا صاحبمنصب از

فوج ملتی توانست جمعیت را آرام و پراکنده کنند و علاوه بر این انجا پارلهٔ دیروز

در شهر سن جرمه قشون پروس گرفته بودند و کشته بودند تا هیچ بپاریس

بپاریس بپاید گویا از دروازه کلیان گور پروسیان خوششان می آید چون

پریروز یک مرد و یک زن پروسی در انجا گیر آوردند و دیروز یک

تیانجه بقراول زد تا یک سرباز بحری او را گرفت و در سه ساع



قریب دویست نفر که بلوارها میرفتند و فریاد میزدند که باید قهوه خانه ها در ساعت

سه از شب رفته همه بسته شوند جمعیتی از مردم عقب ایشان میرفتند ولی بهمان وقت

قهوه خانه ها بسته شد و آنچه نسبت دارد بمعامله صرافان البته در قابلیتی ندارد

که از برای کسی فایده داشته باشد چون صرافان مثل سایر مردم با اسلحه تقلیجات

میروند و امروز چهار ساعت از روز رفته سه نفر از طایفه روشیلد با تفنگ

بصرافخانه خود مراجعت میکردند کوچکترین ایشان میرفت که بنوبه خود مشق

شود و مادر ایشان که زنی با جرأت است در وقت رفتن و برگشتن دست ایشان را

می فشارد و بعضیها او را تهنیت میکردند از حرکات خوب پسرانش جواب داد

که هرکه خیرخواه دولت است باید چنین باشد یکی از روزنامه نویسان که [illegible]

هیاشه بناخوشی افلیج مرد قریب شصت سال داشت و بسیار مرد قابل و در

کار بود و آنچه مطالبی که در روزنامه مینوشت بسیار پسند اهل فرانسه بود

اخبار دولتی — امشب باسم جمهوری فرانسه اینکاغذ چاپ

شده در سر کوچه ها نصب کردند ای هم‌شهری صدای توپ می آید وقت امداد

رسیده است همه اهل پاریس حاضرند و همه شما بدون تفاوت شأن و طایفه مسلح

گردید تا شهر و مملکت جمهوری را نجات بدهید و از حضور شما فرار اینها دیگر معلوم



گردیده و ملتفت باشید که نامردان بی جرأت شما را پریشان کنند و شما خشمگین و دل
دماغ شده‌اید و شما بی اضطراب جمعیت محاصرین را ملاحظه کرده‌اید و الان که در اول محاصره
جنگ بهمان حالت جرأت و آرام خواهید ماند اگر بیگانگان مانند امروز میخواهند
بواسطهٔ دروغ و ترس شهر را اغتشاش کنند البته در حالت شما بی تفاوت خواهد بود
چون خاطر جمع میشوید که دیوانخانهٔ جنگی که دولت بجهت تنبیه نامردان و گریختگان
قرار داده ملاحظهٔ منفعت عمومی و حرمت ملتی میباشد پس متعهد باشید که همه با هم
حاضر بوده جنگ نمائیم و اولاد شایسته باشیم از آنهائی که در خطرات بزرگ
مملکت را امداد کرده‌اند و این کاغذ را وزیر داخله گامبتا رقم کرده است
و رئیس چاپارخانه اعلام کرده است بجهت آنکه راه آهن بریده شده است
مکتوبات فقط برای ولایات داخله و خارجه تنها قبول خواهد شد و هرچه
ممکن است سعی میکنند که اشخاص را متحمل بر رسانیدن مکتوبات یا برات با بالون
بجهت خطر و روزنامه‌ها و یا کتابهای بزرگ که برای داخلهٔ پاریس و قلعه جات
گرفته نمی‌شود

روز هشتم سه‌شنبه بیستم ماه

اخبار روز دولتی ـــ حکمران [illegible] حاکم پاریس

ناور داخل پاریس شده‌اند و از روانه ثابت شدند و آنچه خبر غیبت و حکمران تولرن(؟)

بحاکم پاریس نوشته است که یکساعت از روز رفته دشمن پیش قراولان و دسته پیاده‌ها[ی] سان

خود را به دو هزار و دویست ذرع فاصله قلعه نهاده است و از دیروز زیادتر شده‌اند

و سپاه سواره در بالای دو بلندی می‌باشند بلکه ده از قشون پروس در توپخانه خود را

بچهار هزار و پنج هزار ذرع فاصله قرار داده و چون دشمن این دفعه بسیار برده است گویا

خیال حمله کردن دارند و سردار کل انشانی(؟) در وقت ظهر بحاکم پاریس تلگراف

امروز صبح که همه چیز آرام است چندی از قراولان در اطراف پاسبانی

میکنند و در آن بین آثار متوجه می‌شود که دشمن در سنت کلو(؟) سوار شده‌اند قرار

بگیرد و توپخانه‌ها که در سنت دنی است سمت رودخانه را محافظت میکند و از سمت ...

در سنت کلو و سور و مودان(؟) دشمن پیدا نیست و در شاتیان(؟) بالا از تلگرافها که یک دسته

بزرگ از دشمن در یک بیشه کوچک می‌باشند و میان دشمن و قلعه‌جات موضوع(؟)

ولی سنتیر(؟) و ای دوری مسافت بسیار مانده است چون از قشون پاره از یک قلعه

بسیار معاینه زده شد پیش قراولان ایشان لابد شدند که عقب بکشند

و در سمت مشرق پاریس دسته جادران(؟) در سه هزار ذرع فاصله از قلعجات مشاهده شده

ولی الآن حمله دشمن به هیچیک از قلعه‌جات نشده و هنوز ساعت بلغو(؟) و پیاده‌ها رفتن(؟)

تلگراف بحاکم پاریس نوشته است اکنون پل پن لال کور را با باروط آتش زدند و موقع
گفتگوی بعضی اشخاص در انکات بقدر چهل پروسیان از کنار رودخانه می‌آیند
و سوارهٔ ایشان عمارت مود آن را تصرف کردند و دسته لشکر پاریس زیر حکم [illegible]
تمام دیروز پل سور را از حملهٔ سوار و سوارهٔ دشمن محافظت کرده است و بواسطه جراء
دست و پا دلی اندشته (?) ممکن بود که همان شب با باروط پل سور را آتش بزنند ولی
چند نفر از سوارهٔ دو طلب فوج ملتی بسیار امداد کردند و قریب نصف شب
قلعه و آن پاسن (?) آتش گرفته بود ولیکن ده دقیقه بیشتر طول نکشید بواسطه چابکی
و احتیاط حاکم آن قلعه توانستند آن آتش را خاموش کنند

گفتگو در توقف جنگ —— در روزنامهٔ تیمس نوشته‌اند (?)

که گفتگو در باب توقف جنگ آنچه شد گویا است که موسیو ژول فور با نایب
رئیس دفترخانه خود بجهت تعیین محل ملاقات پادشاه پروس عازم شدند و در حقیقت
آن وزیر روز یکشنبه صبح زود عازم شد و دو روز بود که لارد لیانس
ایلچی انگلیس آن ملاقات را خواهش کرده بود و جواب بطول انجامیده بود لیکن
رسیده است و بدون امیدواری نبوده و نایب رئیس دولت مستقله ملتی نمی
توانست چنین حرکت بکند مگر آنکه خاطر جمع شود که ملکت [illegible]



دربا میب اگر بلیچه بخشد پس معلوم است که موافق خواهش با خواهد بود و نه لوردیان

واسطه می‌شد و نه ژول فور کار خود را که ادا میکرد تا از پروسیان فرصت بخواهد

پس احتمال دارد که توقف جنگ قرار خواهد گرفت و بعد صلح خواهند کرد ولی

یک صلح با مهنی چون دولت فرانسه دیگر صلح قبول نخواهند کرد ——

اخبار اطراف پاریس —— دیروز منتظر بودیم که در شب

سه‌شنبه و شب چهارشنبه جنگ بشود ولی نشد و تا دو ساعت و نیم صبح مانده

همه ساکت بودند لیکن دو ساعت صبح مانده صدای توپ از دور می‌آمد از بلندی‌های

مونمرود می‌توانستند به سمت دل ژویف بنای جنگ را ملاحظه کنند و نیز از

قلعه‌جات روزنی و شرق توپ می‌انداختند و از سمت صدای توپ پروژ

بود و گاهی وقتی در جنوب مشرق صدای توپ می‌آمد و چند ساعت دیگر ساکت

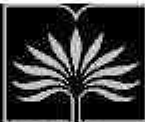
بودند تا آخر روز بکلی صدای توپ موقوف شد و در پاریس از دلتنگی ما

بودیم و هر دو نیچانه از بالای بلندی شانوصبح به بیدار بود و در هوا توقف

بالونهای نمره و کدر بالا میرفتند و پائین می‌آمدند تا حرکات دشمن را

ملاحظه بکنند و صبح قلعجات واتوژ و مونروژ ولی شب بعضی اوقات

نیز توپ می‌انداختند و دشمن که در بیشه‌های مودان و سمت شاتلیان بود ...



جواب نداده بودند پس قراولان متفرق شدند و در همه سمت با تفنگداران با تیره

و جدال مشغول بودند و می ترال یوز قلعه مورور دو ساعت از روز رفته مدت یک ساعت

مشغول عمل خود بودند و دهات شاتلیان و بان یورد را پروسیان تصرف کرده

و علم نشان بجهت اخبار نزدیک برج کلیسای شاتلیان بلند است و آتش کلیخانه بزرگی را که نزدیک

عمارت مودان بود سوزانیده و گویا از حوش دشمن آتش گرفته بود و ژنرال زشتو بعد از ظهر

رفت دروازه های سمت ون را بازدید کند و سربازان ملتی را برای جرأت ایشان

تعریف بسیار کردند و بطالیان هشتم از سربازان میل بریس با جرأت دشمن را

ملاقات کرده بودند و وقتی که دو رول ردیف آنقدر صاحب منصبان سربازان متصل در وقت

شب بتوسط قراولان سرکشی می کنند پریروز که دسته از ایشان دشمن را مشاهده کرده

بودند دو سرباز یکی از ایشان که صاحب منصب بود و دیگری را که کلاه و شمشیر او در دست

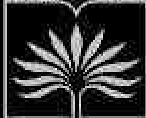
گرفته بود و نیز تفنگداران پارتیس بیچاره نماندند کمپانی هشتم از ایشان چهار سوار

بود یکی را گرفته شد و یک نفر را اسیر کردند و در جنگ یک ملی قباله آتش گلوله

خورده و بعد از ظهر پنجاه نفر از کمپانی هشتم بجهت بازدید سمت بلندی فرستاده بودند و دیدند

که اتق ده راسیصد پروسیان تصرف کرده بودند و دشمن کن

ذرع نزدیک پا نهند و از قبیل ایشان تفنگ انداخته



بیرون آمدند آنوقت عسکریان فرانسه تفنگ انداختند چند نفر از پروسیان بزمین افتادند

و در آخر یکی از آنها تفنگ بر صاحب‌منصب پروس انداخته او را در حال کشت و آنوقت

دسته صاحب‌منصب پراکنده شدند و امروز صبح سربازان افواج دهات ماندی را [illegible]

زدند و چهار هزار پروسیان آن ده را باز تصرف کردند ——

[illegible]

اخبار داخله پاریس —— قریب سه ساعت و نیم بعد از ظهر قریب

صد نفر صاحب‌منصب از فوج ملی با جمعی بعمارت رؤسای دولت رفتند بعد از

گفتگوی چند با قراولان گفتند که ما آمدیم بجهت ظاهر کردن نارضائیت خود

که از قراری که دولت مشغول در باب صلح و توقف جنگ خواهد داد و در همان زمان جمعیتی

که در در عمارت بودند بشدت فریاد میزدند جمهوری زنده باشد و پروس خراب شود

و جنس [illegible] معدوم شود آنوقت موسیو [illegible] این اشخاص را در تالاری که چند نفر از وزرا

جمع بوده‌اند آورد و یکی از وزرا باسم دیگران خطاب کرد و حرکت موسیو ترل [illegible]

در محل رؤسای پادشاه و [illegible] موجب [illegible] کرد و گفت ما یک صلح محل نه برای دولت

خودمان و نه برای اهل شهر خودمان میخواهیم بهتر است که همه بمیریم و بعضی میگویند

که موسیو ترل خوب جواب داد که هیچکدام از اجزای دولت از قرار فریاد [illegible]

مشکل است و نیم ساعت بعد که آنها از عمارت بیرون آمدند یکدسته از جمهوریان رسیدند



و این دسته نه تنها مشغول دسته اول بجهت قرارداد صلح نارضامندی خود را اظهار میکردند

بلکه از کل امور دولت مسلط نارضامندی ظاهر میکردند و گذشته که بعضی از ایشان

شکایت و مطالب خود را در حضور وزرا بیان کنند و نفهمیدیم که در میان خودشان

بچه نوع مطالب رضا شدند باری ملاحظه میکنیم که حیف است در وقتیکه باید همه

در یک مقصود باشیم و ولایت خود را محافظت کنیم چند نفر بپا شده اشکال از برای

وزرای دولت بگذارند و وقت را بحرف بیمعنی تلف کنند و بوسیله قوی که مطالب

آنها را واگذار کردند بایشان وعده کرده است که فردا در این باب جزای دولت که شکوه خواهند

کرد و باید دانیم که هر نوع شکوه شود معلوم است که هرگز جزای دولت قبول نمی کنند

چیزی را که بجز سختی و ضرر دولت باشد و یک تدبیر بسیار خوب دیده اند سه هزار و دویست

پنجاه نفر عساکر شهر پاریس با رئیس قصاب در مدرسه جنگی جمع شدند و آنها را بچهار

دسته تقسیم کردند و تفنگ بایشان دادند و زیر حکم وزیر جنگ سپرده شدند که مامور شوند

و سرباز جنگی بر آن قبل از رفتن بجنگ با ساز خودشان در میدان یک رقاصی کردند و از

قرار مذکور روز ازهجده تالار خود را بجهت مریضخانه قرار داده بود و امروز طاقهای بجهت

پائین را بجهت آوردن مهیا کردند و عراده زیاد و کرجوال

آورده بودند و جابجا کردند و تماشاخانه بزرگ که در پاریس



بود عالی بجهت مصرف دیگر غیر از موسیقی باز شد اول آنکه در بالای پاشش یک مکان بجهت
پاسبانی او در زمین و تلگراف قرار داده‌اند و در پایین زمین را کنده آب با انبارها
آورده و انبار را پر کرده‌اند و این آب بسیار نافع و زیاد است هم بجهت شرب و هم بجهت [illegible]
خاموش کردن آتش و در مرتبه‌های مختلفه عمارت و دفترخانه و کتابخانه و تماشاخانه و هر
نوعی اندوخته نهاده است مگر کاه و کیاه و تخم بجهت خطر آتش چون پاره‌ای کند و وارد
و خوراکیهای دیگر و شراب بقدر اندوخته یک ماه لشکر در آنجا مهیا است بجهت یک
عمارت ملزومات جنگ گذاشته شد که باید طوری که بیشتر از کیاه خطر دارد و لیکن گلوله
و ملبوس سرباز بسیار نهاده است و در یک مرتبه بالاتر یک مریضخانه بجهت زخمداران
حاضر کرده‌اند و در مرتبه فوقانی آتش پزخانه قرار داده‌اند چون ضعفا از قشون منزل
کرده است و در اطراف آن تمام روزنامه‌های ملی مشغول‌اند ——

اخبار دولتی —— از جانب ژنرال ترشو حاکم پاریس بروزنامجهای ملی دلیل
بقشون که در پاریس ساخلو هستند اعلام شد که در جنگ دیروز که از اول روز
تا آخر طول انجامید در توپخانه‌ها که بسیار تعریف دارد و بدشمن ضرر بسیار زده‌اند
خبری و گفته‌اند که لازم است شما مطلع باشید که کوف تیمبی در فتح ... داده که بسمت
قشون ما بود و شاه که هرچه سر کرده و صاحب منصبان ایشان سعی کردند چاره و منع کنند ممکن نشد

از ابتدای جنگ اکثر سربازان بی نظم شهر مراجعت کرده و گفتگوی واهیه میان مردم انداختند

و عذری که برای این حرکت آورده‌اند اینست که غذا را آنجا نبرده‌اند تا بهم رسانیم

و حال آنکه همه فوج خودشان بی کس بوده‌اند و یکی از ایشان زخمدار نبوده و نیز گفته‌اند که فشنگ خودشان

کم بوده با وجودیکه یک فشنگ خود را نینداخته بوده‌اند از قراریکه خودم معلوم کردم فشنگ‌های

فوج نزد خودشان باقی بوده و سرکرده ایشان با ایشان خیانت کرده بوده و همچنین معروف عموم است

حقیقت اینست که این اشخاص نامرد از ابتدای جنگی که رسید خودشان نتیجه بخشید

بخطر انداخته بودند و بعضی سرباز پیاده نظام دیگر با ایشان همراه شده و بهمچنان الا مالی که

سربازان بی نظم و پریشان بیاد میں آمده شورش و واهمه در میان مردم انداختند

جنگ ... بسیار ... بر سر او آورده

و سرکردگان ایشان نوشته‌اند اعتبار را منع نکنند و من متعهد شدم که چنین اشخاص را به انجام

برسانم و حکم میکنم که همه محافظین پادشاه سربازان از آنهائیکه در حالت مستی در میان

شهر میروند و چنین حرف میزنند و لباس سربازی را از او میکنند و آنها را

میگیرند چنین سربازان که گرفته میشوند در محل رودبارهای جنگ میدان و نظام گذارده

میشوند و از قبیل اشخاص که سرباز نیستند بمنزل رئیس احتساب برده در حضور رئیسگاه

جنگی مرافعه ایشان گذشته میشود و موافق احکام نظام که مذکور ...

فصل دویست سیزدهم هر سربازیکه در حضور شخص یا اعیان مکان خود را



کشتن است فصل دویست و پنجاهم هر سرباز که محکوم شود که در جلو دشمن بدود و ممانعت

نکند منصب از او گرفته سیاست کشتن میشود فصل دویست و پنجاه و یکم هر سربازی

چه وا حصه چه بار لشکر و اسلحه و چه بار دور از ماکولات و اجناس حیف نماید سیاست

او کشتن است فصل دویست و بیستم هر سرباز که اسباب جنگ و اسلحه و ادوجه

تلف کند منصب از او گرفته سیاست او کشتن است تکلیف حاکم پاریس اکنون

است که شهر محاصره می باشد در نظم اصرار کند و سعی نماید باشخاصی که خیرخواه دولت

و ملت میباشند این حکم را بانجام برسانند ———

اعلام نامه اعیان دولت —— دیروز شهرت داده‌اند که اجزای

دولت مستحفظ میخواستند که مقصود امور دولت که خودشان قبول کرده بودند

ترک نمایند مقصود است که نه یک کره از آنکه خود و نه یک سنگ از قلعجات خود

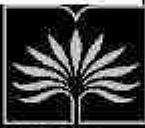
بدشمن تسلیم نمایند از تسلیم تا آخر دولت همین مقصود است که خواهد کرد و اشخاصی

که اجزای دولت مستحفظ می باشند ———

روز پنجم ماه سپتمبر در عمارت اوتل دویل رقم کرده‌اند که این تفصیلها است

ژنرال تروشو اراگو ژول فور ژی کامبتا گارنی پاژس پلتان

پیکار روشفور سی مانه ژنرال لفلو وزیر جنگ مانیه



وزیر زراعت و تجارت   و بیان وزیر کار معارف دولت را اعلام شد

تقاضا نمایان که بجهت محافظت پاریس در زمان محاصره مرافعه گشته‌اند تا وقتی که

از جانب دولت اخبار شود

روز هشتم چهارشنبه بیست و یکم سپتامبر

حکمران قلعهٔ [illegible] یک ساعت از روز رفته بحاکم پاریس نوشته است حالا

در اطراف و جلو قلعه‌جات همه چیز آرام است و دشمن هیچ جا پیدا نیست و حکمران

قلعه نوژان دو ساعت از شب رفته بحاکم پاریس چنین نوشته است که موافق روزنامه سرکرده

قراولان در طلوع صبح همه اطراف ما آرام هستند و بسیار با دقت پاسبانی

میکنند و دو ساعت و نیم بعد از ظهر دیروز حاکم پاریس الات و اسباب

حفظ [illegible] پل را بازدید کرد بسیار خوب همه چیز قاعده یافت و معلوم کرد

که دشمن پل [illegible] پل قرار داده است و دیروز ده هزار از سواره و پیاده

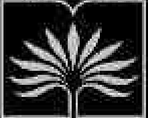
از آن پل عبور کرده راه [illegible] را جویا شده‌اند و همان روز چهار هزار سواره

از راه دیگر آمدند و همان راه را جویا شده‌اند و امروز قشون پیاده نظام و سواره ایشان

در جانب [illegible] گشته‌اند و دیگر یک ساعت بغروب مانده در نزد [illegible]

پل [illegible] کشیدند و شهر [illegible] را تصرف کردند و چند [illegible]

ساعت ده



بنا بخاطر آمده‌اند و آجودان حاکم پاریس پاسکیوا نام سمت سیلکور را بازدید نموده

و دشمن هنوز از آن سمت نیامده بود در سمت جنوب و مشرق دشمن بسیار دور از

قلعه‌جات می‌باشند و خونپاره و بحری اینها را از دور عقب میکند و عسکران

قلعه‌ای وردی بعسکران قلعه پاست در دو ساعت از روز رفته نوشته

قراول بازدید که فرستادم معلوم کردم که بمسافت هزار و دویست ذرع از

دروازه‌ای وردی یکدسته پیش قراولان دشمن هست بازی در این طرف کم قوت

پیداست گویا سمت و یل ردیف بیشتر باشند عسکران قلعه‌ای مجاعت

بعد از ظهر بحاکم پاریس نوشته است که قراولان پروسی را بر راه شاقیان

عقب باستیان قدیم که نهاده‌اند خوب پیداست و چندین دفعه زیاده قشون از قدیم

که از آنجا عبور کرده‌اند و گویا بیشتر قشونشان در عقب بلند جا باشند و اجنه خونپاره

انداخته‌ایم بسیار خوب رسیده گمان دارم که دسته توپ قرار میدهند ولی مکان را

نتوانستم معین کنم عسکران پاست نیز نوشته است که من اطلاع ندارم که دشمن

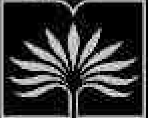
در جلو دار ردیف جمع آوری لشکر کند موافق آنچه بمن اخبار رسیده است دوات

ای دنیه بلی را تصرف کرده‌اند و پیش قراولان را در جلو گذاشته‌اند و این از بیرون

پانصد ذرع تا دو هزار ذرع فاصله از ما بیشتر نمیشود و عسکران قلعه‌ای وردی بکجا



حکمران قلعهٔ بیت نوشته است که دسته جات جستجوی دشمن تا نزدیک قلعه
بیت آمدند و یک خمپاره از قلعه ای ورزی انداخته ایشان لابد شدند عقب
بکشند و متصل قراولان پروسی در تردد با بستیان ساختگی می کردند و تفنگداران با قراولان
پروسی که درختهای اطراف و تپه ها پنهان شده چند تیر تفنگ تبدیل کردند و هیچ
تحقیق نیست که دشمن حرکتی در کنار رودخانه در وقت شب بکند یا که بلندی و یا آنکه
تصرف نماید و حکمران قلعهٔ ... و حکمران قلعهٔ نوازی نوشته است که دشمن
به واسطهٔ حمایت یک دسته سواره یک باستیان قریب شش هزار زرع فاصله دیده اند و
سه ساعت بعد از ظهر یک ستون که جماعتی از دشمن با سواره و عراده توپخانه بوده و آن
آمده از آن تصرف کردند و حکمران قلعهٔ بیت در ساعت غروب نامه به حکام پاریس
نوشته است که موافق آن خبر که از سمت و پل ژولیف جاسوسان از برای من آورده اند
دشمن هنوز در دو حتی و شو ... میباشند و پیش قراولان در کلاشان و کلاهها
جنگ با ما نیست و نیم دیده که گذشته اند و دو هزار زرع فاصله از ما بیشتر نشده و منتظر می باید که الان
برای قشون زیاد به جهت شهر ... روانه میکنند و میان روز قراول دشمن در راه شاقیان بوده
بود و در جلو قلعه ... به جهت محافظت کار قلعه حمایت میکردند یک
تفنگداران دشمن جنگ جزئی کردند لیکن کار خود را به انجام رسانیدند



خبر کرده‌اند که دشمن نزدیک پل برتی آمدند و دو نفر از پیش قراولان سرباز نظمی زخمدار شدند

و دستگیر شدند خبری نیست ولی در سنگر پیش قراولان دشمن پیدا شدند و زیر و [illegible]

شش یک طفل شانزده ساله پیش حاکم پاریس فرستاده است و این پسر کلاه و تفنگ

سرباز پروسی را که امروز صبح نزدیک ... ولی ردیف کشته بود آورده و حاکم پاریس او را

بجهت جرأت او تعریف بسیار کرده تفنگ و کلاه را باو واگذار کرد ———

در باب توقف جنگ ——— در روزنامه دولتی نوشته است که

وزیر امور خارجه قبل از محاصره پاریس خواست مقصود پروسیان را که تا اکنون

سکوت کرده بودند بفهمد و بعد از انتشار چهارم ماه سپتمبر مقصود خود را واضح بیان

کرده بودیم و بدون کینه با آن ملت ما هیئت جنگی را که امپراطور ملاحظه خود کرده بود ما

نارضامندی خود را اظهار کردیم و این پرخاش همینی که خلق را بیهوده تلف میکند

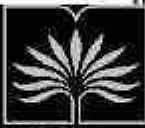
باید قطع کنیم و شروط با انصاف را قبول خواهیم کرد ولی نه یک گره از ملک خود

و نه یک سنگ از قلعجات خود بدشمن واگذار میکنیم و دولت پروس جواب

داده است که ولایات آلزاس و لورن حق فتح خودمان است خواهیم نگاه

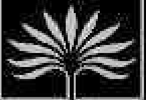
داشت و مصلحت رعایای فرانسه را شرط ننموده‌ایم وقتیکه خواهش کردیم [illegible]

وکلای رعایا تعیین شود و قرار صلح یا جنگ نمایند دولت پروس برای توقف



جنگ اول شهر بلکه کرده اند نیست که هر شهری را که محاصره کرده اند و قلعه و آلت جنگ در تصرف
ایشان باشد و سرباز ساخلو شهر هم از او را اسیر جنگی ایشان باشند پس سایر دول هم
انصاف بدهند دشمن ما مقصود خود را ظاهر کرده میخواهد که ما تکلیف خود را عمل
کنیم یا رسوا بشویم معلوم است که تکلیف خود را عمل خواهیم کرد و شهر پاریس تا آخر
ایستادگی خواهند کرد و سایر ولایات خود مان بامداد خواهند آمد و بمدد خدا
مملکت فرانسه نجات خواهد یافت

اخبار اطراف پاریس — همه کس میداند که پروسیان شهر
ورسایی را تصرف کرده اند لیکن با وجود آنکه قریب پنجشش هزار نفر هستند هنوز
سیورسات تنگ شده اند و در روز ورودشان یک عراده چی راه آهن که میخواست پاریس
بیاید ده دقیقه از گذار راه آهن می آمد سه سواره پروسیان چند شمشیر باو زدند
و سرکرده این سواره چون علامت نوکری راه آهن را بواسطه ملبوس مخصوص که داشت
شناخت گفت او را نکشند فقط این سربازها نشستند عراده چی را به چاپارخانه بردند و
بعد از ظهر بواسطه باروط پل پی لا نکور را آتش زدند تا آنکه کشتیهای رود سن
عبور نکنند و قریب یکساعت و نیم از شب رفته سه تیر تفنگ پی در پی در دروازه
اورلیان شنیده شد همان وقت شیپورچی شیپور حاضر باش



معین شد که حرا ده‌چی بود که از سؤال حکیم جواب نداده بر او تفنگ زده و زخم برداشته

بود و نمی‌شود از قرار اینکه تکلیف خود عمل نکنند باز خواست کرد

اخبار داخله پاریس —— نزول نمود وزیر امور خارجه از محل مأموریتی

لشکر و پل هم مراجعت کرده است و اکنون در کار است که تفصیل سفر خود را می

نویسد و چند نفر از صاحب‌منصبان فوج ملتی در حضور وزرای دولت فرانسه

در عمارت اوتل دو ویل آمدند و بعضی خواهشات خواهش کردند وزرا جواب

داده شد که خواهش شما را ملاحظه خواهیم کرد و قریب سه ساعت بعد از ظهر یک دسته

از زنها یکی از ایشان علمی بر دوش داشت و بر آن علم نوشته بود که

جمهوری زنده باشد به عمارت اجزای دولت آمدند و اظهار کردند که ما آمدیم

در سپاه در حالتها خدمت زخمداران نمائیم و معلوم است که وزرا اعتنای بسیار به آنها

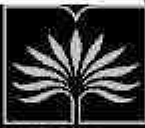
کردند باری تا آنها بیرون رفتند فرستادگان از اهل جمهور برای جواب

خواهش دیروز شان دیده بودند موسیو ژنی د ا را اوتل دو ویل بیرون

آمده از ایشان خواهش آرامی و تأمل کردند اما آنها مراجعت نمودند در حالتیکه

زیاد میزدند جمهوری زنده باشد امروز صبح جماعتی را که قرار فوج داده

بودند در میدان مشق حاضر شده قطعه‌جات تقسیم شد به موجب توره که دو



دوربینها از هر قسم نهاده‌اند که بسمت قلعه‌نشانیان نگاه میکنند و هر که میخواهد [illegible]

داده با این دوربینها پروسیانرا تماشا میکنند و توپهای ولایت و آنجا

در آنجاها برای جنگ حاضر هستند و در حیاط عمارت لوور قریب شصت

صندوق تفنگ شصت تیر بپلیس تقسیم کردند و بسیار خوشحال بودند از آنکه تفنگ

تازه و خوب بعوض تفنگ کهنه قدیم گرفته‌اند و رئیس چاپارخانها هر روز سعی میکنند

که مکتوبات برای ولایات بیرون پاریس برسانند لیکن بسیار مشکل است مگر

آنکه پریروز سی نفر متعهد شده‌اند که مبلغ زیادی گرفته و دسته مکتوبات بدوش [illegible]

از دو سمت مختلف پاریس برسانند تا اکنون خبری از ایشان نرسیده است و در میان

خوراکی آذوقه از انبارها هر روز باردوی مختلف لشکر پاریس میبرند و دو عراده

کالسکه بسیار با زینت و اعلا میباشد و این دو کالسکه را از یک کالسکه‌چی که انبارها

میشناخت گرفته ضبط کردند و قریب [illegible] او بود که انبار را با وقت تمام و جهت

کلی عمل میآورد برای پادشاه و ولیعهد و [illegible] مرگ این کالسکه در ساخت

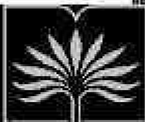
که در زمان ورود بپاریس سوار شوند و میگویند که این کالسکه‌چی از اهل پروس بود

و وقتی که حکم شد که پروسیان اخراج بلد شوند رئیس خود را [illegible]

عوض کرده خود را آنچنان نمود تا اکنون بگیر نیامده است و [illegible]



و جریده در یک اعلام نوشته است امروز که بیست و یکم سپتامبر است هشتاد و هشت
سال است که اجداد ما قرار جمهوری داده اند و باهم متفق شدند که یا آزاد باشند
یا در جنگ کردن با دشمن که بخاک فرانسه پا بنهند بمیرند و خلیفه پاریس بکشیشان نوشته
که چون حاکم پاریس قرار داده است که در جلو عمارات دولتی عبارات آزادی
و مساوات و برادری نوشته نصب کنند خواهش میکنم که آنچه نسبت بکلیسیا وارد و در
ملزومات آن کار امداد کنند و در جریده نوشته است که شاگردان مدرسه پولی تک
نیک در امور محافظت پاریس مشغول هستند و قرار داده ام که مواجب سلطان بگیرند
ولی باید مثل آن قراریکه از برای شاگردان مدرسه مخصوص نظامی داده
بودند منصب سلطانی داده شود و اگر دولت مستحفظ قبول این مطلب نماید شاگردان
مدرسه پولی تکنیک از اکنون علامت منصب خود را بزنند و من بعد
هرجا که لازم میشود در افواج مأمور خدمت خواهند شد و از جانب دولت
مستحفظ قبول شده است ولی در لباس ایشان تغییری نخواهد کرد علامت
سلطانی بزنند و دولت مستحفظ حکم کرد که یکفوج بجهت عراده توپخانه در درون
محاصره پاریس از اشخاصیکه کالسکه‌چی کالسکه‌های اجاره‌ای بودند گرفته شود
و از نزول ترشو حاکم پاریس حکم کرده است که چون کمپانی کالسکه‌های آنجا



بجهت حمل و نقل اسبابهائیکه بایشان حکم شده بجهت همه عملجات لیمان لازم است

یک طالیان فوج ملی از خودشان ساخته شود و باین قسم می توانند که

هم امر اجاره دادن کالسکه را تبدیل آورند و نیز همیشه صد کالسکه حاضر داشته

باشند بجهت حکم حاکم پاریس از نقل کردن قشون بار زخمداران با اسباب جنگ

روز هشتم پنجشنبه بیست و دویم ماه سپتمبر

اخبار دولتی — دیروز بعد از ظهر امیرالبحر سه از قلعه نوازی

یکدسته سرباز فرستاد که یک خانه که مکان ملاحظه دشمن بود در آخر باغ

رن سی بسوزانند و لشکرداران با پنجاه نفر سواره که در همان باغ بودند

بیرون کردند و یکی از ایشان بازویش زخمدار شد و در همانوقت یک خونپاره

بخانه که در موو آن نیز مکان ملاحظه دشمن بود انداختند و پیش قراولان در

سر پل سوزی بودند با پیش قراولان پروسی چند تیر تفنگ تبادل کردند و امروز

صبح یک مه زیاد نگذاشت حرکت دشمن را ملاحظه کنیم پیش قراولان که در خارج قلعه

فرستادیم خبری صحیح نکردند مگر چند تیر تفنگ که پیش قراولان باهم تبادل

کردند و وزارت دوک رو موافق آنکه باو خبر رسیده اعلام کرده

در مرلی قراول داده است و پل شاتو را تصرف کرده است و دشمن

فرار کرده‌اند و هشت هزار نفر ایشان که شب در سنگر سه بوده‌اند در بیشه‌های دور دست
متفرق شده‌اند و نیز خبر آمد که دشمن ویل ژنف را تصرف کرده است و در دست
یک جنگ با تفنگداران ما شده و چند نفر قراولان که از قلعه شهران آن سمت
گرفتی فرستاده بودند تفنگداران دشمن بر ایشان حمله کرده بودند و چون دشمن
زیاد شده لابد شده‌اند که مراجعت کنند و بنظم مراجعت کردند یکی صاحب منصب
و دو سرباز از ما زخمدار شده‌اند و توپ قلعه شهر بلشکر رسیده آنها را متفرق کرده چند
با ایشان رسانیده و خبر رسیدنی آمده است که دشمن دسته توپ زیاد آنجا قرار
میگذارند و ما حاضر هستیم که با توپ خودمان بشدت بر ایشان تیراندازی کنیم و حکم آن
قلعه شهران آن بجماعت مغرب باید و بجا کم پارسی نوشته است یکدسته قشون اولاد
که بجهت تعیین مکان دشمن در گذشتیل فرستاده بودند وقت مراجعت دشمن که در
یک بیشه نهان بوده تیراندازی بسیار بر ایشان کرده‌اند و ایشان تیر با تیر تفنگ
تبدیل کرده‌اند چون کمک بجهت دشمن بزودی رسید سربازان ما لابد شدند که مراجعت کنند
و تفصیل خبر دشمن چندان نرسیده لیکن از صاحب منصب و دو سرباز زخمدار شده
در روز هفتم که دشمن بدیلی مراجعت میکرد توپهای قلعه شهران آن آنها را متفرق کرده
و صدمه زیاد بر ایشان رسانیده‌اند چون فاصله زیاد بود بیشتر نتوانستیم بفهمیم صدمه خود

در باب ملاقات موسیو ژول فورد و موسیو بیسمارک ـــ تفصیل که وزیر

دول خارجه با جسارتی دولت نوشته است که هم شان من اتحاد همه همشهری مخصوص

اتحاد جهان دولت بجهت نجات عام بسیار لازم است و هرچه عمل میکنیم آن اتحاد را باید

تقویت کنند و حتی که اکنون از خود ظاهر کردم با جهت بود و هیچه را خواهد داشت و

من آنرا با تفصیل تمام ابراز کردم لیکن کفایت میکند زیرا که دولت ما دولت عمومی است

و جمیع امور باید آشکار باشد و اگر امروز چنین عمل پنهان است اما وقتیکه گذشت آنها هیچ

آشکار شود و هر کس بداند و اگر مأمور شدیم از جانب همشهری خودمان است میل

هر وقت باشد باید در امر مأموریت پسندیدگی نمایند ولی در امورات ببرند و من تکلیف

خود دانستم که در محل رنجهای دشمن بروم رفتم و شما تفصیل آن حرکت را گفتم و اکنون

همشهریها خود سبب آن حرکت و مقصودی که داشتم باید بیان کنم و لازم نیست که

بگوییم که از ابتدا همه ما خیال صلح و آزادی داشتیم و تا آخر با مخالفت سلطنت امپراطور

کردیم وقتیکه جنگ بجهت ملاحظه سلسله خود وقت ارداد و بعد از آنکه این سلطنت

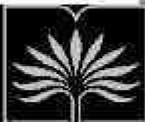
افتاد و ما پیشتر در صلح اصرار داشتیم و این مقصود ابراز کردیم در وقتی که

بواسطه دیدن آنکه یک شخص مصلحت بی نشان لشکر ما [illegible]

سربازان ما با ژنرال بوزن در شهر متس در محاصره بودند



دشمن شهرهای استرازبورغ و طول و نفزلبورغ را خراب میکردند و مظفر
نسبت بپای تخت ما می آمدند هرگز چنین حالت سختی نشده بود لیکن دولت
از آن مضطرب نشد و ما ابراز کردیم که نه یک گرد از خاک خود و نه یک سنگ
از قلعه جات خود بدشمن واگذار میکنیم پس اگر در وقتی که آن شخص که محرک جنگ
بود و دولت پروس خواسته بودند که بجهت صلح گفتگو کنند و مبلغ معینی جهت
رفع ضرر قرار میدادند صلح میشد و علامت دوستی میان دو دولت که یک جزء
شایسته آنها را جدا کرده بود میشد و امیدوار هستم که بضمانت این صلح میشد
و هر که در این صلح اقدام مینمود همه کس او را آمرزش میکردند و باخیال
بودم که آن امر را که بمن سپرده بودند تعطیل ندهم و لابد بودم که بدانم
خیال سایر دول فرنگستان نسبت بما چه بود و کاری کنم که با ما در مقام اتحاد بیایند
و سلطنت هم بطور این ملاحظه را کرده بود بدون اتحاد و دوستی سایر دول نمی
جنگ گذاشت بمحض اینکه ما صورت شدیم باسم اجزای دولت مشغول یک سفیر که
هنوز نیامده بود هم او را بر خواهش میکرد که با ما گفتگو بکند و در روز دیگر همه سفرای
دول خدمت وزیر دولت خارجه رسیده جمهوری ما را از دولت جمهوری سویس و ممالک
ایتالیا و اسپانیول و پرتگال قبول جمهوری ما میکردند و سایر دول سفرای



خودشان اذن داده بودند که با ما در امور دولتی گفتگو نمایند و اگر چه گفتگو

ش تفصیل ذکر میکردیم طولانی میشد همین قدر میگوئیم که میل انگلیس با ما بود اما

مقصود من این بود که اتفاق دول که میخواستند با روس از بابت صلح گفتگو کنند معین

نمائیم و اینها چهار دولت بودند و از جانب دولت خود زیاد ممنون شما هستیم لیکن

امداد دو دولت دیگر را نمیخواستیم یکی وعده امداد داده است و دیگری تکلیف کرده است

که واسطه میان ما با روس شود و موافق خواهش سفیر فرانسه سفارشی در باب این

به روس کرده است ولی وقت میگذشت و هر ساعت دشمن نزدیک میشد و دقیقی

که با دول شوری خیال داشتیم اگر چه شما نصایح میکنید نگذاریم بنای محاصره را پیش نمود

و نماید و اینحرکت و خصومت دولت روس ساکت بود هیچکس قبول نمیکرد که از او سئوال

بکند و این حالت از برای ما بد بود هر اتفاقی که میشد میتوانست دشمن نگردد

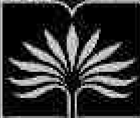
ولابد بودیم که از اینحالت بیرون بیائیم و آخر قبول وساطت کردیم روز دوم

سفیر بوسیله سیم تلگراف کردند که قبول کنند تا در شروط صلح گفتگو کنیم

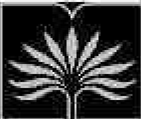
اول جواب داد که دولت شاهنشاهی قاعده قرار گرفته است ولی در این باب

اصرار نکرد و گفت شما از چه قبیل ضمانت از برای صلح خواه[illegible]

او را وادار تکلیف کردند که من چاپاری روانه کنم همان وقت [illegible]



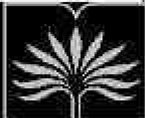
حمّا را بگفت که نباید انکار رفتن محل را سای پرسش کنم و شنیدم که از قلب من مجبور بود
جواب داد حاضر بودم بهر تکلیف که باشد عمل کنم اگرچه بیمار و در سختی بود
که پیش دشمن خود برویم با وجود این قبول خواهم کرد دو روز بعد از آن چاپار
برگشتند با هزار و سواری نتوانسته بود بجهت آن وزیر گفت پروانه برسد و جواب
داد و گفته بود که میل داشتم که با موسیو فور گفتگو کنم و زیاد مایل بودم که جواب و حافظه
ما رسیده باشد و چون نرسیده بود و محاصره پاریس برقرار شد نتوانستم
معطل شوم عازم شدم و نخواستم از حرکت من کسی مخبر نشود و اگرچه سرّاً حرکت
کردم و شب که مراجعت کردم بسیار خسته بودم چون دیدم یکروز نامه که دولت
انرا قبول نمیکند اعلام کرده بود و در اینباب بخصوص تخمین خواهم کرد امیدوارم که
حمای را که این قدر در اینباب وقت کرده بودم که هم شاه و آن من اگرچه برخلاف
خواهش من بود بشما بخشیدند چون خاطر جمع از خیرخواهی دولت و محبت شما
بودم هم یقین داشتم که مرا خواهید بخشید من یک وقتی که اضطراب و غصه خود را
بشما اظهار کرده بودم و بشما گفته بودم که من آرام نخواهم گرفت مگر وقتیکه
هرچه در قوه من است بظهور برسانم با آنکه این جنگ زشت بدون رسوائی و قبول
طرفین قطع نماید و بشما واضح میگویم که اگر تقصیری کردم من شما را مقصر م



لیکن وزیر جنگ خواهش کرده بود یک صاحب‌منصب برای رد کردن ارتش قراولان
بمن بدهد چون نمیدانستم که محل رؤسای دشمن کجاست و خیال داشتم که در کربوا
بوده از دور و از ده نزان تان بیرون رفتم همه تفصیلات این سفر باید مذکور در این حکایت
که بیان کنم باری بعد از ظهر نزد سردار قشون پروس که در ویلنو بود بودم دیده
شنیدم که محل رؤسای پروس در شهر موبود ولی آن سردار با من بسیار با ادب
حرکت کرد و تکلیف کرد که این کاغذ را که بموسیو بسمارک نوشته بودم بیک
صاحب‌منصب او داده برساند و کاغذ این است آقای من همیشه خیال من این بود
قبل از آنکه محاصرهٔ پاریس شود باید یک گفتگوی مصالحه تجربه کرد و اشخاصی که دو روز
قبل از این بجناب شما مشرف شد جواب چنین خواهش را آورد من که امکان پیش‌تر اولا
آمدم منتظر هستم که جناب شما اعلام نمایند که در کجا چند دقیقه با شما گفتگو
نمایم و اینکاغذ را موسیو ژول فاور رقم کرد و مسافت میان من و موسیو بسمارک
شش فرسخ و نیم بود صبح وقت طلوع آنجواب بمن رسید و جواب این است
آنچه هم ما بسمارک در شهر مو نوشته شده است مکتوب جناب شما که بمن نوشته
بود بدرستی بمن رسید باری راضی میشوم که اگر فردا در آنجا مرا مشرف
که رئیس بیران باشد جناب شما را از صف قشون ما رد خوا



بیسمارک رقم کرده است و سه ساعت از روز رفته همراه مستحفظین خود عازم شدیم و
سه ساعت بعد از ظهر که نزدیک شهر مو رسیدیم یک اجودان خبر آورد که مسیو
بیسمارک با پادشاه بفریر آمده بودند و ما در سر راه ایشان را ملاقات نکردیم باز
مراجعت کرده در یک خانه که مثل انتخانها که در سر راه دیده بودیم [illegible] شده بود ناچار
شدیم و یک ساعت بعد مسیو بیسمارک آنجا رسیده و مشکل بود که در چنین جا با خود
گفتگو کنیم و چون در این نزدیکی عمارت مسیو بگنت دی لاگ بود آنجا رفته
در یک تالار که اسباب از هر قسم بی نظم و پریشان افتاده بود گفتگو کردیم
و من میل دارم که تمام آن گفتگو را چنانچه روز دیگر بعینه خود گفته نوشته است
بگویم و چون مطول است مختصر می نویسم در اول منظور آمدن خود را باو اظهار کردم
و چون مقصود دولت فرانسه را باو گفته میخواستم که منظور وزیر دولت پروس را
بفهمم بنظر من می آید که همین بود که دو دولت بدون گفتگوی قبل یک جنگ
با خطر که بعظم هم ضرر رسیده نمایند و این جنگ که سلطنت امپراطور برپا کرده
و اکنون افتاده است نباید باشد و دولت فرانسه که مختار است ضامن
میشوم که خواهش صلح دارد ولی بشرطی که باعث بی اعتبار و تهدید شده
قبول نخواهد کرد مسیو بیسمارک جواب داد که اگر خاطر جمع باشم که چنین صلحی

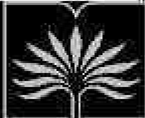


ممکن است هر وقت بقضا خواهش داشت خودش قبول کرد که انتخاب وکلای سلطنت
بهر طور خوب بود نه میل این جنگ نمی‌شدند اما اشخاصیکه از جانب دولت حکمرانی
میکنند اعتبار و دوام ایشان نیست بجهة آنکه اگر پاریس را بعد از چندین روز تصرف
نکردیم حتماً آن اشخاص را بیرون خواهند کرد من زود جواب دادم که چنین
خلقی در پاریس نیست همه مردمان باهوش و خیرخواه هستند و هرگز با دشمن
نمی‌سازند تا امور محافظت شهر را منع نمایند و آنچه نسبت دارد بخود ما که
اعیان دولت هستیم هر وقت که مجلس وکلای رعایا برپا شد حاضریم که حکم
خود را باز بدست ایشان بسپاریم موسیو بسمارک گفت مقصود این
مجلس معلوم نیست که چه خواهد بود اگر بوقت میل رعایای فرانسه رفتار
کنند جنگ را طالب خواهند بود و اهل فرانسه همیشه خوش شدند که با آلمان
خیال
جنگ کنند و چند قسمت از ملکش بگیرند از زمان لوئی چهاردهم تا زمان
ناپلیان سیم این خیال تغییر نکرده است و وقتی که این جنگ در دیوانخانه
شما اعلام شد وزیری که این اعلام کرد بسیار او را تحسین کردند من جواب
گفتم که بعضی قبل اکثر اهل دیوانخانه میل صلح ابراز کرده بودند اما از آن جهة
خشنودی بهر طور موافق رای او حرکت کردند لیکن دو



تعیین کردند میل ایشان بصلح بود و بدین قسم گفتگوها باشد هم بسبب وقت مرگ در
مطلب خود اصرار میکرد و هم من اصرار میکردم و چون زیاد اصرار میکردم
که جیحون سرحد را بگوید جواب داد که بجهت خاطرجمعی ولایت خود ایران خاکی
که حفظ سرحد است باید داشته باشم و چندین دفعه تکرار گفت که شهر استرآباد
کلید خانه است باید او را داشته باشم و چون از او خواهش کردم که
تمام مقصود خود را بیان کند جواب داد که بی فایده است چون با هم نمی
توانیم بسازیم امری را که بعد از این با هم خواهیم پرداخت باز خواهش کردم که اگر گفته
پرداخته شود گفت که دو ولایت آل ارس و لودن با شهرهای ... و
شانوسالین و سواسون واجب بودند و نمی توانم از انجابیت
بردارم و در جواب گفتم که مشکل است اهل آن ولایات را که تصرف کرده اند ... می شوند
و تمکین آورده اند جواب داد که میدانم مارا نخواهند و زحمت باید بخواهند داد
و از این گفتگوها رضامندیت خود را اظهار کردم و باو گفتم دو چیز است که ملاحظه
نمیکنید یکی این است که دول فرنگستان مشکل است که چنین خواهش را در پس
قبول کنند و یکی این است که رسوم و آداب اشخاص آن ولایات موافق نمیکنند با
چنین تدلل و تبدیل دو دولت فرنسه هرگز قبول چنین مطلبی نمیکنید اگر معدوم

و یقین دارم که اول ... گشته
که باز میان ... بر ...
ولی آن ولایات در ...
... را خواهند آمد



منهدم شود رضا برسوائی نخواهد شد و علاوه بر این و اگر داشتن ملک بدست

خود دولت مهیا شد و واضح است که دولت پروس از فتحهای متواتر خود غره شده

میخواهد دولت فرانسه را منهدم سازد و موجب مرگ گفت که چنین هست ما

بقدر لزوم خاک از فرانسه میخواهیم که ولایت ما محفوظ باشد من باز گفتم که اگر

میخواهید عمل بروز کنید یا خیال دیگر نمائید پس بگذارید که رعایا تعیین دیوانخانه خود

نمایند و ما حکم را با ایشان واگذاشته معلوم میشود که قبول چه شروط خواهند کرد او

جواب داد که تا چنین خبری نشود باید توقف در جنگ نمود و هیچ حجت الوجه قبول

ندارم باری چون گفتگو از جانبین منفصل و شب نزدیک بود از او خواهش کردم که یک

گفتگوی دیگر در فردا که منبوته خواهش نمود و نبود [illegible] ما مستقر را بفرستیم و چون

میخواستم مقصود با نجام رسانم لابد شدم که دوباره در مطالب مختلف گفتگو نمائیم در سه

ساعت و نیم از شب رفته خدمت او رسیده گفتم که آمدم تا هر چه مطلبی که میان ما

قطع شود به دولت خود اظهار نمائیم و مختصر را در روزنامه‌جات منتشر خواهیم کرد

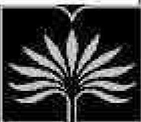
جواب گفت که مضایقه ندارم که اگرچه تمام گفتگو را ابراز کنی بعد از آن بنای گفتگو

کردیم تا نصف شب مخصوص در انتخاب کردن دیوانخانه اصرار کردم [illegible] گفت

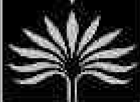
قبول کرد و پانزده روزه توقف جنگ را خواهش کردم و شروط ا



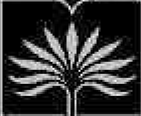
خیال واضح خود را گفت میخواست در آن باب با شاه اول مشورت کند لهذا
تا روز دیگر یکساعت بظهر مانده وعده کرد باری علاوه بر آن خبر دیگر هیچ که
بگویم و چون درین سه روز طولانی که دل من متزلزل بود تعجیل داشتم که طبق این
گفتگو کنم دیگر یکساعت بظهر مانده من در عمارت وزیر حاضر بودم و موسیو بیسمارگ
یکربع بظهر مانده از پیش شاه بیرون آمده شروط توقف جنگ را که بزبان
نوشته بود زبانی بمن گفت و برای ضمانت توقف جنگ شهرهای استرازبور و طول
و قلعهٔ بوژ را مادام توقف جنگ خواست و چون در روز پیش گفته بودم که باید در پاریس
اجزای دیوانخانه جمع شوند در اینحالت یکی از قلعه جات پاریس از قبیل
والرین را خواهش کرد که در دست قشون ایشان باشد باو گفتم بهتر است که شهر پاریس را
خواهش کنید چگونه میشود که دیوانخانه [illegible] زیر توپ شما مشورت کنند و
من بشما عرض کردم که هرچه گفتگو کنم به دولت خود عرض خواهم کرد
در حقیقت جرأت نکنم که چنین تکلیفی را ابراز کنم جواب داد پس تدبیر دیگر
پیدا کنیم و من گفتم که دیوانخانه فرانسه در شهر طور جمع شوند که پاریس مدافعه
نداشته باشد گفت باید بشاه عرض کنم و باز در باب استرازبور گفت که این شهر
اما قریب مسخر خواهد شد آنچه باقی مانده است حساب مهندسین است پس خواهش



میل خواهش دارم که سرباز ساخلو آن هم جنگی باشند من این عبارات بر چشم
نهاده و برآورم آقای من شما فرمایش میکنید که یک فرانسه حرف نزند تا چگونه
میتوانیم از قشونی که خودمان و همه اهل عالم از شجاعتشان مخبر هستند دست
برداریم این حرکت نامردی است و من بشاه وعده نمیدهم چنین شرطی را
که تکلیف کردید ابراز کنم جواب داد مقصود من نیست شما را بانجام من موافق
رسوم جنگ رفتار میکنم و اگر پادشاه قبول کند میشود تغییر مطلب داد
چون رفت بشاه عرض کرد بعد از یک ربع ساعت مراجعت نموده گفت که پادشاه
تدبیر شهر طور جهت دیوانخانه قبول میکنند ولی بجهت سرباز ساخلو شهر اسیر آن زمان
که اسیر جنگ باشند اصرار دارد آنچه سعی و اهتمام بود بعمل آورده آن وقت عرض
شدم و گفتم آقای من سعی کردم بخدمت شما رسیدم ولی پشیمان هستم چونکه
لابد بودم بتکلیف خود عمل کنم و همه چیز را بدولت خود عرض خواهم کرد
و اگر مصلحت بدانید که دوباره مرا خدمت شما بفرستند اگرچه صعوبت دارد
لیکن باز مشرف میشوم و بسیار از مرحمت شما ممنون هستم ولی میترسم که اگر
شود کار بقتالات اهل پاریس با جرأت شد تا آخر ایستادگی نمایند که
جرأت نشان بالاتفاق خواهند شد و تمام اهل فرانسه



با هر وقت مخالف می‌شنیم جنگ خواهیم کرد یک برخاستی که بانجام نخواهد رسید میان
دو دولت که باید دوست باشند هست و من نتیجه بهتر از این امید داشتم لهذا بازنجویی
مراجعت بکنم و موسیو دول فورد بوزرا باز میگوید من دیگر در این باب تفصیلی ندارم
که عرض کنم مقصود من مصالحه بود و بر خلاف دیدم خیال انها همه جنگ و
تسخیر ولایات است و وقتیکه خواهش کردم اهل فرانسه بواسطه دوستخانه
انتخاب شده مصلحت کند جواب گفت تعجب چه میل داشت باید مطالحت کنید
من این حرفها را اظهار میکنم هیچقدر آنچه واقع شده است بدولت
فرانسه و سایر دول فرنگستان ابراز میدارم من راست بگویم زیاد و
بصلح میل داشتم در این سه روز که خرابی ولایات خود را مشاهده نمودم بیشتر
بصلح میل کردم و همین قسم بجهت وقف جنگ میل داشتم زیرا که میخواستم
دولت او درباب تکلیفات دولت پروس گفتگو و مصلحت نمایند اکنون شما اطلاع
دارید از آن شروط که اول پروس خواهش کرده است و مثل من شما هم انکار آن
شروط رسوائی را کرده اید و من خاطرجمع هستم که خلق فرانسه بهمان خیال هستند
و از جانب ایشان است این مکتوب که بموسیو بیرگ نوشتم آقای من منم
هم شاهان دولت مستحفظ خود مطالبی را که جناب شما فرموده اید عرض کردم



دلسوزی است که بجناب اعلام میکنم تکلیفات شما را دولت ما قبول نکرده است

لیکن مصالحه توقف جنگ بجهت انتخاب کردن جنرالی و بود انگلیز قبول میکند ولی

نه با آن شرط که خواهش فرموده‌اید آنچه به بنده نسبت دارد این است که هرچه

در قوه من بود اهتمام کردم که این خونریزی تمام شود و صلح میان دو دولت

بشود و میتوانم حرمت دولت خود را از دست بدهم و ایستادگی بکنم و خدا

که شاهد حال است انصاف خواهند داد و این کاغذ را مسیو ژول فور رقم

کرده است آقایان من تفصیلات مطلب من تمام شد و شما هم مثل من میبینید که

اگرچه بهرمند نشدم ولی بی‌فایده نبود و معلوم کردیم که از برای تغییری حاصل

نشد و مثل اول اهل انکار این جنگ میکنیم ولی بجهت ننگ و حرمت خودمان جنگ

خواهیم کرد و مقصود دولت پروس را معلوم کردیم وقتی وارد خاک ما شد اظهار کرد

که ما با ناپلیان و قشون او جنگ میکنیم نه با دولت فرانسه امروز خیال ایشان را فهمیدیم

دولت پروس سه ایالت از ما میخواهد و دو شهر محصور که یکی صد هزار و دیگری هشتاد و

پنج هزار جمعیت دارد و علاوه بر این هشت یا ده شهر محصور دیگر هم میخواهد با وجود

آنکه میدانند اهل آن ولایات شما را خواهش ندارند تصرف میکنند [illegible]

خواهش میکنند که با هم مصالحت کنیم تکلیف میکنند که در یکی از قلعه‌ها [illegible]



در اینجا نهارا حمایت کنند پس شهر نیست که مملکت را بر خیزد و تا آخر ایستادگی کند
پاریس چنین خواهد کرد و از ولایات امداد خواهند آمد و این پرخاش چیزی است

اخبار اطراف پاریس — یک نفر ... که از سندنی آمده است

خبر آورده است که هشت نفر تفنگداران پاریس یکساعت از روز رفته از
شهر سندنی سر راه پی یرفت پشت درختها سنگر انداخته بودند پنهان
شده بودند و یکدسته از دشمن قریب هشتصد قدم فاصله دیدند در ایشان
تفنگ انداختند پروسیان ترصف کشیدند با هم جنگ کردند تا نزدیک
راه آهن تفنگداران را تعاقب نمودند در حالت مراجعت مدت دو ساعت
جنگ کردند و گلوله پروسیان از بالای سرایشان رد میشد تا شهر سندنی
رسیدند در اینجا یکنفر از گلوله ایشان کشته شد و در روزهائیکه جنگ میکردند
از قلعه سندنی خمپاره ها بر پروسیان می انداختند تا آنکه شش هزار
نفر از پروسیان در دهات اطراف پی یرفیت مراجعت کردند و از ایشان
پانصد نفر زخم جزئی برداشت لیکن بدشمن ضرر زیاد تر رسید چون توپ ده
نفر را دیدند که بر زمین افتاده بودند و نیز خبر آوردند که پروسیان در تپه پی یرفیت
تدارک محاصره میدیدند و شایع میشد که بعضی جوالهای خاک حمل و نقل



میکردند و بعضی دیگر با کلنگ و بیل خندق میساختند از سمت تبریزیان آن جوخه

غیبت اندرا خالی کردند و از سمت شهر نک کلیسا جهت غروب مانده چند

توپ می آمد آنجا قرار داده بودند و موافق خبر تلگرافی که از روسای بدولت رسید

زیاده از شش هزار نفر از پروسیان به روسای او آورده اند لهذا معلوم میشود

که توپ ما و دیوار قلعه بایشان ضرر بسیار رسانیده است و این مایه

امیدواری است و چند نفر از تفنگداران ما باتش قراولان دشمن نزدیک

بیک رفت جنگ کردند و بعد از اندک وقتی امداد جهت قشون ایشان رسید

آن وقت تفنگداران ما بالضرور عقب کشیدند تا مکانیکه دو توپ منزل بود

که در جوف هیزم پنهان کرده بودند از آنجا برداشته بر پروسیان که مطلع نبودند

انداختند و صدمه بسیار بایشان رسید و پروسیان شهر ... جوخه را

تصرف کرده و ده هزار تومان مطالبه کردند و تهدید نمودند که اگر ده هزار

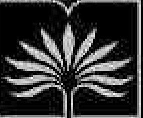
تومان را ندهید خمپاره بشهر خواهیم زد و چون قدری طول انجامید سه تیر توپ

انداختند یک گلوله بام کلیسا را سوراخ کرده و دیروز صبح چون پروسیان

مطلع شدند یکدسته توپ به پنهانی چند خانه و چند درخت ... قرار

قرار دادند بعضی آنکه یک عراده توپ بر قرار کرده بود

و بجهت [illegible]



یک تیر توپ مجری که اینچنین وقت تمام بر آنها انداخته شد که با وجود فاصلهٔ زیاد و توپ
آنها را از روی عراده انداخته و چند نفر توپچی کشته و زخمدار شد و هشت مرتبه
پروسیان مجبور شدند چنین کاری بکنند شش مرتبه از تیر توپ غلوه شدند عراده
توپشان خراب شد بنوعی که لابد شدند دست از این عمل برداشتند و بر روز پیاده شدند

اخبار دارالخلافه پاریس — اکنون برجی که در بالای تپه مرو است
خراب میکنیم چون سفید است و نزدیک شده توپها میباشد میشود که علامتی
جهت پروسیان باشد و مثل اهل کمپانی کالسکه. چاپار اشخاصیکه مکتوبات
چاپارخانه را تقسیم میکنند و حال بیکار شده‌اند آنها را بقاعدهٔ فوج قرار خواهند
داد و موافق حکم رئیس احتساب هر نوع چیزیکه قابل سوختن میباشد از عمارات
دولتی مانند دفاتر روزنامه جات و پرده‌ها و غیره باید در زیر زمینها جهت
حفظ بگذارند و خواسته‌اند که مردم جهت حفظ اموال خود بهمین حکم رفتار نمایند
و موافق روزنامهٔ دولت پروس که نوشته‌اند وقتیکه شهر سدان تسلیم نمودند
چهارصد عراده توپ و پنجاه توپ میترالیوز و نود هزار تفنگ شصت پر و دو هزار
اسب بپادشاه ویلیام رسید و بدون هشتاد و چهار هزار سرباز هم خاک مملکت
پروس از برای ایشان اشکال داشت بتحصیل عراده و مرغیبان که پروسیان گرفته

بیست که روز دوشنبه دو ساعت بغروب مانده یکی از پرستاران مریضخانه نظامی

یکدسته عراده با اشخاص متعلق آن در بیست دانو نزدیک شاه تیمان که محل وقوع

جنگ بود برد و بعد از آنکه از قلعه جات رد شدند صاحبمنصبان و زنها مصلحت

دانستند که از آنجا دورتر بروند ولی حرف ایشان را نشنیدند و وقتیکه رسیدند به جمعی

پروس خواهش کردند که بگذارند آنها رد شوند بشرط آنکه باز بگذارند که از جهت گرفتن

و در سر راه دیدند که پروسیان زخمداران خود را رسانیدند چون زیاد بودند تکلیف

کردند که این عراده‌ها ایشان را ببرند پروسیان قبول کرده شش نفر از آنها را بمریضخانه

بردند و پرستاری کردند بعد از آنکه چنین خدمتی مجری کردند خواهش کردند که بجای

دیگر بروند بلکه باز بکار بیایند پروسیان جواب دادند که شما اسیر هستید تا حکم

بیاید و چون چیزی نداشتند جهت خوراک خود و نه از برای اسبان پرستار مریضخانه

بعد از جستجو در یک عراده که در سر راه ول بود یکجوال گندم با چند دسته گیاه

پیدا کرده و چون زبان نمیدانست از صاحبمنصبان پروسیان خواهش کرد که

بگذارند آنها را با اسبان خودشان بدهند اذن گرفته اسبهای خود را که بسته

خسته بودند بدرخت بسته علوفه داده ولی از برای خوراک خودشان چیزی

میخواستند و بیهوده مدت چندین ساعت در خانها گشته چیز



و صبح شد و لابد شدند که دوباره پیش پروسیان بیایند و از آنها نان بخواهند

بستند نان عجزها کول و گوشت اسب بسیار سخت باشان دادند باری امروز هم

نوعی که بود گذران کردند و شب در عراده خودشان خوابیدند و روز دیگر صبح باشان

اذن دادند که هرکجا میخواهند بروند و زمان مراجعت باز پروسیان سر راه برایشان

گرفته لابد شدند که برگردند از راه ورسای به پاریس بیایند بعد از سه روز به پاریس

مراجعت کردند و یکی از صاحب منصب پروس بزبان فرانسه پیک عاده چی گفته بود

تا اکنون شما را اسیر میکنیم و چند روز دیگر به پاریس خواهیم رفت با شهری خود را

آشنائی نمائیم و یک نفر هوگو که معتبرترین شعرا و مصنفین فرانسویان است دو

کاغذ نوشته است که منتشر شود یکی باهل آلمانیان یکی بفرانسویان و کاغذ اول این است

ای اهل آلمان اینکه شما حرف میزنند دوست است ———

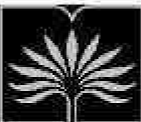
کاغذ المانی است —— سه سال قبل از این در زمان ایکس پوزی

سیان که من اخراج بلد بودم و در شهر خودتان که پاریس باشد شما را خوش

آمد میگردم چون پاریس مال شماهاست پاریس مثل برلین و ویانه و درود

مونیخ پایتختهای شماست و پاریس مرکز اعتدال فرنگستان و برترین شهر

ده قدیم شهر اجتماع بود و شهر روم اکنون شهر پاریس است و پاریس نگاه



مطلق است امروز چگونه باز آمده اید بپاریس مجروح برادرانه سال قبل نه اکنون همه
دشمن آمده اید و این بجهت یک شبهه که ضرر بهیچکس وارد و دو مملکت بزرگ در فرنگستان آن
یکی فرنسستان و یکی آلمان و اکنون آلمان خیال خراب کردن فرنسستان را دارد
ما با شما چه بدی کردیم آیا این جنگ از ما ابراز شد خیر سلطنت امپراطور یعنی این جنگ شد
و اکنون که این سلطنت افتاده است به حقیقت جا ندارد آنچه گذشته است از دست د
آنچه واقع است او بدخواه بود و ما خیرخواه او خائن بود و ما صادق ما جمهوری هستیم
مقصود ما آزادی و مساوی و برادری میباشد ما و شما یک خلق هستیم سرداران قدیم
ما و شما از یک جنس بودند و اگر از روی سوء ظلم گشتند بشما میگوئیم که اگر این شهر بزرگ
را تمام فرنگستان بفرنسستان سپرده است بخواهید محاصره کشید تا نفس آخر
ایستادگی میکنیم تا قوه داریم مدافعه خواهیم کرد با وجود این باهم برادر خواهیم بود
و زخمداران شما را اگر پیدا بنید کجا منزل میدهیم در عمارات شما اما مسکن میدهیم هرجا
زنهای خود ایشان میروند که آنها را پرستاری کنند و زخمداران پروسی همان اعتنا
بوده و با این شرط برادرانه جنگ را قبول داریم اما اهل آلمان مدینه جنگ چه معنی میدهد
اکنون که سلطنت امپراطور تمام شده است باید این جنگ هم تمام شود
که دشمن ما هم بود تمام گردید دیگر چه میخواهید شما آمده اید که پاریس



از اهالی شما تعجب میکردیم شما امروز شکست بخورید پاریس که شما را دوست میدارد

با شما جنگ خواهد کرد و وقتیکه ظلم از شما می بیند جهت شما محل خطر خواهد بود

زود شما گفت ما باز نگه میکنیم منتظر ایستاده کی شدید باشید و وقتی که شما

شهر را گرفتید آنچه در محوطه هست خواهد ماند و وقتی که محوطه را گرفتید در هر کوچه

سدها خواهید یافت وقتیکه سدها را گرفتید کی میداند شهرها نیکه در زیر کوچه‌ها باشند

با باروت آتش زده نشد باید قبول این شرط نمائید که پاریس را به شما تسلیم

کنید پس بهتر است که در اینجا درنگ نمائید ای اهل آلمان پاریس با خطرات

تامل کنید زیرا که ظاهرا در خواب است بیدار شد آن وقت شمشیر از نیام

کشیده شهری که دیروز محل عیش بود امروز محل جنگ خواهد بود آخر مهادرا جهت

خوف شما نیز نمیدانم که شما هم مثل ما هستید که در زمان ضرورت اظهار شجاعت

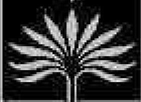
کرده و سربازان شما شده و سربازان هستند ولی استماع نمائید شما سربازان

نجابت و قابل داریده و ما سرکردگان بی عقل داشتیم و بطور زرنگی جنگ کردید

ولی خبر نمیرا آمدید شما ده نفر آمدید که با یک نفر جنگ کنید و سربازان ما بطور

شجاعت خود را نگشتن داده بنوعی که در این جنگ زشت اگرچه پس مظفر شدید

لیکن در نشان مظفر ماندند اکنون شما گمان دارید که همان یک کار از برای شما ماند است



کمک نیاید و نمی‌گرفتن ما فریب خورده و مخوف بودند نزدیک تماشان در میدان شش
تلف شد شما فرصت یافته میخواهید بسر پاریس بریزید با ششصد هزار سرباز و آلات
جنگ و جنرال بوده و توپ فولاد و خوف پاره کروپ و با تفنگ و زره و با سواره بلا
شمار و با توپخانه پرخطر بر سر چند نفر که روی حصار ایستاده و خانه و زن و بچه و مادر خود شان
حفظ میکنند بسر ایشان بریزید شما که سربازان با جرات و مشهور هستید بشهر بیجای که تا
بد نکرده است مگر آنکه بشما علم رسانیده است میخواهید قاتل آن باشید و میدانید
این جنگ برای شما چه خواهد بود یک رسوائی قتیلی بلکه وطن خود را میکارید مظفر خجل
میشوید و زنهای شما بشما خواهند گفت گناهکار شدید که پاریس را تمام کردید و همه
عالم بجهت این سیاه پوش میشوند و شما گناهکار محسوب خواهید شد پس چنین جرمی
نکردن نگیرید و توقف نمائید کلمه آخر را بشما بگویم بلکه پاریس مردنی کل مملکت
فرانسه بر خواسته از آنها حمایت کنند شاید فتح کنند از وقت این کاری که اکنون از برای
شما رسوائی دارد بچه حاصل کرده اید بهر حال این عبارت خرابی و منهدم و مرگ از خود کنید
پاریس معدوم نخواهد شد اگرچه در ظاهر خراب بشود در باطن خواهد ماند هر سنگش که
پاشیده میشود تخم محصول آینده خواهد بود و مقبره ایشان از آنجا [illegible]
فریاد خواهد زد ای نسبه و یان سخن من با خبر شنید اگر



باری شما تسخیر پاریس حمله کنید با وجود خون پاره و گلوله شما امتحانی دگر

خواهم کرد من که پیرمرد هستم بی اسلحه در اینجا خواهم ماند و برای من کافیست با مردم

که بمیرند باشم و افسوس میخورم که شما پادشاهان قاتل باشید و این کاغذ

وی‌کتور هوگو رقم کرده

و کاغذ دویم ویکتور هوگو بفرانسویان نوشته است — ما آلمان

را برادرانه خبر کردیم ولی باز به پاریس آمده است و نزدیک دروازه است و سلطنت

امپراطور بطور خائنیت با آلمان جنگ کرده است و اکنون آلمان از دولت جمهوری

انتقام میکشد و آنچه آلمان بکند خوب است ما که فرانسه هستیم تکلیف داریم نسبت

بملل دیگر تکلیف اول اینست که مصدر دیگران باشیم و هرکس را باندازه خود ترقی

کند و مشکل است مملکت فرانسه مضروب شود چون تکلیف خود را عمل خواهند کرد

و تکلیف این است که باید شهر پاریس را بجهة همه عالم حفظ و نجات دهند و مرده بر

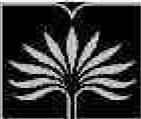
خیزند و از همه جهات فریاد جنگ برآرند و از هر خانه سربازی بیرون آید و از هر سنگی

لشگری برخیزد و پاریسیان دو گروه شوند اول همه شهر ها تفنگ بردارند میگوید

باروط و توپخانه نداریم چنین نیست موجود است و اگر نباشد هر نوع اسلحه

را عوض اسلحه استعمال کنند یک تفنگ بد و قلیله ولی با جرأت خوب است

[illegible]



و یک شمشیر شکسته زمانیکه در دست قوی است بکار خواهد آمد و مانی اسپانیول

قشون ناپلیان را عاجز کرده‌اند و الآن تجحیل بدون اهمال یکساعت چه غنی و چه

فقیر چه کارگر و چه زارع هر نوع اسبابی که بعوض اسلحه استعمال میشود دارید

و مجادله نمائید گواهن شخم بردارند و سنگها جمع کنند یا هرچه مقدور میشود جنگ

نمائید مانند بوتزیل شکارچی ملینک رفتار نمائید که با یازده نفر هشت نفر

از پروسیان کشته و سی نفر اسیر کرده است خانهای خود را میسوزانید و انبارها

با باروط آتش بزنید و راهها را خراب کنید تا پروسیان مستاصل شوند شب

و روز جنگ کنم چه در کوه و چه در صحرا و چه در جنگلها بر ضد فرصت ندهید راحت

بکنید و خواب نمائید الآن من بفرانسه علم میکنند دول فرنگستان هرچه

بخواهند بکنند ما از کسی کمک نمیخواهیم و تفنگ بجنگیم ما خودمان همه فرنگستانها

میکنیم ای اهالی من اگر پاریس را مثل استراز بود میسوزانید خشمها را می انگیزید شهر

پاریس قلعجات دارد حصار دارد خندق دارد توپ دارد و هر سر کوچه جبه نقب

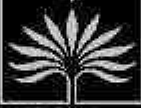
باروط حاضر است و ما باروط و نفط داریم و سیصد هزار نفر با اسلحه آماده و حاضر شده

است و منتظر دشمن میباشند اهل فرانسه شما جنگ خواه[...]

میکنید که اهل فرانسه هنوز پادار هستند و این کاغذ [...]



و کاغذ نوشتیم که موسیو لوی بلان بانگلیستان نوشته است — اینکه
تماشای پاریس را معمول زشت میکنیم بلکه اگر این اتفاق در زمان جاهلیت و وحشی بودن
صحرا نشینان هم تعجب از این خجالت میکردند و ضبط این مطلب مایه رسوائی تاریخ خواهد بود
جمعیتها بحرص آنکه همه را قتل و عام کنند و همه را آتش بزنند و در شهر میان بروند
گرفته اند حال آب و آرام در پاریس گستاخی شده است و این همین مطلب پادشاه پروس
بوده و با اشخاصیکه پنجاه روز میدیده هستند قصد کردند شهر محبوب که محل اجتماع همه عالم است
باید از دنیا نکار شود و شهری که پای تخت تمام فرنگستان است باید منهدم شود
تا وقتیکه یک بلای بتلافی آنگاه برای آنها پایدار در پاریس حبس شده و هوا بجهت ما
باقی است و آنچه باهل انگلیس میگوئیم بهوا خواهیم سپرد من که مدت چند سال مهمان
شما بوده ام میدانم که اهل انگلیس مهربان هستند ولی از مهربانی ایشان خواهش ندارم
جمهوری فرانسه تاسف کسی را طالب نیستند و قوت ایشان در بازو و دل است و آن
و همت دارند و رسیده اند کسی که دل بزرگ داده است اورا فتح مسلم است همین قدر
من میخواهم حقیقت خود را معلوم بانگلیسیان کنم اول شکر گذاری موسیو بزرگ
میکنم که صحبت برداشته است و تمام فرنگستان من بعد خواهند دانست که
و حرص پروس بچه پایه است پادشاه پروس از الزاس و لورن و سر بلند



ساخلو شهر استرازبور را همه جنگ میخواهد و برای یک مصالحه توقف جنگ جزوی چند روز زمین

قلعجات پاریس که معروف و محکمترین است میخواهند شهر پاریس را زیر خون پاره خود را بسپارند

باشند و هاری تضییع مملکت فرانسه میخواهند زمانیکه موسیو ژیپ مرگ این حرفها را

میزد گویا تاریخ فتوحات زمان جمهوری اول فرانسه با وجود خطرات آنزمان که

کرده‌ایم فراموش کرده است این بلاها که بر ما رسیده است جهت غفلت یک خدیو

بی عقل و ذلیل غیر مقدور اهل پروس گویا گرفته است و طرفه ده نفر با یک نفر دلیل آمده

است که هیچ مانعی طفر یک نفر با یک نفر داشته باشند ایستادگی شهرهای استراز

بور و فلزبور و تول و مونمدی آیا بر ایشان معلوم نگردید آنچه در قلب فرانسه میباشد

آنجا سوسان پیشامد پروسی که دولت خود را رسوا کرده‌اند آیا خبر نداده بودند که ما

قریب پانصد هزار نفر با اسلحه در شهر پاریس هستیم و قلعه‌جات ما از هیچ جا قابل ورود

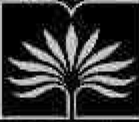
و در چهار طرف همه جا توپها گذاشته شده است و علاوه بر چهار دور کوچها سنگها داریم و در ورود خانه

ها سنگر زده و با توپ نهاده‌ایم و اسباب جنگ با خطر و با قوه علم اختراع کرده‌ایم و جوانان

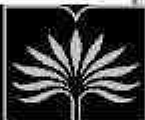
ما در چند روز مانند سربازان کار آزموده شده‌اند و قشون رعیتی اراده ایستادگی

کامل دارند و قوت ما از اتحاد دیگر صد مرتبه علاوه شده

میدانست با وجود آن با اسم آقای خود خوشحالی کرده است



جنگ است تا قطره خون آخر و این نصیحت برای فرنگستان و انگلیسان که اگر فرا
نباشد که مخالفت آلمان بکنند با دیگران چه خواهد کرد و بعد از تسلیم شهر سدان پادشاه
فرانسه دید لیکن ویلیام به مقصود رسیده بود و خودش گفته بود من با ناپلیان جنگ میکنم
نه با خلق فرانسه پس ناپلیان مغلوب شد اسیر پروس بود و فرانسه بزودی او را
از پای تخت انداخته قرار جمهوری داده بودند با این حرکت معلوم بود که بکار جنگ
میکردند زیرا که جمهوری جهت طلب صلح بود و همه کس منتظر بودند که پادشاه پروس موافق
حرف خود رفتار نماید و روزنامهای انگلیس که چنین اعتقاد داشتند منتشر کرده بودند
ولی امید بیهوده بود زیرا که پادشاه پروس یکدفعه تغییر حرف خود داده بنای جنگ
سخت نهاد و بعد از آنکه دولت فرانسه تغییر سلطنتشان اعلام کردند و خواهش کردند
که جنگ که یک صلح تقاضا میشود پادشاه پروس با توپ و تیراندازی شهر استراز بود
و عساکر این لشکر که بسمت پاریس بیایند جواب داد تا آنکه بهتر معلوم کند که خیال
تمام کردن اهل فرانسه داشت و یکسال باعث این جنگ شده بود او اظهار محبت
کرد و خشم خود بر خلقی که طالب این جنگ بودند گماشت و یکدلیل نخواستن صلح
فرانسه جنگ را این است که در یکی از روزنامه جات انگلیس در سیم ماه سپتیم
نوشته بود اشخاصیکه اهل جمهوری هستند بهیچوجه من الوجوه مداخله با



جنگ ندارند و اهل ویو تخانه جمهوریان سعی میکردند که ولایت خود را ازاین
خطر و خونریزی رهانند و در حین هنگام شخصیکه اهل سلطنت امپراطوری بود
وقتی بنای جنگ با پروس شد باز تحسین میکردند و سایر اشخاص که شغل ایشان
بودند اظهار رضامندیت از این جنگ میکردند و اهل جمهوری همه از اهل جنگی
وقشون آراسته برپا نکرده شدند از این عبارات واضحست که اهل جمهوری همیشه
جنگ را طالب نبودند و مایل صلح شدند و از سمت دیگر آیا ممکن بود در یک
دقیقه و یکطرف یک سلطنتی را که رعیت میفرستند مخذول کنند و یکدفعه بواسطه
وزیر کبیرش موسیو گرتا اخبار جنگ کرد و تدعین کرد که روزنامه جات بر آن
طبق چاپ بکنند باری میشود که امپراطور اسیر شده و آن اعتماد جات شده باشد که
بگوید که مرا الان به کردند بجنگ کردن و اهل فرانسه مرا امروز تا سرحد بردند این
دروغی است که سزاوار سلطنت خودش است و حقی است که لایق اعمال اوست
عوض آنکه بگوید من تقصیر داشتم گفته است که مرا یک مهمانی شاهانه بکنید
و دولت فرانسه را تسخیر نمایید هرکس بجای او جهت سلامتی دولت خود دروغ
میگفت که ولایت خود را خلاص کند لیکن او بجهت خ
راست نگفت که دولت فرانسه این جنگ خطرناک را بر زم



مصداق ایشان این است که زودتر از شخصی که مثل این جناب بود خود را خلاص کردیم و از تاریخ

بعد معلوم خواهد گردید که تقصیر از او بود یا ملکه علانی بود و این بلا تلافی نخواهد شد پس وقتیکه ملیات

از سلطنت خلع شد اگر دولت پروس راضی شده بودند که عوض ضررش گیلانی را قبول

که پروتستان داشت اما فی الواقع در یک جنگ نپذیرفت آنچه برای او میخواست خرابی و بحر بستی و قتل

نفس بود از تکبر و حرص که جمهور فرانسه اینهم کم بود و آنچه از برای خود میخواست انعام از فتح

لشکر و ربط اتحاد ولایات الامان و رفع امپراطوری و پس گرفتن خزینه و طلب فرانسه بودن

ولایات الامان بود و منتهای همت و خیال آن پادشاه و چون بود که تا مملکت فرانسه

مسخر و معدوم نشود کاری نشده است چه در نظر داشت که از گذشته ها محیا شود و مادام

او را تعریف کنند آنچه میخواهد آن پادشاه مقدور است که دولت فرانسه منهدم نماید

ولایت الزاس و لورن و زوج و شهرها همچون را متصرف شود تا آنکه شهر پاریس ویران شود

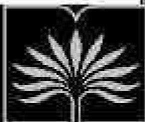
خراب شود و این جواب که بود نامه انگلیس خلاف خود را بیجا کردن دولت فرانسه

دعوا درگرده بود در حالتی که پروسیان توپ خود را برای صنایعی که حیلت صناع

بود قرار دهند چه اسباب صلح داده و اهل انگلیس هم در پارلمان هستند که محصورات شدند

و بعضی هستند که با اهل ولایت خود حکایت کنند که تا چه قدر جهت اهل گردیده

از حالات عجیبت چنین لشکر کشی بزرگ شده ایم و نیز خواهند گفت که همه وقت ما



و حجره‌های عمارات خود را با جوال پر خاک جهت حفظ گرفتیم و کتب چاپی و خطی و تصویرات

و سنگ‌های حجاری کرده و بسکه‌های قدیم را لابد شدیم که با انجمن‌های آهن محافظت نمائیم

و اماکن مخصوص جهت بردهای اطلس‌شان مشهور بنا نمادیم و غرض تمام مطلب نگارش این همان است

که اگر لشکر شهر لندن را محاصره کنند لابد میشوند که عمارات و اسباب خوش‌ترکیب گران‌بها را

با هرچه بتوانند محافظت نمایند و اکنون خوب است که فرنگستان بحال خود باشند و از

خطر حرص پروسیان بتصرف ولایات متفکر نشوند بجهت همین حرص است که از تصرف

ولایات الزاس و لورن قانع نشدند بلکه شهر سواسون را هم میخواهند و ایضاً

همان حرص است که قسمتی از مملکت دانمارک را تصرف کردند و شهر فرانکفورت را بغارت

دادند و مملکت هنوز را تصرف شدند که اهل انگلیس میدانند که حق با ماست منصفانه رفتار

نمایند تا خودشان هم محفوظ باشند چون یک مملکتی که غافل از صدمه مملکت دیگر است احتمال

دارد که خود همان صدمه مبتلا شود ملزومات ما است که حقیقت خود را بر همه واضح نمائیم

و بسبب ایستادگی حق خود گذشته شویم و این کاغذ را بوی ملان رقم کرده است

احکام دولتی — دولت مشروطه حکم کرده است که موسیو اراگو و موسیو

و موسیو گامبتا و جنرال اجزای دارالشوری محافظت پاریس باشند

مدبران سرحدود حدود جهت محافظت پاریس بدین تفصیل است



اجزای دولت مشروطه است و موسیو دوریان که وزیر کار معارف دولت مشروطه است و

موسیو فلوران‌س و موسیو بیقند و موسیو برتار و موسیو فلوکه و موسیو دراو

روز هفتم جمعه بیست و سیم ماه سپتمبر

اخبار دولتی — حکمران قلعه بلسعت بحاکم پاریس نوشته است که دشمن

از دیروز عصر و امروز صبح اسباب تنگ کرده و از توپ و باستیان بروی ما

کرده اند و میان پیش قراولان پروسی و قراولان ما تیر تفنگ تبدیل شده و تیر خمپاره

توپ ازجانبین مبادله شد و حکمران قلعه مورون بهروا و نیواد پاریس

که من بر داشته توپ دشمن که بر باستیان بروی تفنگداران ما تیراندازی

میکردند سه تیر توپ انداختیم و حکمران قلعه پ است سه ساعت از روز

رفته بحاکم پاریس نوشته است که تیراندازی دشمن بر توپخانه ما و بر باستیان

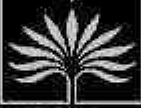
بروی بسیار شدید شد و ما توپ جواب دادیم و اکنون ساکت شده اند از شب

تا که باشروع تیراندازی کردند. از جانب سرکرده رهنمای لشکر حاکم پاریس دیروز

بعد از ظهر صد و بیست نفر از فوج میل در جلوی قلعه ایسی حرکت داده شدند تا آنکه

اسبابهائیکه از باستیان موقتی آنجا مانده بود بیاورند زنان مراجعت کنند

دشمن بر آنها هجوم آوردند چهار نفر از میل زخمدار و دوازده نفر از دشمن کشته



باز خبردار شدند و سه ساعت از شب رفته لوی زبان منددی در جلو قلعه‌جات

بی‌ستر و ایوری اسباب ساکه دوده وی ارتی فرار کرده‌اند و از قلعه‌جات

اسی ود او حرکت قشون پروسی بر بلندیهای شاتیان متابد شدند و دو ساعت

صبح مانده قلعه‌جات بی‌ستر و مورون بسمت بلندیهای ویل ژوئیف جهت حفظ

حرکت دوی زبان منددی که مهیا شده بودند و در باستیان بر دیر قرار گرفتند

تیراندازی کردند تا وقت طلوع آفتاب با تمام رسانیده بودند ولی صدای

تفنگ و توپ در مکان چنین فراوان می‌آید و یک ساعت از روز رفته دشمن قریب

هفتصد زرع از اسباب ساکه آمده بودند توپخانه ساکه و خمپاره از قلعه ایوری

انداخته شد اشرار را بدر کردند که زود بسمت ملاقات بری بر گردیدند بسمت

ویلنیو و نوژان همه آرام شده ولی از سمت بزژه و ودونی حرکت دشمن مشاهده

شده است و در جلو بستند و سمت اردان توی دشمن زیاد و تدارک بسیجو دیده

لیکن هنوز جنگ نشده است اما در عقب اردان توی میگویند چهل هزار

پروسیان در جنب پنهان شده‌اند و مکرران قلعه مورون مکرران قلعه

نوازی داشته است که ما خبر از سمت بر دیر صدای تفنگ

اسباب ساکه دوده و ... تصرف شده و مکرران



پاریس نوشته است که من با دویست نفر عسکر اردو و چهار صد پیاده نظام بحری و دست

دسته از فوج [illegible] جهت بازدید قریب الظهر بسمت برزه رفتیم و دیدیم که دشمن [illegible]

را خالی کرده بودند و بعد از تیر تفنگ شدید دشمن را از ده و ران بیرون کرد

تا چهار صد ذرع از برزه و انبارها را [illegible] و در عقب دو برزه چندین ستون از سپاه

دشمن صف کشیده مشاهده کردیم ولی یک توپ بحری از قلعه روشن ولیکن نگذاشته است که

آنها از ده و برزه پیش بیایند و سه ساعت بعد از ظهر عقب کشیدیم و [illegible] تعاقب

کرده متصل تفنگ می انداختند و یکی از صاحب منصبان ما گلوله به بازویش خورده و دشمن که

ده و ران آن را از دشمن گرفتیم به ازای یک سرباز بحری زخم خورده و [illegible] و پنجاه نفر از سپاه

[illegible] زدیم [illegible] زیان [illegible] ولی [illegible] قرار گرفته اند و بعد از چند ساعت

توپ اندازی از قلعه جات با توپ دشمن را ساکت کردیم و نگذاشتیم که سمت [illegible]

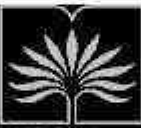
باستیان [illegible] که از زیان توپ ما بر ایشان رسیده باشد لیکن از ده نفر کشته

و بیست نفر زخمدار شده اند و از قلعه [illegible] آن مشاهده شده که دشمن بسمت برج کارهای

حصار [illegible] کرده است و مقدار هشت توپ که بسمت انداخته ایم عمل [illegible]

کردیم و نیز [illegible] امروز یک بازدید کاملی با عسکر اردو [illegible] پیاده بحری و سربازان

فوج [illegible] کرده است و بعد از تیراندازی شدید دشمن را از ده و ران آن بیرون کرد



قریب چهارصد ذرع از دو بر زه اشتبار را تعاقب کرده و چندین ستون پیاده نظام

که آنجا قرار گرفته بودند هر وقت که میخواستند پیش بیایند توپ قلعه روس ...

میکرد و در برابر قلعه جات دانود ای سی نقاط دشمن توپخانه در بالای کارخانه نهوژ

و تپه موران قرار داده‌اند موافق حکم حاکم پاریس این اعلام نامه که در باب جنگ ویل

ژوف است در معابر نصب کرده بودند حقیقت نیست که ما دات ویل ژوف و ساکر را

از دشمن پس گرفتیم و در سمت مشرق انگور نو و بزه دشمن را پس ران کردیم و در شب چند

دسته توپ از قلعه واد و نیز از جهت اردو زدن در اطراف ویل ژوف تردقشون

دیگر که آنجا بودند میرفتند و از ابتدای روز منتظر جنگ بودند و تمام شب پیاده نظام

با تیر تفنگ می انداختند اگرچه ضرری بدشمن نمیرسید لیکن از آمدن و ساکن شدن

ممانعت میکردند و دو ساعت از صبح مانده ابتدای جنگ شد پروسیان اول

توپ انداختند و از طرفین تیر تفنگ شنیده شد و از قلعه مورون خمپاره بحری بسیار

نیزهای کارگاه مدنی انداختند و این دفعه قشون ماسپاه در عین جنگ ... شدند و هیچوقت

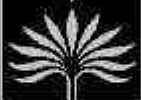
بنظام و دوشنبه گذشته نتوانند بجماعت اردو زده باستیان ویل ژوف از طرف

دشمن گرفته شد همان وقت همان شش عراده توپ آنجا گذاشته ...

ضرر بسیار با تمام رسانیدیم و چهار دسته عراده توپ پروسی با ما ...



توپشان را خراب کردیم و ایشان هم سه عراده توپ ما را خراب نمودند و در همان وقت که با سپاه
و یل زونیف را میگرفتیم یکدسته میترالیوز که اسباب صد سالک پنهان بودند ضعفا که
پر روسی را مستغرق نموده زبان آتشبار رسانیدیم بنوعیکه پانصد ذرع متجاوز عقب گشتند
خونبار ایشان بما نرسید که مصیبت و یکساعت بطور ماند جنگ و لزونیف بانجام
رسید فتح کردیم و بجای آن عراده توپهای که خراب شده بودند باز توپ و عراده
حاضر کردیم نه یک توپ و نه یک میترالیوز از دست ما رفت و احتمال دارد که قریب سی
عراده توپ روسیان را خراب کردیم و شنیده که بسیاری از ایشان کشته شده اند
اما صد و شصت نفر توپچیهائی که در سالک بودند صد نفر از ایشان کشته شدند و در
باستیان بیک سه عراده توپ ما خراب شد و یک عراده توپ بی عیب تنها ماند و بعد
هرچه قورخانه بود آن یک توپ بمصرف رسانید صاحب منصب و توپچیان که خدمت این توپ
میکردند اگرچه سه دفعه حکم مراجعت دادند نخواستند که تا تمام قورخانه صرف نشود از
جای خود حرکت نمایند و پانصد تیر توپ انداخته بودند وقتیکه تیراندازی را بانجام رسانیدند
گمان کردند که دشمن پیش ایشان خواهد آمد لیکن حتی صد سرباز روسیان نرسیده بود
که جرأت حرکت نداشتند و از دسته توپخانه ولزونیف نه نفر کشته و نه نفر جراحت
شیر و اسب تلف شد و تا عصر قشون ما در باستیان و لزونیف و اسباب سالک که

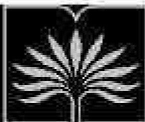


روز دوشنبه پروسیان کرده بودند تنگ شدند و از قراری که میگویند هفتصد نفر
از پروسیان در دو فرسنگی محاصره نموده اسیر کرده‌اند و ده عراده توپ از ایشان
گرفتند و چند نفر از پاریس بسمت مودون رفتند جهت چاپار اتفاقات آنجا بدین
تفصیل نقل میکنند که از راه اورلیان بیرون رفته هر دقیقه پیش قراولان مذکور
اذن عبور از ما میخواستند و در آن سمت همه خانه‌ها را جهت وسعت میدان تیر انداز
خراب کرده بودند و تیر چهار دیوار قبرستان مودون را هدف نموده بودند
و در مقابل از سنگ فرش جاده تعیین سنگری کرده بودند [illegible] اهل خانه مودون
دیدیم که یک دسته تفنگدار و چندین سرباز بحری و یک عراده توپ جهت سرکشی بیرون
فرستادند پروسیان کم کم از سمت [illegible] می‌آیند که آنجا مکان بگیرند با [illegible]
با تیر تفنگ تبدیل میکردند و دو نفر از ایشان زخمدار شدند و صدای گلوله پروسیان از
قلعه مودون بسمع ما میرسید و از قلعه [illegible] پاره اند هفته که پروسیان عقب
کشیده‌اند توقف داشته که جهت سرکشی فرستاده بودیم دوباره وارد قلعه شده
دیدیم که یک نفر زخمدار و دو نفر کشته پروسیان برمیدارند و از قراری که در باب جنگ
دیروز [illegible] فهمیدیم است که پروسیان هزار و پانصد یا [illegible]
صد یا پانصد نفر کشته یا زخمدار شدند قریب چهار صد پانصد [illegible]



نگهبان بیشتر ضرر کشیدیم چون دیر شد نادر و دروازه بسته نشده باشد لابدا بینجا
مراجعت کردیم . در راه دیدیم موسیو آراگو که کدخدای پاریس جهت تدارک
زخمداران و بردن زخمیها تا بورود میرود و مردم در سر راه او را تحسین و
دعای خیر میکردند و گفت تا من کدخدای پاریس هستم کلید شهر را بپادشاه پروس
نخواهم داد و امروز دفعه اول است که مترال بوزر که تازه ساخته شده اند امتحان کردند
پادشاه پروسیان بسیار خائف شدند و برنجها جائیکه با دسته ای بهم پیوسته شدند
خندق ها را گرفتند با مترال بوزر زدند و از این قرار معلوم است که پروسیان
خیال داشتند امروز سمت مورو جنگ نمایند ———

اخبار اطراف پاریس — یکساعت بنصف شب مانده توپهای
کوچک که بجهت سرکشی بیرون فرستاده بودیم پروسیان نزدیک پل بسنگلاه
میشان تفنگ انداختند و چند نفر از ما زخمدار شدند و توپهای خود را خالی
کرده عقب کشیدند و شب جمعه سوارها و ولی چند نفر از سواره پروسیان در
روبل اسیر کردند و پروسیان در تپه سنگلاه دسته توپ برقرار میکنند
و از قرار مذکور در سمت علاوه از پنجاه هزار نفر پروسیان هستند و دو ای
یک تنه خرابه شده است آنچه مانده دست منار کلیسا است



اخبار داخله پاریس ـــ تا بحال دویست و پنجاه بطالیان از فوج
رعیتی در پاریس برقرار شده است که تخمیناً چهارصد هزار نفر است هر روز
در اماکن مختلفه مشق میکنند تا آماده جنگ شوند و دیروز قبل پاره مکتوبات از ولایات
به پاریس آمد و خبر آوردند که در ولایات همه جا آماده میکنند تا با دشمن مصاف یا
مجادله سخت نمایند و جمعی از مردم قریب سه ساعت بعد از ظهر در عمارت
اوتل دو ویل با اجزای دولت مسقطه عارض شدند و تفنگ میخواستند جهت منازعه
با دشمن موسیو اراگو جواب داد که سوال خواهش شما عمل خواهم کرد حکایتی
از یک توپچی در قلعه سندنی جهت نشان تیراندازی او نقل میکنند و این
توپچی بحری شصت و دو ساله است به تیر یک توپ دشمن را خراب میکند یا اجزای ارابه صدمه
میرساند یا دسته سرباز متفرق میکند و با دوربین می پاید تا وقتیکه موقع و فرصت
می بیند توپ خود را بدون خلاف و خطا خالی میکند تا بحال میگویند چهل و دو توپ
دشمن را خراب کرده است ———

هوا کردن دفعه اول بالون چاپار را ـــ و امروز زمانی که در دور
توپ بر پروسیان می انداختند بالون موسوم به ... را جهت بر ...
کردند و یک ساعت از روز رفته یک عراده چاپارخانه کیسه های نوشتجات



در فیس جا پارخانه‌ها و بعضی از اجزای دیوانخانه حاضر بودند و چهارده روز این بالون
حاضر منتظر باموریت بود و یک ربع ساعت جمیع مکتوبات حاضر بود وقتیکه موسیو دارد وقت
که مشهور چنین سفر هست در این وقت سوار شد و حکم کرد که بالان را آزاد کنند و
طول نکشید که بارتفاع هزار و پانصد ذرع رسید و سمت شمال مشرق روانه شد
بواسطه باد ساعتی پانزده فرسخ به شدت میرفت و وزن بوشتجات که میبرد قریب چهل
من بوزن تبریز بود و دیروز که معلوم شد بوشتجات و بالون با هم نرسید ممکن
نشد لیکن امروز موسیو بکمال این کار را بانجام رسانید و در کار است
که از برای بعد باز چنین بالون مهیا نمایند ——

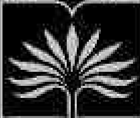
اخبار دولتی —— موافق خواهش مردم و قبول اجزای دولت مسیو ط
موسیو ایلچی دولت بمملکت انگلیس روانه شد تا آنکه اهل انگلیس را بدوستی اهل
فرانسه تحریص نماید و از جانب وزیر و خانه حکم شد که در خفیه کارخانجات هیچ چه
از ابتدای اول سپتمبر آنچه مخارج شود بیاورند اجزای دیوانخانه رسیدگی باشد
و از جانب حاکم پاریس اعلام شد که چون بعضی از سربازان فوج ملی با صاحب
منصبان ایشان در این روزها بی کار در پاریس گردش میکردند اما
دشمن شهر را محاصره میکنند و هر روز تهدید و مرده و از هر وقت گردش



منیت باید هریک در سر خدمت خود برای جنگ حاضر باشند و از جانب رئیس
چاپارخانه حکم شد که بجهت اشکال رسانیدن مراسله جات در ولایات مردم کاغذ
بسیار نازک استعمال کنند و لفافه هم نگذارند ـــــــــــــــ

روز دوشنبه بیست چهارم ماه سپتمبر

اخبار دولتی ـــ حکمران قلعه ی ستراسبورد به هوا در پاریس سه ساعت
بصبح مانده نوشته است که در اینجا همه آرام هستند و خبری نیست و از قلعه
سافرمین تو بحاکم پاریس خبر رسید که سمت برزن چندین دسته دشمن پیدا است و جنگ
ساعت نهم از روز رفته نوشته است که دیروز خبری نبود توپچیهای ما در ردیف
و سربازان جدید ما در جنگ بی رفیق ماندند سربازان کار را تمام و رفتار نمودند
و امروز در اینجا همه چیز آرام است و دشمن اظهار جنگ میکند لیکن در دور ساحلی
بسیاری از ایشان جمع شده اند و سه ساعت بعد از ظهر حکمران قلعه والرین
بحاکم پاریس نوشته است که اکنون پل شاتو را با باروط خراب کردیم و آسیب
امروز آرام است قلعه جات والرین و سنت دنی تنها نقاط حمله زیاد و تیر انداختند
اول بعمارت و توپخانه دشمن دوم بر پروسیان که کار
قلعه ای ... بسمت سر... و دمکانیکه گویا دشمن با ایشان



اخبار اطراف پاریس —— ژان ملی را که آتش زده بودند در کار
سوختن است امروز صبح خانها و دیوارها با صدای مهیب خراب میشدند و ازین
مکان فشنگ باصفا همان دیوارهای مخروبه باقی مانده بود و از قراریکه میگویند
میان سودان در پل سپاری از قشون دشمن میخواستند مکان بگیرند و دیشب
ژنرال رزو خبر کرد که مدارک جهت رختدادن بدوی در چهار خانهای توکلی و ...
ات و ... و یک چیل نوشته است که صبح هشتم ماه نزدیک لی بورف صد و پنجاه و هشت
نفر بودیم که از قراولی مراجعت میکردیم یکدفعه دسته‌ای از پروسیان پیدا
شدند و یکی از آنها در وقتی که بعرض جاده میرفت در حالت جنون فریاد زد که تفنگ
میندازید ما از سربازان محافظ آتش شما هستیم لیکن بعد از آنکه رو شد خودش تفنگ
انداخت بنابرین ما هم حکم انداختن تفنگ بر پا کرده و مدت سه ساعت با آنها جنگ کردیم
تا زمانیکه فشنگ ما تمام شد مراجعت کردیم و در باب توپچی که مذکور شد میگویند تا
بحال چهل و هشت عراده توپ دشمن را خراب کرده است با وجود خردی توپ که
شاهزاده ... است و یکنفر صاحب منصب ... ترس ... است و این مرد شما بفوجی می‌ارزد لیکن
این توپچی یک مرد مقابل دارد که این دو نفر در همه قشون مشهور مقابل ترین تیراندازانند
و هر عراده مخالف که به تیررس مقابل توپ ایشان باشد البته منهدم میکنند و

و هر دو از دسته پانزده هم توپچیان مجری میباشند ——

اخبار دار الخلافه پاریس —— یکدسته مهندس در برج [illegible] که بر بلندی خوبی واقع است قرار داده اند که دشمن غفلتاً نیاید و فوج داوطلب جوانان دیران تکمیل شده اند و چهارصد نفر ایشان شانزده ساله و هفده ساله میباشند و بسیار غیور هستند و همه پسرانند که یکی از ایشان در هشتاد و دو سال است که سرهنگ است و سفرای دول خارجه پریشب شورا کرده قرار داده اند اولا آنکه در شهر پاریس متمکن باشند تا [illegible] دولت فرانسه یا پروس ایشان را قانوناً بگویند دیگر مصلحت نیست که در شهر توقف نمایند و ثانیاً از دولت فرانسه و پروس خواهش نمایند مرسولجات خود را که ارسال شهر خود میکنند حامل را آسوده بگذارند ——

هوا کردن دفعه دویم بالون چاپاری را —— این بالون از جانب روسای چاپارخانه بسمت غربی پاریس روانه شد یک سرکرده با شخصی از جانب دولت مستحفظ در آن نشسته بودند و قریب شانزده من وزن نیز از نوشتجات و کاغذ مذکور موسیو ژول فور و موسیو جیب ورگ در آن بالون بود و امروز صبح که بالون را هوا کردند دو ساعت بعد از ظهر در [illegible] نزدیک منزل کاوره در آن [illegible] مستقر

بخوشی گذشت یک کبوتر که همراه برده بودند این خبر را ...

حکم دولتی — حاکم پاریس جهت محاصره شهر که از کافی التیاق در همه برای استعمال رساند حکم کرده است هر وقت که لازم است جهت تعمیره بیادتن و شهایا کارهای لازم دیگر و هر کارگری را لابداً بیاورند و بر آن کار بکار زنند ولی در چنین اتفاقات هر یک که خدمت نظامی و اشته باشند از آن خدمت معاف خواهند بود

روز یازدهم یکشنبه شب پنجم سپتمبر

اخبار دولتی — حکمران قلعه بی ستر بحاکم پاریس نوشته است امروز صبح همه چیز آرام هستند ولی دیروز از پیش قراولان که عبود و ر فرستاده بود سه نفر زخمدار شدند و از قرار اخبار سایر قلعه جات دشمن در هیچ جا حرکت میکنند و حکمران قلعه ایوری بحاکم پاریس نوشته است دشمن از جهت شوازی هنوز در حرکت است و در کار هستند و دسته دسته توپ مهیا نمایند و من شخص یاره تفرجها بفاصله چهار هزار و پانصد قدم برایشان انداختیم و انها پراکنده شدند

اخبار اطراف پاریس — موافق بازدید پیش قراولان دیروز دشمن از رود خانه سن در ارژانتوی رد شده بودند و میخواستند که در ارژانتا چند دسته توپ مقرر کنند و توپهای قلعه سنت دن و ابرکیش انها را منع کرده در طرف سنکلو زیاد هستند ولی در چشمه ها و بلندیها ساکن میشوند



و در جلو سنگرگاه و راه این سنگلو دشت توپ قرار داده‌اند و در بلندیها و در ساتی اردوی

بزرگ مقرر کردند و دیروز صبح زود یک فوج پروسی متوجه شدند و دسته توپ در جلو قلعه

اوبروتیه قرار دادند لیکن توپهای قلعه آنها را متفرق کرد و در سمت دروازه ایتالیان

قریب سه ساعت بعد از ظهر به مدت چند ساعت یک فوج پیاده نظام تولیه باو مشغول

محاصره بودند و یکنفر از ما کشته و یکی زخمدار و یکی مفقود شد و گویا پروسیان نیز همین

قدرها زیان رسیده باشد اما سود با ما بود چون دسته پیش قراولان ایشان را عقب بردیم

اخبار پاریس — هر روز ده لت تفنگ مخترعی تازه عوض تفنگهای

قدیم میدهند و چهار صد منصب از فوج اول سین که بعد از تسلیم شهر سدان گریخته

به پاریس رسیده‌اند و از وزیر جنگ خواهش کردند که با پیش قراولان مأمور شوند

و مهندسین پاریس چون دیدند که در دو جای محله شهر یک پرده آب خوبی داشت

و چاهها داده‌اند حفر نمایند و یک قصابی که تنخواهات گوشت را بقیمت معین نفروخت

او را گرفته جریمه کردند و حکم نمودند که دکانش بسته شود

روز دوازدهم دوشنبه بیست و ششم ماه سپتمبر

از شهر طور در سه شنبه این اعلام نامه رسید و بیست و

منتشر کرده است قبل از آنکه پروسیان پاریس را محاصره نمایند



وزیر امور خارجه خواست جهت استشعار منظور دشمنی موسیو جیف مرگ را به عهده و انجمن وزرا

پادشاه و علیم ابراز کرده است که روس میخواهد جنگ نماید و دولت فرانسه را حقیر

کند و ولایات الزاس و لورن و شهر متس را میخواهد متصرف شود و جهت قبول کردن

مصالحه توقف شهرهای استرازبورغ و تول و قلعه موتن و لرن را میخواهد تسلیم او

نمایم و اهل پاریس ازین خواهشات خشمناک شده و زیر خرابیهای شهر خاک شدن را

بهتر از قبول این خواهشات دانسته و چه دولت فرانسه قرار گذاشته که تا آخر

ایستادگی کرده جنگ نمایند و عسکران قلعه متس در ساحت اظهار ماندند یکم پاریس

نوشته است موافق اخبار که از علیجات جنوبی رسیده است قشون پروس جهت شوره

و دوسانی حرکت بسیار کرده لیکن اطراف پاریس آرام است ولی گاهی صدای تیر تفنگ

بعیش قراولان می آید بجماعت مغروب شده چهار خونباره از قلعه موتن و لرن

گوامی دو سه هزار نفر روسی آنجا بوده اند جسته نهاده به زودی سمت بوزی و عقب

کشیده اند از فواد تفصیلات که بما رسیده پروسیان در شهر بوژی ال هستند عمارات

و خانه ها را متملک شده اند و در عمارت ال میران چهار هزار نفر منزل کرده اند و عمارات

شهر سنکلو را تصرف نموده اند و قصبه بان تررا خالی کرده اند و آن تفصیل را یا عیان

از تکه پاریس آمده است نقل میکند زمانیکه پروسیان بدوما آمده اند و در هر خانه تا کی

چهل نفر وارد شدند اول کاری که کردند دیوارها را از عقب ها جهت تیراندازی سوراخ
نمودند چون در خانه من خوراک و شراب یافتند دو سه روز توقف کردند تا همه اشیاء را تمام
نمودند بعد از آنکه رفتند پروسیان دیگر آمدند از من جویا شدند که چه داری بیاوری
جواب دادم هیچ ندارم گفتند چرا آنوقت برای ما نگاه نداشتی گفتم پروسیان که اول آمدند
هرچه بود تمام کردند خشمناک شده آنچه اسباب در خانه بود از قبیل تخته و ساعت مجلسی
و سایر چیزها را شکسته خراب کردند

اخبار اطراف پاریس — چون در سمت راست رود خانه سن

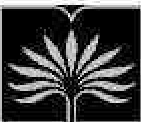
چند درخت بود که حایل و مانع بودند جهت تیراندازی بر پروسیان که در قلعه‌های
سنگی توپ برقرار کرده بودند امروز چهل نفر فرستاده آن اشجار را قطع نمودند دیشب
پروسیان یک بیاشی از فوج رمیتی را اسیر کردند چون بتقسیم پیش قراولان با دو نفر سرباز
او را فرستاده بودند وقتی که بیرون حصار رفتند یک دسته قراولان پروسیان
با ایشان برخوردند و بعد از صدای کلمن کیم پروسیان گفتند پیش بیایید اسم اشب
بگویید آن بیاشی یک قدم از سربازان خود پیش رفته پروسیان او را گرفتند
آن دو سرباز باز مراجعت کردند از این جهت سردار حکم کرده است



سرباز به بیرون حصار مامور بسرکشی شوند از دوازده و یا پانزده

بوده و قبل تو که یکدسته پروسیان منزل کرده بودند اهل ده دو تیر تفنگ انداختند
سرکرده پروسیان کدخدا را گرفته بنوع نظامی به تیر تفنگ کشت به بهانه آنکه گذاشته بود تفنگ
در دست رعیت باشد ———

اخبار روزنامه پاریس — جهت محاصره بسختی قیمت ماکولات زیاد شده است
بخلاف اسب که زیاد و ارزان شده است دیروز دیدم که چهل اسب بچهل تومان فروختند
و اسب با آنکه زمان سابق یکصد و پنجاه و دویست تومان بود حال از چهار تومان الی ده تومان
بیشتر نمیخرند وزیر علوم و علم حکم کرده است که شاگردان مدرسه بوناپارت در چهار هر ماه
اکتوبر چون زمان تعطیل گذشت دوباره بمدرسه بیایند هرگاه یکی از معلمین روزی بجهت جنگ
مامور شود یکی از سایر معلمین بجای خود بگذارد و یک بالون کوچک نیز از پیش آماده کردند
که یا روزها از بالای تپه مونمارتر هوا کنند و شب و روز کار میکنند که سه بالون بزرگ
جهت ارسال مراسلجات حاضر نمایند تا چند روز دیگر مهیا خواهند شد و خوب خیالی
کرده‌اند در بیرون کبوتر همراه خود جهت اخبار مردم که بالون صحیح و سالم بکدام مکان بزمین
رسیده است دولت مشروطه حکم کرده است که هر چه از قبیل مدارس و معلم خانه است جهت
تعلیم اطفال لازم است و نمیتوان انها را بهیچ جا مامور کرد مگر آنکه بحکم وزیر علوم بدون
حضور تعلیم و تعلم جهت آنها را برای انبار و مریضخانها منظور نمایند ———



روز سیزدهم سه شنبه بیست هفتم ماه سپتمبر

اخبار دولتی —— حکمران ورسن دو ساعت از روز رفته بحاکم
پاریس نوشته است که دیروز و دیشب این صفحات آرام بود لیکن پیش قراولان اردوی
اکثر شب صدای عراده توپ از سمت بری شنیده شد و این نقطه که در انبار تبه شوبان
بود آتش گرفت اندک اندک او را با خاک خواهند حکمران شهر اتمان بحاکم پاریس نوشته است
که یکدسته از لشکر پاریس به کرتیل جهت بازدید فرستاده بیک خانه رسیدند
که دشمن خود را در آنجا محصور کرده بود چون سربازان ما حرص بسیار به رفتن داشتند روسیان
از سوراخها و پنجره‌ها یکدفعه تفنگ بر ایشان انداختند لابد شده عقب کشیدند دو قراول
و یک اسب از دشمن کشته شد و ما نیز یک کشته و دو زخمدار داشتیم ——

اخبار اطراف پاریس —— پروسیان برای قرار دادن یکدسته
توپ در جلو شاتیلان شدت کار میکنند و امروز صبح یکدسته پیاده از سمت ویل ژویف
پیش رفته با پیش قراولان پروسی تیر تفنگ تبدیل کردند و چند نفر از دشمن زخمدار شدند
از سمت ما یک نفر مفقود و یکی زخم جزوی برگوشش برداشت چند تنگ اسلحه با یک کیف سربازی
که در او قهوه و کتابچه سربازی بود آورده شد و این دسته پیاده [illegible] حضرات
سیصد و پنج و سه نفر بودند صد و هشتاد نفر از ایشان در آن جنگ [illegible]



فرستاده و نوشته‌اند دیروز موسیو تودول نور یک رسول شهر در ساعتی بر نشسته و داد از دولت

که بر روسیان سفید دو دفعه جاپارانی که در مسلحه جات سفرا می‌رسید که بار در شدند و جواب

از مستاره ولی هم نرسیده است و حکم شد که در کوچه آتری ... جا میل بکنند چون خاطر جمع نیستند

که در انجمن یک پرده است ... جات شده ولی قول ای تا انجمن برقرار است و همه ... لازم

نشود ... و قطار آتش زنند مشکل است که روسیان با انجمن که نزدیک توپ است ...

و سفیر جمهوری موسیو آراتو امروز صبح کالسکه سوار شده از پاریس بیرون رفت جهت آنکه دو

پسر از رئیس جمهوری خودش با او سپرده شده بود محافظت ایشان با آنها رفت و تفصیل آتش

گرفتن نفط در ... این است که یک ساعت بعد از ظهر چون ... مشغول شده

افواج محافظ آتش با کدخدایان و مردمان محل در آنجا رفته مشغول خاموش کردن آتش شدند

و تلگراف ... بحساب شهر پاریس آنجا رسیدند از سرعت خاموش کردن متعجب شدند

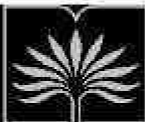
و جهت خاموش کردن قطار کشیده‌اند و سطلهای پر خاک بر آتش ریخته خاموش میکردند

بعد از تجسس سبب اشتعال معلوم کردند یک جوان ... نوجوانی در نزد یکی عمل نفط‌ها پیدا شد

و شناختند که حال کارگری بود بعد از آنکه او را حبس کردند اقرار کرد که چون سیگار میخواستم

بکشم کبریت زدم و اطراف من هوا آتش گرفت و گریختم و معلوم شد که بخار نفط در هوا بوده و چون

چلیکهای نفط نزدیک بودند و پوشیده نبودند هوای مشتعله بحر با آنها ... قریب چهار هزار ...



نقطه را مشتعل نمود

اخبار دولتی — چون افواج رعیتی جهت آسودگی پای تخت و رعایای دولت باشند

مثل سایر افواج جهت نظم مطیع حکم نظامی باشند بنا بر حکم شد تقصیری که از ایشان ابراز شود

در محکمه نظامی طی مرافعه اتمام شود و دولت متعهد در باب چاپارخانه‌ها حکم کرد که دو نیم هفته با اوان

مکتوبات مملکت فرانسه و الاجنبیه و ولایات خارجه برسانند و وزن هر مکتوب نباید از

هشت نخود بیشتر باشد و مزد رسانیدن آن یکدینار باشد و از جانب وزیر تجارت حکم

شد که از روز چهارشنبه بیست و هشتم ماه سپتامبر گوشت پانصد گاو و چهار هزار گوسفند هر روز

جهت اهل شهر فروخته شود و این گوشت را باشخاصیکه صرف اکل نمایند از جانب دولت اصحاب

معین بقیمت مقرری دولت بفروشند و این گوشت در هر قصابخانه باندازه مشتری تقسیم خواهد شد

روز چهاردهم چهارشنبه بیست و هشتم ماه سپتامبر

اخبار دولتی — عسکر این قلعه‌ها بی‌خبر بجماعت از روز رفته بحاکم پاریس نوشت

که موزه‌ها و ایزی خبر تازه‌ای ندارد و در بیرون حرکت توپخانه و قورخانه سمت ورسای

مشاهده میشود بجماعت بیشتر طول کشید و موافق تفصیل در باب جنگ که بیست و ششم ماه سپتامبر

نزدیک ... اتفاق افتاد و بحاکم پاریس خبر رسیدن ...

جرأت و حرص سرداران ما و زنان ملاقات دشمن که هشت هزار نفر



سپاه ما با ایشان رسیده و از ما سه صاحب منصب زخمدار و یازده سرباز کشته و هشتاد نفر زخمدار

شدند و امروز صبح یکدسته سوار که بسمت نولیه پیش قراولی فرستاده بودند با یکدسته

پیش قراولان پروسی ملاقات کرده جنگ با شمشیر نمودند و شش نفر ایشان را کشتند

و یک اسب از دسته ما زخمدار شد و ژنرال تروشو حاکم پاریس حکم کرد چون ظاهر گردید

که مردها و زنها بلکه اطفال از پیش قراولان ما که در جلو قلعه هستند رد میشوند با یکدیگر میروند

در خانهائیکه خالی است آنجهت بردن اسباب و خرج رسانیدن با آنکه میروند در اردوی

دشمن و پروسیان ایشانرا نوازش بکنند از اقوال ایشان مخبر حالات میشوند بجهت آنکه

چنین عملی نشود بجنگکران لشکر حکم شد که نگذارند کسی رد شود مگر کسانیکه تذکره

از حاکم پاریس داشته باشند و هر کس که تخلف کند او را گرفته بمحکمه نظامی میبرند

و هر کس در چنین اتفاقات بخواهد بگریزد قراولان مجبورند که او را با تفنگ بزنند

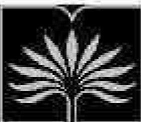
با وجود این حکم سخت و صحیحست که حکمران پیش قراولان باید جابجا پارستر و جنگجا

تذکره تقاعد داشته باشند و از آن عبور حمایت کنند ——————

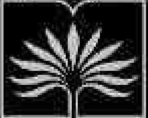
اخبار اطراف پاریس — دو شخص از آشنایان ما که بسمت سکلو

بگردش رفته بودند اسیر پروسیان شدند تا امروز از ایشان خبری نرسیده بود

تا کاندی لطیفی زاده و هر روز که بود از صف پروسیان رد شده کاغذها آورده و از آن



کاغذ نوشته بود که اهل سباستپول تا یک سرباز روسی همراه ایشان نباشد کوچه‌ها
بروند موافق خبر دادوچی که روسیان آنجا بزور بکار ریکاردی برده بودند
که روسیان در سر جاده و دسته‌های میان سباستپول و ویرانه‌های هستند و جرأت داده
شدن بی‌نهایت شده مبادا که غلط و یا دروغ آنجا قرار داده باشند و ماکولات و مشروبات
و زیرسای چنان وارد شده است که گشته‌ها در این هزار و چهار صد نفر و غیره و مگر آنکه ده نفر
از پیش قراولان مانده و آن کسی رفته با یک دسته پیش روسی دعوا کرده و کیل اینها
پیش رفته یک منصب روسی را که در این نظر اسیر گشت سه چهار نفر روسی زخمدار
شدند و یک گلوله از توپ کلاه یکی از سربازان را برده و یکی از راه‌های وزارت بحریه
محافظان آتش قرار داده است مخصوص عمارت وزارت بحری تا آنکه اسباب قیمتی غریبه
را محافظت نمایند و پیش قراولان یخ خورده روسی را تصرف کرده بیمارستان فرستادند
و کتاب و دیگر کتابخانه در این حکم کرده است که هر کتاب قیمتی را و دیگر چیزهای انتخابات ببرند
و چیزهای منسوب آن مانند تخته‌های عمارت را با جوال پر خاک گرفته اند و در جای
محافظ آتش با توپ لانبرات موجود هستند و امروز و دیگر دکان قصابها بیشتر
بود و معلوم شد که پانصد گاو و چهار هزار گوسفند کفایت می‌کنند و از
از ... که از ... گوشت را دیده است و همه زنهای ...



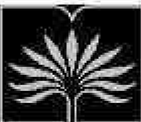
شده است بطوری که اگر خون باره و سفید بخاک نشسته و در ساعه دو فرسنگ تدارک از روی قشون
نزدیک تمام شدن است و حکم شده است که بقشون آذوقه روزانه بیش هر چه ممکن است بگیرند

روز یازدهم پنجشنبه بیست هشتم ماه سپتمبر

اخبار دولتی — مهندس برج ستقرتیو یکساعت از روز رفته بحاکم پاریس نوشته است که از سمت سندنی از صدای تفنگ معلوم است که آنجا جنگ شده است لیکن از شدت مه تشخیص مکان نمیتوان داد عسکران سندنی بحاکم پاریس نوشته اند چند تیر توپ از قلعه شرقی دشمن را از عمارت سنتنس بیرون کرده و ده برده را آتش زد ولی کار دشمن هنوز تمام نشده ولی مشغول تدارک هستند امروز دسته توپ برقرار کرده انها را خواهیم زد ——

خبر اطراف پاریس — در بعضی روزنامه جات خبر فوت کدخدای سنکلو داده بودند لیکن دروغ بود صحیح نیست از قرار یکه خبر آب داده است پروسیان عمارت سنکلو را تصرف کرده اند و در کوچه های شهر گردش میکنند ——

اخبار داخله پاریس — در میدان کلیسای نتردم توپخانه قرار داده اند چون آن مکان مرکز شهر است ممکن میشود که از آنجا زود به هر سمت که محل خطر است حمل نمایند و شخصی که به نام باجزای دولت مشروط این جواهر نوشته است چون مضاء را ندارم



صنعت قابلی ندارد یاد آوری شده جنگ از طرف ولایات است که مقصود و طلایهٔ پالمان بجهت

و چنین چیزی بر ضد میل جمهوریت و اهل خارجه دیدن چنین خبر را که علامات شکست لشکریان است

خوشش نیامده و باید گفت اهل فرانسه است خواهش میکنیم که دولت مستقیماً حکم کند که آن مقدار

خود را که در ضراب خانه ببرند و ضرابخانه زر فرستد را که با آنکه مبنا شده در ولایات کارخانه چاپ

را مخصوص برات و صحت تجارتی قرار داده بودند و اکنون که پاریس محاصره شده دست

دولت نمانده و دولت در پاریس تدارک دیده است بجهت برات دیگر که امور مردم در نظام

ایشان باشد و در شهر تور حکم شد که در ولایات مواجب مردم تقاعد داده شود و در

پاریس روز اول ماه اکتوبر فقط نصف داده شود و دولت مستقیماً حکم کرده است که مدت محاصره

شهر پاریس قاضیان ولایات و عمال دولت که بجهت بودن دشمن در ولایتشان یا به پاریس

آورده اند بکار خود بپردازند و رسیدگی امور مردم نمایند و دولت مستقیماً حکم کرد که

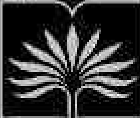
هرکس گندم یا آرد در شهر پاریس داشته باشد مگر آنچه ذخیره خانه او است به دولت

تسلیم نماید و قیمت آن موافق نرخ روز داده خواهد شد وزیر تجارت محکوم است که

این حکم را مجری دارد

روز شانزدهم جمعه سی ام ماه سپتمبر

از ژنرال دوکرو خبر رسید که چون امروز بارزو همت بوزی دل خواه



نشسته بودند مغلوب شدند و حاکم پاریس بژنرال سمت خبر داده است که با چند قشون بیرون

رفته بسمت شوازی لی رای و شوازی رفتیم همه این سنگرها که در دست دشمن بود توپ و لشکر

دشمن قرار داده بودند و بعد از تبدیل تیر توپ و تفنگ قشون ما با نظم عقب کشیده

خود مراجعت کردند و آنچه بما ضرر رسیده هنوز معلوم نیست که زیان دشمن از ما زیادتر

شده و روزنامه نظامی امشب بدین تفصیل است بعد از آنکه قشون سردار منسدوی و لروف

را تصرف کرده بودند دشمن هنوز در دهی و شولیه و شوازی بودند تا آنکه ترد

خود را با ورسای محافظت کنند و چند روز بود که میدیدند دشمن در آن سمت کار

حصار با استیان میسازند آنوقت حاکم پاریس قرار داد که باید از دو سمت بود و خانه بین

قشون فرستاد و تامین شود که قوت لشکر در آنجا که چه قدر است و بدین مقصود دو شب

لشکریکه زیر حکم ژنرال وینوا بودند در سمت قلعه جات ایوری و ویلژویف و هنوز در شب جمع شدند

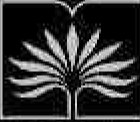
اول صبح که قشون ما بیرون از حصار آمدند همان وقت پروسیان توپ و تفنگ بر ایشان

انداختند و ما جواب دادیم بنوعی که اطراف ویل ژویف همه محل جنگ شد و سه ساعت

طول کشید و در وقتیکه قشونیکه زیر حکم ژنرال کیلم بودند با غیرت دشمن را از شوای لی

بیرون میکردند قشون ژنرال بلز داخل ده بیه شدند و ... توپ دشمن را تصرف

کردند و جهت بودن اسب سوار نتوانستند حمل و نقل نمایند لیکن در همان وقت قشون دیگر



که قریب بیست هزار که زیر دست دشمن منتظر بودند بامداد ایشان رسیده‌اند و ژنرال دیو اکوده

پیش از این نیستوان مانند که حکم مراجعت داده کردند و آنچه بعد رسانیده هنوز معلوم نیست ولی

از قشون ما که بدین در حصار ایشان حمله کردند زیاد کشته شدند بخصوص ژنرال گیسلم که مرد بسیار

رشید قابلی بود کشته شد و از صاحب‌منصبان ژنرال دو کشته که با قریب سی نفر کشته و زخمدار

شده و از حرکت و رفتار با رشادت سرباز خود بسیار راضی شد و اجزای مریضخانه نظامی هم

معالجه زخمداران با دقت و اهتمام تکلیف خود را بعمل آوردند و موافق خبری که از شهر تور تلگراف

شده و در روزنامه دولتی چاپ کرده‌اند موسیو تی یر خیلی ساعت پیشتر در شهر توقف کرده

و عازم شهر دوبیند شده و در آنجا هم بیش چهار ساعت بیشتر توقف نخواهد نمود و گویا در روز شنبه

به شهر رسیده باشد و کلام داریم که اهل آن مملکت جهت دولت فرانسه مضطرب شده و

از خود رای دولت پروس تعجب دارند و میل ندارند که از خاک فرانسه تکار شود

و قشون ما که حمایت توپخانه نمود و تشنه بسیار با نظم و قاعده مراجعت

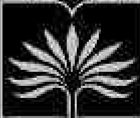
تفصیل جنگ حتی — فوج بیست و دوم پیاده نظام و بطالیان هم

لشکرداران و میل بسمت دوحی رفته و کمی بیش از باستیان و تروبف لشکرداران دشمن را

که در زمستان پنهان بودند ملاقات نمود و پروسیان عقب کشیده‌اند و توپهای قلعه

موروز که از قلعه باستر خبر شده‌اند دوحی توپ اندازی کردند توپخانه

مجری با بسیار با دقت و اهتمام است معلوم میشود دشمن که در آ



رسانیدند چون دیدند که قلعه‌جات ما بر ایشان تیراندازی میکنند خود را در آن ده محصور کرده

و رو در خانه‌های ده که مانند قلعه ساخته بودند پنهان شدند و جهت تیراندازی دیوارها

سوراخ نموده بودند و کوچه‌ها را با اسباب خانه و غیره و سنگ و غیره سد ساخته بودند

و سربازان ما چون پیش آمدند پروسیان یکدفعه تفنگ بر ایشان خالی کردند لیکن پیشدستی

بسر دشمن آمدند و از عقب خاک ریز بلند که در جلو ده ساخته بودند پروسیان پراکنده شدند

و یک قسمت از فوج فرانسه از عقب خاک ریز جنگ میکنند قسمت دیگر در حالت جنگ کردن

وارد ده شدند و در ده بنای جنگ سخت نهادند تا مدت دو ساعت که حکم مراجعت دادند

چون مقصود سردار ما نبود که هر دهی را که از دست پروسیان بگیریم در آنجا مسکن نمائیم و قبل

از بیرون آمدن آنجا را آتش زدیم که پروسیان نتوانند آنجا توقف نمایند ———

تفصیل جنگ شول تیسیه

یکساعت صبح مانده فوجهای پیاده نظام سی و چهارم

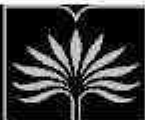
و چهل و دوم بنای جنگ نهادند و باید دانست که در آن ده ملکی که یکسال قبل از این یک

پروسی دو لغت اسب جهت دوانی سوقان گذاشته بود در همان مکان پروسیان

خود را محصور کرده بودند مثل ده حتی تدارک محافظت خود دیده بودند که کسی نتواند

پنجه بر ایشان بریزد و همان وقت یکدفعه سربازان ما جنگ انداختند و یکی از فرنگ

ما گلوله برگشتش خورده بود بعد از آنکه معلوم شد گلوله ملتفداق طپانچه هش خورده او را



صدمه رسانیده بود و این سرهنگ با سرباز خود بی تشویش و اضطراب بوده حمله کرده و شهر [را] متصرف شده بود

جنگ بی تیه دشوازی — اگر گذشته بودیم و دات بی یه دشوازی

را مانند حی و دشوی لیه تصرف کنیم جنگ عظیم میشد و ممکن بود در شوازی که مکان ما [illegible]

بود برای ما که ساکن بشویم چونکه شوازی بر جاده ورسای و از پاریس [illegible] بود و از این

شهرهای لبنات و ... ایشان حکم میکنند و اگر در شوازی قرار میگرفتیم مرابطه دشمن با ما

بسیار مشکل بود و ما بایست قشون امیر الجیش [illegible] وصل میشدیم اما در شوازی دشمن

غلو داشتند و جنگ بسیار سخت شد دو دفعه دسته توپ پروسی را گرفته باز از ما پس

گرفتند باری ما مراجعت کردیم و نمیدانیم پل بدی روسی را که مقصود ما بود خراب کنیم خراب

شد یا نه بعضی میگویند خراب شد و برخی انکار این مطلب دارند ولی مراجعت سپاه

با نظم شد و منصب‌داران لشکر با سرکرده دسته بدسته مامور شده‌اند که در مکان

جنگ همه ایشان حاضر باشند و در معالجه تکلیف خود را عمل آورند و میگویند که بر عراده‌ها

یا در هر مکانیکه محل معالجه بود دشمن تیراندازی کرده است ———

اخبار اطراف پاریس — شب جمعه در وقت شب که قشون ژنرال

وینوا حرکت کرد مقصود ما آن بود که تعداد و قدرت قشونی که در میان ...

بدانیم و میل شوازی را که احتمال دارد دشمن تغییر کرده باشد جهت آور[د]



بود سنگرهای خراب بکنیم و در شب حکم شد که بیست و دو هزار نفر از قشون ژنرال وینوا که

میان مورون و فی‌پاستر اردو زده بودند پیشتر بروند و در همان وقت قلعه مورون حکم شد

که هرگاه یک خمپاره از قلعه نی‌پاستر انداخته شود از قلعه مورون مدت نیم ساعت

خمپاره و گلوله‌ی توپ بیندازند و بعد از یکساعت باز نیم ساعت دیگر خمپاره بیندازند

و تا یکساعت و نیم بطلوع آفتاب مانده قشون وینوا نرسیده که در میان باستیانها

ساکت و بر روی سنگر نمانند و قرار بود که سمت راست قشون بجانب چپ و قلب بجانب

مشغول ... و چپ بجانب ... و سنگرهای حرکت کند و مقصود از آن دو حرکت کردن اول

آن بود که حرکت جانب سنگرهای ... شود و دشمن را در آوردن قشون از تیر مشغ

نمائیم در باب آنچه که یک روزنامه نوشته بود که ژنرال دوک رو با قشون خود دچ

سه ربع ساعت بر یک دسته پیاده نظام روسی که در جزیره کوچی بودند تیراندازی

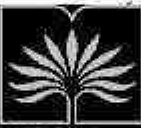
نموده‌اند گویا این جنگ در دو فقره خانه آن روزنامه واقع شد چون صاحب‌منصبان

قشون ژنرال دوک رو که این خبر را در آن روزنامه خوانده‌اند بر آن کیفیت واقف شدند

و ژنرال ژنوا با سیصد چهار هزار نفر جهت تجسس حرکت دشمن بسمت روئیل که در آنجا دو هزار نفر

باشی‌بوزوق و ده توپ حاضر بودند سه ساعت بصبح مانده آنجا رسیدند ولی روسیان از آن

کیفیت خبر شده بودند و ما نمیدانیم از کجا همیشه قبل از وقوع امر مخبر میشوند باری یکساعت بعد از



از راه عقب نشسته بودند بسمت دریچه‌ای رفته بودند و قشون ما بدون تیراندازی صبح بشهر [illegible]

کردند لیکن اگر یکساعت زودتر از راه دیگر رفته بودند دو هزار پروسیائیکه آنجا بودند

دستگیر میشدند و دیشب یکساعت بصبح مانده قریب پنجاه نفر که بسمت قلعه سندنی بجهت

قراولی فرستاده بودند با قریب صد نفر پروسی ملاقات کرده از دو طرف تیراندازی کرده

تا وقتیکه پروسیان دیگر از اطراف بامداد آنها آمدند و چون فاصلهٔ قلعه سندنی کمتر

از نیم فرسخ بود چند تیر توپ که از قلعه انداختند دشمن بمراجعت لابد شد و شخص خبر آورده

که پروسیان در عقب تپه‌های رنگ اردوی با حصار می‌سازند و این اردو در یک مکان

وسیع کنار باغات یالدسی و دیولی واقع است ——

اخبار دوشنبه پاریس —— خلیفه شهر پاریس دو ساعت بعد از ظهر از تفتیش

نظامی که در کوچه توفنار قرار داده اند آمده سربازان در خدمت ارادتش نموده است و مستحفظین

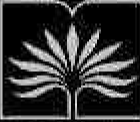
مریضخانه راجع نظم و پرستاری با وقت شایان تعریف نموده است و دیروز صبح ساعت

از روز رفته یک بالون چاپاری بهوا کرده اند و موسیو [illegible] تنها در آن بالون نشسته

بود و قریب بیست من وزن تبریز مکتوبات که تقریبا چهل هزار عدد میشود همراه داشت و

علاوه بر آن جهت پیران کبوتر بالون قریب صد هزار نسخه از نصف [illegible]

موسیو ژول لفور با موسیو [illegible] جهت مرگ بزبان [illegible] در آن بود [illegible]



رسانیدن خبر از رد شدن اردوی پروسی رسیدن بمقصد همراه برد و تماشاخانها

که یک مبلغ جهت مخارج از دولت میدادند خبر شد که از امروز ببعد این مبلغ داده نخواهد شد

احکام دولتی — بملاحظه تسخیر شدن شهر پاریس امور تجارتی و کارگری

منسخ میشود و اکثر مردم باید در دفاع کمک نمایند و دولت حکم کرده است که اجاره

داران خانها مهلت سه ماهه داده شود و وزیر عدلیه باید این حکم را مجری دارد

روز هفدهم شنبه اول ماه اکتوبر

اخبار دولتی — موافق روزنامه نظامی که نوشته شده است

یک ابوران بده حی رفته تا در باب معاوضه و خاک کردن کشته‌ها قراری بگذارد

و همچنین از سرداران پروسی راشوفنت ملاقات کنند و گمان کرده که پروسیان میخواهند

تعداد زخمداران خود را پنهان کنند و چند دفعه او را جواب دادند که در جاده کرتیل

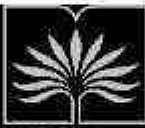
صحبت میشود گفتگو کرد و چند ژنرال کلیم را دشمن دیروز با حرمت زیاد دفن نموده

اخبار اطراف پاریس — اطبای مریضخانه نظامی دیروز سی و شش نفر

سرباز در قبرستان گاتان دفن کرده اند و دیروز یک بالون در بالای تپه بل و

افتاد وقتیکه بارتفاع سی ذرع از زمین بود پروسیان گلوله با او انداختند که

او را سوراخ کنند و در آن بالون نه کسی و نه خبری بود مگر جعبه حلبی که در آن چند هزار



نسخه روزنامه از ملاقات موسیو ژول فور و موسیو تیت مرگ بزبان نف بوده تا بالون

بزمین افتاد و دورش جمع شدند که بلکه خبری در آن بیابند و اکثر اینها از کلامشان معلوم بود

که تبرزین شده و چون یک باره از قلعه ناحیه خون پاره آنجا انداخت پروسیان

که تجیب علمی را همراه بردند و در جنگ ورژولیف که دو سرباز ما با هم بحث میکردند نسبت

به تیراندازی دشمن یکی میگفت زیاد تر بالا می اندازند و دیگری میگفت زیاد پایین می اندازند

در همان وقت آنکه میگفت زیاد بالا می اندازند یک گلوله شیانه بدنش رسید در وقت

زمین افتادن بدیگری گفت که صدق گفتم معلوم شد که زیاد و بالا می اندازند

اخبار و حسله پاریس —— پنجره های کلیسای شاپل با شیشه رنگین مشکل است

بسیار با وقت آنها را پوشانیده محافظت میکنند چون پانصد سال بیشتر است که بنا

ساخته شده است و در دنیا چنین صنعتی یافت نمی شود و پولی که اهل انگلیس محض خیرخواهی

جهت زخمداران فرانسه داده اند تا بحال سیصد هزار تومان شده است و همچنین هم جهت

زخمداران پروسی داده اند و چند ژنرال گیلیم را که پروسیان بسیار با حرمت نگاه

کرده بودند بنابر خواهش اهل خانه خودش انجمن را جهت ایشان فرستادند و دیروز وارد

شهر پاریس شد ظروف و اسباب نقره که در عمارت تویلری بود

که آب کرده مسکوک نمایند و باید دانست در جزیره گرنزیل که در رود خانه

و بسته توپ دیچ تراده و قرار داده، با نجا حکم شده بود نه اینکه پیش قراولان ما سمت

حلو و موانی بروند بر آنها تیراندازی کنند و در خانها که پروسیان منزل کرده اند

تیراندازی نمودند مخصوص تراده مسمی بفارسی بر یک عمارت نزدیک موانی که در آن جمعی از

پروسیان منزل کرده بودند با یک توپ که شش هزار ذرع تیررس او است و گلوله هشتاد من

بود آن تیر انداخت گلوله سه تیر اول از سمت عمارت که میز و از آن سمت عمارت بیرون رفته

بعمارت دیگر رسید و بعد از تیر چهارم غباری بلند شد و معلوم بود که عمارت دوم خراب

شده است و از این مشخص میشود که چنین تراده چه قدر بکار می آیند جهت حفظ خود و رفع

دشمن و آن تراده فارسی هجده نفر خادم دارد و ده نفر آن از اهل پاریس جمع شده

موافق روزنامه دولتی بقدر چهار صد هزار تفنگ که مردم در پاریس تقسیم شد این تفصیل است

دولت هشتاد هزار سرباز ملتی و پنجاه هزار تفنگداران مخصوص و نود هزار افواجهای عسکری

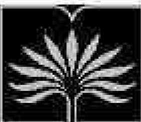
میلیس تقسیم شد و اکنون ده هزار تفنگ قدیم در پاریس بیشتر باقی نمانده است که بجهت اینها

در زمان احتیاج معاوضه نمایند یا جهت سربازانیکه مجدد گرفته میشود و دولت سخت حکم

کرده است اسبابیکه بجهت ... دولتی از یوم نوزدهم ژوئیه سنه ۱۲۷ هزار و هشتصد و هفتاد

گرو گذاشته اند از قبیل رخوت و اسباب رختخواب که بیش از یازده هزار قیمت زیاده نداشته

باشد بصاحبان رد نماید



روز پنجهم یکشنبه دویم ماه اکتوبر

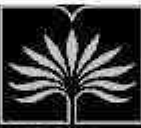
اخبار روولتی — دیروز منازعه واقع نشد لیکن توپ قلعه جات ما در بعضی
مکانها بر دشمن که جهت حصار کار میکنند و تدارک می بینند صدمه رسانیده و چندین نفر از
ایشان را که پیش قراولان ما اسیر کردند تعجب نمودند که هنوز وقت گشته نشده اند زیرا که نگشته
بدین نوع صاحبمنصبان پروسی در افواج خود شهرت داده بودند با آنکه سربازان ایشان فرار
دیگران قلعه مون ... در این یکساعت از شب رفته بحاکم پاریس نوشته است که امروز بعد از
ظهر من یکدسته پیش قراول بسمت مونت رو فرستادم چند وقت با پیش
قراولان پروسی دعوا کرده باز بانظم مراجعت کردند دشمنان چون دیدند جنگ شد
میخواستند از عقب با سربازان خود ملحق شوند بفاصله دویست و پنجاه ذرع خمپاره
درمیان ایشان انداختیم آنوقت عقب کشیدند

اخبار داخله پاریس — یکی از صاحبمنصبان سفارتخانه اسپانیول سفیر
خودش او را مأمور کرده بود که مکتوبات اسپانیول را بیک صاحبمنصب فرانسه تا حد
پیش قراولان خودشان آورد اصرار کردند تا اینکه نصف پیش قراولان بدو
رسید اتفاقاً ملتفت نشدند رد شود لابد شد مراجعت نماید و بالین ...
هوا کردند از صفهای پروسیان رد شد معلوم است که مکتوبات مورد ...

روز نوزدهم دوشنبه سیم ماه اکتوبر

موافق روزنامهٔ نظامی که یکساعت و نیم از شب رفته نوشته است هر امروز بارامی گذشت و دشمن درکار بسیج ساختن و تدارک دیدن خود است بجهت پریشانی کار و پراکندگی دشمن بعضی اوقات از قلعه جات ما توپ می اندازند دیروز که چند نفر پیش قراولی فرستاده بودیم با پیش قراولان دشمن که نسبت روخانه بشیق بودند تیر تفنگ تبدیل کردند تخفیف از دشمن کشته یا زخمدار شد و برپای یک وکیل ما گلوله خورد ________

اخبار و افسانه پاریس ___ امروز سه ساعت از روز رفته جنازه ژنرال گیلم داکه سلخ ماه سپتامبر در جنگ شوئیه کشته شد دفن بردند و ژنرال تروشو و موسیو اراقو با ژنرالهای دیگر و قریب دو هزار صاحبمنصب از قشون مختلفه همراه بودند دیشب یکساعت از شب رفته قریب دو هزار بچه پانزده شانزده ساله با سربازان سان دیده شدند و این اطفال جزو افواج ضبط آتش و پرستار مریضخانه‌ها باشند و قرار داده بودند که در صحن عمارت لوور جمع شوند تا آنها را انتخاب نموده فوج معین نمایند ولی صاحبمنصبان ایشان حاضر نشده بودند چون گرسنه بودند فریاد میزدند و نمیخواستند بیرون بروند نمیخواستند با تخته‌ها محلی ساخته که شب را آنجا بمانند و فوج معین آن



شدند که نیزه پیش نموده آنها را پراکنده نمایند و امروز که هنوز سه ساعت از روز رفته

بود نزدیک مون متره اینقدر جمعیت بود که کالسکه‌های ایشان نتوانستند بروند که چهار جوب نمایند

قریب ده هزار نفر آمده بودند اسباب و رختخواب خود را که گرو بوده بردند و از روز

ممکن نشد که ده هزار نفر بیشتر گرو دو نمایند ——

روز پنجم سه‌شنبه چهارم ماه اکتوبر

اخبار دولتی —— ژنرال دوک ده یکساعت از شب رفته اخبار کرده که

بعضی حرکات در قشون پروسی ملاحظه شد و امروز صبح چون چند نفر پیش قراول در

جلو قلعه نوژان فرستاده بودیم مختصر بیرون آمدن از ده شوآزی با چند نفر پیش قراولان

پروسی ملاقات کرده و پروسیان تیر تفنگ انداختند و جمعیت زیادی به حضوری ما

رسید ولی سربازان ما که پیش رفتند و به آنها رسیده تفنگ انداختند قریب

بیست نفر آنها بر زمین افتادند و از ما دو اسب کشته و یک اسب مجروح شد و ژنرال

آبر حاکم پاریس نوشته است که نزدیک دروازه دولاسیل نفت یا روغن نفت آتش

گرفته هوا رفته است و هشت نفر از صدمه آن زخمدار شده و ده نفر از ایشان محل خطر هستند

و معلوم نیست که از کجا آتش گرفته احتمال دارد که نفت یا باروت

و امتحان میکردند که ترسی نیست برای آن رسیده و آتش گرفت باری



که در آن اطراف بگردش رفته حاضر بود بدین قسم نقل کرد که چون بسمت دروازه

مل بو رسیدم صدای پرزوری آمد بعد از آنکه پیش رفتم معلوم شد که یک نقب

باروط آتش گرفته است و یک سنگی پرنگاری افتاده از آنگشت و قریب دو نفر از

محاصرین را زخمدار کرده و سنگها و میخ و آهن پاره قریب فاصله دویست ذرع ابدا

بوده و جانه های لشکر را خراب نموده بوده و موافق قاعده قریب چهار صد ذرع از سمت

دشمن رفته بوده و محل نقب سه ذرع و نیم عمق و ده ذرع عرض داشت ——

روز بیست و یکم چهارشنبه پنجم ماه اکتوبر

اخبار دولتی —— دو ساعت از روز رفته میر البحر رودن سی به

بحاکم پاریس نوشته است که قلعه مون والرین و باستیان پنجاه و نهم بجانب

مون تزو توپ می اندازند و نیز از سمت بیلان کور صدای توپ می آید و قلعه جات

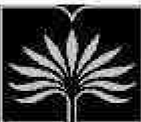
مونروژ و ای سی چند تیر توپ انداخته و از برج تروکدرو سه ساعت از روز رفته

بحاکم پاریس نوشته ام که سمت مون والرین و سکلو و ای سی صدای توپ

می آید و از دستگاه پاریس نوشته اند که از قلعه جات وانو و مون والرین هم

توپ زیاد می آید و حکمران قلعه ونسن بحاکم پاریس نوشته است که امروز

صبح حرکت دشمن از سمت مشرق بمغرب قریب یک فرسنخ مسافت از قلعه دور از آن مشاهده شده است



وارد و کلیه دشمن در دیوار باغ خانات دو سوراخها جهت تیراندازی میسازند

مواضع روزنامه نظامی چهار کیلومتری از پاریس که به کلمار یک ساعت بعد از ظهر جهت اردو

فرستاده بودند بخوبی بمقصود رسید و انگلیس زخمدار شد دو تفنگ و یک شمشیر و دو اسب

از دشمن غنیمت آوردند و امروز صبح از جهت تیراندازی قلعه مون والرین دشمن که در دو ماشینی

ساکن بودند لابد شدند که به بوزنوال بیایند و تیر از آنجا بواسطه تیراندازی توپ

بیرون رفتند و قریب هزار و دویست قدم فاصله از دو گردنیل تفنگداران ما سنگر که دشمن

ساخته بود حمله نمودند ولی مجدداً نشستند از آن سنگر گذشتند لیکن دشمن که در یک خانه پنهان

شده بودند بیرون کردند و چون دشمن مدد بسیار داشت لابد شدیم مراجعت کنیم و دو نفر

از ما کشته شد معلوم نیست که به دشمن چه قدر زیان رسیده است ——

اخبار اطراف پاریس —— دیروز دو سرباز از فوج ملی تیراندازان بیرون

رفته بودند که در اطراف بازدید نمایند بعد از نیم ساعت بمودون راه بخانه کوچکی که در میان

درختها واقع بود و بلندیت واشنده رسیدند و ایستادند تا ملاحظه نمایند که پروسیها

در آن اطراف پنهان نباشند بعد از آنکه درها را باز دیدند داخل شدند نانی که بجهة

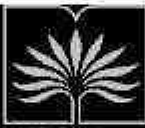
آورده بودند بخورند و خستگی دیدند روی یک میز کوچک غذای آماده و تفنگ

و یک دیگچه که شناختند مال پروسیها است آنجا بود تعجب کردند و



و در درب انبارخانه مشاهده نمودند و پروسیان از دیدن سربازان فرانسه در آنجا تعجب
کردند و فرانسویان اشاره کردند که باید شما خود را تسلیم دارید آنوقت یکی از آنها
خود را عقب کشیده و در را بجلدی بخت نموده فرار کردند با وجود این سربازان فرانسه یکی
از آنها را با گلوله کشتند و دیگری فرار کرده و دو تفنگ و یک طپانچه پروسیان که در آنجا نیز
همراه آوردند

اخبار روزنامه پاریس — دولت مستحفظ قرار داده است و در جوف
سربازان کاغذی نصب نمایند که اسم و رسم و سال ایشان نوشته میشود و در بعضی کاغذها
عکس آن سربازها انداخته اند زیرا در هنگام جنگ وحشی لباس سربازان کشته یا اسیر شده را
بجاسوسی بخواهند استعمال نمایند مشخص خواهد شد و پادشاه و ویلیام سفرای
دول خارجه که در پاریس هستند و از او خواهش کرده بودند که چاپارهای ایشان
مکتوبات بولایات خودشان برسانند جواب داده نمیگذارم چاپار رد شود مگر آنکه مکتوبات
باز باشند و بزبان متعارف نوشته شده باشند و قریب یک جماعت بطرها آمده دو
ایتالیان از فوج ... بقاعده نظام با منصب بان خودشان بعبارت جزائی دولت
مستحفظ آمده اند و سرتیپی در حضور اجزای دولت عرض کرده آمدیم تفنگ تازه جهت
دو هزار نفر که همراه هستند دو لیره و مستحفظ دولت شده میخواهیم و در خواستن چنین



تفنگی مختف زیرا که اگر بخواهند با این تفنگ قدیم با دشمن مجادله نمایند مغلوب گشته

خواهند شد اجزای دولت جواب دادند که تفنگ تازه باقی نمانده است و همه

بسربازها داده شده است و اسباب ساختن تفنگ در پاریس موجود نیست اما

توپهای تازه هر روز میریزند و قریب صد و پنجاه عراده توپ سفارش شده است که

--- روز بیست و دوم پنجشنبه ششم ماه اکتوبر

اخبار دولتی ——— موافق روزنامه نظامی که یکساعت از شب رفته رسید

یک هفته گذشت که در تمام روز چیزی مشاهده نشود لیکن در این روز حرکت

جنگی واقع شده مگر در سمتی که قزاول یک دسته قشون در یک باغستان که قریب

پنجاه صد هزار ذرع در جلو قشون فرانسه واقع است قرار داده و در این عمل یکنفر بیشتر خلل ندارد نشستیم و حکمران

و آلزین نوشته است موافق خبری که بمن رسیده تیر توپ با ضرر بدشمن رسانیده

در یاغات ننگاه و امروز این خبر از ولایات بدولت مشروطه رسیده که تمام ولایات

برمیخیزند و در صدد حرکت کردن جهت جنگ هستند و همه فریاد میزنند که یک گره

از زمین خود و یک سنگ از قلعجات خود بدشمن نخواهیم داد و تا آخر جنگ خواهیم

کرد و وزرای دولت که در شهر تور هستند اعلام کردند که فکر [illegible] تمام

جهت خلاص نمودن شهر پاریس از محاصره دشمن و شهرها و ولایا



جهت سد دو دسته قشون را که هشتاد هزار نفر میشد و یکی از این دو دسته قشون در سمت

رودخانه لوار است و میخواهد بجانب پاریس بیاید و همان دسته دیگر را جهت احتیاط

باید پنهان کنیم و در مکان دیگر یک دسته قشون هم چه از سیل و چه از رود طلب قرار میدهند

و سربازان رود آوکه در آنجا بودند مراجعت کرده حاضر میشد معلوم است که این خبر باعث

امیدواری مستحفظین شهر پاریس میباشد ———————

اخبار اطراف پاریس — اهل سمت چپ رودخانه سن دیشب بعد از

نصف شب از صدای توپ بیدار شدند و بعد از استفسار معلوم گردید که سربازان بحری از

قلعه مونروژ و وانو و دیر توپ بسیت و چین انداخته بودند تا آنکه دشمن را از حالت راحت و

غفلت بیرون بیاورند ولی دشمن باین مطلب جنگ التفات نکرده جوابی نداد و کدخدای

موت موران سی همان روز که دشمن شهر پاریس را محاصره کرده بود جهت نظم امور ولایت خود

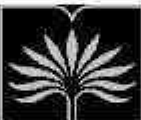
از پاریس بیرون رفته تا حال خبری از او نرسیده بود تا دیروز شنیدند که او و حکایت

در عمارت خودش در مرتبه فوقانی اسیر بوده با آنکه در مرتبه تحتانی هم شده است

لیکن قریب چند نفر از اهل آنجا را که دشمن غارت کرده است غذا میدهد ———————

اخبار روزنامه پاریس — در پاریس امروز قصابخانه‌های دولتی باز

شده است و قرار شده که خریدار گوشت باید ساکن همان محله باشد و از کدخدای محل کاغذی



داشته باشد که هم عدد اشخاصی را که باید غذا بدهد در آن نوشته باشد و تعداد هم

نفری در روزی قریب یکچارک گوشت بیشتر نمی تواند خرید آنکه مقدار انجلوط مربع یازده

یک ماه هر روزی که گوشت گرفته شود دیگری از آن خانه‌های مخطوط مهر شکند معلوم است مدبرهم

نمی‌شود تخلف از قاعده نمایند و علاوه در جوالهای خاک که جهت حفظ پرده‌ها و اسباب عجیبه

در حجره‌های عمارت لوور گذاشته‌اند یک آب انبار بزرگ در آنجا قرار داده‌اند که اگر خمپاره

انجا برسد ممکن باشد بزودی خاموش نمایند و دولت مشروطه جهت آنکه در بعضی روزنامه‌جات

تفصیلات محافظت شهر پاریس را می‌نویسند روزنامه‌جات قدغن کرده است که دیگر این

تفصیلات در روزنامه ننویسند زیرا که اطلاع دشمن از این تفصیلات بیجا و بی‌فایده است و اگر چنین خبری

باز اتفاق افتد لابد تنبیه خواهند شد ———

روز بیست پنجم جمعه هشتم ماه اکتوبر

اخبار رود ولتی — موافق روزنامه نظامی نوشته‌اند دیروز که چند نفر از

تفنگداران سمت بلندی جهت بازدید رفته دشمن را عقب رودخانه خورگ امدی جسته‌اند و

معلوم کردند که فوج خاصه پروسی در آن مکان هستند و یک دسته قشون دیگر که از فوج خاصه

زیاد هستند در دهات سی اردو دارند و تفنگداران با سپار ... یک گروه

و یکصاحب منصب ایشان کشته شد و بعد از ظهر تفنگداران سمت رود



باعث نیز وا داران دشمن که نشست در دو خانه بوده‌اند تیر تفنگ چند مین کرده‌اند و امروز صبح یکدسته
سرباز که در جلو قلعه بورتان فرستاده بودند تا به نزدیک توپ آمده از دشمنان هیچ
ندیده‌اند و ژنرال ونیوا امروز صبح حکم کرده است که قشون در کاشان را تصرف کنند و
چون توپهای قلعه جات مونروز و پاستر آنها را حمایت میکرد دشمن ازینها دست برداشته
و تکیه شده از سرباز سیل که سمت ده کاشان را بیازدید رفته بودند اسلحه و جوال آرد در جنگ پیدا
کرده‌اند و همراه خود آورده‌اند و با پروسیان ملاقات کرده یکنفر از ایشان کشته و سه نفر
زخمدار شده‌اند و باید دشمن قریب هشت نفر کشته یا زخمدار شده باشد ——

اخبار اطراف پاریس —— از سمت مغرب پاریس در وقت ظهر صدای تفنگ
بسیاری آمده و از قلعه ولرین خمپاره بجانب قلعه رویل و سنگاه و بوزنوال که محل لشکر
دشمن بود میآمد چشمه و تیر قلعه ای اتی بجانب بودان بر باستیان دشمن تیر میآمد جنگ
و معلوم است که اهل پاریس ازین متحیر شده‌اند ولی همینقدر محیر هستیم بروسیان را که مایل بودند
آمدن از آنکه خود بوده‌اند برکرده‌ایم و در حالتیکه تیر از قلعه توپ ولرین کار را حصار دشمن را
در ماینده‌ی بودان خراب میکرد ژنرال توبل خیال خوبی کرده که دو هزار نفر با جوال و کلنگ
فرستاده و بواسطه حمایت توپهای قلعه دو هزار جوال سیب زمینی که در مزارع آنجا مانده بود کنده
و جوالهای خود نموده همراه آورده‌اند و یک اسکادران از سوار و قشون رحیتی که جهت بازدید

سمت گرتیل رفته بودند پیاده فته با یک دسته قشون دشمن که پنهان شده بودند

و تیر تفنگ تبدیل نموده یک اسب از صاحب‌منصبان با چهار گلوله کشته شد و یک گلوله

به بازوی آن صاحب‌منصب خورده و سربازان بعضی از قلعه موو از چون فهمیده بودند که

عراده آذوقه برای دشمن نزدیک آن قلعه آمده بود در وقت شب به پنهانی رفته آنجا

و همان مکانی بود که هشت روز قبل جنگ سختی کردند اما این دفعه خنجر بر روسیان

حمله کردند یک دفعه خنجر بار روی ایشان رفته چاتمه‌های تفنگ بر روسیان اگر

پیاده فته با تیر و نیزه و خنجر بر روسیان حمله نموده علاوه از هشتاد نفر ایشان را

و دیگران سمت دیگر گریختند و عراده‌های خود را که آذوقه و عرق و گوشت و

ول کردند و سربازان تا صبح در آن مکان ماندند صبح سه عراده آنها را همراه خود

و باقی را آتش زدند و باید ملاحظه کرد که در آن جنگ یک تیر تفنگ انداخته نشد و یک نفر

از ما زخم برنداشت بخلاف روسیان که از آنها زیاد صدمه وارد شد و حکمران

قلعه‌جات یکی از آن عراده‌ها را به سربازان تقسیم کردند و یک ساعت بعد از ظهر یک فوج سواره

با دو فوج پیاده نظام و یک دسته توپ مادو میترال یوز جهت بازدید سمت نان تر

فرستادند زیرا که شنیده بودند که دشمن آنجا جمع می‌شوند و پروس

که قشون از زیاد هست نخواستند جنگ نمایند عقب کشیدند و وضع



نزده بودند مگر چند تیر که با مترالیوز انداخته شد با وجود فاصله زیاد از برای دشمن بلا

ضرر نبود و کدخدای سکنه بحاکم پاریس و حکمران مون والرین خبر کرد که باقی اهل سکنه

را جمع کردیم تا آنکه با سپاه جنگ وعده کرده اید بیاریم و دو عراده برای مریضان بود و

مابقی مردم پیاده بودند و قریب یکصد و پانزده نفر بودند که بواسطه زیادتی [illegible] بدون اذیت

دشمن نتوانستند از کنار رودخانه عبور کنند بعد از یکساعت به پل نویی رسیده به

محل معین خود رفت و سبب تعجیل رفتن این بود که روز پیش گلوله تفنگ و توپ خانه‌های آنها را

سوراخ سوراخ کرده و امکان ماندن نداشت و در حالتی خانه کدخدا یک خمپاره افتاده که همه

اسباب خانه را منهدم کرده بود ———

اخبار روزنامه پاریس —— موسیو ژول فور در زمان غیبت موسیو گامبتا

امور وزارت داخله خواهد پرداخت مطلقا حالت شهر پاریس خوب است نباید باور کرد که جهت محاصره

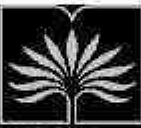
اهل پاریس ایلی و شورش بهمرسید بلکه تفاوتی با سایر اوقات ندارد و همان کالسکه‌ها

و مردم میان تماشاخانه و اسواق تردد میکنند و چون جمعی از مردم متصل مشق سربازی میکنند

از همین معلوم میشود که شهر پاریس محاصره است و باغات تیلاند و لوکسانبورگ که بسته

شده بود جهت تفرج زنها و بچه‌ها و پیران دوباره باز کرده‌اند و باغبانها مانند قبل خیابانها را

آب پاشی میکنند و اشجار و نباتات زراعت مینمایند اما هنوز تماشاخانه‌ها در باغات



تویل بری برقرار است و از آنجا توپهای بزرگ و عجیب ملاحظه می‌شود و تالارهای بزرگ

از عمارات پالروایال را جهت مریضان افواج رعیتی و سپاهی واگذاشته‌اند و اگرچه

اهل پاریس در ابتدا از گوشت اسب نفرت داشتند اکنون آن نفرت بالمره رفع

شده است و روزی قریب شش هزار من بوزن تبریز فروخته میشود و بجهت قیمت گوشت

اسب را زیاد کرده‌اند ولی چون در پاریس هنوز فراوانیست دولت میخواهد قیمتی

از برای گوشت اسب مثل سایر گوشتها معین نماید دیروز عصر جوق سرباز سیل باهم میرفتند

یکدفعه شخصی با لباس پاکیزه نزدیک ایشان آمده یک طپانچه رنگی خالی کرده و از آنجا در رفته

گشت دیگری آن شخص را گرفت بقراولی که نزدیک بود سپرد بعد از آن او را به بیمارستانی نزد [illegible]

هوا کردن دو بالون — امروز صبح جمعیتی در مورد منتظر هوا کردن

دو بالون بودند و چون معلوم شد که در آن دو بالون سیاحان بودند قدری تفرج

تماشا آمدند و در یکی از این دو بالون موسیو کامپیتا وزیر داخله و منشی او نشسته

بود و در دیگری موسیو سی و موسیو رنول که از بزرگان پیشکی دنیا هستند از جانب

دولت مأموریتی داشتند نشسته بودند بعد از آنکه با هم دست وداع دادند بالونها

بالا رفتند و یک ساعت و ده دقیقه کم ظهر مانده بود و هوا خوش [illegible]

که جمهوری مستدام باد و آن سیاحان که در بالون بودند کلاه



با دست حرکت میدادند و همین سخن منکشف شد و بسمت شمال مغرب سیر کردند چون قدری

بالا رفتند چنین بنظر آمد که در مراتع پائین خواهند آمد و مردم مشوش شدند بجهت اینکه

گرفتار پروسیان نشوند ببالای تپه رفتند اشخاص تماشا مینمودند باز دیدند بالونها را

بادی که ساعتی ده فرسخ است آنها را میبرد و از نظر افتادند و اکنون اهل پاریس منتظر

هستند کبوترانی که همراه برده اند خبر بیاورند که در کجا ایشان نزول کرده اند

احکام دولتی — چون لازم است که وزیر داخله با ولایات ارسال و

مرسول داشته باشد و اهل ولایات از خیالات پاریس مخبر باشند دولت منحفظ

جهت طول محاصره پاریس حکم کرده است موسیو گامبتا که از اعضای دولت

و وزیر داخله میباشد مأمور است که با سایر وزرا در شهر تور حضور داشته باشد و موسیو

ژول فور وزیر دول خارجه در زمان غیبت موسیو گامبتا با مور داخله پاریس میپردازد

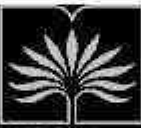
و سواد این حکم وزیر داخله امروز صبح با بالون رفته است و این حکم را که باید در

ولایات فرانسه منتشر نماید با خودآرای فرانسویان اهل شهر پاریس در این استحکام

مورد تماشای همه عالم شده اند شهری که چهار کرور خلق دارد و از هر سمت محاصره

شده است و جهت غفلت و تجاهل دولت امپراطور که لشکر برای حفظ خود نداشت

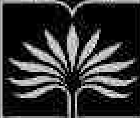
و با جرأت و بی تشویش خطرات و صعوبات محاصره را قبول کرده و شش چنین هنر از آنان



نداشت خیال کرد که پاریس بی محافظ است ولی دید که پایتخت اسباب محافظت مستحکم
دارد و چهارصد هزار نفر همشهری ارخودرا منحصر محافظت شهر پاریس نموده و از عزم
خود دست نشسته اند و دشمن نیز گمان داشت که اغتشاش در شهر خواهد افتاد چه
اغتشاشی جهت دشمن از توپ کارآمدتر است اگر دشمن منتظر اغتشاش باشد طول اواز
چون اهل پاریس‌ها هم مشغول شده اند اسلحه و آذوقه دارند و با غیرت می‌باشند و ابداً از
از پایتخت فرانسه نشده و اهل پاریس میدانند که با خودشان است و از نظم کامل و از خبر
معلوم شد که مدت چند ماه منع محصوری دشمن نمائید ای فرانسویان برای مملکت و عیال
که اهل پاریس بدهم آهن و آتش دشمن ایستادگی مینمائید شما که پسران خود را بباد داده اید
سربازان چیل با جرأت فرستاده اید پس همه با هم برخیزید و امداد ما نمائید زیرا که چون شما
با ما همراهی کنید شاید خواطر جمع میشویم و فرانسه را نجات خواهیم داد و این کاغذ منتظم ما را کبوتر
در پاریس نوشته شده است

روز غیب چهارم شنبه هشتم ماه اکتوبر

اخبار دولتی — حکمران قلعه نوازی دو ساعت از شب جمعه
بحاکم پاریس نوشته است که امروز بعد از ظهر دشمن را از ده با
شب انجا ماندیم و بعد از آن خانه‌ها را که در نزدیک قلعه‌جات ما بود



نمودیم و دشمن که دسته تفنگدار خود را در عقب دیوار و در چشمه‌ها با جوال پر خاک محفوظ کرده بود

و تیر می‌انداختند علاوه بر آن با توپ و میترالیوز نیز تیراندازی میکرد دید و فقره شلیک

توپ ما از قلعه‌جات آنها را در تعویق مکان وادار کرد و توپ یکی از قلعه‌جات ما که پشت کوه دشمن

یک تیر میترالیوز آنها را میپراند و تفنگداران ما دشمن را از محل نشان بیرون کردند و آنها را

در چشمه‌ها از تیراندازی ساکت کردند و من تمام حرکات قشون خود را با دوربین ملاحظه

نمودم چون دشمن ضرر خود را احساس میداد نتوانستم زیان آنها را تعیین نمایم لکن یک

وکیل از پیاده نظام بحری کشته شد و سه نفر مجروح داشتیم و در زوال دو کمپانی

پارسیس نوشته است همراه میترالیوز پیاده دیدیم رفتیم و ستون ما که از تفنگداران

پارسیس ششصد نفر و سه بطالیان پیاده نظام آزاده نان ترنتابال میترالیوز رفتیم و دیوار باغ را

با توپهای کوچک خراب کرده داخل شدیم در آن وقت چهار دسته از جنگل بیرون و این و

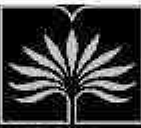
چند تفنگدار در سمت جنوبی باغ مشغول همین حرکت بودند اما از بدبختی دشمن بیرون

رفته بود تا نزدیک خانه‌های ولدیوزی ولی رفتیم غیر از چند سواره و دو خمپاره

توپ که از بوزی ولی بر سواران ما در مزارع رو به حیل صف کشیده بود تیر می‌انداختند

خبری مشاهده نشد و نیز ما که در سمت چپ رودخانه تنین حرکت میکردیم پیش قراولان

فوج رژیمان از مزارع زدند ولی به رفتن تا کنار رودخانه رسیدند و با دشمن که سمت رودخانه



بودند تیر تفنگ تبدیل نمودند با وجودیکه اول جناب فوج ملتی بود سپاه با جرات جنگ کرده

و ایستادگی نمودند و نفر کشته و زیاده و نفر از ایشان زخمدار شدند و خبر دیگر با رسید

که دیروز باطالیون هشتم تحمل پاریس بر فوج خاصه دشمن که در ده دران سی بودند یک حمله

نمودند در حصار اعقب نشانیدند و در تعاقب چندین تفنگ خود را ول کردند و [illegible] نفر اسیر

هلاک شده یک نفر زخمدار داشتیم   در باب اقدام شورش جمهوریان کمون   در روزنامه دولتی

چاپ شده است که اعلام نامه دیواران نصب کرده که افواج رعیتی در شنبه هشتم ماه اکتوبر باید

در میدان اوتل دوویل جمع شوند تا آنکه اجزای کمون را تعیین نمایند باری اجزای دولت که

اهل پاریس را معتبر میدانستند که این چنین رفتار نخواهند رفت تهیه مخالفت اینگونه رفتار

ندیده بودند و یک ساعت و نیم بعد از ظهر قریب سیصد چهار صد هزار نفر در میدان اوتل

دوویل آمده زیاد میزدند کمون پاینده باد و تا نیم ساعت بعد از آن هشتاد و چهارم بطالیان

از قشون رعیتی در میدان اوتیل دوویل که در صف ایستاده بودند مردم زیاده تر شدند و بیشتر فریاد

میزدند ولی اکثر مردم تماشاچی بودند و مداخله باین امر نمیشدند بلکه معاندانه تنها بوده و در [illegible] بعضی

این حال بودند و نار مخالفت خود را در این اغتشاش اظهار میکردند و در همان وقت ژنرال

ترشو رسید و مردم از آمدن او اظهار خشنودی مینمودند لیکن [illegible]

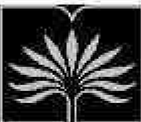
شد که بعضی میخواهند مخالفت با اجزای دولت بعمل نمایند افواج رعیتی [illegible]

کمون
نقل از جمهوریان شده
مجلسیکه اهالی انتخاب
در میخواهند میان [illegible]
تقسیم شود با شوره



و آن اشخاص کج عقیده چون دیدند که نمی توانستند از پیش ببرند کم کم پراکنده شدند و اجزای
دولت از عمارت اوتیل دو ویل بیرون آمده افواج رعیتی را که در جلو عمارت بودند سان
دیدند هزاران و سایر مردم که آنجا بودند فریاد میزدند که جمهوری مستدام و دولت
مستحفظ پایدار باشد و کمونی معدوم شوند و بعد از سان صاحبمنصبان ایشان دور موسیو
ژول فور جمع شدند و موسیو ژول فور با ایشان مکالمه شکرگذاری نمود و از این گونه سخنان
با ایشان گفت و از حرکات شما معلوم شد که میخواهید تقویت به دولت مستحفظ نمائید و اکنون که
همه با هم متعهد شویم و پاریس را از دشمن محافظت نمائیم و سعی کنیم که از اهل خودمان کسی با
اعتنا مع نشود و در همین باب نیز موسیو ژول فور یک کاغذ شکرگذاری بسردار کل فوج رعیتی
پاریس نوشت

اخبار روزنامه پاریس — هشت روز قبل در دکاکین گوشت تنگ
شده و ترشی جات و مربا آلات و ادویه جات بسیار بود و اکنون هیچ یافت نمی
شود و سبب نبودن چیزهای لازمه را باید دولت ملاحظه نماید و بقال در زمان
فروش میگوید این ران آخری است از ران گراز که من دارم و موافق ظاهر مشتری
هشت تومان نه تومان و ده تومان میخواهد ولی اطاقی که در زیر دکاکین است از اینگونه
ماکولات پر است از چیزهای خوردنی پیداست هرگاه کسی از آنها بخواهد بقال نمیدهد و



میگوید که انتخاب ذخیره من است

روز بیست پنجم پنجشنبه نهم ماه اکتوبر

اخبار روزنامه پاریس — یکساعت از روز رفته حاضر باش میزدند یکفوج
رعیتی که هزار و پانصد نفر بودند بعد از یکساعت در سربازخانه عقب عمارت دبیل آدویل حاضر
شدند چون مشغول مشقشان بودند تا وقت ظهر کسی در میدان عمارت پیدا نبود مگر چند نفری
از سربازان فوج رعیتی که مشغول مشق بودند و در وقت ظهر بطالیان سیم فوج در میدان عمارت
مربع صف کشیدند در همانوقت صدای هیاهو از گوشه میدان ظاهر شد واین
بود که یکی از روزنامه نویسان قدیم روزنامه های چاپخانه بود و اکنون سرهنگ فوج رعیتی
مقرر شده است زمانیکه دید بطالیان سیم صف کشیده است فریاد میزد که گویا
این نامردان میخواهند با ما مخالفت کنند و یکی از آنها پرسید که از کی حرف میزنید
جواب داد که از همین نامردان که میخواهند مخالفت حرکات ما نمایند گفت پس شما
سرباز رعیتی میگویید همانوقت مشتی بر سرش زده او را گرفتند و چون گفته بود
که من آشنای موسیو روشفور که یکی از اجزای دولت مستحفظ میباشد هستم او را در
حضور او بردند و سرباز رعیتی را متهم کرد گفت که مرا با نیزه ...
معلوم کردند دروغ است او را تا شب دستاق کرده همینطور ...



دیگر از فوج جیتی سربازان خود فشنگ داده گفته بود که با عبارت آتش و اول میروم تا مگر

تجزی دولت محفوظ نگیرم در آن هنگام سربازان او از این سخن کدیث شدند او را گرفته

برای تسلیم سپردند و امروز ژنرال تروشو حاکم پاریس حکم کرده است که در محکمه نظامی حال

مرافعه او نمایند و وزیر علوم حکم کرده است که اشخاصیکه در مدرسه‌ها منصوب بوده اند

و بدون سبب در این محاصره از پاریس بیرون رفته اند سیاهه نمایند که آنها معزول شوند

روز بیست ششم دوشنبه دهم ماه اکتوبر

اخبار دولتی دیروز خبری نشد مگر آنکه دو ساعت و نیم از

شب رفته یک مکانی در سمت ژرول آتش گرفته بود و معلوم شد [illegible] شده است

و قریب یکساعت نصف شب مانده از قلعهٔ مون والرین چند تیر توپ انداختند و نیز در همان وقت

صدای توپ از قلعه‌جات و انو وانسی می‌آمد و تا صبح تمام صبح همچنین بعضی اوقات صدای

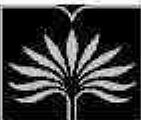
توپ می‌آمد ولی قریب دو ساعت از روز رفته از مون والرین صدای توپ اتصال بوده است

و دشمن در آنکه آنکار میکردند در روزهای گذشته امروز تمام نشد و دسته‌ای که

در باغستان مونت ریی و ترواژی جهت حفظ کارگران و وزارعان بودند [illegible]

از سمت امروز بعد از ظهر با دشمن جنگ سختی کردند و در خارج بیشه که منزل داشتند

دو عراده توپ نهاده و دوازده خمپاره برپا کرده انداختند ولی از قلعه‌جات بزودی



تیراندازی بقاعده نموده آنها را پراکنده کردیم چون دیدیم که یکی از توپچیان

دشمن با دست بدون اسب کشیده بودند و اسبان ایشان زخم خورده و در بیابان میدویدند

و طول نکشید که عراده دیگر را با دو اسب بصعوبت بردند و پانزده نفر از آنها زخمدار

از آنها از راه میران با آتش به بیشه تا امیر فشد و یک سرباز پیاده کشته شش نفر دیگر زخمدار

شدند و مشکل است که کسی بیش از سربازان ما رشادت نمایند زیرا که خودشان را گاهی از دشمن که

در پنهانی هستند جنگ کنند و دیشب دولت مستحفظ جهت اخبار تلگرافی از رسیدن

موسیو کامبتا مخبر شد و موسیو رنالفور وزیر داخله این خبر را بدین مضمون اعلام کرد

که دو ساعت از شب رفته از شهر مونتدیدیه تلگراف شد که ما بعد از صدمه‌های ورزش

به بی‌نوز شهر نوز رسیدیم و توانستیم که از صدمه تفنگداران پروسی نجات یابیم و

بامداد که فردای به بی‌نوز است که تا آنجا رسیدیم و یکساعت دیگر عازم شهر آمین

میشویم و از آنجا با راه آهن تا شهر تور خواهیم رفت و سربازان پروسی در ایالات از

دورتر از شهرهای کلرمانت و کوم پی ین و کریل شده و در ایالت سوآم هیچ پروسی

نیست و در همه جا مردم جهت جنگ کردن برخیزند و هیچکس از دولت مستحفظ خشنود هستند

اخبار اطراف پاریس — پروسیان و لایات ...



و نان زیاد تصرف کرده اند ولی زیاد خسته شده اند غذاهای پ...

ذرت‌ها میکرند غذای ایشان مرغ است در عوض بلکه نانی جهت خوراک خود ندارند و دیروز

صبح دسته‌های توپ که مخصوص شده‌اند قبل بالای تپه بین سون قرار بگذارند

را خراب کردند و دیروز ژنرال وینوا که بالای تمام دور خود را بازدید قلعه‌جات را نمود و

مراجعت میکرد وقتیکه نزدیک بازار مورد رسید فوج رجیقی که آنجا مشق میکردند

سپاه را از او اظهار خشنودی نمودند و یک پی یانو در قلعه نوژان است که

با او بازی میکنند و همین نوع کمیر ایشان اند پریروز وقتیکه به بازدید رفته

بودند تا دهروی رسیدند چون داخل عمارتی شدند دیدند که چند نفر پروسی بجا

گذاشته این پی یانو را میزنند و تصنیف میخوانند سرباز ... چون سپاهیان شاد دل

از آنجا بیرون کردند پی یانو را برداشته به نوژان آوردند و در عمارت

وزارت خارجه یک مریضخانه قرار داده‌اند که اهل خانه موسیو ژول فور توجه تمام

در برای مریضخانه‌های مطلق کارخانجات دخوت و پارچه که جهت مریضخانه لازم است

در تماشاخانه کمدی قرار داده‌اند و در باب موسیو ... گفته بودند دیروز از پاریس

بیرون رفته است و زمان بیرون رفتن ایشان هنوز معین نشده است اگرچه میشود که

امروز هم بیرون رفته باشد و دیروز صبح بهمراه موسیو واشبرن موسیو

ژول فور را ملاقات کردند و گمان است که این سردار امری کلانی نه تنها بجهت کمک

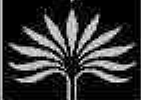
همشهری خود از بیرون قشون پاریس بوده است سفرا اول موسیو بن بن جامه به ورسای مقصود مأمور دولتی بوده میگویند که اگر در اردوی پروسیان رفته است مثل دو سردار امریکائی دیگر جهت تماشا بوده و اگر به اردوی پروسیان رفته‌اند این است که سرداران امریکا نتوانسته بود در اردوی خودش حرکات لشکر از نسبه ملاحظه نمایند و آمده و رفت موسیو بن ساند از اردوی پروس به پاریس احتمال دارد که تمام محض دوستی دولت ونیز هست ولی ما میدانیم که این سفرا اخر از باعث خواهش موسیو ... مرگ بوده و دولت ما باید که در این باب یک اخبار بیاد دهد و پادشاه پروس را به این حال بفهمد که اگر نخواهد لشکرش در اطراف پاریس تمام شود و از خاک ما برود دیگر دلیل است از برای ما که بیشتر چالاکی و جرات نمائیم و سرداران ... احتمال داده که امروز ما به ورسای برود و البته موسیو ... مرگ خواهد گفت چون ... پاریس ... چاپاران سفرای خارجه هفته دو دفعه از صف پروسیان رد شوند مردم پاریس ... را بسیار خوشنود نکنند و ... نمیتوانند به موسیو ... مرگ بگویند که دولت ونیز ... بگذارند و از آن وحشت ... نمایند که دشمن هر کاه نخواهند از خاک ایشان بیرون بروند

تفصیل شورش کمونی در پاریس

دیروز قریب یک ساعت بغروب مانده در بعضی از محلات پاریس حاضر باش میزدند و بعد ... رعیتی با تفنگ بسمت عمارت اوتل دو ویل میرفتند و ...



مردم در همان مکان که اخباری دولت مستحفظ نزول داشتند جمع میشدند و از
قراریکه روز چهارشنبه گذشت و بعد از آنکه در روز با آنها چند مصلحت دوستانه
نسبت مردم چاپ کردند احتمال داشت که اهل کون در این زمان از خیال شورش و
اغتشاش دست بردارند و ملتفت شوند که در ایران ما یک دشمن داریم و بس که [illegible]
باوجود این سیصد چهارصد نفر بدعقیده سعی کردند که اهل پارس را بر دولت مستحفظ
بشورانند ولی هرچه فریاد زدند که کوتی زنده باد کسی جواب نداد و از حرکت ایشان
معلوم شد که مردمان پاریس طالب اغتشاش نیستند میخواهند حمایت دولت مستحفظ
نمایند و از این قبیل اشخاصیکه در میدان اوتل دو ویل جمع شده بودند بزودی سربازان
انها را متفرق کردند و مثل روز شنبه بطالیان فوج زمینی صف مربع کشیده بودند و
بزور که سربازان زیاد میشدند توسیع در صف نمایند تا در تمام میدان صف کشیدند
و مردم نا پدید شدند در کوچها عقب بروند بعد از آنکه یک بطالیان از فوج میل وارد
حیاط عمارت کردند درهای عمارت را بستند و قریب یکساعت از رفته بود و
در مرتبه دویم عمارت شبها روشنائی از پنجرها ملاحظه میشد و جمعی که در کوچه
ری والی زیاد بودند بخصوص اظهار میکردند از این اشخاص که هر روز خیال دارند
شورش کنند بازی قریب یکساعت و نیم از شب رفته شیپور بازگشت زده



افواج بمنازل خود رفته‌اند و این دفعه نیز معلوم شد که دولت مستحفظ از امداد و وجه

رعیتی خواطر جمع است و یکساعت بیشتر طول نکشید که افواج از هر محله پاریس و عمارات

دوتیل و دویل حاضر شدند و دولت مستحفظ گردیده است پول ضمانتی که روزنامه‌نگاران

بدولت می‌سپردند موقوف شود و هرکس بدولت وجه ضمانتی داده است بعد از آن

جناب مخیر است که امانت خود را از دولت دریافت نماید ——

روز بیست و هشتم سه‌شنبه یازدهم ماه اکتوبر

اخبار دولتی —— موافق روزنامه نظامی دیروز در جلو صف قشون ما

بسمت جنوب که تیررس توپ ما بود حرکت دشمن زیاد ملاحظه شد و حاکم پاریس سواره

باستیانهای ساگ و بریزیر و دو گردیف رفت و همه آن اهل را مستحکم [illegible]

و یک خونپاره از پروسیانها خیلی شد بر یک خانه که دشمن قراول‌خانه خود قرار داده

بود تقریباً باز گشت و در همان شب ژنرال سلان شافخانه معاود را که مکان سپاه

نگارا مدتیست از برای ما نیز اکه در قرب ده کاهشان واقع است که ما در آنجا تدارک

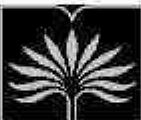
حصار و مارپیچ دیده ایم تصرف کرده است و یک گلوله از بالای یک تاپ پرواز

مارو شده است و در [illegible] گشت و یک ساعت از شب رفته نوشیدند که [illegible]

مساویرا که مکان پیش قراولان دشمن است و جنب ده کاهشان



و شب اجرا و پرداخته شد و بعد از آنکه بجهت اخبار پنج توپ از قلعه مورو را اخذ
سربازان ما بزودی پیش رفته و محل انتخابیه و جاهای دیگر که در نزدیکی آن بودند
شدند و بسیار اسباب مشاهده دشمن و آثار رفتار ایشان در آنجا یافتند
و وقت ندارند که حفظ خود را در آن مکان دیدند و تمام شب را در این کار مشغول
بودند بدون آنکه دشمن میل مخالفت داشته باشد اگرچه پیش قراولان ایشان بمسافت
سیصد ذرع پیش آمده بودند و خفاخانه که در این نزدیکی بودند ما سوزانیدیم و خراب
نمودیم جهت توسیع مکان بجهت آنکه در هنگام طلوع صبح در جاهای محفوظ بودند و امروز
هستند مشغول همان کار هستند و قلعه جات سبن و لرین و سیورت مار و سودین
و سنگلو تیراندازی کردند و باستیان کورنوا ریبونی و باستیان سنت ترن
برابر آن تیراندازی نمودند و چون شهر شهر سندلی از حیثیت مکان ما
نزدیکتر بدشمن است لازم است که مراودت این مکان همیشه آسان باشد
و قشونی که آنجا هستند همیشه حاضر جنگ باشند و چون سیاحان در آنجا بسیارند
بخصوص روز یکشنبه و مایه مشغولی آنجا هستند بجهت رفع این عیب حاکم
پارلیتا قدغن نموده است که هرکس میخواهد بدیدن اقوام خود که در آنجا ساکن
هستند برود باید از کدخدای محله خود تذکره داشته باشد ———



اخبار روزنامه پاریس — دیروز باز جمعیتی دسته بدسته بمیدان

عمارت اوتل دو ویل آمدند ولی اکثر آنها تماشاچی بودند چنانکه شنیدند که بولانژی

و نامزد آنکس باز خیال اظهار اغتشاش دارند و هنگامیکه یک سرهنگ فوج ... عیشی با دو نفر

دیگر نزدیک درب ایستاده بودند شخصی پیش آمده فریاد زد که کمون پاینده باد و دولت مشروطه

معدوم شود چون این شخص میخواست آشوب میان مردم اندازد سرهنگ مشتی بجیب گفت که ما

از تو و امثال مفسدین ابنای جنس تو نترسیم و همه کس تصدیق این حرف کردند بروز دیگر

ولیست نفر او را گرفته بقراولخانه سپردند دیروز خود او کتابخانه دولتی مشغول گردش و تماشا

بودند دیدند یک کبوتر بال شکسته بر بام افتاده است این کبوتر را گرفته دیدند از کبوتران

پیغامبر است که مسافرین بالون در روز شنبه همراه خود برده بودند و معلوم نشد که این

حیوان از کجا زخم برداشته بچه نوع خود را باینجا رسانیده و در عمارت ... امپراطوری

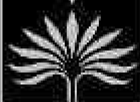
نایبان شاهزاده خانم مثل ... که تازه برقرار شده و ... طلب مرگ ... گرفته

و تا بحال صد و پنجاه نفر شده اند که همه شان تفنگ ... و نشانهای تازه دارند و اظهار کرده اند

و بموافق حکم دولت مشروطه موسیو ... رئیس مجلس شهر پاریس بجای موسیو گرات که

استعفا کرد مأمور شده است

روزنامه هشتم چهارشنبه دوازدهم ماه



اخبار رودولتی — بجهة کوتاه شدن روز دروازهای پاریس از اول

طلوع باز و غروب بسته خواهند شد و موافق روزنامه نظامی سرهنگ فوج هشتم پیل

جهت متعین بودن دشمنی در بیشه نولنه و وردر (?) بیاردوید رفت و بیش قراولان پروسی

محض ظهور سربازان ما بزودی عقب کشیدند و در بیشه میان نولیه و ویل باب (?) مخفی شدند

و سربازان ما داخل بوا نولنه شدند هر گوشه جستجو کردند و یکدسته از فوج اول

بسمت روداتی (?) که بی درخت بود گردش کرده اثری از دشمن مشاهده نکردند مگر در

عقب ده ویل ماه (?) و در این بازدید سرهنگ بسیار راضی از حرکت سربازان شده و

ژنرال دوک رو تیر بازدیدی در سمت و ... مال میزان کرد است و بعد از آنکه سیلیا

بباغ مال میزان رسیدند پروسیان بنای تیراندازی تفنگ نمودند و بهمان مقابل

دسته توپ دشمن واقع شدند و این دسته توپ که توپ سفید زنی [illegible] فاصله [illegible]

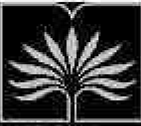
و جعبه خمپاره بر زمین افتاده متلاشی نشده و یک نفر از سربازان ما اذیتی [illegible]

بعد از آن سیلیا در جو جاهای کنار راه مخفی شده بر دشمن تیراندازی نمودند اینها

لابد گردند که عقب بکشند و توپهای موون (?) و این دسته توپ دشمن را خاموش کرده

ایشان را لابد به برگردانیدن نمودند ——

اخبار اطراف پاریس — از اول صبح سمت دروازه اورلیان



صدای توپ آمد و آن دروازه که تازه باز کرده بودند بستند و عراده‌های توپخانه
همان وقت آنجا رسیدند و در سمت کوچه قطار کشیدند و در سه ساعت قریب
پانصد ششصد کالسکه مختلفه در آنجا راه را از برد و سد کرده بودند بعد از یکساعت
که صدای توپ کمتر شد کالسکه‌ها نوبت شده عبور نمایند و بعد از ظهر اشخاصی که
سمت برور به تفرج رفته بودند کشتیهی را ملاقات کردند که همیشه زمان جنگ
در مکان جنگ حاضر میشود آنها را نزدیک یک توپ پاستیانیکه تجهیه
تیراندازی برده حتی که مکان دشمن بود برده آنوقت توپچیهائیکه گویا میخواستند
هنر خود را در تیراندازی معلوم کنند بصاحب منصب خود گفتند در خیابان
آن باغ که پروسیان هستند و با پول سیاه و لعب بازی میکنند آیا میخواهید
که ما داخل بازی ایشان بشویم جواب داد میل خودتان است همانوقت شلیک توپ
نموده صاحب منصب که با دوربین نگاه میکرد گفت که گلوله بفاصله پنج قدم
از ایشان افتاده و سربازان پروسی اصلا از مکان خود حرکت نکردند بعد از چند دقیقه
که توپ را پر کرده محاذی ایشان نموده این دفعه گلوله داخل بازی ایشان شد در میان
آنها افتاد وقتی دود رفع شد دیدند آن مکان خالی است و با و
مردمان که صدای توپ شنیدند بتعجیل از روی باره تماشا

خانه‌ها و شاخه‌های درختان جهت تماشا جمع شده بودند عصر سه‌شنبه و امروز صبح

توپهای قلعه سورت مار بر عمارت سنگلو جهت بیرون کردن پروسیان و بر دسته

توپچیان که عقب درختان مجتمع قرار داده بودند تیر می‌انداختند و شاید پروسیان هم تلف

بوده که در آن مکان مشغول باریکه ساختن بودند و شب در سمت خبری واقع نشد امّا

آنچه معلوم شد این است که پروسیان ده موران را ترک کرده‌اند و در همه خانه‌ها سنگر

جهت تیراندازی برقرار کرده بودند و قریب دو ساعت بعد از ظهر از قلعه مونت

والرین تیراندازی بر سنگلو و ده پیل و نان تر و اوزان توپ می‌کردند تا آنکه

باز دیده عیش قراولی ژنرال وینوا راست ده پیل حفظ کنند و امروز طرف ظهر یک

دسته از ایطالیان چشم اگرچه مقابل تیراندازی دشمن بود بیرون رفتند تا آنکه

سبزیهائی در مزارع شاقیان فراوان است برچینند از لادسته دوم در باغستان

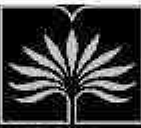
مولائی برقرار گرفته تا آنجا دسته سیم لشکر از آن سمت کلیه قرار داده بودند در آن

وقت دسته چهارم به بیشه‌ای مختلف سمت چپ جاده قریب سعید رزیع فاصله

پیش قراولان پروسیان قرار گرفتند در سمت تیراندازی شدیدی اتفاق

افتاد و زمانیکه این تدارک میدیدند عراده‌ها که همراه داشتند از سبزی آلات

پر میکردند دو ساعت بعد از ظهر شروع به حرکت نمودند بدون اذیت کم فراوان



بقلعه مراجعت کردیم

اخبار دار الخلافه پاریس — امروز یک بالون از میدان سام پی یر یکی از منزلگاه راه آهن اورلیان هوا کردند و هر روز زارعان اطراف پاریس بحمایت سربازان در مزارع هر قسم سبزیها را میروند جمع نمایند بوعسکه هر روز مقدار زیادی داخل پاریس مینمایند پس چرا باید بسبب زمین اینقدر گران باشد و دیروز در میدان عمارت اوتیل دویل مردم جمع شده بودند اما این دفعه خیلی کمبوئی نداشت توپ چیت علاوه از دشمن که در اطراف باهذی امروز صبح دستگیر شده در عمارت آورده بودند چون این عراده ها از کارخانه فرانسه بود و عراده هائی بودند که در شهر ساخته شده آن از گرفته بودند مردم بسیار خوش وقت شدند و بعضی اسبان هنوز داغ نظامی نداشتند —

اخبار ورولیتی — دولت مستحفظ حکم کرد که از روز دوازدهم ماه ژولیه ۷۰ طلاجات و جواهرها که در مونت پی یته گرو گذاشته اند و زیاده از پانزده هزار دینار ارزش ندارد بصاحبانشان رد نمایند و وزیر مالیه مجبور است که این حکم را مجری نماید و موافق احکام و قانون دولت هر کاه ضرور شد اجناسی را که صاحبانشان ول کرده است باید جهت ملزومات



و چونکه آقای رودر که رعیت پروس بود ولا بد شد که از پاریس بیرون برود

و مقدار زیادی جو جهت ساختن آبجو ول کرده حکم شد که آنها فروخته شود روز

شنبه هر کس که قیمت از آن زیادتر بدهد باو فروخته خواهد شد ———

روز بیست و هفتم پنجشنبه سیزدهم ماه اکتوبر

اخبار دولتی —— موافق روزنامه نظامی دو ساعت از شب رفته

نوشته‌اند چون حرکات زیاد از دشمن در این روزهای آخر ملاحظه شد حاکم

پاریس قرار داد که امروز صبح یک بازدیدی سمت راست ای سی و سمت چپ کاشان

باید نمود و ژنرال بلانشار قشون خود را به سه ستون تقسیم نمود که ستون راست

بسمت کلامار و قلب بسمت شاتیان و چپ بسمت بانیو حرکت نمایند چون

آن حرکات را قلعه جات مونروژ و وانو و ایسی حمایت کردند مردم با جرئت زیاد

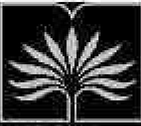
بانجام رسانیدند و ژنرال وینوا قشون احتیاطی را آماده در عقب قلعه مونروژ

قرار داده بود و میلیسهای ایالهٔ کوت دور قصبه بانیو را گرفتند و بسیار با رشادت

جنگ کردند و نیز بطالیان اول ایاله آب که اول جنگ ایشان بود بسیار دلیرانه

جنگ نمودند و سرکرده ایشان در این جنگ کشته شد و سربازان بحری قلعه مونروژ

در وقت مراجعت برسم ساده‌گی لشکر بسیار بکار آمدند و قشون قلب داخل شاتیان



شد با اندک زمانی دو دسته را گرفتند تا راه شاملیان و کلاریس رسیدند و در آنجا مهلکات

که علیان صف جنگ کشیدند در حالتی که دشمن بر ایشان تیراندازی میکرد با تکلو رستمان

کلاران رسیدند در آنجا با دشمن تیر تفنگ تبدیل نمودند و دشمن تیر باده و دسته توپ

که دشمن پنهان کرده بودند جهت تیراندازی نموده‌اند ولی توپهای قلعه‌جات

را خوب واهی لی اتهارا ساکت کردند و در بها فوقت قشون فیروزی از روسی بران

بلندیها مشاهده شد و چون مقصود باز وید با انجام رسیده بود با نظم مراجعت کردیم

اگرچه دشمن در آنمکان بشدت تیراندازی کرده ولی نتوانست مارا از آنجا بیرون کند و

با چندان ضرر نکشیدیم اما اگرچه زیان دشمن معلوم نشد لیکن باید زیاد باشد زیرا

که در باغچه علاوه از سیصد نفر کشته ایشان مانده بود و تیر در شاملیان و بلندیهای

اطراف کشته بسیار داشته و زیاده از صد نفر اسیر شدند و موافق خبر دیگر

عمارت سنگلو آتش گرفته در حال سوختن است و بعد از جنگ در نزد اینها نشانه دور

پنجاه و یک نفر اسیر آورده‌اند و همه اینها به در بارای هستند و سربازان پیاده

نظام مثل باشند که بعضا صاحب منصب میان ایشان بود آنها را به در صف قرار داده بعد از آنکه

یک یک را سیاه نمودند غذا به ایشان داده‌اند بسیار خسته بودند

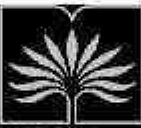
داشتند با کفشهای پاره ولی حالت آنها سالم بود جهت دیگری

[illegible]



فرصت سؤال نبود در یک طالار بزرگی آنها را منزل داده زمانیکه بعضی صحبت میدارند ولی
نکشید که آنها را خواب گرفت اگرچه سؤالاتیکه از آنها کردند برغبت جواب نمیدادند
ولی اقرار نمودند که از برای لشکر ما آذوقه رسیده و رخوت رسیده بود و از سرما
شکایت بسیار میکردند ولی تا بحال در باب تعداد و حرکات قشون خودشان خبری بیان
نکردند بلکه بعد از خوشنودی از شام و خوابیدن گفت این اسرا در جنگ مختلف گیر آمده
بعضی در شاتیلیان و بعضی در کنار رودخانه گرفته شدند

در باب انهدام عمارت سنکلو دیشب دسته توپهای بزرگی
برج و ... را که در پای آن دسته توپ پروسی بود خراب کردند و نیم ساعت بعد از
ظهر یک خمپاره از مون والرین بسمت راست عمارت سنکلو افتاد و اندک
دودی در وسط عمارت هویدا تا نیم ساعت بعد از دو یا دو و نیم و تا سه ساعت بعد از
ظهر تمام نیمه عمارت آتش گرفته بود اما روز شعله آتش آشکار نبود ولی شب
مشتعل گردیده و تماشای عظیمی داشت اگرچه حیف بود که چنین عمارت با آن اسباب
عتیقه گرانبها منهدم شود لیکن جهت بیرون کردن پروسیان که در آنجا منزل کرده
بودند لازم بود چون باد تندی میوزید زود آتش ببالا و اطراف عمارت
رسید تا نصف شب بجز آتش چیزی هویدا نبود و همان قسم که پروسیانها



از این عمارت بیرون کردیم هرگاه بدانیم در عمارت موردان هستند و علم بیمارخانه
پیدا نباشد از انجا بر بهانه توپ بیرون خواهیم کرد و یک خانه که سمت راست نمایان کلیسیا
سنگلاو بود آتش گرفته میسوزد ———

اخبار داخله پاریس — الیات ماکولات و مشروبات

را در پاریس دولت مستحفظ موقوف کرده و شب یکشنبه موافق اعلام کمی از سرداران
با یک جاسوس پروسی را گرفته اند که اصل او فرانسوی است و اکثر اوقات
در شهر نگیه نزدیک پاریس است منزل داشت و باسم انگهور واجب ملحق شدن پروس
ذکر میکنیم این مرد خاین در پاریس سه منزل داشت و به سه اسم مختلف خود را مشهور
کرده بود و در یکی از این منازل گیر افتاد او را در محل رؤسای لشکر آورده و در بدقت
استنطاق نموده اند و دیروز او را بقتل رسانیده اند و ایطالیان سیم فوج عجمی بیان خود شان
و جمعی جمع کرده یک توپ داده رنجیده اند و به دولت مستحفظ پیشکش کرده اند

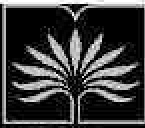
روز سی یم جمعه چهاردهم ماه اکتوبر

اخبار دولتی — موافق روزنامه نظامی چون پروسیان
توقف جنگ جهت برداشتن مقتولین خود خواسته اند ا
تا ینجا عت بعد از ظهر در گنبد جلو قلعه جات جنوبی توقف جنگ قرا



قراولان فوج رعیتی پاریس ملتفت گردیدند که در شب غفلتاً بر کمینه پروسیان
که جهت توسیع محل نشستن مشغول سوزانیدن دو خانه بودند حمله نمود قریب بیست
نفر از آنها کشته شد

اخبار اطراف پاریس — قلعه مون والرین دیروز خمپاره
بسیاری بر بلندیهای سنکلو انداخته است و چند دانه از آنها بر عمارت
سنکلو که منزل قدیم امپراطور بود افتاده و دو پاره آتش را بر افروخته و آن
عمارت اعلا بجز خرابه نمانده است و دیوارها یک یک با صدای مهیب خراب
میشوند و یک خمپاره از قلعه مون والرین انداخته بجائی که قدری بالاتر از عمارت
سنکلو بود و آن تاجر اسباب صنایع چینی باشد آتش گرفت و آن توقف جنگ
که پروسیان جهت خاک کردن مقتولین خود خواسته بودند چهار ساعت طول کشید
و در دو یا سه شبها سفید گشته دور نمای باشند و از صحبت شاقلیان زبان
دشمن زیاده تر شد و سربازان که جهت زخمداران خود در مکان قشون پروسی رفته
بودند گفتند که دشمن رفتار دور باش و بنای ساختن سنگر نهاده بنوعی که
ظاهرا محاصره طول خواهد انجامید و ژنرال طلان شار فرصت توقف جنگ
یافت که تحقیق خبری از کیفیات منصب‌های نامزدی که در جنگ مشغول بوده‌اند.



شده بود نماید چون بدن او در میان کشته ها یافت نشد که با زخم خورده اسیر

پروس شده است و دو سرباز به ور دیگر زخمدار بوده اند بر بعضی منظامی آورده اند و روز

قریب دو ساعت و نیم بعد از ظهر ایطالیان بغتةً هم از فوج رجیمنی باز دیدی

سمت دره قوئولوزی نمودند چون قلعه ای سر حالت حرکت ایشان میکرد نتوانستند

پیش بروند چیزی ندیدند مگر چند قراول پروسی چون تفنگ داران تا نزدیک

ایشان میرسیدند آنها عقب مینشستند

اخبار روزنامه پاریس — موسیو کرات لی

که از مجلس پارلمان استعفا کرده بود برای مأموریتی با یک بالون رفت

و موسیو فی به ساندیه که روز چهارشنبه باد شدید بالون را پاره کرده بود

و شوهنت برود امروز همراه موسیو رانک که یکی از کدخدایان پاریس است

با شخص دیگر عازم شدند و این دو بالون جدید هستند که به مأمورین چاپار

خانه تسلیم شده اند و موسیو فی به ساندیه نیچاه من بوزن تبریز مکتوبات

و چندین کبوتر سیلع همراه برداشت و امیدواریم که خبر خیر از آنها بیاورند

و سفرای سوئیس و ملل خارجه و ای تازه تی ما محاصره پاریس

بیرون نخواهند رفت و سفیر پاپ که از صف قشون پروسی رد

مراجعت کرده و سرهنگ انگلیس لسک زرکه تازه وارد پاریس شده بود به جنگ پنجاه

هزار تومانی اهل انگلیس جهت مریضان فرانسه داده بشود بدو سپرده و یک مجلس مقرر

میشود جهت صرف نمودن اینوجه بجهل فرونسه خود و سرهنگ کلرمانده که یکی از اعضای

سفرات انگلیس میباشد رئیس این مجلس خواهد بود ———

روز سی و یکم شنبه یازدهم ماه اکتوبر

اخبار روولیتی ——— موافق روزنامه نظامی حاکم پاریس قشونها

را که در شرقی ولن حسن میباشند بازدید نمود و حکم کرد که از باستیان گلاه

بریک خور خانه بزرگ که دشمن پشت میون می قرار داده بودند خونبار ریختند

و تیرهائی را که بسیار با دقت و درستی می انداختند ضرر بسیار بدشمن

رسانیده باشند زیرا که منتظر چنین چیزی نبودند و اسباب جنگ بسیار

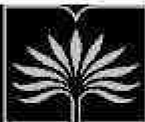
در آنجا جمع کرده بودند و دیروز جهت حمایت کردن ده گرتیل از بابت حمل

نقل گندم و جو و کاه که در دهات پشت مانده بود دو ساعت در تفرق دائم

واین آذوقه را بپاریس آورده ایم و دشمن اصلا حرکت نکرده است اما هنوز

عقب نشسته که در سر جاده ژنب هزار و دویست قدم جلوه گرتیل میباشد هشتم

و اسیر و زخمداران بود و به آنی را که بعد از جنگ پریروز بپاریس آورده اند اقرار

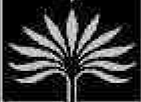


نمودند که بپروسیان زیان بسیار رسید و این خبر یکساعت بشب مانده بحاکم پاریس
رسید که چندین هزار نفر از هر صنفی جهت امداد اجتماع نموده در وقتیکه افواج مستقل
و پیاده نظام و پیاده بحری دشمن را از ده بکده گران کی بیرون میکردند و صنف حاضر
را که در خارج بابند و کپی پالی بوده تسخیر نمودند و توپخانه قلعه رونی مکدا نشت و دشمن
از ده ران سی بیرون چپانید و فتیله اندازی دشمن که خودرا نزدیک سیل بود
محصور کرده بودند بی اثر نمود و لازم است که حرکت دلیرانه تفنگ داران پاریس
ذکر شود چون در حالتیکه قلعه جات آتش می انداختند از ده بوندی بیرون
آمده با دشمن که سمت دیگر رودخانه بود بتیر تفنگ شدید تبدیل نمودند و یکدسته از
سرباران بحر بحری باوجود تیراندازی دشمن بفاصله پانصد قدم چند درخت
که می فطل حصار پروسی از باستیان ما بود انداختند و سه ساعت و نیم
از روز رفته علم سفید مرضخانه را افراشته تفنگ داران ما و قلعه جات تیراندازی
با تمام رسانیدند و بواسطه توقف جنگ دشمن کشته و زخمداران خودرا برداشتند
وازین روز تخت یک یاور و تفنگ دار از ما بفاصله صد قدم مسافت لشکر
دشمن کشته شد و یک سرباز که در جلو ده مشغول ساختن بود ...
نفر زخمدار داشتیم و نزدیک غروب یک خمپاره بفاصله ج...



از باغبانان دویم و دو صاحبمنصب سواره پروسی را که آمده بودند دو عراده
توپ آنجا قرار داده بودند با توپچی‌ها که موکل یکی از آن توپها را گشت بعد از آن
یک تیر خمپاره زد چون اسبان کشته شده بود نزد پروسیان این یک توپ را بادست
در بیشه برده‌اند و توپ دیگر را بدون انداختن یک تیر برگردانیده‌اند حاکم
پاریس امروز بیازده مریضخانه رفته بود معلوم شد که زخمداران را با دقت
و اهتمام متوجه‌اند و موافق تحقیقی که شد که دشمن در سیزدهم اکتوبر هزار و دویست
نفر کشته و زخمدار و اسیر شده‌اند و از ما یک صاحبمنصب کشته و پنج سرباز زخمدار شده‌اند

اخبار داخله پاریس — دیروز در روزنامه وری لی
نام اخبار چندی نوشته بود که مدت چند ساعت شورش در میان مردم انداخت
اما این اخبار با اغراق نوشته یا دروغ بود روزنامه روان یک یک اغراق
و دروغ از آن مشخص کرده بود و موسیو برتلمی را جهت نوشتن اخبار دروغ
بلیت گرفته بدستاقخانه بردند و اندیروز در بازار سبزی آلات زیاده از اندازه
موجود بود زیرا که در همان روز زیاده از چهل و پنج عراده بزرگ سبزی
آلات در پاریس آورده بودند و از زمانیکه راه آهن در کنار دیوار شهر پاریس که خیابان
گردش مردمان متصل از آن را تفریح میروند بعضی جهت معاملات خود و برخی تماشا



و دولت مستحفظ حکم کرده است که هرچه از ذخیره از جنس حبوبات و سبزی

الات که در اطراف پاریس جمع شده و لازم است داخل شهر بشود و نشها

وا رو شدن آنها بشهر لازم است بلکه واجب است آنها را که بر تحیره

از دشمن محافظت نمود لهذا دولت مستحفظ قرار داد که مردم دسته بدسته

بروند و سبزی الات و میوه جات و حبوبات که در اطراف پاریس هست بر

چینند و هرکس میخواهد که داخل این دسته شود باید برود در عمارت اوتیل

دو سل تا اسم او را بنویسند و به نفری یکهزار دینار باجره سربازی داده

خواهد شد و وزیر داخله با سرکردگان لشکر قرار داده اند که در مرتب

شدن این عمل قشون ایشان را حمایت کنند ——————

روز سی و دویم یکشنبه سیزدهم ماه اکتوبر

اخبار دولتی —— موافق روزنامه نظامی دیروز

خون پاره از پاستیان فرانسوی در مکان دیدبان پروسی شاتیال

ده شام لی منن و بردبید و بانگاه دیگر ایشان انداختند و دو خون پاره

در خانه که دشمن منزل داشت افتاد و از قلعه جات کوه آن قشون

ها که بروه نوتوی و موت ملی توپ انداختند اصلا حرکت

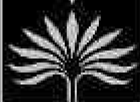


مشاهده شد و پیش قراولان که از گرنیل تقرا اول نهاده بودند امروز قریب
یکساعت بصبح مانده یکدسته پروسی بر ایشان حمله آوردند ولی سربازان ما ایشانرا
را عقب نشانده اند و یکنفر سردار اسیر بقلعه نژان تان آوردند و در روزنامه
دولتی نوشته است که در بعضی روزنامجات درباب حبس نمودن موسیو پر
تمیس نموده اند حقیقت این است بجهت نصب کردن اعلام نامه بدیوارها و
بودن در آن اعلام نامه مطالبی که باعث فتح دولت است بود چون مطالبان
نوزدهم فوج رعیتی خواهش کرده بودند که موسیو اراقو کدخدای شهر پاریس
ایشان را رها سازد چند امروز تا برابر یکساعت از روز رفته بمیدان اوتیل
دوویل رفته و تفنگداران در زمان رو شدن فریاد میزدند که جمهوری
مستدام مستدام باد و موسیو اراقو ایشانرا تحسین کرد و خبر داد که
موسیو کریمیان [illegible] وارد مملکت فرانسه شده است

اخبار اطراف پاریس

اتفاقی قابل نقل نشده است
که دشمن پیش قراول در حوالی آن جا که فرستاده بودند تا تحقیق کنند [illegible] برای ایشان
تیراندازی کردیم امروز وقت یکنفر سرباز پروسی بدون اسلحه جلو آمد و دستمال
سفید در دست گرفته حرکت میداد و فریاد زدیم پیش بیا تا از آن اصلاح حرکت

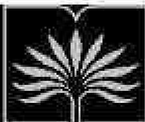
نمرد و یکساعت بعد که قراولها را عوض کردیم آن سرباز پنهان بیرون آمد و دستها
حرکت میداد باز فریاد زدیم که پیش بیا باز حرکت نکرد آنوقت یکی از کپیتانهای
ما از سرهنگ خود اذن گرفتن بدون اسلحه و دستمال سفید در دست گرفته بود
سرباز پروسی رفت اما بمحض آنکه نزدیک پروسی رسید سه سرباز دیگر که پشت تپه
خاک نهان شده بودند او را گرفته اسیرش نمودند چند روز است
که این اتفاق افتاده است و هنوز خبری از او نشده ولی حاکم پاریس چونکه
از این کیفیت مخبر شد رسولی نزد پروسیان فرستاد که آن سرباز را رد کنند
و هنوز آن شخص مراجعت نکرده است هر وقت که خبر او برسد با مردم چاپار
خواهیم کرد و زمانیکه دشمن میخواست پاریس را محاصره بکند دولت عمارات
مخفوره را که نزدیک حصن و قلعه بود خالی کردند و یکی از آنها به قدیل‌نام
که متر لکاه مشهور بود هر چه در آن بود نیز خالی کردند و آنچه اسباب صنایع و
غریب در آنجا بود جهت محافظت برداشته شد بسیار حیف بود چنین اسباب گران
بها منهدم شود و آن عمارات منزه ترسوسی اکنون محل روسای اتباع اردوی
پروسیان باشد و حال دفعه دوم است که دشمن این مکان ... که
چون در سال ۱۸۱۳ ایام ناپلیان اول نیز همان قسم اتفاق ا...



نزدیک این عمارات ملک موسیو مولتان امریکانی دولت شده و تخت آب
و داماد او نایب سفارت پروسی میباشد واضح است که همشهریهای خود اخبار کامل
داده است و این حکایتی است که اتفاق افتاد روزی که قشون ما دو بابیو را تصرف
کردند سه سرباز وارد خانه شده نان و شراب و چیز پیدا کردند برای ایشان در
حالت جوع غذای بیگونی بود بنای خوردن شمار نمودند بنوعی که اصلا صدای
شیپور مراجعت را نشنیدند زمانیکه برخواستند بروند پروسیانرا در آنجا
دیدند جرأت خود فانی نموده در زیر زمین مخفی شدند و شب را آنجا توقف
نمودند صبح باز پروسیانرا در آنجا مشاهده نمودند در علاج آن متحیر بودند تا
وقت ظهر صدای شخصی شنیدند که بزبان فرانسه عبارات توقف جنگ جهة
کشتگان و زخمداران تلفظ کرد آن سه سرباز خوشحال شده یکی از خود را بر
روی لشگرهای خود خوابانیده و دامن بصورت او کشیده بنوع مریضان تا
نصف فرانسویان رسیدند

اخبار روز جنگ پاریس

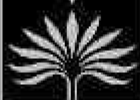
قریب دو ساعت بظهر مانده
دو بالون هوا نمودند یکی با سه نفر و یکی با چهار نفر بسمت شمال غربی روانه
متفرق شدند



روز سی و سیم دوشنبه هجدهم ماه اکتوبر

اخبار دولتی — موافق روزنامه نظامی دیروز ژنرال
دوروک حکم کرد که ژنرال برتو با چند فوج و بیست عراده توپ سمت پل
ارزان توی لبیرگشی و خرابی کارهای که دشمن در آنجا بنا کرده بودند برود و
توپ بلا فاصله دو هزار زرع چند گلوله خمپاره بر لشکر دشمن انداخت همان
وقت که ما تیراندازی با تمام رسانیدیم یک دسته توپخانه پروس تاخت در انگورستانهای
ارزان توی آمد و قرار گرفت و سمت کوکب تیراندازی نمودند اول یکمی نخوردند
و بعد از آنکه از قلعه کوربووا بر ایشان گلوله خمپاره انداخته شد بروی مراجعت
کردند و سربازان پروس سر تفنگ تبدیل نمودند و چند نفر ایشان را زدند

اخبار اطراف پاریس — سفیر کوکم لی یا امروز بعد از
ظهر با دو مرد و یک زن از شهر بندری خودشان در یک کالسکه نشسته از پاریس
بیرون رفتند و یک صاحب منصب از جانب وزیر جنگ تا هنگام صف پروسیان رسانید
و صاحب منصب پروسی که میخواست ایشان را از صف خودشان رد نماید حکم کرد که باید دستمال
چشم ایشان را بپوشند لیکن وقتیکه میخواستند چشم سفیر را ببندند گفت که
سفیرهای چنین عملی نکرده بود او توقف از آنجا معاف نمودند چون گفت



از پاریس نرفته است یقین داریم که از پاریس رفته است زیرا که کمیت جمعیت

او را نصف پروسیان رسانیده و شنیدیم که ژنرال ترشکو سرکرده پیش

قراول پادشاه پروس از زخم خونپاره قلعهٔ مون والرین روز یکشنبه دوم

اکتوبر کشته شد بدین تفصیل که آن ژنرال پروسی با ای تماشور خود بر بلندیهای

بوژنت رتو رفته بودند که یکصد و پنجاه توپخانهٔ فرانسه که خود بر جمعیت پروسی دولت

توپ رفته از تیر دوم او ژنرال ترشکو زخم کاری خورده و هیچکس میدان ندید

که حرکات و گفتار آن ژنرال زود شاه ولیعهد آسپار معتبر بود و در شب فراوان

شب هفدهم پروسیان چراغ الکتریک در اوج تپه شاتیان قرار

داده شعاع آنرا بر قلعه وانو گماشتند ولی فرصت ملاحظه پیدا نشد چون

از قلعهٔ مورژ دو تیر پر از شره خونپاره رها کردند پروسیان بغفلت خاموش شوند و

چراغ را مفقود نمودند

اخبار وارده پاریس — در روز یکشنبه مکتوبات

سربازان عساکر پاریس که در یک بالون پیدا شد و در صفحای تحتوس قشون افتاده

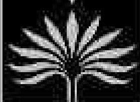
بود رؤسای عساکر ایشان به ژنرال تروشو رسانیدند و این مکتوبات سربسته

نمودند و گشوده انشا از تاریخ یازدهم ماه سپتامبر بود و در این مکتوبات اصلا

خبری از قشون سردار بازن بود و امروز صبح در بازار مردانه با سبزی ارزانی
که مشهور بود خبره نمودن سبزی بود منازعه کردند بعد از آنکه او را شناختند
بنای اذیت وی نمودند بخصوص زنان و یکی از سربازان رعیتی که طالب حمایت
او بود و مثل وی گرفتار شد. تا زمانیکه یک دسته سرباز آمده منازعین را بقراول
خانه بردند بعد از مباحثات طرفین قرار شد که سبزیها من بعد بحراج بفروشند
کدخدای شهر از اهل پاریس را اعلام کرد که جهت محافظت شهر هزار و پانصد
توپ که از عقب پر می‌شود لازم است و اشخاصیکه میل خود مخارج این عمل را
میدهند اسم خود را بنویسند و توپ دو کرور تومان خرج آن خواهد شد

تفصیل رفتن شخصی با رودومی پروسی جهت گفتگو

امیر نمودن پروسیان وکیل مذکور را که برخلاف قاعده بود یادگر کردیم
و دولت قرار داده بود یک یاور بفرستند آن وکیل را مطلع نمایند و آن یاور
فرستاده ژنرال و ژول فاور را بعد از مراجعت ملاقات کردیم و با او صحبت
نمودیم و جهت اطلاع مردم آنچه از او شنیدیم ذکر میکنیم آن یاور با علم
سفید و یک سلطان که زبان نمسه میدانست روز یازدهم نزد [illegible]
پروسی رفت و از دهکده کرتل که مکان قشون مانت عبور کرده بود



فاصله کرتیل نزدیک ده بونوی رسیده و پروسیان اقامت کرده بعد از آن

موافق مرسوم و مستعمل بر چشم او بسته یک صاحب منصب پروسی او را برد چند دقیقه بعد

که وارد ده بونوی شدند او را بردند در طالاری که از اول حجره‌های آن طالار

تخته نهاده بودند چشم او را باز کردند دید یک سرهنگ و یک صاحب منصب

جوان در آن طالار است مطلب خود را با ایشان بیان کرد جواب دادند که چون

این کیفیت نزدیک به گراویلت اتفاق افتاد و قشون نمت زیر حکم ژنرال فن

کلکنگ میباشد و روءسای لشکر او در وسط پل هستند باید آنجا بروند

بنابراین باز چشم آن یاور را بسته سوارش کردند و او را با کالسکه‌شان

خودشان روانه نمودند یکنفر جلو اسب یاور را گرفته یک صاحب منصب سوار دیگر از

خودشان پیشاپیش او از راه وسط پل نو میرفتند بعضی اوقات از جاده و گاهی

از مزارع راه می‌پیمودند آن یاور گمان کرده که از راه وسط آن عبور کرده

بعد از آن از رودخانه سن آباچ که از کشتی قرار داده بودند رد شدند

و در هر دو سمت پل دسته پیاده نظام نهاده بودند و از بوی قیر جاده‌ها

معلوم بود که از اینجا تا وسط پل نو باید اردوی پروسیان باشد و بعد از

یک ساعت بده وسط پل نو رسیدند در عمارتیکه محل روءسای لشکر ژنرال

تومیلیک بود رسیدند آنوقت چشم او را باز کرده دید که صاحبمنصبان

از هر قسم حاضر هستند و در آن عمارت دید یک سلطان فرانسوی که جهت

مطالبه همان وکیل فرستاده بودند با ایشان گفتگو میکنند و موافق گفتار تاپ

ژنرال پروسی آن وکیل بحیله گرفتار شد خودش مانند سربازان گریخته نزد پروسیان

آمده و سه دفعه مختلفه که این دو نفر فرانسوی ثابت کردند که بحیله او را گرفته

تاپ در اطاق رفته که گویا ژنرال تومیلیک در آنجا بود چون مراجعت کرد

برالکانی جواب داده ولی قبول خواهش ایشان نکردند و گفت در نزدیک ژنرال

محل را اسامی لشکر شهر و رستاهای مشهور میشود این امر را بانجام رسانید و بعد از آنکه

در چند امر که یکی در باب مرگ صاحبمنصب بدرقه ای که در جنگ شاتیلیان

کشته شده بود گفتگو کردند بنای مراجعت نمودند این وقت پروسیان

تکلیف کردند که یک کالسکه سوار شوند و یک دسته سواره با سه صاحبمنصب

همراه ایشان کردند بهمان قسم چشم بسته از راهی که آمده بودند آنها را

برگردانیدند و چون به بورژی رسیدند باز سوار شدند و

صاحبمنصب پروسی تا پنجاه قدم از جلو صف قشون خود همراه

واگذاشته باری در این ملاقات خائنین بسیار با ادب

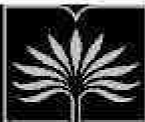


و صاحبمنصبان پروسی بسیار خوشحال شدند از ملاقات کردن صاحبمنصبان
لشکر فرانسه چه‌قدر تعجب کردند از شنیدن آنکه سربازان فرانسه در جنگهای گذشته
جدید بوده‌اند و از خالی بودن دهات و گریختن مردم نیز متعجب شدند ولی باید دانست
که هر جا دشمن بخواهد آذوقه بگیرد مردم لابد میشوند که خانهای خود بگذارند و از آنجا
در سرهنگی که مامور بود گفتگو کردن با صاحبمنصبان ما مرد بسیار خوش اندام و
نیک طبع و با ادب بود و گفته است که با صاحبمنصبان فرانسه از روی مروت شرب
بخوردند و اظهار خواهش کردند که بعد از اتمام جنگ یکدیگر را بسلامتی ملاقات
نمایند و هر وقتیکه در محل رونمای لشکر ژنرال نرم یا لنگ رسیدند ایشان هم
تکلیف خوردن شراب کردند و غذای مناسب فراوان بایشان دادند و از جانب
سربازان خودشان بودند که خدمت مقرره میکردند و معلوم شد که دشمن بولایت
بوژ و برای مراوده وارد شدند زیرا که تعجب خوراک ایشان از محصولات آنجا بود و آنان
باردوی پروسی جهت صاحبمنصبان اسباب تماشا بود چون صاحبمنصبان ایشان
متصل وارد اطاق میشدند محض نگاه کردن اینها دیر شدند و صاحبمنصبان فرانسه
از حالت سربازان پروسی نسبت بصاحبمنصبان خود تعجب کردند زیرا که در هر ده
که عبور کردند سربازان ساکت و صامت بودند نه صدای طبل و شیپور نه

زیاده و نه شوخی از ایشان شنیده میشد معلوم است از شدت ظلم و سخت
گیری ایشان است که هر کس خدمت خود را میداند و بانجام میرساند یکی جهت تکلیف
خود دیگر از ترس سربازان پروسی نه شناسا صاحبمنصبان خود را سرکرده میدانند
بلکه ایشان را زیاده از نجیب تر از خود دانسته محترم میدارند و پروسیان بسیار
تعجب کردند از قوت قلعه جات پاریس ولی از یاری بخت خود مسرور
هستند و اقرار کردند که تفنگ شصت پند فرانسه از تفنگ درزه پروسی بهتر است
و گفتند وقتی که جنگ اعلام شد بجو شد تفنگها را تغییر بدهند و بعد از آن
در باب جنگ سه گفتگو کردند و از صاحبمنصبان ما پرسیدند که در آنجنگ کجا
بودند یا نه صاحبمنصبان ما گفتند که زمان جنگ در مزیر بودیم آنوقت
تعریف کردند از مراجعت کردن ژنرال وینوا با قشون خود از مزیر بلان بارگی
مقصود صاحبمنصبان فرانسه بانجام نرسید گویا ژنرال پروسیان دکیل فرانسوی را
که با آن حیله کرده‌اند تهید گرفتن اردو را صاحبمنصبان خود گفته بودند و
سربازان پروسی بصاحبمنصبان ما گفتند که سربازان فرانسوی را در
اردوی مارشال باوقت متوجه میشوند و در میان ایشان ناخوشی مصری
هست و در یک روزنامه روی کاغذ را که ... ترک



بعضی ایراد از کاغذ موسیو دولفور در بلجیک چاپ شده است و موسیو دولفور
در جواب آن کاغذ بسفیری فرستاده که در دول خارجه چاپ شده نوشته است و در آن
و دوکرو نیز کاغذی نوشته است که چون در روزنامه نوشته بود که نوشته زمانیکه من
اسیر پروس شدم و اقرار کرده بودم که نخواهم که بجنگ مرا متهم بخلاف قول کرده
اگر دوباره دیگر ایشان جا بایم حق داشتند در کشتن من" برای من چه تفاوت که در جنگ
کشته شوم یا در بیرون آمدن از دستاقخانه پروسی از گلوله ایشان کشته شوم
یا این قول محض تهمت است و من برخلاف قول خود حرکت نکردم و از شهر سدان
با قشون خود بیرون آمده بیک جزیره کوچک در رودخانه موز توقف نمودم با کمال
سختی و بدگذرانی با سربازان خود آنجا ماندم تا وقتیکه پروسیان قرار دادند
که از سدان به پونت موسون برویم من قول به پروسی دادم که [illegible]
مخارج خود تا شهر پونت موسون بروم بنابراین پروسیان تذکره دادند
که ما با سرباز و عراده توپخانه تا شهر پونت موسون برویم روز یازدهم ماه
سپتمبر تا وقت ظهر باید آنجا حاضر باشیم بعد از آن که از سدان رفتیم
وارد بیک ده کوچک که یکفرسخ مسافت از سرحد بلجیک شدیم اگر میخواستم
از آنجا بگریزم کسی نبود ممانعت نماید اگر میخواستم خلاف قول خود کنم از همانجا



میکنیم باری ما تا شهر بون توتون رسیده و خود را با صاحب‌منصبان خود تسلیم
پروسی نمودیم و تا همین جا وعده کرده بودم که خود را برسانم در وقتی که میخواستم
داخل عراده بشوم دیدم که عراده پر است دیگر جا نیست که کسی بنشیند از یک صاحب‌منصب
پروسی پرسیدم که عراده خالی جهت سوار شدن ما می‌آورند یا نه جواب داد عراده خالی
الآن ممکن نیست لیکن بعد از یک دسته عراده میرسد و شما میروید چون وعده
خود را بانجام رسانیده بودم در آن فاصله تا عراده حاضر بشود فرصت دیده
گریختن نمودم ابراز گریختن واجب نیست زیرا که میشود اسم بردن اشخاصی که اراده
در گریختن من نموده‌اند باعث صدمه ایشان خواهد شد همین قدر میگویم که از میان
قراولان پروس با لباس مخفی رو شدم و در چند ساعت چه پیاده و چه با عراده
قریب بیست فرسخ راه پیمودم و از راه آهن اورلیان وارد پاریس شدم

روز سی و چهارم سه‌شنبه هیجدهم ماه اکتوبر

اخبار دولتی — مسیو گامبتا از شهر تور یک تلگراف در
پاریس بموسیو ژول فاور نموده است و دولت مستقلاً حکم کرده که چاپ بشود و آن بدین
تفصیل است که بواسطه دو بالون اخبار از جنگهای هشتم و سیزدهم بما رسیده
و خبر از جزوی چه همه ولایات و سفرای خارجه که در شهر تور هس



دیگر موسیو فاور خواهد رسید و ژنرال بوربکی که اینجا بیشتر از شهر تور خارج

آورده است که نود هزار سرباز در آن محکم هستند و استعدادی کامل دارند با

قشون پروسی که از ایشان زیادتر هستند جنگ می‌کنند و شاهزاده فردریک

شارل پروسی که میگفتند از ناخوشی احوال خوب شده است میگویند سمت پاریس

آمده است بخلاف خبری که از شهر ورسی آمد نزدیک مرون است و با وجود سعی پروسیان

بتصرف شهر اورلیان بد کار ما صورت نیک دارد و اگر قورخانه قشون که در راه

است بسر منزل مستقیم برسد تفاوت بسیار در امور ما خواهد داشت و شهر اورلیان

اکنون آرام است و همه دستاقیان آزاد شدند و اگر پروسیان شهر مولوزا

تصرف کردند ژنرال کالام بریفایل در اطراف محصوری بلفور و ژان سان

مسلط است و شهر ژان سان درکمال محافظت است چه از کفایت توپخانه بحری

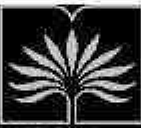
و سایر لوازمات و ما میدانیم که هرچه شما در پاریس ایستادگی نمایید تدارک

جنگی که امروز در ولایات می‌بینیم دشمن را مشوش می‌کنند و دول دیگر تا

تأسف بسیار بجهت دولت فرانسه میخورند و مشهور است که دولتین انگلیس و روس

توسط از دولت فرانسه مینمایند بسیار باید ما در این جنگ با پروس سخت بگیریم تا بداند

که تطویل جنگ برای او منفعتی نخواهد داشت بلکه ضرر هم خواهد کشید و از شهر تور



تلگرافی بوزیر مالیه رسیده که بالون مسمی به [illegible] وارد شهر تور آن شد و خبر آورد که

که با بالون از پاریس رفتند صحیح و سالم در شهر تور نشستند سفارش نمایند که

هرچه بالون از پاریس هوا میشود بعد از هبوط آنها را بشهر تور ببرند و نیز سفارش

کنند با اهل پاریس و عسکران قلعه‌جات که هر بالان از ولایات میاید اختیار احتیاط

کنند و متوجه شوند

موافق روزنامه نظامی ـــــ یکساعت از شب رفته نوشته شده

که قلعه تورآن بزرگ بسته پروسی که در پشت کوچکی نزدیک شهر پاریس منزل گرفته

بودند تیراندازی کردند و یک گلوله خمپاره بر یک خانه که پروسیان منزل داشتند

زده و قریب یکساعت بعد یک عراده [illegible] آمده گذشته یا زخمدار برده و از

قلعه [illegible] بزرگ بسته پروسی که در [illegible] بودند نیز تیراندازی کردند و گلوله

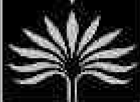
بر خانه که منزل داشتند [illegible] رفته از سمت دیگر رد شد و دشمن بجائی که از آنجا گذشت

در پروسیان دیگر تیل را خالی کردند و پیش قراولان که از [illegible] تا [illegible] کشیده

بودیم تا آسیاب [illegible] بدون منع رفتند و بعد از ظهر ژنرال دوک دو [illegible]

ده [illegible] یک قسمت از فوجهای ژنرال [illegible] آورده و در آنجا [illegible]

نهاده شد چند گلوله خمپاره برده [illegible] خانه از آن [illegible] که



دشمن مشاهده شدند انداختند و یکی از این گلوله‌ها یک کارخانه را آتش زده و دشمن

جنبشی نداشت مگر چند تفنگدار و سواره که در انگورستان بودند با تأکید

توپ که باشما چند گلوله خمپاره را بیجا دیده بجانب کلوک انداختند بروزی

باستیان نمره دوازده هم با تیر توپ آتشبار را خاموش نموده و قلعه‌جات و اقو

و امی سی همان نوع در شاتلیان با دشمن عمل کردند و سردار کل قشون فرانسه

جهت اطلاع می از یک سرباز که باعث افتخار او بوده ابراز میکنند که یک

سرباز که پیغامی میبرد و در وقتیکه از رودخانه با تیراده عبور میکرد پروسیان

تیراندازی و او را با تیر سوراخ کرده مستغرق نمودند آن سرباز که شناب بلد بوده مدت

چهل و هشت ساعت در یک جزیره کوچک میان رودی بی غذا ماند تا یک دهباشی از

فوج زواو که او را مشاهده نموده شناب کرده بامداد او رفت چون در آنجا

یک چوب چولی یافت سرباز را بر آن نشانیده خود در حالت شناب با وجود که

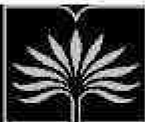
پروسیان بر ایشان تیر می‌انداختند او را بخشکی رسانیده و سردار کل آن دهباشی

را تحسین نموده بمنصب یوزباشی‌گری سرافراز نمود ———

اخبار اطراف پاریس —— در سنه‌لی تردد مردم زیاد

شده است متصل از آنجا عراده سبزی آلات بپاریس میفرستند و در جلو هر خانه

معنی و در این دو فقره [illegible]
گلوله‌های دشمن را که در [illegible]
بود مغشوش کردند و قلعه‌جات و اقو[illegible]



دو سه هیپ پر آب جهت احتیاط محاصره حاضر کرده اند لیکن چون آب در انبارها
بماند تعفن میکند پس بهتر است که آب را عوض نمایند تا سبب مرض نشود و در
نول تی بهمان قسم تدارک محاصره را تکمیل میکنند و در مهمانخانه انجا اجزای لشکر
ژرال دو کر رو منزل دارند و در دست راست نزدیک آن انبارهای آذوقه
لشکر مهیا نموده اند و در دو خانه پائین ترخانه و ملزومات چاپارخانه لشکر
مهیا باشد و در همان نزدیکی مکان مریضخانه قشون هست خوبی که از هر قسم لوازم
ملزومه لشکر نزدیک یکدیگر میباشد

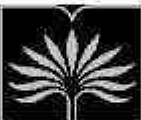
اخبار روز — جبله پاریس — در یکی از محلات پاریس
بهر خانه شن تقسیم میکنند جهت آنکه در وقت محاصره نارنجک و گلوله
خمپاره و آتش خنثی شوند و امروز در باغ تویلری پاریس یک بالون که
تازه ساخته شده است با مکتوبات دولتی و قریب هشتاد من بوزن نیز
از مکتوبات متفرقه هوا نمودند و یک شخص سیاح که علاوه از ناخدای
بالون میخواستند روانه نمایند نرفت زیرا که اگر سرعت باید بالجمله از
مکتوبات بزمین بیاندازند و کبوترانیکه موسیو گرات لی برد
نکرده اند و نباید تعجب کرد چون مراجعت کبوترانیکه همراه



سه روز طول کشید و معلوم است که اگر بالون با تکمه پروسیان بر زمین آمده
بود قبل از ورود زمین کبوترها را جهت اخبار ول میکردند و واضح است که کبوترها
نگاه داشته شد تا غیر از خبر ورود بالون خبر دیگر نیاوردند و وقتیکه طناب
بالون را ول کردند چون اسقیدرا بالا رفته بود ترسیدند که باد آنجا را رو به خاک دشمن
ببرند از توقف زیاد کردند که یک جوال شش صد از تا غذای بالون نشینها
یک جوال آذوقه که در آن نان و شراب و گوشت بوده اند جهت معلوم است
که در این سفر گرسنگی خواهند کشید ——

روز سی و پنجم چهارشنبه نوزدهم ماه اکتوبر

اخبار دولتی —— در روزنامه نظامی که پایتخت طبع میشود
نوشته شده مذکور است که دیروز صبح قشون ما در جلو قلعه جات رو به مقابل
و فوراً آن سرکشی نمودند و قشون بسیار در باغ رن سی وده و وکیل جناب
جستجو کردند دشمن آنجا نبود ولی در باغ لونه چند نفر پروسی بود مدیرون
کرده یک نفر از آنها را کشتند و قشون قلب بده آوران رفته و دیدند دشمن
در آنجا زیاد است و از آنجا بسمت فول به مرنی آمده و دیدند که دشمن نیز در آنجا
از هر جانب زیاد وارند و از این سرکشی معلوم شد که دشمن امروز در لونه



و قراولان باشش و نول یه مزن قریب نیم فرسخ بعد از نوروان رسیده و
دو دفعه دشمن خواست حمله بر یک دسته قشون که در کاشان بود نموده پیاده و دو
بسته میل ایشان را عقب نشانیدند و عسکران قلعه ای سی که یک سرباز نیل با
هنگام نزدوای تماز زور فرستاده بود بعد از آنکه پیش قراول پروسی بهر او
تیر انداخته و کارگر شد او را اسیر کرده همان سرباز در یکشنبه گذشته
دو نفر از دشمن کشته اسلحه ایشان را آورده بود و نیز خبر آوردند که یک ستون
بزرگ پیاده نظام دشمن از جاده بوفی به سوازی می آیند و یک دسته
هشتاد و دو عراده که یک ستون آنکه اردان سواره که همراهی میکنند از گوشه
می آیند و سه ساعت بعد از ظهر مکانیک در سر راه دنباقیان است آتش
گرفته سوختن آن مشاهده میشود و نیز دیشب یکساعت به نصف شب مانده
آتش پرزوری سمت گرامورو ملاحظه شد و قلعه موون ورین در هنگام
شب تیراندازی بسیار نمود و سه ساعت به صبح مانده قلعه جات جنوبی پاریس
نیز تیراندازی بسیار کردند

اخبار اطراف پاریس — اول

از بولان زرشنده خانها خالی ماندند و متصل جمعیتی از

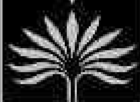


تماشا نما هرچه ممکن است بسمت پروسیان میروند و یکی از شش قراولان که در جلو
باستیان و یل رونیف گذاشته بودم چون صدای پای مردم در جاده شنیده فوراً
کلن گیم بعد از سه دفعه چون جواب ندادند تفنگ انداخت و جانب دسته خود دوید
فریاد حاضر باش زد و آن چند نفر روسی بودند که به تیررس تفنگ عبور کرده بودند
بعد از معلوم شدن تیر تفنگ باهم تبدیل نمودند بعد از آنکه از قلعه مورو صدای تفنگ
شنیدند سرهنگ توپخانه که نزدیک توپ حاضر بود از یک توپچی پرسید که توپ
از برای تیراندازی حاضر دارید گفت بلی گفت پس بزن این گلوله بجانب
پروسیها افتاد و شانزده گلوله خمپاره هم انداخته پروسیان عقب کشیدند
در حالتی که کشته و زخمداران خود را میبردند و قلعه جات ای سی هم دوازده تیر توپ
با نزده نارنجک بر دشمن انداختند و امروز صبح یک بالون که یک سیاح با جلد
همراه بوده هوا کردند و پنج خورجین مکتوبات یا روزنامه چاپ و یک قفس که پنج کبوتر
داشت در بالون بود و در اساسی تماشا پارخانه قرار دادند که بالون بدون آنکه
خبر شوند به سر قاصد چاپاری که باید خبر از صف پروسیان رد شوند دیگر نفر نفرستند
چون از شش نفر که فرستاده بودند چهار نفرشان بپاریس مراجعت کردند
دو باقی مفقود الاثر شدند و امروز صبح شصت نفر از روسی که همه جوان هستند

و در سمت کوکلب اسیر کرده بودند بپاریس آورده‌اند یکی از ایشان گویا پسر صراف دولتمند شهر قران فورت میباشد و دیگری از بزرگان چی مشهور که در شهر بود و چهار نفر دیگر معلوم است بوردیه هستند چون پروسیان همیشه افواج بوردیه را پیش جنگ قرار میدهند هر چهار نفر در ولایت خود زن و بچه دارند و خواهش آنها این است که خبر زنده بودن ایشان را در ولایت بزن و بچه آنها برسانند شخص ولی که از سربازان میل آنشان دولتی گرفته همان سربازی بود که دو نفر پروسی را از روز یکشنبه گشته بود و در روز قراول بوردیه را برده بود ———

روز سی و ششم پنجشنبه بیستم ماه اکتوبر

اخبار دولتی ——— موافق روزنامه نظامی قلعه فراندری دیروز بر چند خانه که قراول گاه دشمن بود تیر انداخته‌اند و قلعه شران آن در بعضی امکنه جلو شوازی و بخصوص بر باغستان ... ... که عملیات ما را در جلو و لژیف از آزار میدادند تیز تیراندازی کردند بعد از شش تیر توپ قلعه شران آن دشمن در جلو و لژویف خاموش شدند و امشب ... نه دیروز صدای تفنگ در دو زمان مختلف شنیده شد دشمن سعی کرد ولی بیفایده که بر پیش قراول ... دو خانه میلو حمله کنند و از ... ... نوشته‌اند که قرب ...



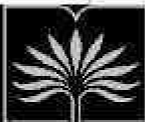
ماندند دشمن چند تیر توپ بر قلعه‌جات ما که در مزارع میانه ایسی کلمار هستند
انداخت توپ خود را در کنار ریشه مودون عقب تپه نهاده بودند ——

خبر اطراف پاریس —— جاسوسان ما صاحب‌منصبان توپخانه را

اعلام کردند که پروسیان بجهت پنهان کردن خود از باران و گلوله خمپاره
زیر نقب راه آهن در باغ رفته‌اند بنابراین از قلعه مودون و کرین تدارک دیدند
یکدسته توپ پیش از وقت حاضر و قراول نمایند به هیچگاه گلوله کامل زده و خط ما پیچ
بیابد در هنگام شب بهمان قسم گلوله بآنجا انداختند از سربازان پروسی
که در آنجا خوابیده بودند زیاد کشته شد اما دیگر نمی‌شود چنین عملی کرد
زیرا که پروسیان بزودی سر نقب را گرفتند و تیرانداز که مردم گفتند
پروسیان میخواستند بر قلعه‌جات وانو و ایسی و ولی پستر دشمن و قیل حمله
کنند مانع ایشان باران زیادی بود که تمام صحرا را پر از آب کرده بود

اخبار داخله پاریس —— یک بالون که موسوم شده بود با استیال

وقتی که مکتوبات در آن میگذاشتند حکم شد زود حرکت حکم این بود که هرگاه بادی
خواهد برخواست که بالون را بسمت شهر هراز ببرد آنوقت بالون را بهمان نوع
نگه داشتند تا روز دیگر که هوا کنند ——



روز سی و هفتم جمعه بیست و یکم ماه اکتبر

اخبار دولتی ـــــ از وزرای دولت که در شهر تور هستند

امروز این خبر تلگرافی با جزای دولت مشهود رسید ولی حرکت قشون در ولایات که از آن

خبر استنباط کردیم ما ذکر نمیکنیم موسیو کامبتا دیروز صبح عازم شهر بزانسن

شد و سفر او بیش از سه روز طول نخواهد کشید و موافق استماع لشکر دشمن

افسرده میباشند زیرا که می‌بینند جنگ طول میکشد بسیار مضطرب هستند و کل مملکت

فرانسه و دول خارجه از ایستادگی اهل پاریس متحیر هستند اگر پاریس ایستادگی

نمایند دولت فرانسه آزاد خواهد بود و موسیو کامبتا بسیار در کار مواظبت

و وقت دارد و از وقتیکه اینجا آمده است از کارهای او چنین معلوم میشود و

موافق روزنامه نظامی امروز ژنرال دوکرو در سمت روئیل و مالمزان و

زان شهر و بوژان وال سرکشی نمود و بعد از سه ربع ساعت تیراندازی از

طرفین قشون ما با جرأت کامل با مکان مذکور رفتند و پستیان دشمن با تفنگهای ایشان

که در ... آن شهر قرار داده بودند برگردانیدند و تیراندازی خونبار از آنکه

مزبور پنج دفعه مخالف دشمن را در عوض کردن قشون لابد نمود و

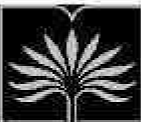
که از ایشان زیاد کشته شده این جنگ تا اول شب بانجام رسید



معلوم نیست فردا روزنامه ژنرال دوکرو معلوم خواهد نمود و در همان وقت
ژنرال وینوا در جاده که میان ایوری و وای سی است قرار قشون داده
توپخانه قلعه جات را که دشمن را از گلوله خمپاره محفوظ نمودند و ژنرال بی با قشون
خود راست ژنرال دلا بی و کولب برده تا آنکه حرکت قشون ژنرال دوکرو را از
جانب راست حمایت کنند و یک دسته قشون ما در ده کرتیل قرار گرفت تا آنکه قشون
مکان آذوقه را بپاریس حمایت نمایند و یک دسته دیگر در خاک میان راه اورلیان
و ده و خانه سیکن عملیات ما را حمایت میکنند ولی با همه قراولان دشمن که در
نزدیکی نزدیک راه بزن بودند جنگ سختی در پیش شد و با زور یک سربازان از زخم گلوله

تفصیل جنگ روز بیست و یکم ماه اکتوبر موافق روزنامه ژنرال تمبریه

در روز بیست یکم یک دسته حشمدار از قلعه رونی جهت سرکشی آدولی موسوب فرستاده شد
و موافق دستور العمل حاکم قلعه از کنار ده ران بسمت عمارت و باغ لوته چون که
پروسی در آنجا مشاهده شده بود فرستاده شد یاوران دسته تدبیر خوبی کرده غفلة
در تعاقب نمودن پروسیان دور اول تیراندازی قراولان پروسی را با سه نفر
دیگر از دسته ایشان کشتند متصل تیراندازی بر حصار پروسیان میکردند تا آنکه
بجهة دشمن دسته پرزوری با امداد رسید آنوقت یاور مصلحت دانسته کرده



خود را جمع آوری نموده مراجعت نمایند پس از یاقا شده بنظم مراجعت نمودند

و مختصر زخمدار و اسیر شدند و یکدسته عساکر از بطالیان چهاردهم با یاور خود

که به ترکیشی رفته بودند زمانیکه نزدیک ژوان ویل رسیدند دیدند که فوج ج

میل در آنجا با دشمن جنگ میکنند ژنرال فی دری لی پیه با آن یاور حکم کرد که رو

سی نفر از دسته خود با تفنگداران فوج بجانب دشمن تیراندازی نمایند و باقی دسته

سمت دیگر بروند و در آن دو مکان جنگ سختی واقع شده و بعد از دو ساعت جنگ

کردن دیدند دشمن عقب کشیده و لابد شده است که نوژان را واگذار نموده بسمت

شام پی نی مراجعت کنند و در این جنگ از ما دو نفر کشته و سه نفر زخمدار شده

و مواقف نقشه سلاطات دیگر در باب این جنگ است که بجهت امداد قشون ما دو توپ

از قلعه مون ورین بجهت اخبار قلعه جات دیگر آتش شنیده اند که از قلعه مون ورین آن

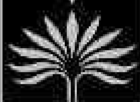
برجهای روبروی گلوله خمپاره انداختند و از پاسبانان فارسی برای اطلاعات موون

و سنکلو تیراندازی میکردند و توپهای موونت را نیز بسمت بولون تیراندازی

نمودند و قشون ما اول سنکلو را بعد موونت ر تو و کرنش را که مکان قابلی است تصرف نموده ابقان

کردند و اجزای بیمارخانه نظامی با اسباب طرز و سه مکان جنگ رفت

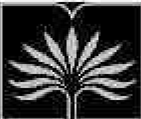
اخبار جنگ پاریس —— پانزده نفر مشهورترین



از پادشاه پروس اذن گذشتن از صف پروس گرفته امروز از پاریس بیرون
خواهند رفت. پریروز کمیفیچ از دو طلبان داوطلب مقرر شده بود که اکثر ایشان از جاهای
غریبه بیرون شده‌اند و خواهش کرده‌اند که مأمور شوند جهت منازعه با دشمن. حیوانات که در باغ
وحش بودند امروز بفروش رسانیدند مثلاً مرغ دانه‌ای یک تومان و دو قاز بیچاره
هزار و آهو شش تومان و گوزن هفت تومان رسیدند ———

روز سی و هشتم شنبه بیست و دوم ماه اکتوبر

اخبار دولتی — ... کاشا وزیر داخله از شهر تور
با جزای دولت سقوط آخر را تلگراف نمود که سرباز گرفته و قشون تعجیل مقرر خواهد
شد جهت اماده لوار و هر چه قشون زیادتی در الجزیره بود طلبیدیم و در آنجا بیش از
آنچه گمان داشتیم توپخانه حاضر بود. شهر ... دوباره مشغول شده و حاکم آنجا که سورش
کرده بودند روز یکشنبه گذشته پنجاه هزار نفر سرباز ... که از او اظهار خرسندی
کردند سان دیده و دشمن شهر اورلیان را تصرف کرده جهت قشون ما در سمت رودخانه لوار
جمع شده شهر تور را حمایت بکنند و تدارک دیده که با دشمن جنگ نمایند و قشون
ما تبریز و ولایات فرانسه گوتن ... و در مجادله با دشمن ایستادگی دارند و سوق
روزنامه نظامی که حاکم پاریس نوشته بود ... بتفصیل است که بنا بر حکم شماره ...



در جلو صفوف خودمان بودیم و قشون ما بر سه دسته قسمت شد قسمت اول

زیر حکم ژنرال پرتو سه هزار و چهارصد نفر پیاده نظام و هشت عراده توپ و یک

اسکدران سواره نظام در راه آهن میان سن جرمه و ده رودییل مامور شد

و قسمت دویم زیر حکم ژنرال فوذییل دو هزار و سیصد و پنجاه نفر پیاده نظام و ده عراده توپ

بجنوب باغ مال میزان و ده ده بوزنی ول مامور شدند و قسمت سیم زیر حکم سرتیپ شلتان

هزار و ششصد پیاده و نه عراده توپ و یک اسکدران سواره بالای ده رودییل

جهت امداد دسته چپ و راست قشون مامور شدند و علاوه بر این دو دسته قشون

جهت احتیاط یکی در چپ زیر حکم ژنرال مارته تو که دو هزار و سیصد پیاده و ده

عراده توپ داشت و یکی جهت احتیاط قلب زیر حکم ژنرال باتوربل دو هزار پیاده

و هشت عراده توپ با چهار اسکدران سواره تیر مامور شدند و یک ساعت

بعد از ظهر هر کس در مکان خود آماده بود و تمام صفوف اول تیراندازی توپ نمودند

که از مکان رودییل تا ماذ نفوذ رسید و مدت سه ربع ساعت بخصوص به بوزن ولی

و باغ میزان و ژوزن تپه تیر می انداختند در زمان تیراندازی توپ عسکر ایشان

ما و تیر ... قشون جانب باغ میزان و بوزن و بل رفته بودند ... دوری

که میان خود جهت احتیاط قرار داده بودند تیراندازی توپ یکدفعه موقوف



ما بسوی پیش رفته بودیم از عقب وال میزان نزدیک راه آهن رسیده بودیم جهت

چپ قشون ژنرال نوذیل از آن دره گذشته با قلاع رودن شهر میرفتند

که یکدفعه از جهت تیراندازی شدید دشمن که در بیشه و خانها پنهان بودند

و مابین در توقف لابد شدند و در همان وقت چهار دسته زواو که نزدیک

باغ وال میزان در خطر افتاده بودند فوج سی‌ام بموقع رسیده آنها را نجات داده

و این فوج با جرأت سمت باغ وال میزان آمده تیراندازی شدید بر دشمن کردند آنها

عقب نشانیده که آن چهار دسته زواو توانستند و داخل باغ شوند و از ابتدای

جنگ چهار توپ میترالیوز و یکدسته توپها با جرأت جلو دشمن در مکانی خوب قرار

گرفته بودند امداد حرکت پیاده نظام میکردند و نیز تفنگداران تازه دسته دوم

سمت بوذی وال شجیل رفته داخل شدند و سمت پیش پا رفتند و نزدیک

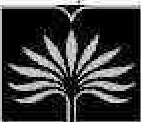
مغرب که در همه جا تیراندازی با تمام رسیده بود قشون حکم کردم که هرکس

مکان معین خود بروند بارها بمقصود رسیدیم الحمد که میخواستم از دشمن

داو را لابد کردیم که قشون زیاد میدان بیاورد و تیراندازی متواتر توپخانه

ما باید بر ایشان ضرر بسیار رسانیده باشد و چند نفری که از ایشان اسیر نمودیم

اقرار بزبان پروسی نمودند و دستهای توپ میترالیوز جرأت نموده عمل [illegible]



شدند که باعث بلا باشند چون روسیان عقبه نزدیک یک دسته توپ آمده

تیراندازی شدید با تفنگ نمود یک یاور و ده توپچی و پانزده اسب از ما کشته

شد لهذا پریشان شدند و ده توپ از ما بدست دشمن افتاد و از قراریکه سه ساعت

مغلوب مانده نوشته اند زیانیکه در این جنگ وارد رسیده این است که از صاحب منصبان

دو نفر کشته و پانزده نفر زخمدار و پانزده نفر مفقود الاثر شدند و از سربازان

سی و دو نفر کشته و دویست و سی نفر زخمدار و صد و چهار نفر نیز مفقود الاثر

شدند که تماما چهارصد و چهل و شش نفر میباشند

تفصیل جنگ روز بیست و دویم که اسمش جنگ شب بود

شب شنبه قریب چهار ساعت از شب رفته روسیان دفعةً [illegible] بر صفوف که دریک مقام

میله و ده [illegible] ما بود حمله کردند لیکن ایشان [illegible] از قراریکه معلوم شد نخواسته اند

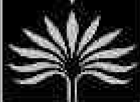
جنگ نمایند بلکه میخواستند سربازان ما را نگذارند در آنجا آسوده باشند و بلیفها

که در اسباب کشان فراوان بودند حکم شده بود که در حالت سکوت مستعد و مستحضر باشند

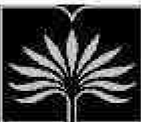
و اصلا تفنگ نیندازند مگر وقتیکه بسیار نزدیک باشند ولی روسیان با

احتیاط از دور تیراندازی کردند و عقب در جنگلها و تپه و دیوارها [illegible]

بر بلیفها نیز تفنگ می انداختند ولی فایده نبود و بلیفها نیز با تیر اند[illegible]



اما شش شب بعد از چنین بود که جیب و چهره از تفنگ آتش زده بودند البته زیاده از
هزار تفنگ پیاده بود . قلعه‌ای آستر و بسط روشنائی . این یک زن می‌تو
دید که لازم نیست که تیراندازی ایشان را حمایت کنند و باغبان ... که
اکنون لب بار محکم است چند تفنگ جهت استعمال برجی آورده‌اند جهت
و زمان مغرب یک قلعه در تو از تفنگ باغبان آتش گرفته می‌سوخت و قلعه موره
جهت مخالفت کردن پرکسیان از قراولان توپخانه در دو حقی سه تیر توپ انداخته
و مشکل است مازیان پرچمها را کاه حقه معین تمام لشکر بسبب با نشان تیراندازی
از قلعه‌جات ما باید زیان ایشان لب بار را باشد و در شست ما در جنگ سیم کاپتان یک نفر
جنگی کشته شد و تمام قطاران او گمان دارند که گویا از تیر سربازان خود مانش کشته
شده است چون این بدبخت با پنج شش نفر دیگر در یک جا ... بودند یک قطعه
گلوله با صدای مهیب نزد ایشان می‌آید در شلیک اول همه تنها بر زمین خوابیدند
مگر یکنفر که خود را حفظ نمود در شلیک دوم او نیز بر زمین خوابید دیگر برنخواست
و دو گلوله به سینه‌اش خورده بود از قرار افتادن او و فرو رفتن و بیرون آمدن
گلوله معلوم می‌شود که آن شخص بدبخت بسبب نازکی شب رفتن هوش او را پروسی پیدا
گلوله زده است ذکر کردن این فقرات بیشتر جهت سربازان جدید است که از تیر



محل زیاد خسارت یافته و در عقب حصار ما نزدیک خانهٔ سیلو گلولهٔ بسیار در زمین یافتند

اکثر گلوله‌ها بومبه بودند مگر یکی گلوله که پروسی بود که ترکیب غریبی داشت ———

اخبار روزنامهٔ پاریس ——— امروز در ساعت بعد از ظهر در باغ تویلری

بالون مسمی به گری بالدی را با پنج کیسه مکتوبات هوا کردند بسبب باد سمت شمال رفت

و دولت سخت قدغن کرده است در زمان محاصرهٔ پاریس بدون اذن دولت کسی بالون هوا

نماید غیر سیاحی در بالون می‌نشیند باید از دولت ماذون باشد و چون که اعلام

شده بود مردم جهت اتمام پانصد توپ پول بدهند در روز قلیل چندین پول جمع شده بود که هشت توپ تمام

روز سی و هفتم یکشنبه بیست سیم ماه اکتوبر

اخبار دولتی ——— موافق روزنامه نظامی دو ساعت بعد از نصف شب

گذشته یک دسته قراول دشمن از یک دسته پیش قراولان ما گریختند و مدت دو گروه گریزی

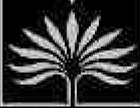
که گویا از عملجات ما گرفته بودند تعاقب آنها نمودند است و هنگام مغرب زیاد که

قراولان ما مراجعت نمی‌کردند یک دسته پروسی پیش آمده لکن پروسی‌ها بد شدند که

مراجعت نمایند و امروز عصر قلعهٔ سرزان تان بر یک دسته پروسی پیاده نظام گلوله توپ بسیار انداخت

بوده هر دو از راه یاوت پادو و سواری ببرخاستند تیراندازی نمودند آنها

اخبار روزنامهٔ پاریس ——— در اکثر قراولها



بارد شهر هست شد آب انبارهای بزرگ با شکه این ساخته شده و همیشه پر آب است و

تولمبه جهت خاموش کردن آتش آنجا همیشه حاضر است و دخترانی که در مدرسه

سندلی مشغول تعلیم بودند در پاریس بمهارت لی آورده‌اند آورده دادند آن شاگردان

که در پاریس مسکن دارند دو ساعت بظهر مانده با مذهب میروند مشغول تعلیم میشوند بجهر را

که بعد از ایشان آمده‌اند شاگرد ده نفر معلمات هستند و هست دیگر خدمتکار اشیا هستند

اجزا و اشیاء ریختانه جهت معالجه قشون در مدرسه سندلی منزل دارند ——

روز چهلم دوشنبه بیست چهارم ماه اکتوبر

اخبار دولتی —— وزرای دولت که در شهر تور هستند در جواب

مسیو کامبتا و یودر این خبر را مصحوب جسری دولت مستحضر و مسیو دولفور نگار آگاه

نمودند که روز بیست و چهارم ماه اکتوبر بیست هزار پروسی به تسخیر شهر شاتودان آمدند هنگام

ظهر که اهل شهر در هر کوچه سنگرها ساخته بودند پروسیان از هر سمت حمله

در گردیدند تا چهار ساعت از شب رفته اهل شهر ایستادگی نمودند تفنگداران

پاریس و افواج رعیتی شهر شاتودان بسیار رشادت نمودند و بسیار از

پروسیان کشته شد تقریبا هزار و هشتصد نفر و در حقیقت شهر را تصرف نکردند

بلکه با نارنجک خراب کرده سوزانیدند و اکنون در حال سوختن است و ایستادگی

شهر شاتودان در تاریخ ماه شتها د خواهد رفت و وزرای دولت مبلغی جهت

ساکنین شهر شاتودان که محتاج شده اند معین نموده اند ———

اخبار اطراف پاریس — در نصف شب پروسیان

بر قراولی که در چارسوی سرزاه لی پرفیت و در پل آن تو بود حمله نمودند چون سرکرده

قراولخانه مخبر شده دسته خود را حاضر کرد بعد از انداختن چند تیر تفنگ پروسیان

فرار کردند و دو ساعت بعد پروسیان یکدسته توپ که در عمارات استی نیز

گذاشته بودند دو گلوله خمپاره بر باستیان انداختند و دفعه اول است

که پروسیان بر باستیان تیراندازی میکنند گویا در میودان دسته

توپ در خفیه قرار داده اند که زمان حاجت جلو آنها را گشوده تیراندازی نمایند و در شادت

مبل بعضی اوقات باعث ضرر ایشان است روز جمعه گذشته یکنفر مبل با رفقای خود

رفته بودند در مزارع کلما جهت جمع نمودن سبزی آلات یک گلوله بر او خورده

در حال بکشت و روز دیگر دو نفر توپچی که در مزارع شاتیان رفته بودند جهت

سبزی گلوله از پیش قراولان پروسی یکنفر از آنها کشته و دیگری زخمدار شد بنوعی

که نمی توانست بقلعه مراجعت کند چهار نفر مبل با وجود تیراندازی

بقفا داده رفته او را آوردند و الا پروسیان او را اسیر میکردند



گرویم که در اطراف قلعه جات اترود و دروازه جام بسته میشود چون مبلیان کمتر

اوقات ماذون نیستند از قلعه جات بیرون بیایند و مشغول کار کردن بشوند

پاریس نمیتوانند بیایند اما در عوض این خویشان ایشان بدیدن آنها میروند

چون نمی توانند داخل قلعه شوند مضطر بیرون آمدن آنها هستند بخصوص امروز

بعد از ظهر در جلو قلعه وانو جمعیت زیاد بود و باوجود این حادثات سربازان ما با همه کس

شوخی و بازی میکنند ——————

اخبار داخله پاریس — موسیو تی یر دیشب بعد از

نصف شب وارد پاریس شد و امروز بسبب باروط یک کارخانه نارنجک

آتش گرفته خراب شد یکنفر کشته و سه نفر زخمدار شدند کمپانی صرافان در

میان خود سه هزار تومان جمع نموده اند بحاکم پاریس داده اند که یک دسته توپ

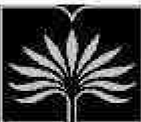
جهت حفظ شهر بسازند و در باغات تویل ری جهت سربازان منزل باشد اطراف

پاریس منازل از چوب جهت سربازخانه میسازند و بعضی نقب میکنند که باوجود

بودن این همه قراولخانه‌های و سنگر ساختن قراولخانه‌های چوبی جهت جواب

این است که چون سربازخانه‌ها از قلعه جات دور بنا شده و لازم است که اردوی

قشون نزدیک محل جنگ باشد



در باب نمودار شدن حمره در آسمان — قریب دو ساعت

و نیم از شب رفته شخصی در طلوار مومرد فریاد زد که سمت شمال آتش گرفته است

و در همان وقت از تخت نخیل همان نوع پدیدار شد نگفر نگهش که باغ

موزن سو میوزد دیگری گفت عمارات نگار آتش گرفته است ما بسرعت

بتاخت روانه شدیم اصلا دودی پدیدار نبود مگر روشنائی بسیاری اخگرها

چون شعاع و خط سفیدی در میان کشیده در آسمان ملاحظه شد آسمان صاف

بود و ستارگان میدرخشیدند یکدفعه هوا سرد شد بطوریکه نزدیک

بود یخ بسته شود آنوقت فهمیدیم که از سوختن و آتش نبود بعد از آن

به پشته مومرد رفته تماشای حمره که زبان و نفس اوردو بوری یال

نیامند نمودیم و از پرکشش ما تکلم مانند یک کفن خونین بر صفوف

پریشان میشود هنگامیکه حمره تمام میشد و ما مراجعت میکردیم دیدیم

نوازنده جی پان که خیال کرده بودند جائی آتش گرفته است میرفتند جهت

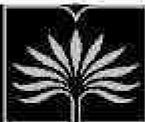
خاموش کردن آتش آنوقت ما رفتیم بر سر خانه لوک سام بود که

در آنجا یک نجم سها جهت فرستاده بود و در آن بیان اوردو

مدتی قسم نمود که همیشه این حمره در سمت شمال آسمان



و روشنائی این شاخص ابلق و منقش دارد ولی ظاهر آن همیشه تکمیل نیست و در اینجا
نمی شود و همه اهتمام از اپیان کرد مرکز وسعت آن از صد درجه بیشتر ملاحظه نشده
بود و یکمرتبه دفعه که طول آن صد و هشتاد درجه بود و عرض آن صد و ده
درجه بود و روشنائی بر سطح زمین میداد و از صورت قمر با صورت بهتر
و شعاع نور بزرگ داشت قریب یکساعت از شب رفته ابتدای آن ظاهر بود تا دو
ساعت در تزاید بود و چهار ساعت از شب رفته تمام شد و در سنه ۱۸۳۱ عیسوی
یک مرتبه دیگر در ماه ... و در ... دفعه هویدا شد البته در امکنه
مختلفه نیز هویدا بود و همه کس در بالای تپه موسوم ... آسیاب بادی ... را
می شناسند و در این آسیاب بوسیله آن چراغهای الکتریک قرار داده
تا بحال از این چراغ از هشتصد ذرع روشنائی بیشتر نمی انداخت ولی این را که بوسیله
با آن قرار داده است سه هزار و پانصد بلکه چهار هزار ذرع روشنائی می اندازد بنوعی
که بفاصله مذکور ممکن است کاغذ خواند و بواسطه اسبابهای بسیار با دقت از
این قسم آفتابهای الکتریک را بآسانی بهر جا که خواهد می اندازند و چیزهائی
جزئی را با دوربین تا هر جا که روشنائی برسد میشود مشاهده کرد ——



روز چهل و یکم سه‌شنبه پنجم ماه اکتوبر

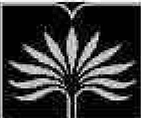
اخبار دولتی — موافق روزنامهٔ نظامی قلعهٔ واندری

دیروز چند گلوله خمپاره بر شام پانی که در آنجا حرکات دشمن بیشتر
از سایر اوقات مشاهده شده بود انداخته شد و مدتی پروسیان دستهٔ توپها
در قلاع نزدیک خانهٔ ازپ پروا توار قرار داده بودند و گویا این دستهٔ توپ جهت
جواب‌دادن باستیان دشمن بود بعد از آنکه باستیان نیز اندازی با تمام رسانیدند
پروسیان دستهٔ توپ خود را برداشتند و آن سرکشی که از قلعهٔ تران تان کرده
معلوم شد که دشمن با هیچ از راه بال سمت گزیل برداشتند ———

اخبار اطراف پاریس — محض آنکه پروسیان دهات
اطراف پاریس را یا بزور یا برضا ترک کنند غارتگران در خانهاء که هرچه
آنجا مانده است می‌برند دیروز در ده کلار یک خانهٔ شیرگچی را خالی کرده بودند
یکی از این اشخاص در آنجا نزد رفته از قبیل آینه و رختخواب و تخت و سایر چیز
بیرون آورده و نصف بیشتر اشیا را بر عراده حمل کرده بود که صاحب خانه رسید
و او را گرفته بسربازان سپرد و دیروز قریب دوازده نفر از ...
در ده بوتوی از صفوف پروسیان گذشتند زیرا که روز پیش ...

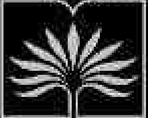


و از صفوف ما که در دره گریل میباشند آنها را نگذارند رد شوند و در گریل موقف
مانده است و در زمان ضرورت تصرف میشود زیرا که اهل آن ده به پاریس پناه آورده اند
و میخواهند در برداشتن حاصل آنها را اعانت کنیم و ما در موقع یکدسته قشون محافظت
ایشان میفرستیم و وقتی که بعضی اشخاص خبر رد شدن یکه و تنها را میخواستند
ببرند در گریل کسی نبود و بفاصله صد ذرع از عقب سد آخر جیش قراولان پروسیها
یک پرده سفید که از خانه برداشته بودند جواب فرستادگان ما را که علم سفید
حرکت اظهار مطلب نشان داده بودند دادند یک صاحب منصب با همان علامات جیش
رفته با یک صاحب منصب پروسی در سر جاده ملاقات کردند از قراری که معلوم شد
دسته ها از فوج هفتاد و پنجم و چهل و پنجم پیاده پروسیان بود و توپچیها
و یک حکیم مریضخانه نظامی فرانسوی بعد از جنگ بیرون شهر در جائیکه مریضها را
معالجه میکرد اگرچه خلاف بود پروسیان او را اسیر کردند و وقتی که او را بورسای
بردند در جلو ایشان شنیده بود که پروسیان آنجا سربسته و بزبان فرانسه گفتگو
نوشته بودند که کسی نزدیک این سدها نیاید و چند نفر از صاحب منصبان
پروسی متحیر بودند که فرانسویان گمان کردند که در روز نمیکنیم نمی توانند عقاید
سر را پاینده باعث چهار ساعت قبل متحیر بودیم و موافق تجربه قشون خود را معتصم



نموده‌ایم و در همه جا و در روزنامه روز قبل که در پاریس چاپ نمودند حال ورود ست
پروسیان می‌باشند و از این معلوم می‌شود که از همه روزنامه‌ها ایشان اخبار می‌رسد
اگر برای آن اشخاص‌ها مرده که روزنامه و خبر به پروسیان می‌رسانند مشکل است
از صفوف پروسیان رد شوند اما از صفوف ما رد شدن ایشان آسان است
دیروز دو نفر که معلوم شده از پاریس بیرون رفته بودند از کنار راه آهن تا
عقب مودان رسیده از دشمن کسی ملاقات نکردند ولی چون نزدیک ده
خود رسیدند یک قراول پروسی اشاره کرد که عقب بروید و نزدیک نیایید یکی
از این دو نفر عقب رفت و دیگری از راه کج کرد که پیش برود قراول پروسی تفنگ
انداخت و گلوله به پایش خورد یکی از خویشان او که در پاریس بود چون از این کیفیت
مطلع شد رفت به مریضخانه پروسیان او را خواست ولی ایشان شخص زخم خورده را
به او سپردند و شخصی از اهل ده شویل سه روز قبل از پاریس بیرون رفته که یکی
از خویشان او در آنجا بود بیاورد باید روز دیگر مراجعت نماید لیکن هنوز پیدا
نشده است و در چهار روزی میان شهر پاریس قلعه جات اطراف پاریس سبزی
آلات کاشته می‌شود مخصوص سبزیهای تلخ جهت رفع کردن [illegible] گوشت
تنگ زده که به سبب تنگی محاصره خورده می‌شود ———

سه روز گذشته



اخبار رد حمله پاریس —— سفیر پرتوگال دیروز صبح از پاریس

عازم شهر تور شده خود و اسباب کالسکه اش در دروازه گذاشته بودند و

مذکوره از موسیو میپ مرک داشته‌اند و با وجود باد شدید امروز صبح یک بالان

هوا کرده‌اند و شصت من بوزن تبریز مکتوبات داشت و دو نفر سیاح که مأمور

شهر تور بودند در آن بالون نشسته‌اند و تماشاخانه‌ها که تا بحال بسته شده بود

امروز یکی از آنها که تازه باز شده و زیاده از وسع جا آنجا جمعیت شده بود

و احتمال دارد که سایر تماشاخانه‌ها نیز باز شود و از زمانیکه پاریس محاصره شده است

قرار داده‌اند که روزهای دوشنبه و سه شنبه و جمعه دو ساعت از روز گذشته

تا پنج ساعت اسب جهت قصابخانه‌ها فروخته شود و اسب فراوان می‌آورند و از

جانب اشخاص بیطال که مأمور است مأمور است هر اسبی که بی عیب و نقص است داغ

جهت کشتن بر آن اسب میزنند و اسبی که در حد وسط است نقد هشتاد من تبریز وزن گوشت

دارد و اسب زنده تقریباً یکمن سه هزار فروخته می‌شود و دیروز از هفتصد اسب

که آورده بودند چهارصد راس بنهار آن کشته شد و اکثر ما بقی را دولت جهت حفظ

نظم امر احتیاج بود و بازار حال مثل پیش نیست که ملاحظه جنس را بی و خوش

خشمی اسب نمیشود بلکه ملاحظه فربهی اسب می‌شود و نیز الاغ و قاطر میفروشند

و مخصوصاً اینها بیش از مشتری اسب است و الاغ چاق زنده ملاحظه نبریزی چهار هزار

و دو هزار خریده میشود و در حقیقت همه کس میدانند که گوشت الاغ بسیار لذیذ است

و در بعضی ولایات جنوبی همه گوشت نمک زده میخورند

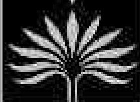
روز چهل و دوم چهارشنبه بیست و ششم ماه اکتوبر

اخبار دولتی — پروسیان دوازده عراده توپ که دوازده اسب میکشیدند نسبت ارتفاع میدان میبردند ولی فاصله مجاهدات ما جدی بود که گلوله توپ بانجا نرسید و دو زن از ده شو که میخواستند بروند ببینند پروسیان بجاهای ایشان چه قدر خرابی رسانیده اند پیش قراولان بزور اینها را مجامعه نمودند و از اینها خلع لباس کرده ایشانرا در صحرا گذاشتند چون در مراجعت نزدیک پیش قراولان فرانسه رسیدند انها را در جوف لحاف پیچیده بپاریس بردند و لباس بایشان دادند و این حکایت خوفی در میان مردم انداخت که دیگر زنان اصلا جرات بیرون رفتن ندارند

روز چهل و سیم پنجشنبه بیست و هفتم ماه اکتوبر

اخبار دولتی — موافق روزنامه نظامی ... نقل از

طلوع ژنرال لباره که دسته عساکر از قلعه بیرون بوده‌اند و ...



سه ساعت شلیک تفنگ دشمن را از ده بیرون کرده تا عقب رود مجبور نمودیم

هنگام روز پیاده نظام پروسی با سی عراده توپ از گونس و ای آنجا رسیدند

ولی مجبور شدند سربازان ما را از ورزه بیرون کنند و بعد از چند ساعت

شلیک اغلب قشون دشمن بسمت شمال عقب کشیدند و قشون ما در همان ده جهت بعد

جنگ خواهند نمود و ورزنی را بدون مخالفت دشمن تصرف کردیم و چند نفر اسیر

نمودیم و بعضی اسلحه و کیف سربازی از پروسیان بدست آوردیم ——

خبر اطراف پاریس —— روز پنجشنبه چند نفر صاحب منصب سواره

با یک باوری توپخانه بسمت رود بیل تاکناد رودخانه سن سرکشی کردند بعد از ملاحظه

استحکامات دیدند که دشمن یک عراده توپ بقرب چهارصد قدم فاصله پنهان کرده است

مبادا آنکه نیز چهار پاره با ایشان زنند قبل از ملاقات دشمن ایشان مراجعت نمودند

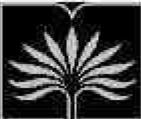
و مقصود با نجام رسانیده بودند زیرا که تعیین مکان پروسیان نموده بودند

اخبار داخله پاریس —— دیروز عمارت موسیو تی را

تصفیه مینمودند و جایها را با آب و جاروب پاک میکردند و این علامت آمدن موسیو تی

به پاریس شد و روز پنجشنبه آینده تماشاخانه بزرگ در پاریس باز خواهد شد که در آنجا

مردم مشغول لهو و لعب شوند و مقصودشان گرفتن پول است از مردم که شبی



شنیده با منفصل بودن در آمد خواهند داشت و سفته دور باز میشود و مقصد است که چون

پول میشود موجب اشخاص متلفین انجار را بدهند و دولت مستقله حکم کرده است که من بعد

نشان لی ژیون دونور مخصوص اهل نظام باشد و نیز حکم نموده اند که فوج خاصه امپراطور

معزول شود و اشخاص آن فوج جزو سایر افواج باشند ——

روز چهل و چهارم جمعه بیست و هشتم ماه اکتوبر

اخبار دولتی —— امشب بدولت مستقله یک خبر تلگرافی رسید

چون اکثر فقرات او در اول بر حرکت قشون نابود انتشار او نشاید ولی خبر رسیده از

موسیو تیر به بشور تور آورده و موسیو دارست بزودی بپاریس مراجعت نماید

و در اواخر روز نامه نظامی از قلعه جات —— چون دولت و موست ... و بعضی با سپاه تا مهاجم آورده

بر باغ و باستیان مسکلو که دشمن در آنجا بوده حمله نموده دشمن فرار کرده و در قلعه جات وادی

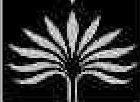
وادی سر بر دشمن که سمت ساتپان مشغول تدارک جنگ بوده تیراندازی کرده آنها را با

مراجعت نموده اند ——

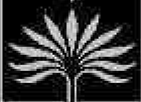
اخبار داخله پاریس —— حالت میدان شان ز الیزه

مانند قبل است در همه جا چادر جهت سربازان زده و اسبان سربازان

بسته اند و اسبان در جهت ... را خیابان خورده اند که حال انتشار احتیاج



می‌آمیزند و در اطراف چادرهای سربازان زنان و بچه‌ها میروند که نان زیادی
از جیره سربازان بایشان برسد بعضی جهت جمع کردن خاشه چوب میروند و در میدان
سربازان از هر قسم مشغول مشق و تدارک جنگ هستند متصل صدای شیپور و سازهای
سربازی از آنجا می‌آید و امروز صبح یک بالون که روزنامه و مکتوبات جهت ولایات
میبرد هوا کردند و انشا پاره‌ای سمی بربری را که مخصوص شب عرق است بوتلی حقنه
کرده‌اند که اگر گلوله خورد پاره بشود خرابی بیشتر سازد و کارخانه گل روز شنبه
صبح توپ اول را ریخته است و دیروز دو توپ ریخته‌اند و روزی قریب ده توپ می‌توانند
بریزند و نیز در کارخانه ساختن یکصد عراده است که می‌شود سه توپ بر آن نصب نمایند
و نیز سه دسته توپ آماده شده است و توپخانه قوج زمینی تسلیم شده و در یک محله
پاریس اعلام کردند هر کس که در طلب جنگ است بیاید اسم خود را بنویسند و بجای دیگر
برپا کرده‌اند و یک علم بر آنجا در نصب نموده‌اند که در روی آن علم اسم شهرهای سرحدی
و تول و شاتودان نوشته است و در آنجا در یک دفتر جا شده که هر کس میخواهد پول جهت
ریختن توپ بدهد در آن دفتر اسم خود را ثبت میکنند و پسارلفتگی گفت بجو
سفارش شده است که بسازند و در یک کارخانه پنجاه هزار شمشیر برهنه ساخته و داده اند
بسازند و چند نفر هستند با دولت متعهد شده‌اند چند توپ که از عقب پر می‌شود بسازند



و چون بعضی اشخاص در باب زیاد مردن مریضان مریضخانهٔ دولت دوک بجس نویس

داشتند دولت جهت تحقیقات آن جویا شده اخبار رسیده که در روز هشتم ماه اکتوبر کسانی

که از زخم فوت شده‌اند نفر بوده بیست و هم کسی فوت نشده بیست و دویم چهار نفر

بیست و سیم دو نفر بیست و چهارم یک نفر و باید دانست که اگرچه این تفصیل مخصوص مریضخانهٔ دولت دوک

بجس است […] و در مریضخانهای کوچک […] اشخاصی را که زخم جزئی دارند از شرون(?)

و در پشیان(?) بیست پیره دولی در فوت شدن با مریضخانهٔ دولت دوک بجس چندان تفاوتی ندارد

و در این مریضخانها نشستند سی و سه رختخواب است و سیصد و هشتاد و پنج زخمدار آنجا است

بار(?) وزیر داخله هفته یک دفعه احوالات مریضخانها را در میان مردم اشتهار خواهد داد و چون

دولت ملاحظه میکند که تکلیف دولت است که تعلیم نشر نماید و در پاریس کتب خانه چه پسر و چه

دختر کم است قرار داده‌اند که زیاد تر کنند و چون باید موجب معلمین چه زن و چه مرد

زیاد بشود قرار داده‌اند که مخارج آن کتب خانها که قریب یک کرور و سیصد و پنجاه هزار

تومان بود حال دو مقابل باشد و چون شخصی بدولت اظهار کرد که میتوانم بالونی

بسازم که حرکت آن از هر سمت با خواهش باشد بکند دولت حکم کرد که چهار هزار تومان

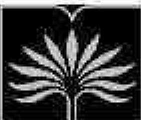
بجهت مخارج این مدینه(?)

روز چهل و پنجم شنبه بیست هفتم ماه اکتوبر



تفصیل جنگ بورزه

اخبار دولتی ــــ صاحب منصبان تفنگداران داوطلب که از نزول انکار
خیلی دفعه خواهش رفتن جنگ کرده بودند خواهش ایشان باجابت رسید و جماعت
رسیده و این جنگ اول ایشان بود که مانند سربازان کار آزموده بودند زیرا که
بر سر روسیانی رسیدن کار آسانی نیست و لکن تفنگداران تا پای سنگر روسیان
در ده بورزه برپا کرده بودند رسیدند چون فریاد گلبانگ زدند سربازان ما بخنجر
جیش جواب دادند و دشمن گریخته بسیاری از سمت متعاقب ایشان ماندند و این اول سنگری
که تصرف نمودیم بدبختی بود که سبب تاریکی شب خبری حاصل نشد روسیان چنان گمان
کردند که ما زیاد بودیم و آنچه سنگری که در دست داشتیم یک یک آنها را بازگرد
و در پس گرفتن از ما سعی نمودند و تفنگداران ما از دو ساعت از صبح مانده تا
سه ساعت از روز رفته در ده بورزه ماندند و در همان وقت سه باطالیان و یک دسته توپ
از سنگر آلیاد تفنگداران ما آمدند و در وقتیکه حمله میکردند قشون روس که
میان ده و سنگر آنها و کورنش بود بحرکت افتادند و توپ هم در این جنگ با تمام زور
در روسیان با هیجده عراده توپ شصت تیر انداخته و با چهار نفر زخمدار داشتیم هرچه
گلوله خون باره می انداختند میان ده می افتاد و قریب یک ساعت از شب رفته



پروسیان دوباره خیال بحمله این دو ده و تصرف نمایند وقتیکه نزدیک بحد

رسیدند قراولهای صدای کلمه کیم زد یعنی از شما شخص کیست چنانکه زبان

ونه خوب میدانست جواب داد فرانسوی باشند باز چون قراول پرسید از کدام

فوج جواب نداد سربازان ما یکدفعه شلیک کردند پروسیان نوعی بسرعت

گریختند که کشتگان خود را موفق نشدند بردارند و در آن حمله پروسیان دو فوج

داشتند و بعد از یکساعت هم جنگ آرام شد ولی در هنگام شب پروسیان در جای

دو برج پنج دسته یعنی سی عراده توپ قرار داده بودند و یکجهت از دو رفته تا قبل

چهار ساعت و نیم بشدت توپ اندازی کردند و در نیم ساعت اول هشتاد تیر از آن

شروع و در تمته ساعات مذکوره پانصد تیر انداخته بودند ولی بسیار کمی از سربازان

ما زخمدار شدند و بعضی اوقات گلوله خمپاره چنان زیاد بود که جاده از تگ

آهن و سرب مملو بود و اجسام بجاهای خانها بر زمین ریخته بود و سه جای

برج کلیسا سوراخ شده است و اکثر خانها بهمین قسم بعضی سوراخ و برخی خراب شد

و در مدت آن بارندگی چهار پاره سربازان ما عقب نشسته و در جویها و باغات پنهان گردیده

بودند و دو سرباز نیل که عقب تکه دیوار پنهان بودند نارنجک که

دیوار را خراب نموده آنها را کشت و فوج خاصه که در آنجنگ بود



کشیده به سمت گوتیس مراجعت کرد و زمان جنگ عراده‌های مریضی نهاده در یک خانه

سمت دوم اوبروبیل پنهان بودند که در کار که بیتاب شده بود اطبا و زخمداران

را بر سیده باشند در میان زخمداران یکنفر با و در پروسی بود و زمانیکه جراحان در یک اطاق

زخمداران را معالجه میکردند یک نارنجک آنجا ترکید و اجزای دیوار را در اطراف اطاق

پاشید چون در آنجا نارنجک زیاد می‌افتاد جراحان لابد شدند که زخمداران را در زیر زمین

ببرند و تا چهار بعد از ظهر جنگ آرام شد و در میان جنگ رفته زخمداران را برده شدند

و لشکریان که صبح و شش ساعت غذا نخورده بودند آنوقت مشغول غذا خوردن شدند

و نزال بلبار یکساعت بعد از ظهر از سندقی به بروره جهت محافظت آنجا آمد زیرا که

احتمال داده دوباره پروسیان حمله کنند ولی پروسیان آنجا حصار و سنگر بنا

نهاده اند که لازم شد جهت محافظت ده باز سده حصار بنا کنیم و چهار توپ در جلو

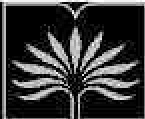
گذاشته ایم و علاوه بر آن چند دسته توپ و سرباز نیز آنجا خواهیم آورد و بعضی صاحب‌منصبان

با گفتند که اگر پیروز قدری از آنجا و از سواران خود آورده بودیم توپهائیکه

پروسیان در گوتیس داشتند تصرف میکردیم آنشتین بسمن و در جنب رفته جمع آوری

قشون نموده قلعه‌جات لیست و کوران در هنگام ظهر زمانیکه پروسیان از برون

لابد بیرون رفتند یک دسته توپ که در جلو آن قلعه‌جات است تا ساعت بعد از ظهر



تیراندازی می کردند و گویا پنج پاره به دشمن رسانیده‌اند و اگر در جهتهای با فات را گلوله

خونیار و بشکسته است و بعد از آنکه سربازان متحمل شکار پروسیان گردند شکار گلوله‌ها

چند می صید کرده جزو آتش خود نموده آنجا برخاستند و سری آلات و شراب که پروسیان نخواسته

بوده بردارند جمع از سربازان ما کرده تا رسیدن عدای ایشان ار خشند و در میان

اسیران یک یاور فوج خاصه پروسی بود که در دو پایش زخم جزوی داشت او را از فتحنامه

دل و دو که زراس بردند تا پرستاری نمایند و بسبب سلام زخم خوردن او را شخص مشغول میکند

که سه سرباز از دسته خود پیش آمدند که او را ببردارند تفنگ داران ما هر سه آنها را همانجا

کشتند و از زمانیکه پاریس محاصره شده است گویا این صاحب منصب پروسی اول کسی است که

با این منصب اسیر کردیم

اخبار روزنامه پاریس — دیروز یک پسر یازده ساله که هر روز

از روزنامه‌های پاریس جهت منیامات پروسیان می آمد و مخصوص روزنامه جهت آنها

میبرد و پسر یک پروسی که ساکن پاریس بود وقتیکه پروسیان لابد شدند که از آنجا بیرون

بیرون بروند رفته بود بورسائیل که این پسر جهت جوانی و رحمت و ذاتی که داشت

بود مدت یک ماه و مکتب این خدمت خائن بوده و نشان لی آمده

بخیند صاحب منصبان سوار نظام داد و دیروز صبح وقتیکه باران



پاکردند و هرچه مکتوبات تا آنوقت در پاریس جمع کرده بودند بردند هزار روزنامه دولتی

و در آن بالون بود و با خدایان آن یک قفس با شش کبوتر پیغامبر جهت اخبار با خود برده بودند

دولت مستحفظ قیمت گوشت اسب را معین کرده است که کمتر از بیست و دو شاهی فروخته

نشود و هر قصابی که گران تر فروخته جریمه خواهد شد و نیز بجهت آنکه گوشت کباب نشود

حکم کرده اند که اسب بعدد معین هر روز بفروش برود و در میدان روزی هشتصد اسب

بیشتر نیاورند و هشتصد اسب در روز زیادتر کشته نشود و هفته سه روز هر روزی

سه ساعت در میدان معامله اسب شود ——————

روز چهل و ششم یکشنبه سی ام ماه اکتوبر

اخبار دولتی —— موافق روزنامه دولتی که چاپ شده است

موسیو تی یر امروز وارد پاریس شد بوزارت دولخارجه رفت و بدولت مستحفظ

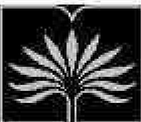
مفصل مأموریت خود را بیان کرد چهار دول خارجه انگلیس و پروس و استریا

و ایطالیا چون دیدند که پاریس ایستادگی کرد و در خیال با هم متفق شدند و

بیجا نبین توقف جنگ بجهت تعیین کردن وکلای رعایای فرانسه تکلیف کردند خبر

اعم ازای تسلیم نمودن شهر متس بدولت رسیده و سردار بازن با قشون خود بعد از

ایستادگی با شجاعت جهت نداشتن آذوقه و قورخانه شوکت با دشمن مقاومت نما



خود را به پروس تسلیم کرده اسیر شدند و این عاقبت نحس که سه ماه طول کشید معلوم است

جهت دولت فرانسه تأسف و تکدر بسیار دارد ولی جرأت از این شکست کم نخواهد شد و سربازان

در قلعه‌های ما امیدوار هستند که برای گروه دیگر زمین جنگ نامیم و این ایستادگی صدمه

شده است شهر پاریس و اطراف آن تا آخر ایستادگی کرده از آنها انتقام خواهند کشید و دیروز

روزنامه نظامی ده بوده را که قشون ما تصرف کرده بودند دیروز در تمام روز دشمن آتش

تیراندازی کردند و امروز صبح زود قریب پانزده هزار پروسیان با توپخانه مقابل ده

رسیدند و چند دسته دیگر از کنار ده رفته تا اطراف آن را محاطه نمایند و چند نفر از

سربازان ما که از قشون بلد شده بودند بدست پروسیان اسیر شدند و عدد ایشان حال

معین نیست فردا تعیین خواهد داده در انتهای که بیست و چهار ساعت در تصرف ما بود و چون

در سمت چپ قشون نبود که از آن حمایت نمایند و فرصت نشد که تدارک محافظت دیده

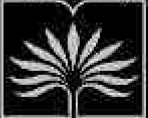
شود حکم شد بجهت آنکه دشمن بر ایشان مسلط نشود ده را خالی نمایند و کدخدایان بعضی

ایالات اطراف پاریس زمانیکه دشمن بولایات آنها رسیده بشهر پاریس آمده بودند و

اجزای دولت مستحفظ آنها را طلبیده مجلس برپا کردند و گفتگو در باب امور حالت

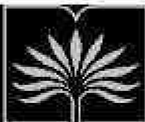
ممالک فرانسه نمودند و موسیو اراقو کدخدای پاریس از اجزای دو

ایشان را رسیده است آنها را تسلی نموده و دلداری داده و موسیو



مسئول نمود که دولت امپراطوری آن باعث این جنگ شده مردم مملکت را بجز انداختند و حال مصلحت نیست که اهل فرانسه باید با هم متفق شوند تا دشمنان دولت را براندند و از ولایات خود آنها را بیرون کنند ———

اخبار و محاصره پاریس ——— چون احتمال دارد که دریاچه ها و برکه های بلون و ونسن که ماهی فراوان دارند جهت انقطاع آب بزودی خشک شود و ... دولت منطقه حکم کرده است که ماهیان آنها را گرفته بفروشند و دیروز مصلحت ندانستیم که تفصیل سرکشی فوج رعیتی را اظهار نمائیم اکنون که آن سرکشی رفع شده می توانیم بیان کنیم قریب یکساعت از ظهر گذشته بعد از پاره های حصار که در جلو باره شهر است نزدیک قلعه جات اطراف شهر رسیدند و در همان وقت قلعه جات وانو و وای سی و بانزد جهت حمایت حرکات افواج رعیتی بر باستیان دشمن تیراندازی کردند با وجودیکه باران بشدت می بارید افواج رعیتی با کمال جرئت در صحرا ایستادند و قریب چهارصد قدم فاصله از عیش قراولان پروسی داشتند و خیال ایشان این بود که هنگام شب بیخبر بر پروسیان بتازند سرکرده ایشان مصلحت چنین امری ندانست قریب چهار ساعت بعد از ظهر صدای هفت توپ از قلعه برون شنیدیم چون دیده بودند که پروسیان



یک عراده توپ نزدیک دهی که گذشته اند باین مقصود که بر فوج زمینی شلیک نمایند
چند گلوله خمپاره از قلعه بیرون آمده جستند که تیر اول ایشان توپ پروسیا را خراب
کرد باری چون شب رسید حکم برجعت شد از دروازه در حالت سکوت و آهستگی بپاریس
مراجعت کردند و رسیدند یکساعت بغروب مانده نوشته شد که همه کس دیده اند با آنچه دو
روزه با تصرف کردیم و بچه طور پروسیان فرار کردند که متعاقب ایشان اسلحه و اسیر ایشان
بدست ما افتاد و [illegible] بودند که از آن ده در دست ما باشد چند فوج و چند عراده توپ
آنجا گذاشته بودیم اگرچه نگاه داشتن اینچنان چندان فایده از برای ما نداشت با جهت
قشون و توپ بقدر کفایت فقط آنجا نفرستاده بودیم و سربازان که آنجا بودند از خستگی
بیش خسته بودند باری دیروز پروسیان گلوله خمپاره مثل باران بر سر [illegible] انداختند
مستحفظین آنجا کشته شدند چون روز یکشنبه بود گمان نداشتند که دشمن جنگ خواهند کرد
این غفلت بود زیرا که پروسیان بسرعت حرکت میکنند چه یکشنبه و چه چهار روز ما باشد
در زمان خوردن آتش ایشان بود که پروسیان بر سر آنها رسیدند لهذا هر کس اسلحه جنگ
برداشته حاضر شدند و چون پروسیان دسته توپ در سر کوچه گذاشته بودند محل بود
کسی آنجا توقف نماید و ده عراده توپ و یک میترالیوز بیشتر [illegible]
تیراندازی کردند و توپ هشت پنجاه نفر بودند قشون بحرکت در آورده



نمایند از وقت جنگ سختی برپا شد و از پانصد و هشتاد نفر که داشتیم تا یکصد نفرشان

بیشتر مراجعت نکردند و ممکن نبود که با توپخانهٔ پرزور روسی مخالفت و ایستادگی نمایند و

به قدر پنجاه ذرع فاصله ده پورزه یک خانهٔ شمع سازی بود که در آن پنجاه و هشت نفر پنهان

شده بودند ایستادگی نموده ضرب پسپاره به دشمن رسانیدند و زمانی که مراجعت میکردم

تازه قشون به امداد ما رسیده و وقت گذشته بود و مجبور به رجعت چاره نداشتیم و بواسطهٔ

حمایت قلعه توانستیم با نظم رجعت کنیم ولی ممکن نبود سربازان زخمدار را که در ده بودند

بودند حمایت کنیم معلوم است اسیر شدند و در ده در آن سمت تا خبر شد که پروسیان

بر سر ده پورزه آمده اند حکم شد که به ده در آن سمت قشون زیاد بیاید تا دو ساعت از روز

رفته چندین فوج در آنجا حاضر بودند و پروسیان بفاصلهٔ خیلی از پورزه چهار و بیست توپ

قرار داده بودند و متصل تیپ دار آن سمت شلیک میکردند و در اول گلوله هاشان از ده پورزه میشد

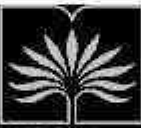
در مزارع متقاربت ده می افتاد لیکن بعد چون منار کلیسا را که اول تیر در آورده بودند گلوله

در ده می افتاد و خانه های پست خراب میکرد و با وجود این قشون ما از جای خود حرکت

نکردند و با دوربین پروسیان را دیده میشدند لیکن چون توپ نداشتیم جواب ایشان را نتوانستیم

بدهیم باری و تفنگ ده پورزه را تصرف کردند ممکن نبود با در ده بیش توقف نمائیم حکم

مراجعت شد و سه ساعت بعد از ظهر پروسیان جمع شده بودند که مصالحت نمایند و تنگه



امیرالبحر روسی که از جانب سردار کل حکم آورده معلوم شد که این امر با اهتمام رسیده و دیروز

که امروز بار قشون حرکت کنند با وجود این زنبسپاری بار رسیده و در دوران کمی

ازباک نشد از قبیل وسربازان دیگر سه چهار نفر زخمدار شدند و برفی جاده بحری بیشتر

صدمه وارد شد زیرا که هشت نفر زخمدار شدند و دو نفر زخم کاری داشتند و گردن آب

و زنبورچی آنها یک گلوله خمپاره قطع کرده بود

و چون جهت محاصره و قتال در شهر پاریس کم بود قرار داده‌اند که در شهر قلعه‌ها بسازند و سنگر

عمارتی را که زمین وسیعی داشت جهت همین کار واگذاشت و بدین قسم قلعه ساختند

اول شاخه را به اندازه تیر ریخ میبرند و هر شاخه که قطور است پیشکار فکند آنوقت یک میخ بزرگ

چوبی در زمین میکوبند و نیز در اطراف آن سه گز جلوتر میکوبند بعد شاخه را میخ و دایره

تر و نیک آن میخ دور به دایره بزرگ می‌چینند بعد عقب آن همان قسم دایره‌های دیگری می‌اندازند

و در بالای طبقه اول طبقه دیگر از شاخه درشت‌تر میگذارند و طبقه سیم که آخر است

شاخهای خردتر به شکل گنبد می‌چینند و در بالای آن یک پرده گیاه نم دار میریزند و

روی آن گیاه یک پرده خاک نم دار بعد دیگر گره قوی‌تر میریزند و غرض از گیاه نم دار

اینست که خاک میان هیزم نریزد و هواکش نکند و بعد از آن

کوچک را که در میان بود بر میدارند و سوراخی که ترکیب کیف و



مینمایند و از این سوراخ خلا شده هیزم و ذغال تا چه می‌اندازند هیزمی که چه بهای آتش گیرد

و بعضی اوقات جهت استعمال آتش با چوب خاک را سوراخ میکنند که منفذی جهت آتش باشد

و اکثر اوقات چهل و هشت ساعت ذغال ساخته میشد لیکن امروز جهت تری هیزم سه روز

طول میکشد و شما در آنجا رفت بلکه در سایر جاها نیز همین قرار دارند بخصوص در نواحی بولان

و در آنجا با همان درختها که زینت ده باغ بودند و تفرجگاه اهل پاریس بود جهت ذغال

لابد شدند که هر جا چوب آنها ذغال میسازند

و دولت مشروطه حکم کرده است که هر کس در جنگ کشته شود از عهده مخارج زن و بچه‌اش

دولت برآید و موافق خبریکه از شهر تور رسیده است هر روز تدارک زیاد و گردون قشون

می‌بینند و میگویند که بعضی ایشان خیال دارند که ایالات و شهورها بجهت محافظت تخت

این خطر دارد زیرا که قشون متفرق میشود اگر قشون متفق باشند البته قوت ایشان زیاد و تمام است

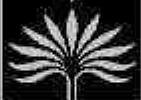
و مسیو تی یر که روز جمعه گذشته از شهر تور بیرون آمده بود به واسطه دولتین دول روس

و انگلیس و استریا و ایطالیا از دولت پروس تذکره باو دادند جهت رد شدن

از صفوف پروسیان و وارد پاریس شد و موافق حکم سردار کل قشون پروسی باید بمحل

راسای قشون ایشان برود ولی قبول نکرد و گفت قبل از ملاقات کردن رئیسهای قشون

پروسی باید دستور العمل از اجزای دولت مشروطه بگیرم و از روی ادب دیدن وزرای

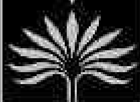


پروسی رفت و چند دقیقه بیشتر طول نکشد و امروز بعد از آنکه باجزای دولت مسقط
تفصیلات مأموریت خود را بیان کرد و دست دلیل از ایشان گرفته دوباره از پاریس عازم
گردید که مراتب جواب چهار دول مذکوره یا وزرای پروسی گفتگو کند

روز چهل و هفتم دوشنبه سی و یکم ماه اکتوبر

اخبار دولتی

دیروز در وقتیکه اجزای دولت
مسقط گفتگو میکردند جمعیتی از یاغیان در عمارت او تیل دویل جمع شده بودند
ولی باستعانت فوج رعیتی بدون خون ریزی آنها را بیرون کردند و فردا تفصیلات
این وقایع را ابراز خواهیم کرد و دولت مسقط قرار داد که چنین اغتشاش دیگر روی ندهد
امروز هنگام صبح که مردم تسلیم کردن شهر متس را و رسیدن موسیو تی یر
دوباره تصرف کردن پروسیان ده بورژه را مخبر شدند کم کم بنای جمع شدن
در میدان عمارت او تیل دویل گذاشتند و فریاد میزدند که توقف جنگ نمیخواهیم تا آخر
مردن جنگ خواهیم کرد و بعضی دیگر فریاد میزدند که حکومت کمونی را طالبیم در آن
وقت چند بطالیان میل رسیدند که قراولان عمارت را عوض نمایند مردم زیاد
که میل و در طلبان جنگ زنند باشند در آن وقت شخصی در میان جمع [illegible]
او تیل دویل قراول میل نمیخواهد سرباز رعیتی با اسلحه جهت [illegible]



مستحفظ کامیت و جمعیتی قبولی آن مطلب را فریاد زدند و تا سه ساعت از زور رفقا

انقلابی که قایل باشند نشنیدند و ولی در همان وقت قریب سیصد چهارصد نفر با علم سفید

که بر روی آن علم نوشته بود جمهوری زنده باشد و کل مردم متفقانه برخیزید جنگ

کنند و توقف جنگ نباشد از کوچه‌های اطراف میدان اوتیل دو ویل وارد شدند

آن وقت آنچه جمعیت در آنجا بود با فریاد ایشان را خوش آمد کردند و قسمتی که

در درب عمارت رسیدند موسیو اراگو که غذای رئیس بیرون آمده آنگونه

سخنان با ایشان گفت که بواسطه بلایی که بر ما نازل شد افسرده نخواهیم شد با آنکه

هنوز ایستادگی میکنند و مملکت فرانسه را نجات خواهند داد و آنچه متعلق به من

است که شما التجا کردم باز قسم میخورم تا من زنده هستم پروسیان وارد

عمارت اوتیل دو ویل نخواهند شد از این سخن قدری آرام گرفتند بلکه بعضی از ایشان

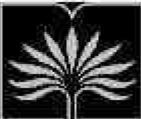
رفتند در آن وقت فرصت یافتند که درب عمارت را ببندند و قریب یک ساعت

معطور ماندند دسته دسته‌های مختلف از افواج رعیتی میدان اوتیل دو ویل

آمدند در آن وقت باز جمعیت زیاد شد و فریاد زدند که کمون زنده باشد

و به دشواری سپاهیان این جماعت را از ورود عمارت منع کردند ولی چون زیاد

شدند زور ایشان رسید و نتوانستند آنها را منع کنند پس داخل دالان



شد. سه دسته سربازان میلیل که آنجا بودند سر راه بر ایشان گرفته آنوقت موسیو آراگو

که فدائی‌ها پس با سه نفر نایب خود رسیدند در همان دالان بالای سندلی قشنگ

جمعیت را پند میداد که اعتقاد باجزای دولت مشروطه داشته باشید و باایشان گفت

شما چه میخواهید و طالب چه هستید جواب دادند که کمون میخواهیم و توقف جنگ نمیخواهیم

گفت پس من مردم و خواهش شما را باجزای دولت مشروطه که در مشورت هستند خبر

میکنم آنوقت دو نفر از نایبان او گفتند ما نیز طالب کمون هستیم و توقف جنگ

نمیخواهیم اگر اجزای دولت قبول نکنند ما دقیقه‌ای ماموریت خود را نمیخواهیم و در عمارت

یک دقیقه نخواهیم ماند آنوقت موسیو روشفور حاضر شده بر بالای سندلی ایستاد

جمعیت را خطاب کرد ولی از زیادی همهمه صدای او شنیده نمیشد شخصی از

جمعیت باو گفت چرا خبری که در روزنامه کوم یا در باب تسلیم شهر متس نوشته

شده بود شما گفتید دروغ است و حال آنکه راست است موسیو روشفور جواب

نداد بازدوباره اعاده سخن کرد ولی از کثرت هیاهو حرف او معلوم نمیشد مگر در آخر که

گفت با توقف جنگ نمیخواهیم پروسیان معدوم شوند کمون و جمهوری بر پا باشند

موسیو آراغو در همان وقت بیرون آمد بجمعیت خبر داد که [illegible] ایست

مشروطه مطالب کمون را گفتگو میکنند و هشت نفر از کدخدایان محلات [illegible]



حفظ پاریس تحت گفتگو میکنند و سه ساعت بعد از ظهر ژنرال تروشو خودش آمد تا نتیجه

آنچه میگفت همگان شنیدن نمود و بعد جمعیت را مخاطب کرده گفت ای شهریان بزرگ

بشما حرف میزند بشنوید و آنچه میبرود جهت محافظت پاریس من بجای آوردم این شهر

محافظی نداشت و ممکن بود در چهل و هشت ساعت دشمن داخل آن شده و تصرف کند

و امروز اگر با من باشید و بخواهید ممکن نیست هرگز دشمن داخل پاریس شود ژنرال بازن و

سربازان شجاع او مغلوب شدند اگرچه هرچه لازمه جرأت بجای آوردند ولی مبادا شما هم

چنین اتفاق خواهد افتاد بعوض آنکه شما از آن فسرده شوید باید ابراز غیرت نمایید تا دشمن را

مغلوب کنید در همان وقت فریاد مردم طوری بلند شد که صدای او محو ماند بعضی میگفتند که ژنرال تروشو

معدوم شود بعضی میگفتند ژنرال تروشو زنده باشد ولی یاد فلورنس زنده باشند

و از جمعیت یکی از او سؤال کرد که چرا در ده بورژه توپ نبود و دیگری گفت همه باید بروم

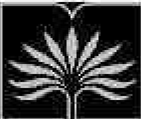
و با دشمن جنگ کنیم جوانان در جلو و پیران از عقب ژنرال تروشو جواب داد از این قرار

مردم را به قصابخانه میبرید و گفتگو در میان مردم مختلف شد و ژنرال تروشو را خطاب

میکردند که ششصد هزار نفر مأمور است جهت محافظت پاریس هنوز بقدر کفایت ندارد که

سر دشمن برود و بعد از آن موسیو مو آمد که با جمعیت مکالمه نماید و سه ساعت و نیم از ظهر

گذشته بود و طالبان موسیو فلورنس با موزیک در ب عمارت اوتل دو ویل رسیدند



و جمعیت را گذار کرده میخواست شده داخل شوند آنوقت سرهنگ فوج پسل جهت ممانعت فرمان

تیر شلیک داد در همانوقت مشتی محکم بصورت او زدند خواست شمشیر بکشد از دستش او بردند

گرفته شد و در میان این هیاهو صدای یک تیر تفنگ و طپانچه شنیده شد که از پنجره سمت

عمارت او تیر بیرون انداخته شده اگرچه کسی نخورد ارشد اشخاصی را که این حرکت کرده

بودند جمعیت زود بچنگ آوردند و فریاد میزدند که آنها را برودخانه بیندازید بسمت

رودخانه آنها را نزدیک شد که چند نفر از سربازان فوج چینی واسطه آنها شده خواستند آنها را

از غرق شدن نجات دهند ولی کم کم اغتشاش زیاد شد آنوقت اجزای دولت مشغول حکم کرده

که دربها بسته شود چند نفری که در دالان بودند گیر افتادند و جمعیت خشمگین شده و میخواستند

در را بشکنند چون در محکم بود نشکست در همانوقت جمعیت دیگر رو بسمت عمارت آورده

میکردند که در را بگشایند آخرالامر قفل شکسته در باز شد و جمعیت هجوم کردند که بروند

ببالا از دالان شوری و بر روی هزار و دویست نفر بروی پله رسیدند از سنگینی آنها پله

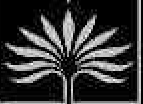
بود بلند فرو نشسته خراب شود همانان که وارد بالا رسیدند آن هشت نفر که خدا بار شوری

ایشان که در سوارانو بود لابد شدند از آنجا بروند و در همانجا یک مجلس دیگر برپا کردند که

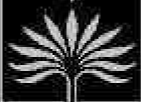
جمعیت

اسامی ایشان بن پا دووک لوز دولی بالوی فلورنس

فوج ملی که روی هم رفته قریب سی نفر بودند قرار دادند آن اشخاص یالا



کمون برقرار بودند و موسیو پیا خطاب نمود که دولت امپراطوری دولت را از کف
کرده حالا کی نجات خواهد داد بدانید که جمهوری رعیتی هیچ نمیتواند دولت فرانسه را نجات
بدهد ما که وکلای شما هستیم آمده‌ایم شما که اهل صنایع و مردان کارکن می‌باشید و پنهانی جمهوری
فتح نمایید تخفیف کنیم که ما را از رئیسهای دولت منتخب نمایید بعد از آن پیا و دولکلوز
و فلورانس و بعضی دیگران خطاب کردند ولی از شدت هیاهو ممکن نبود حرف آنها فهمیده
شود بعضی از ایشان میخواستند در همان حال اجزای دولت کمون تعیین شوند و بعضی‌ها
تخفیفا چهل و هشت ساعت خواستند تا آنکه رعایا بتوانند مجلس را که
که سرکرده‌گان انتخاب کرده دولت کمون باشند و این قسم جز قبول نبود و اسم پانزده نفر را
که در میان آنها باید تخفیف داده از مجلسی انتخاب شوند و در همان وقت که آنها در نظام ادارات
دولت کمون میدادند چند نفر دیگر در نظام ادارات علاحده همین قرار میدادند اسامی
اسامی اشخاصی که باید تخفیف تعیین شود پیا با آنها اتفاق نداشت مگر چهار نفر
زیاد و نوشته بودند باری اجزای دولت مستحفظ قریب چهار ساعت و نیم از
عمارت بیرون رفتند ولی موسیو لافو تا آخر آنجا مانده بود و نیم ساعت بعد از آن
یک طالیان فوج رعیتی عوض هزار و دویست سرباز رعیتی که قراول اجزای دولت مستحفظ بودند
بجای آنها قراولان اجزای دولت کمون قرار داد



وقایعات مختلفه در باب این شورش — قریب چهار ساعت

از ظهر گذشته اجزاهای عمارت اوتیل دویل سیاهه بروی مردم می انداختند

که اسامی آنها را بدین تفصیل نوشته بودند که همه کدخدایان دولت کومن قرار داده اند و نیز

حکم شد که کل مردم برخیزند بروند جنگ نمایند و مدت چهار ساعت تا زمانیکه اجزای

دولت کومن انتخاب شوند یازده نفر که موسیو دورمان رئیس ایشان باشد بامور دولت

خواهند پرداخت و یکساعت بعد از آن هفت نفر از عمارت اوتیل دویل در هر عمارت

کدخدایان شهر یک سیاهه دیگر سپردند که بدین تفصیل بود حسب الخواهش علما این اشخاص

مذکور جهت تدبیر تعیین اسامی دولت کومن معین شدند و در این سیاهه سه نفر علما

بود با سیاهه اول و یکساعت بعد یکسیاهه دیگر در دست مردم رواج داده بودند که اسم

دو نفر بیشتر نبود و از قراری که معلوم شد آرای بلان و ویکتور هوگو که اسم ایشان

را در این سیاهه نوشته بودند در این مجلس اصلا حضور نداشتند و بدون رضایت اسم

ایشان را نوشته بودند در همان وقت تیر تفنگ و طپانچه بجانب عمارت اوتیل دویل انداخته

بودند و شخصی فریاد زد که این پروسی است و این شخص گیر آمده باوتیل دویل

او را حبس نمودند و معلوم گردید که پروسی بود و در همان وقت شخصی را بالباس نظام دیگری

گرفتند ملاحظه کردند که بزبان فرانسه و لهجه پروسی فریاد میزد که تیر



لشکرم که بر من تیر انداختند ولی بعد از این سخن دیگر خود را از جمعیت پنهان نمود و فرار کرد

و در محله ششم پاریس که خانه فوج رعیتی را بدون اجازه صاحب‌منصب ایشان حکم کرده

طبل حاضرباش بزنند و یک اعلان نامه بدیوارها نصب کرده بودند که سردار

بازن خائن دولت است و دولت کمون سه روز مهلت دارند که در نجات از

مملکت را بیندیشند و این کاغذ را آن کدخدا با یکی از نایب‌باشیان رقم کرده بودند

و در یک محله پاریس بعضی در کوچه‌ها گردش میکردند و فریاد میزدند که مردم جمع شوند

و بعمارت اوتل دو ویل بروند و بعضی میگفتند در آنجا مردم را بقتل میرسانند و چند نفر

از سلسله کمون که با اوتل دو ویل میرفتند یک یاور را گرفتند که تو سرکرده

حاضرباش هستی همراه ما بعمارت بیا او قبول نکرد از دست ایشان گریخت و شب از آنجا

امروز پاره‌ای از صرافان چندین صاحب‌منصبان فوج رعیتی مجلسی برپا کرده اعتراض

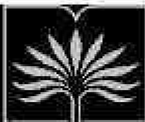
دادند که اولاً دولت کمون امروز که روز شنبه میباشد مقرر شده و قبول می‌شود

مگر اجزای آن انتخاب شوند دویم آنکه مصلحت در جمعیت مردم جهت جنگ میدانیم

سیم آنکه بعد از انتخاب کردن اجزای دولت کمون وزیر جنگ و سردار کل افواج رعیتی از

رعایای خودشان تعیین نمایند از قراری که ما شنیدیم وقتی که موسیو دوریان وزیر امور

هندسی و معماری داخل تالار اوتل دو ویل شد همه مردم او را خوش آمد کرده بودند و بتکلف



نمودند که سرکرده معین کنند کالن اجزای کمون باشد آنوقت خودش بالای منبر رفت

جواب داد که من از اجزای دولت نیستم و وزیر امور هندسه و معماری هستم و رسم است

که مدارک اسلحه جنگ جهت حفظ پاریس بخواهم و من حاضر هستم که هر کاری که جهت نجات

جمهوری باشد مرتکب شوم من مرد کارگر و از اهل صنایع هستم لیکن از اهل پولتیک

نیستم که بتوانم حکمرانی مملکت کنم و از من بر نمی آید که تعیین را امضا نمایم وقتی که موسیو

فلورانس در طالار که اشخاص مجلس تازه بودند داخل شد گفت ما در طالار دیگر قرار

دادیم چهارده نفر اجزای تعیین کنند کالن دولت کمون بشوند بعد از بیان اسامی ایشان

مردم همه را قبول کردند مگر رشفور را که از او اظهار نارضایتی کردند و خواهش نمودند

درباب خبر مستی که در روزنامه کوم یا نوشته بودند بیان کنند بعد موسیو

فلورانس جواب داد که رفیق من رشفور در خفیه با من گفته بود و من مصلحت چنین دانستم که

این خبر را جهت اطلاع مردم چاپ نمایم و دیگران باز نخواست حرف بزند بیاهوی مردم

مانع شد و موسیو واراقو که در یک گوشه حجره طالار ایستاده بود شخصی که با او گفت

استعفا کن جواب داد که ما اگر جهت عظمی در این وقت امری قرار بدهیم نامردی است

و از هر طرف فریاد میزدند که باید اجزای دولت مستحفظ را بگیرند و

بورتی بعد از سه ساعت فلورانس اظهار کرد که اجزای دولت مستحفظ



و از مردم خواهش کرد که طالار را خالی نمایند و قرار داده در هر دری جهت نفر قراولی

در همان وقت یکدسته تفنگدار آمده و که طالار را خالی نمایند زیرا که اجزای دولت قدیم

و جدید با هم گفتگو نمایند ولی هنگام شب چند نفر از اجزای دولت مستحفظ بوده

سربازان رعیتی از عمارت گذشتند ژول فور و جنی و گارنی پاژس شبانه بیرون رفتند

و یکساعت بعد از آن خبر آمد که ژنرال تروشو و ژنرال تمیزیه و ژول فور دارد آزاد شدند

و چند نفری که بعمارت رئیس احتساب رفته بودند فقط با حکم بابات کی کمونی که بجای

او مامور باشند رئیس احتساب اطاعت این حکم نکرده و یک صاحب منصب بطالیان فوج ولایتی

که میخواست جهت ای نمادر افواج رعیتی حکم او را گرفته حبس نمودند و بطالیان چند

ششم که ژنرال تروشو و فوریا از دست یاغیان او را و حیل دو حیل نجات دادند

بدین تفصیل است که داخل عمارت شده یکدسته ایشان وارد طالار شده اطراف

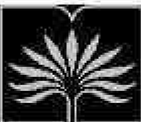
ژنرال تروشو را گرفته او را نجات دادند در همان وقت چند نفر از سربازان ایطالیان طلوع کرده

بالای میز رفته تفنگ بژنرال تروشو انداختند ولی سربازان رعیتی او را محافظت

نمودند و سربازان رعیتی و مطلقا هنگام شب جلو منزل ژنرال تروشو رفته عبور میکردند

و فریاد میزدند که تروشو زنده باشد و ژنرال تروشو آنچه خواهش جمعیت نموده

همان لباسی که او را گرفتند در بر داشت ولی نشان او را کنده و لباسش پاره کرده بودند



دو روز از شبخانه مالیه یک یاور فوج رعیتی آمده بود که موسیو پیکار دو روز بود

یک یاور فوج هفتاد و یکم رعیتی که سرکرده و فرمانفرمای آنجا بود مأموریت خود را بیان کرد

از وقت آن یاور او را برده در یک اطاق و در را قفل کرد و گفت همین جا باش تا کسی

پیدا شود و ترا ببرد و برد تا امروز صبح هنوز آنجا بود و موسیو پیکار که کدخدای نوزدهم

پاریس این اعلام نامه را بدیوارها نصب کرده بود که دیروز سی یکم ماه اکتوبر وقت

مغرب چند نفر از فوج رعیتی بعمارت کدخدا بزور داخل شدند و امور بود از آن کدخدا را

گرفتند و لباس کدخدا را پاره کردند و او را حبس نمودند تا صبح او را به چهار راه اول نگاه داشتند

و او دیده که آنجا جهت زخمداران بقدر تدارک دیده بودند تلف کردند و قبوض خرج

جهت سربازان رعیتی بردند و مطبخ خانه‌ها و ظروف را ضایع کردند و در آن شب دو نفر

سپاه جمهوری رسانیدند و قتل تمام منصبان فوج چهل و هشتم وارد محل آمدند آن اشخاص را

بیرون کردند و چند نفر از اجزای دولت کون که تازه معزول شده بودند از قبیل ملا کی

و فلورانس و پیا و چند نفر دیگر کاغذ نوشتند که عمل انتخاب گذشته که اتفاق افتاد

چه از گرون و چه از خودشان زنان عقب آنها در روزنامه‌جات نوشته‌اند و ایشان نگاه

از این عمل گذشته و نیز چند نفر از اطبای مریضخانه نظامی یک کاغذ نوشته‌اند

دو روز سی و یکم ماه اکتوبر بار از قسم یک مریضخانه بیرون شهر پاریس

و این اعلام کردم ... چنین اتفاق افتاد ... منتظم نشد ... با وجود این وقایع جهت ... خدمت ... جهت کدخدا ... دیگر ... رقم کرده بود

آنکه وارد مریضخانه شدیم یک طبیب انگریزی زخم مجروحی را در حضور جماعت مشاهده نمود

از قرار این حکیم علم سفید در دست گرفته اشاره به ایشان کرد از آنوقت سربازان به درجه

اشاره کردند که پیش بیایید پیش رفته پرسیدیم آیا ممکن است که این مریضخانه دستی اینجا

نمانند جواب دادند که ما عیبی در آن نمی‌بینیم لیکن باید به صاحب منصبان خود عرض کنیم

از آنوقت چشم طبیب را بسته نزد صاحب منصب خود سپردند وقتیکه سر کوچه رسیده بودند

از آن بوربه یک گلوله رسیده به زمین افتاد و در آنحال طبیب دستمال از چشم خود گشوده

فرار نمود و در مریضخانه آمده نزد سایر اطبا بعد از آن همه طبیبان در عراده نشسته مریضخانه

متعلقه را ترک مراجعت کردند معلوم است این اشخاص را نخواستند که طبیب را کشته در

خلاف سرباز مجروح به کشت زیرا که گلوله از سمت سرباز پروسی آمده بود و در آنجا از سمت سرباز فرانسوی نبود

روز چهل و هشتم سه شنبه اول ماه نوامبر

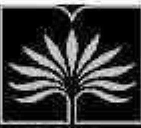
اخبار دولتی —— تفصیل کمون در داخل

موافق روزنامه دولتی مملکت فرانسه همان یک خیال دارد که دشمن را از خاک خود بیرون

کند و اجزای دولت از وقتیکه قرار شده اند شب و روز در همین مقصود هستند اهل

پاریس به واسطه جرأت و طاقت ایشان به تحمل آن محاصره با اجزای دولت موافقت کرده دشمن

امید داشت که در میان ما اختلاف بهم رسد دیگر روز خلاف آن بهمه از شکست خوردن



در دو جنگ با خطر است و دیروز روزنامه دولتی با اهل پاریس تسلیم شدن سدان را اخبار کرده

و دولت مستحفظ از این خبر شب گذشته اطلاع یافته بوده و موافق صداقت خودشان تا بحجت سبب

منتشر کردند و در همان وقت گفته‌اند دشمن بورژه را پس گرفت و نیز تکلیف وقف جنگ که

دولت انگلیس و روس و اتریش و ایطالیا بدولتین متخاصمین نموده بودند اعلام کردند

و بعضی از اهل پاریس این تکلیف که از جانب دشمن بود شنیده‌اند گمان کردند که مقصود تسلیم

نمودن شهر پاریس است جهت این سهو و بواسطه این سه خبر وحشت از مردم مشوش شدند

و در همان شب مردم در خیابانهای شهر پاریس اجتماع نموده تا روز دیگر دو ساعت از ظهر گذشته مردم

جمع شده بمیدان اوتل دویل ازدحام کردند و بواسطه این اجتماع بسیار شلوغی حاصل شد و بعضی

اوتل دویل هجوم کردند و قرار یک مجلس جدید جهت امور دولت دادند و اجزای دولت

مستحفظ چند ساعت مانند محبوس بودند تا دو ساعت از شب بطالیان صد و ششم فوج رعیتی

ژنرال تروشو و ژول فاور و فری را از دست یاغیان خلاص نمودند ولی ژنرال فلورنس و کلانی

و سی مو ژنرال نیز بدیشان اسیر ماندند و تا سه ساعت بصبح ماند این اغتشاش برپا بود تا وقتیکه

موسیو فری با جمعیتی از فوج رعیتی رسیدند مردم را از خیابانهای عمارت بیرون کردند و در میدان

عمارت و خیابانهای اطراف افواج رعیتی بسیار جمع شده بودند و فشنگ

انتها اظهار خشنودی کردند و دولت مستحفظ اگر خواست بجهت رفع این اغتشاش



در حضور دشمن جنگ میانه خود و فرانسویان گسیخته شود و ممکن است که فوج دشمن اینجا پیش

را مغلوب کرده شود لیکن واجب است اول اهل پاریس خیال خود را اظهار کنند بنابراین دولت مستحفظ

پس خود را مبنی بر چه روز ممکن باشد از اهل پاریس مصلحت مینماید که آیا هر دولتی میل دارد که

اجزای ان بی لاحتاگی و بی با وطوروفش و رفیقشان که چند سرهنگان کوکی با

با آنکه باشخاصی میل دارند که روز چهاردهم سپتامبر تکلیف مشکلی را در عهده گرفته که مملکت را

نجات بدهند پس دولت مستحفظ بعد از این اغتشاش باید از همشهری خود استفسار نماید که

بنا را معتبر میدانند یا نه لهذا باید که تمام رعایا احضار شوند و اگر اجزای دولت مستحفظ

را نخواهند همان وقت میتوانند اشخاص دیگر بجای ایشان منصوب نمایند و الا مامور دولت

مانند قبل خواهند پرداخت لیکن بشرط آنکه من بعد هر نوع مخالفت حکم ایشان میشود در

سختگیری عمل شدید خواهد بود عوض آنکه اجزای دولت مستحفظ اوقات خود را در این

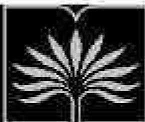
ایام جهت دفع دشمن صرف کنند گفتگوی بیهوده و مخالفت کردن بلکه بگذار اوقات خود را

تلف مینمایند و عوض آنکه لشکر در قلعه جات جنگ نمایند حالا باید با کمال خستگی در کوچه

شهر گردش کنند معلوم است که چنین عمل خطای بزرگی است که نباید اتفاق افتد و اکنون

وقتی است که اهل شهر پاریس همه باهم چون سابق متفق باشند تا آنکه همشهریهای ایشان

از ولایات بامداد ایشان بیایند و بدانند که ما باهم متحد هستیم



ژنرال تروشو نیز کاغذی با توقیع مطلق رحیمی نوشته است و در آن کاغذ تشکر گذاری کرده
که بامداد اجزای دولت آمدند و نگذاشتند که یاغیان پیشتر اغتشاش نمایند و در مأمور است
خود به محافظت شهر پاریس آنچه تکلیف و بواسطه فقط عمل آورد

تفصیل دیگر در باب اغتشاش اول ماه نومبر — دیروز

چهار ساعت بعد از ظهر گذشته فلورانس با سه نفر رفقای خود و چندین صاحب منصبان
فوج یعنی جمعیتی از خلق وارد طالار بلدیه محل شورای اجزای دولت مستحفظ بود شدند
و پهلوی میز ژنرال تروشو و ژول فور و دوریان و گرنیه پاژس و موسیو فری
و ژنرال تمیزیه و دیگر نشسته بودند که رشفور تا یک ساعت پیدا نبود و وقتی که
فلورانس و خلق طالار را شلوغ کردند مردم دولت کمون قرار دادند و چندین نفر تعیین شدند که
اجزای کمون معین نمایند بعضی اشخاص از جمعیت فریاد زدند که باید اجزای دولت
مستحفظ معزول شوند و موسیو فری برخواست که با جمعیت مکالمه نماید و بواسطه هیاهو
صدای او شنیده نشد و نتوانست سخنش تمام نماید روی میز رفته که با مردم مکالمه نماید
و مردم با یکدیگر گفتگو میکردند ولی موسیو فلورانس قبول کرده اسم دوریان که
یکی از اجزای دولت مستحفظ است که اسمش را در سیاهه اشخاص مجلس
و بعضی گفتگو میکردند که باید اسم رشفور در این سیاهه بنویسند یا



برخی فریاد میزدند که خبر مژدهٔ عفو عمومی کافی است و در همان وقت بسیار شلوغ شد یکی

از آن ازدحام نزدیک بود که بیهوش شود آنگاه یک سیلی بصورت او زدند در همان وقت

ژنرال تروشو با ژول فاور باکمال بی‌اضطرابی با یکدیگر حرف میزدند نگاه و وقتی ژنرال تروشو

حاکم پاریس با دست اشخاصی را که بالای میز ایستاده بودند عقب میکرد و ژول فاور

وزیر خارجه بروی یک ورق کاغذ بازیچه صورت دایره میکشید در حالت آرامی

و آسودگی این دو شخص که حکم دولت در دست ایشان است واضح است که این غوغاشان بلا

معنی دوام و ثبات نخواهد داشت و یکدفعه فریاد زدند که دربارا ببندید که کسی بیرون نرود

همان وقت قراول دست بدست هم داده اجزای دولت را در آنجا نگاه داشتند و تروشو

را که میخواست بیرون برود وقتیکه نزدیک درب عمارت رسید او را شناختند

دوباره وارد اطاق نمودند و دو قراول برای او گماشتند و میگویند در همان وقت قرارنامه

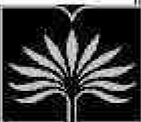
[illegible] که بجهت تعیین کردن اجزای دولت کمون نوشته بودند امضا کردند و احتمال دارد که

این کیفیت دروغ باشد و اگر هم امضای او تو باشد معلوم است بدون رضای

خودش است و در آن حالا لازم بود زیاد است و فلورانس با جمعی از خود اصرار میکند که

اجزای دولت بخط خود نوشته استعفا بدهند و [illegible] جواب داد ما استعفا نخواهیم کرد بجهت

چند نفر یاغیان وقتی استعفا میکنیم که جمیع اهل پاریس اشخاص دیگر تعیین کنند زمانیکه



زد و خورد شد و لفور عبارت با یاغیان گشت مردم زیاد و تر زیاد و زدند یکی فریاد زد که مرده که و ساعت

گشت شد را ببرید بیرون چند از آنها را زدند ولی قریب سه ساعت از شب رفته اوضاع وقوع دیگر باشد

آن وقت بطالیان صد و شش م باشیبور و اهل بالا شدند و بعضی از جمعیت مشغول شراب

خوردن بودند و چند نفر از جمعیت سان ژنرال ترشو را خواستند آن وقت حاکم پاریس

نزدیک ایشان آمد به جهت محافظت دور او آگر بسته شد جمعیت متعلق بودند که نکند از نه

او را به بردند زیرا که سربازان اسلحه و تفنگ حاضر داشتند آن وقت از فلورانس مصلحت

کردند و فلورانس از پنجره و بعضی از سربازان فوج جنس و اهل شهر پاریس در بیرون جمع

شده و فریاد میزدند که گویان خدموم شدند از آن جهت نگاه کرد که ژنرال [illegible] شود آزاد

بعضی فریاد میزدند که آزاد کردن او دولت و بعضی میگفتند خیانت است و در همان وقت

که با جمعیت شلوقی پیدا شد [illegible] و دیگری آنجا بوده و الان زیر زمین قرار کرده اند (جهت هنگامه)

نصف شب شد و لفور و دیگری با ارتش و ژنرال آقا تیر [illegible] و دست فیلک شدند و گاه

داشتند که باید در همانجا بخوابند [illegible] ولی [illegible] شدند آنجا راحت کنند

که یک دفعه صدای خرابی و همه مردم شنیده شد و فوج پل بریان بود که داخل او [illegible] پل

شده [illegible] را که یاغیان شب در آنجا بودند خراب میکردند

میزدند و در همان وقت شش صد نفر [illegible] دیگر که در زیر [illegible] ایشان [illegible]



در آن زمان یاغیان خائف شده و خواهش میکردند که در را نزنند بگذارید و از رخنی مبلغ تفنگ

و خود را پنهان میکردند و در این هنگامه مردم روی هم میریختند و زیر پای افتاده

و بعضی که شراب خورده بودند زیر پای مردم لگد شدند فوج [illegible] و [illegible] بعد از آنکه

زولفور دیگری با پارش و ژنرال تبریز را تا بیرون اوتیل دو ویل با تحفظات نظامی همراهی

کردند به تجسس یاغیان برآمدند آنها را گرفته بیست نفر بیست نفر به سربازخانه ناپلیان سپردند

در همه جا از آنها یافتند زیر فرشها و دالانها و پائین ها و جاهای دیگر حتی یکی

در میان دو [illegible] خود را پنهان کرده بود و در همان وقت که دو ساعت و نیم از شب گذشته بود

ژنرال تروشو با تمامی تا شو خود افواج رژیمی را که در میدان اوتیل دو ویل جمع شده بودند

سان دیده و آنها را تشکرگذاری میکرد که دولت مشروطه انتخاب داده بودند و با آنها

میگفت که همه با هم متحد شویم و فریاد زد که مملکت فرانسه بر پا باد و سربازان رژیمی جواب

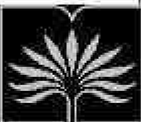
دادند که تروشو زنده باشد و کمون معدوم شود و جمهوری مستدام باد و آن وقت

همه کس مراجعت کردند مگر [illegible] طالبیان که جهت محافظت اوتیل دو ویل شب آنجا ماندند

و چهار ساعت از نصف شب گذشته احدی از یاغیان در اوتیل دو ویل نبود و سربازان

ویل آنجا استراحت کردند و از شصت نفر یاغیان که گرفته شد پانزده نفر زن بود و قریب

پنجاه نفر از سرجنبانان کمون که باعث فساد بودند در زندان کن سی یرجری حبس کردند



و راساهای متحدین از قبیل بلان کی و فلورانس و تی پا و دیگران چون دیدند شورش
گرخته بودند اگر دولت مستقله میخواست آنها را میگرفت ولی نخواست چنین کاری کند و
دو ساعت بصبح مانده در میدان واندوم قریب ده هزار نفر از سربازان ملی و فوج
رعیتی جمع شده بودند و قبل از نصف شب با اسلحه آنجا حاضر بودند که از جانب دولت مستقله
بحکم ژنرال تمیزیه مامور خدمت شوند و وقتیکه ژنرال تروشو از اوتل دو ویل بیرون آمد
چون نزدیک ایشان رسید فریاد زدند که ژنرال تروشو زنده باشد تا یکساعت بصبح مانده
هر یک از آنها بمکان خود رجوع کردند و از جانب دولت مستقله حکم شد که هر بطالیان بجز زمان
مشق و ماموریت با اسلحه بیرون نیایند معزول شده اسلحه ایشان گرفته شود و هر سرهنگ که
بطالیان خود را جمع کند جز زمان مشق و بدون حکم دولت معزول شده در حضور محکمه نظامی
محکوم شده خواهند بود و نیز حکم کردند دو سه نفر سرهنگ از فوج رعیتی معزول شوند و دیگران را
بجهت تعیین کردن اشخاص دیگر بجای ایشان معین خواهند نمود ———

روز چهل هفتم چهارشنبه دوم ماه نوامبر

اخبار دولتی — این خبر تلگرافی از وزرای شهر تور باجزای دولت مستقله
رسید که ژنرال کامبریال بیست هزار نفر از سربازان دشمن ... آوردن
شد و ژنرال ونیوا که سردار کل عساکر مستقله است جنب پاریس است ای...



نوشته است که ای صاحب منصبان و سربازان پیل و غیره که زیر حکم من هستید شما همه

اتفاقات تلگرافی که در اوتیل دوییل واقع شد مثل من اطلاع دارید که مقدار جزوی رعایا

و سرجنبانان بر سر اجزای دولت مستقل در وقتی که از بابت امور مملکت گفتگو میکردند آمدند

و یکقسمت از شب آنها را دستگیر کرده در حضور ایشان دولت کمون قرار میدهند و انواع بیحرمتی

در حق دشمن امور قلعه‌جات اطراف پاریس بودند چون در تحت سه روز بودند مشغول شدند ممانعت

چنین امری را نمایند و واضح است که اگر چنین اتفاق افتد رنج نمائیم و افواج رعیتی و پیل را

امداد نمائیم و بجائیکه آرامی مملکت را میخواهند ما اظهار میکنیم که بغیر از دولت مستقل

دیگر را قبول نداریم و با هر کس میخواهند دولت دیگر برقرار کنند ما جنگ خواهیم کرد

اخبار داخله پاریس

نیکوترین شهرهائی که باغ و درگاه سالم بود

باشد بجز آن باغی نیست که حالت سابق مانده باشد همه خراب شده‌اند جنگل زوات و بیبا

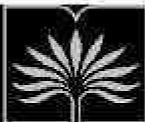
متوجه میشوند و گلهای مختلف و گل سرخ فراوان است ولی در سمت چپ آخر باغ مرزی

جهت گوسفند ساخته بودند و از وقتیکه گوسفندها رفته‌اند شکل آنها آنجا مانده است

بوی آن می آید تا بحال غفلت کرده‌اند که آنها را بردارند و در خیابان نازولی رده

اکثر خانها حالت مختلف دارند از قبیل ای‌ناروی نیکه دنیا و انگریه و فلومنک

و اسپانیول و دانمارک و غیره و امروز سه روز است که اجزای دولت



مستحفظ دراوتیل دو میل شود نمی کنند جهت امور دولت و یکی از وزرا رشحات مهام جمیع

میشوند که در روسیه به کرزمیس و دفترخانه جهت عرایض اهل شهر دراوتیل دو میل آمده است

و یک بازار اسب فروشی در بلوار دان فرنزار داده اند و علاوه از اسب الاغ

و قاطر فراوان است و گوشت آنها چون لذیذتر از گوشت اسب است بهتر بفروش میرود

و یک بالون که قریب شصت من بوزن تبریز مکتوبات داشت هوا کردند و دو کبوتر بعلاوه

جهت اخبار همراه بردند و اگر هوا خوب باشد یک بالون دیگر حاضر است که هوا

کنند — ژول فور وزیر دول خارجه و نایب وزیر داخله این حکم را اعلام

کرده که موافق حکم دیروز دولت مستحفظ فردا که شنبه باشد اهل پاریس را احضار کنند

در مجلس مخصوص که آیا اجزای دولت مستحفظ را میخواهند که باشند قبل از امور انتظام دولت

باشند یا نه و روز دوشنبه ترتیب کدخدای شهر پاریس را با نایبانشان تعیین نمایند

و معلوم است که اهل پاریس هر اشخاصی را که بهتر و کاردان تر از برای انتظام

امور دولت میدانند انتخاب نمایند و ژنرال ترشو سرهنگ فوج رعیتی از منصب معزول

شدند و ژنرال تیرزه سردار افواج رعیتی را اعلام کرده است که موافق این حکم اجزای

دولت مستحفظ از اهل پاریس استفسار نمایند که معلوم کنند آیا طرف

بامورات خود اقدام کنند یا نه و بنابراین اهل افواج رعیتی ...

که میل دارند اجزای دولت مستحفظه در مأموریت خود باقی باشند بر یک کاغذ

لفظ بله بنویسند و در مرتبهٔ ثانی چند از آنها و اشخاصیکه معزولی اجزای دولت را میل

هستند همان قسم در کاغذ لفظ نه بنویسند ———

روز پنجاهم یکشنبه سیم ماه نومبر

اخبار دولتی — از قرار روزنامه نظامی که امروز صبح نوشته

شده سه روز است از جانبین جنگ اتفاق نیفتاده ولی دشمن بسمت شاتیان

و مونت رتو مشغول ساختن برج و باستیان میباشد و چندین قلعه‌جات

مون والرین و اطراف توپهای حوالی قلعه‌جات ایشانرا لابد کردند که عقب بکشند.

و ژنرال برتو هکران سندی چون شنید که قشون پروس بسمت او حرکت

میکنند از قلعه‌جات اسیت و والرین بر ایشان تیراندازی کرد

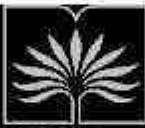
و قلعه‌جات روسه و یل و نوازی تیر بر قشون دشمن که میان دران سی و کل

بودند تیراندازی کرد و شب یکشنبه یک ساعت بنصف شب مانده خبر آمد که بجهت تعیین

مأموریت اجزای دولت مستحفظه تا اکنون دویست و هشتاد و پنج هزار و دویست و پنجاه

کاغذ بله و نوزده هزار و سیصد و هشتاد و سه کاغذ نه از مرتبه‌ها بیرون آمد

اخبار اهل پاریس — دیروز که در دیپلوماتیک آب



داشت مردم به زیارت اموات بروند اهل پاریس بقبرستانها رفته بودند وقت

مغرب که اخبار مراجعت زدند بازجمعیت در آنجاها بسیار بوده امروز در کلیسای

بعد از نماز مخصوص چند نفر زنان از بزرگان در کلیسا گشت میزدند که هرکس هرچه میل دارد

جهت مریضان جنگ بدهند و قریب دویست و پنجاه تومان جمع کردند و سه

ساعت بعد از ظهر قریب بیست زن با یک علم قرمز که بروی او نوشته بودند

کنون میخواهیم سمت اوتیل دوبیل برده شوند و کسانیکه میدیدند خیال میکردند که

شوخی میکنند و بچه ها از عقب ایشان فریاد میزدند که اینها المجنون خانه بیرون آمده اند

یکطرف می خندیدند و از یکطرف فریاد میزدند تا بجائی رسیدند که چند نفر از

سربازان زمینی با اسلحه خواستند سر راه ایشانرا بگیرند ولی زنان چون جرات داشتند

سربازانرا زدند در وقت مدافعه یک سرباز خیال کرد که زنها را قریب دهد آنوقت علم

دست گرفته زنان فریاد زدند که بیائید تا باهم با وتیل دو بیل برویم آنوقت زنان همراه او شدند

زنان را بر و قراولخانه اینها را حبس نمودند

اخبار دولتی — اجزای دولت مستحفظ اهل پاریس این اعلام نمودند که ای

همشهریان ما خواستیم بدانیم که میل شما در باب صورت ما چه قسم بود که

صورت ما را اهل ... هستند و چون میخواهند که ما در باب صورت



ما با شما و شما تکلیف خود را بانجام خواهیم آورد و اما تکلیف اول این است که محافظت شهر کنیم و دشمن

مقصود ما باهم متحد باشیم قشون ما و افواج چریکی همه باتحاد باشند و شما که اهل پاریس باشید

و مستحفظ این شهر باشید از اول بشما معلوم کردیم که لایق آزادی بودید تا آخر با این رفتار خود

باشید — و موسیو ژول فور به اهل پاریس در این خصوص اعلام نامه نوشته است امروز

که [illegible] خبر بوده است از اول روز اهل پاریس در همگی معین جهت تعیین ماموریت

اجزای دولت مستحفظ چریکی حاضر شدند و یک ساعت از شب رفته حاصل کار را اشتهار دادند امروز از

طلوع صبح با دلیل اهل آورده شد و موسیو آراگو رئیس کدخدایان پاریس که در اوتل دوویل

بود بمردم اعلام کرد که از روی [illegible] نطق نمودند در مجلس عام [illegible] بزرگ [illegible] اهل

نتیجه جهت محلات پاریس و اهل اطراف و فوج چریک و سایر قشون در باب اظهار ماموریت اجزای

دولت مستحفظ اعلام خواهد شد لیکن تا شب [illegible] بشما میگویم که تا بحال [illegible]

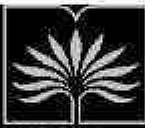
[illegible] جهت چهار کاغذ [illegible] دوازده هزار و سیصد و هشتاد و دو نفر [illegible] شد

و مردم گفت که بعد از چنین اتفاق [illegible] که در اوتل دوویل واقع شد لازم است که بدانیم اهل

پاریس را در واقع میل دارند که اجزای دولت مستحفظ باز با ماموریت خود باقی باشند یا نه و از جواب

مردم معلوم شد که ماموریت ایشان را امضا میدهند و این باعث تعریف اهل پاریس است که [illegible]

تکیه میدهند و [illegible] موسیو ترشو و ژول فور [illegible] مردم خطاب کردند اما هر دو فقره که ایشان حرف



میزدند هر دم فریاد میکردند که تمیری برباد باد و موافق حکم دولت مستحفظه ژنرال شوبه بجای

ژنرال شیرزیه که استعفا کرده بود بحکمرانی افواج رعیتی پاریس مأمور شد ———

روز پنجاه و یکم چهارم ماه نوامبر

اخبار دولتی ——— ژنرال شیرزیه با فوج رعیتی پاریس این اعلام نامه را

نوشته است که ژنرال ترشو سردار کل فوج رعیتی مأمور شد و من این مأموریت را قبول

کرده بودم ولی وقتیکه دولت میخواست او را نایب من نماید بعد چون من او را قابل

میدانستم بانجام رسانیدن رسانیدن تکلیفات بزودی استعفا کردم که مأموریت خود را باو واگذارم

و افسوس میخوردم که بجهت حفظ مملکت بیشتر کاری نکردم و نیز ژنرال ترشو این اعلام را بافواج

رعیتی نوشته است که ای همسربازان افواج رعیتی بعد از دفعه اول که سردار شما بودم این

دفعه دوم است که مأمور شدم و این مأموریت را نمیخواستم مفوض کنم بسردار لهذا

خود قبول این مأموریت نمودم و من همیشه خوش بخت خواهم بود که سرکرده شما باشم و شما

بدانید که در زمان حکومتم جرأت شماها کافی نیست بلکه باید نظم در آنجا بود و اگر دشمن

تن خود بدیانت در میان بیاید شد و موافق حکم دولت دو سرهنگ از فوج رعیتی معزول

شدند و امروز یکساعت بظهر مانده رئیس کمیته خیالات پارلمان نمایش

و بعضی از ولایات اطراف را بالا بزرگ او تلگراف جهت نتیجه قبول



مستحفظ را اعلام کردند و بدین تفصیل است که قشون جنگی و بحری و پیل دولت

سی و شش هزار و ششصد و بیست و سه بلیه و نه هزار و پنجاه و سه تن و اهل شهر پاریس

سیصد و بیست و یک هزار و سیصد و هشتاد و نه بلیه و پنجاه و سه هزار و پانصد و هشتاد

و پنج تن که روی هم رفته پانصد و پنجاه و هشت هزار بلیه و قریب شصت و دو هزار و پانصد تا

اخبار دولت پاریس — مستر مخصوص موسیو تی بر دیروز بعد از

ظهر وارد پاریس شد و بمحض رسیدن بوزارت امور خارجه رفت و امروز صبح

یک بالون که حاضر بود جهت اخبار فتح نامه موریت جزای دولت نگاه داشته شده و دو ساعت

بعد از ظهر رها کردند و امروز ژنرال تروشو فوج زنجیری پاریس را در لسان دید و همه از او اظهار

خوشنودی کردند و موافق تفتیش اشخاصی که باعث تحریک فتنه سی و یکم

اکتبر بوده‌اند قریب پانزده نفر مشهورترین آنها را حبس کردند ولی فلوران و ملانشن

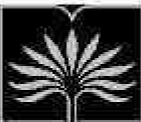
و چند نفر دیگر گریخته‌اند و اشخاصی که تیر تفنگ بعمارت اوتل دو ویل انداخته بودند

گرفته و آورده حبس نمودند و چون گوشت اسب حال زیاد بفروش میرود و استخوان آن

زیاد شده است هر روز شیخ عزاده کوچک در کوچه‌ها گردانند و استخوانها را علاحده

جهت آن گوشت میفروشند

روز پنجاه و دوم شنبه پنجم ماه نوامبر



توقف جنگ

اخبار دولتی — دولتین انگلیس و روس و اتریش و ایطالیا

جهت تعیین نمودن وکلای رعایا بجانبین تکلیف کرده بودند و دولت مستحفظ شرط نموده بود

که برای مدت توقف جنگ تدارک آذوقه خود ببینند و کل رعایای فرانسه وکلای خود را

تعیین نمایند چون دولت پروس شرط تدارک آذوقه قبول نکرده و تعیین کردن وکلای

رعایای ولایات الزاس و لورن را نیز انکار کردند جمیع اجزای دولت مستحفظه

از توقف جنگ امتناع کردند و دولت مستحفظه حکم کرده است اشخاصی را که باعث فتنه سی و یکم

ماه اکتوبر بوده اند بگیرند و میل داشتند که مکافات نکنند از کسانیکه ظلم در حق ایشان

کرده بودند ولی فتنه یاغیان باعث ضرر جمهوری و خلاف احکام دولتی بود و در دو دیگر

باز در اماکن مختلف اجتماع کرده خیال جنگ داشتند و دولت مستحفظه انجمنات منع میکردند

و در مجلس ایشان گشتن ژنرال تروشو حاکم پاریس را مصلحت میدانستند پس دیگر ممکن

سکوت از برای اجزای دولت مستحفظه نبوده و بدین جهت چند نفر آنها را گرفته بزودی

بدینه طی مرافعه خواهند نمود و چون در چند روزنامه نوشته بودند که ژنرال [illegible]

رئیس [illegible] شده اند از مخالفت سوریش در اول تحصیل غفلت نموده بود ولی انصاف

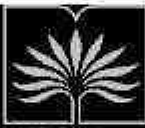
این است که از اول محاصره شهر پاریس خدمات عمده بجای آورده

در باب او خلاف است بدستور العمل حاکم پاریس عمل کرده است زیرا



که چون بنای اغتشاش شود بعضی افواج و بعضی قشون دیگر میدان بنا نموده‌اند اگر عمل خلافی
صادر شده باشد در عهدهٔ حاکم پاریس است و در چنین روزی با وجود این همه اغتشاش
که قطرهٔ خونی ریخته نشده باشد البته جای شکرگذاری است ——

اخبار دوشنبه پاریس —— امروز از دو ساعت بعد از نصف شب الی
چهار ساعت بعد قلعهٔ وانو بر کارهای پروسیان از شاتیان تیراندازی نموده
کارهای گذشتهٔ ایشان را خراب کرده و نگذاشت دیگر مشغول کار شوند و پروسیان باز چون دیگر
می‌بستند اهتمام پاسبانی ما را عجب است که باز چه اراده دارند در تدارک محاصره اگر
چه اکمال ایشان معلوم کردیم که نمیگذاریم مشغول این کار شوند باز در آن همه اصرار
دارند که با ستیان ببازند هیچ قسم چاره ندارند مگر آنکه شب مرتکب چنین عمل
شوند و قلعه‌جات مونروژ و وانو و ایسی نیز از آن اکثر تیراندازی کردند باری جنگ
جزوی فیمابین پیش‌قراولان طرفین واقع شد و قشون ما که در جلو قلعه‌جات اردو
زده‌اند بی کار نمانده‌اند مشغول تدارک مادیچ بزرگ هستند که ربط میانه قلعه‌جات
بیکدیگر داشته باشد جهت حفظ تردد سربازان در زمان حمله و عمق آن مادیچ قریب
یک ذرع و نیم ... و نزدیک تمام شدن است —— و در این فوج سیل قلعهٔ وانو را شان
خواهند دید و هر قسمی مشق می‌کنند چه مشق انداز دوزن و چه مشق طباخی آنچه تکلیفات



سربازی است بچابکی عمل می‌آورند : یکنفر اول سپل زمانیکه مشغول نوشتن کاغذ بود

بر دوستانش از پنجره خانه گلوله بسینه‌اش زدند سایرین او را مریضخانه بردند

که زنده بماند و در جنگ پی برقیت یک وکیل الاجزیره حکم نموده بودند که با احتیاط با دو نفر

عقبش رفته در خانه‌ها تجسس کند بدون اذیت دشمن تا میان ده رفته ولی زمان مراجعت از

پنجره و تیر تفنگ زیاد بر ایشان انداختند و وکیل مشارالیه بروی زمین افتاده مانند کفگیر بدنش

سوراخ سوراخ شده، حتی قنداق تفنگش تیر خورده شده بود . و یکی از آن دو سرباز که

اسمش محمد الحاج بود چون دید که صاحب منصبش افتاده است با وجود تیر تفنگ دویده و نعش

صاحب منصب خود را برداشت که یکدفعه سه گلوله باو تیر زدند یکی بجا زد و دو گلوله کمربندش

خورد او نیز افتاد و آن سرباز دیگر که اسم او را نمی‌دانیم رفت نعش خود محمد الحاج را

بدوش گرفته از میان برده مریضخانه سپرد لیکن از همان زخمها مرد این شجاعت

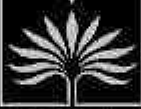
بزرگی است دویست نفر از الاجزیره بجهت دولت فرانسه بدین قسم جنگ نمایند و یکی

از همشهریان خود را که قریب ششصد فرسخ فاصله از ولایت خودشان کشته شده است

نعش او را از جنگ پروسیان بیرون آورند ——————

در باب محافظت پاریس

—— بجهت محافظت شهر سه قسمت کرده‌اند و ژنرال تروشو حاکم پاریس سرکرده کل قشون



رئیس کل اردوی تتارو را شده است و جنرال ترتما سردار قسمت اول است و مشتمل است از

دویست و شصت و شش بطالیان سرباز رعیتی و چند فوج سواره و چند دسته توپچی و

جنرال دوکرو سردار قسمت دویم است که مشتمل است از سه فرقه فرقه اول که جنرال

دمنوا سردار آن باشد و مشتمل از دوازده فوج پیاده نظام میباشد و فرقه دویم

که جنرال دوو سردار آن میباشد نیز مشتمل از دوازده فوج پیاده نظام است و فرقه سیم

که جنرال دوکیا سردار آن باشد مشتمل است از هشت فوج پیاده نظام و پنج فوج سواره

و قسمت سیم که مخصوصا زیر حکم جنرال ترشو حاکم پاریس میباشد مشتمل است از یازده فوج

پیاده نظام و چهار فوج سواره ——

و دولت مستحفظ حکم کرد که من بعد هر چه احکام دولت صادر میشود در روزنامه دولتی که چاپ

شود کافیست جهت انتشار و در شهر پاریس یک روز بعد از اطلاع و در ولایات دیگر

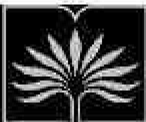
بعد از دو روز روزنامه احکام اثر اجری دارند ——

روز پنجاه و سیم یکشنبه ششم ماه نومبر

اخبار دولتی —— میان شهر سندنی و قلعه جات هنوز زد و خورد

زیاد میباشد متصل مردم با عراده سیر زدند لیکن بعضی اوقات در دروازه های پاریس

یا در درون شهر سندنی قراولان جهت امتثال حکم نظام ممانعت میکنند و گاه



انگه داده‌اند بجای [illegible] میرود و سمت راست [illegible] هوا سوزان که مزارع زیاده دارد مشغول اینکه دشمن نزدیک

نباشد زراعت و سبزی کاری میکنند و بعضی از سربازان عیش در خاک ریز شهر سبزی کاری میکنند

و در پشت خیری [illegible] هم آرام نشسته‌اند و صدای [illegible] تیر شنیده نمی‌شود و وقت حصار چنان

اینجا [illegible] شده بود که بفاصله چهارصد ذرع چیزی دیده نمیشد و شخصی که مجروح شده بود چنین نقل

میکند که امروز صبح وقت طلوع چون صدای توپ بسمت قلعه آمد و [illegible] موروز شنیده شد

از دروازه [illegible] و در لبیان و دروازه موروز بسمت چشم [illegible] و در آن دروازه دو دسته از [illegible]

سیم میرفت که ملکیان [illegible] شمار زخم را جویش میکنند ملاقات کردیم و سه نفر لبنانیان که در اول دروازه

بودند دو نفرشان نشان دولتی داشتند و شیبین که نداشت مارکی [illegible] پدر وزیر

دولتی ارجمند مرحوم بود و از عقب قلعه موروز بدون ملاحظه خبری مگر [illegible] سربازان بحری

بسمت قلعه وا نمودیم وقتی رسیدیم و دیدیم با تشیان که بر [illegible] خیابان فرار

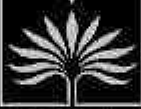
میکنند تیراندازی میکنند و هر جا که گلوله می‌افتاد اتحول و حوش را به روی خاک [illegible] میشد که

اصلا [illegible] باعث نشده چون صدای تفنگ از سمت [illegible] فراوان کم‌تر می‌آمد احتمال داده

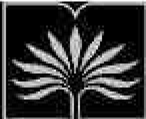
که امروز جنگ میشود یاری ما از جلو قلعه موروز که صدای تفنگ زیاد می‌آمد عزیمت کردیم

ولی سربازان بودند که مشغول تیراندازی میکردند. و از آنجا از راه [illegible]

آمدیم [illegible] کارهای عمده ساخته‌اند اگر بعضی را در کر[illegible]



گفتگوی توقف جنگ بی کار مانده خیال باطلی است زیرا باستیانی که تازه چند قبل
در طرف شهر ورزه بی پروا بنا نهاده بودند نزدیک است تمام شود و در اطراف برج بزرگ را
فرش کرده و از هر قسم کارهای محکم بود عمل آورده اند بنوعی که اکنون قلعه بسیار محکم است
که تصرف کردن آن بسیار مشکل است بجهت آنکه قلعه جات سوروسه ولی سربازها جهات سنگینه
ورمانیک از سمت ده کاشان آمدیم دیدیم رعایا حاصل را که بمحال در مزارع ول کرده بودند
حال برمیدارند وقتی که رودخانه آسیاب شکان رسیدیم روسیان برآن مکان زیاد تیر
اندازی میکردند در حقیقت هرکه بخواهد بوی باروت حاصل شود آنجا برود زیرا که روزی
نمیگذرد که خدام مریضخانه‌ها گشته و زخمدار برمیدارند و روسیان از آنجا دویست قدم فاصله
بیشتر ندارند و یک دسته از سپاه در آن مکان برخطر از اول صبح تنگاه پاسبانی میکنند
دیگر از اینها بعضی اوقات سربازان روسی را در مارچ مشاهده میکرد و می‌توانست آنها را
درست تیرانداز نماید بالای سفیدار بلندی رفته هرچه فشنگ داشت صرف کرده و
تنها قریب بیست نفر از روسیان را بالا از مارچ بیرون کرده گلوله‌های روسیان از شاخهای
نزدیک او میخورد ولی برآن سرباز اذیت نرسانید گفت فردا آمده دیگری خواهم کرد تماشا
تماشا کنید — دیروز وقت ظهر در جنگ باطری قراولان ده تن و دو میل
زخم کاری برداشتند همان وقت آنها را مریضخانه بردند و امید دارند که خوب بشوند



اخبار و حادثه پاریس — کوچه‌های پاریس اکنون بسیار خوب تماشا امروز
که روز یکشنبه است و هوا خوش است همه کس بیرون آمده‌اند و گردش میکنند و اکثر
کوچه‌ها مانند بازار مردم مشغول خرید و فروش میشوند و در یک کوچه از اول تا آخر آن کوچه
هبری فروشی میکنند شخصی خرگوش خانگی دارد و قیمت او را ده تومان میگوید با وجودیکه
نرخ آنها پانزده شانزده هزار بیشتر نیست و در کوچه دیگر زنی است که دو اردک و یک
مرغ و یک خرگوش در یک قفس جهت فروش آورده است و در کوچه دیگر مکانی است
که اعلان نامه بخط درشت نوشته است که در اینجا گوشت کره الاغ فروخته میشود و همچنین
سایر کوچه‌ها مثلا کوچه‌ایست که دلاق‌ها از قبیل زردک و چغندر و کلم و غیره آورده‌اند
بفروش بقیمت گزاف مثلا زردک تبریزی چهار ده هزار و همچنین چیزهای دیگر پاریس بعینها
مانند بازار عامه است هر کس هر چه بهر نرخ بخواهد میفروشد مگر گوشت گاو و گاومیش و گوسفند که قیمت
و تماشاخانه بزرگ پاریس اگر چه بعضی از بازیگران جهت رواج کسب خود بولایات خارجه رفته‌اند
تازه دوباره باز شده است و آن مبلغ که شب اول جمع شد جهت اهل شهر شانزده و آن که زیاد
بسیار در محاصره پاریس از ایشان وارد شده بود معین کرده‌اند مطلب تماشاخانه‌ها از هر قبیل
بود — و ذغال در پاریس بسیار گران شده است ولی بجهت آنکه
بریده شده است و از آنها ذغال بسیار شده احتمال دارد که در چند روز

و ژنرال تروشو — سه مرتبه فیضخانه را سرکشی کرده است و به خود آنها مهربانی کرده و یک سرباز که در جنگ

اول زخم خورده بود شناخته احوال او را پرسیده سرباز جواب داد که حال بهتر هستم و ژنرال تروشو

بار گفت ان شاء الله باز با هم به جنگ خواهیم رفت — و هر چه از پروسیان خواهش کرده‌اند که

جسد سرهنگ بروکس که در جنگ بورژه کشته شده بود بدهند فایده نبخشید صاحب منصبان

پروسیان جواب داده‌اند که با رشادت بسیار و ایستادگی جنگ کرده کشته شده و دیروز صبح

ستر لادرا در آهن شمال با لباس بزرگی جواب کرده‌اند که قریب هشتاد من بوزن تیر برکلوبات داشت

روز پنجاه و چهارم دوشنبه هفتم ماه نوامبر

اخبار رو ولتی — روزنامه رو ولتی نوشته‌اند وزرای دولت که در شهر

تور هستند خیال داشتند که پول جهت دولت قرض کنند ولی این خبر هنوز صحت نرسیده است

و در بعضی روزنامه‌جات نوشته بودند که در جنگ بورژه از غفلت تحویلداران قشون

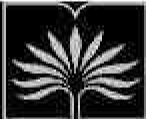
با آذوقه نرسیده بود ولی این خبر صحیح نیست چون سرکردگان قشون که در روزهای

بیست و هشتم و بیست و نهم و سی ام اکتوبر ده بورژه را تصرف کرده بودند قشون رسیده که آذوقه وارد شد

اخبار اطراف پاریس — قلعه مون روژ که چند وقت بود تیر اندازی

نکرده امروز صبح باز از آنجا صدای توپ می‌آمد و صاحب منصبان آن قلعه ملتفت شده‌اند که پروسیان

جمله تازه خیال دارند مانند قبل مارچ و خاکریز و خندق جهت توپ گذاردن در شب می‌سازند



و دروازه را خراب میکردیم اکنون می‌سازند و تعمیر دیگری که دیده‌ام است در بیت شاخیابان یک نقب زیر زمین

ساخته‌اند بدین جهت بود که چند وقت اهالی پاریس بودند ما عکس زدیم که شنیده بودند خواهند

زیرا که آنجا ساختمان جای خوبی است از برای ایشان امروز تمام روز در آن سمت تیراندازی کردند

نیز چند توپ بجانب دوحی انداختند و از هیچ سمت جواب نداده‌اند و در شب غلط کوران سمت

پی رفت نیز گلوله خمپاره انداختند تیراندازی آنجا پروسیان جواب ندادند و از سمت ...

دو جاسوس پروسیان که به رسم فعله مهندسین اجیر شده بودند یکی آمدند و بواسطه آن کسب

از حمله قلعه تنها بودند و گمان داشتند که از غفلت ما بودند در شده بودند

از سمت ... قراولان پروسی رفته تلقی صفوف آنها شدند و چند دقیقه بیشتر طول نکشید

که در صف پروسی‌ها شنیدند که کمان بیرون آمده پروسیان بر ایشان تفنگ خالی کردند ولی تیراندازان

ما در پاره‌ای رسیدند ... بوده است و پروسیان تفنگ بی گلوله بایشان انداختند چون دو نفر

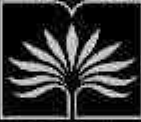
مراجعت کردند مجبور رسیدن صفوف ما شد از گرفته ... نظامی می‌پرسیدند و از آن شخص معلوم شد

که در پروانه بچه نوع روزنامه چاپ شده پاریس بدست ایشان رسیده بود —

و روز یکشنبه مردم بتفرج رفته بودند خصوص سمت ... و از پانزده هزار نفر بیشتر بودند که

از دروازه ... عبور کردند بعضی ایشان بجهت رفتن باردوی ... که ...

بر چیده‌اند بعضی جهت تماشا بیرون رفته و تمام خانه‌های کنار خیابان



بعوض تنها سربازان پیش منزل دارند و بازار صنف تمام و پل راجب ابان توپخانه باشته باشند

طویله قرار داده‌اند لیکن در بعضی جاها چند قهوه‌چی و شرابفروش که شهر پاریس تنها داوطلب بوده‌اند

دوباره آنجا رفته دکان باز کرده‌اند و پل هنوز خراب نشده است ولی نمیگذارند کسی از آنجا

عبور کند مگر کسیکه از جنرال دوکرو تذکره داشته باشد و در باغ بوا دو بولان قشون گذاشته‌اند

آماده هستند اگر کسی بلیت نداشته باشد سربازان نمیگذارند داخل بشوند ولی بعضی جنود هستند

از خندق رد میشوند و این باغ که اینقدر مزین بود و درختهای بزرگ آنجا داشت اکنون

همه درختها را از روی زمین کنده‌اند مثل آن شده است که در آنجا هیزم بذخیره زمستان

جمع کنند و در کنار دریاچه‌های [illegible] جمعی [illegible] و کنار رود یکه [illegible] مشق میکردند که قبل از

اهل پاریس با زینت و عیش بتفرج می آمدند حال کسی نیست مگر چند نفر سربازان پل که منتظر جنگ

هستند ماهی میگیرند

اخبار داخله پاریس — دیروز صبح یک بالون که در آن سه نفر تبعه

نشسته بودند و یکی از ایشان ماموریت دولتی داشت هوا کردند در شارل تره شو زمانی که

بسر کشتی مرتضی‌ها نیما رفت پنجه نفر صاحب منصب و [illegible] نشان دولتی بخشیده امروز باز آتش

عمارت [illegible] صورت آتش [illegible] روز گذشته یافته بود و نگذاشتند در [illegible]

عمارت مردم عبور کنند و یک بطالیان از قشون [illegible] جمعیت را کنار میکردند و از قرار

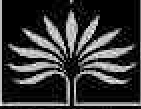


مذکور جمعیت جهت معزولی سرلشکران فوج عیسوی که خیال داشتند مردم را بشورش واداشته

روز پنجاه و پنجم یکشنبه هشتم ماه نومبر

اخبار دولتی — از قرار روزنامه نظامی دشمن از هیگ دارند آگاه باشند از قلعه جات پی سترو و برو یر دوانیو و موبن ولرین در شب گذشته از صفوف پروسی گلوله خمپاره انداخته شد و دیروز موبن ولرین برکارهای دشمن در بوگ نیز تیراندازی کردند و موافق خبری که آمد قلعه جات زیان بسیار بدشمن رسانیده بودند یک روز در ده بورژه شهاسی وشش صاحب و چهارصد سرباز کشته و میان آنها دو سرهنگ بود که یکی سرکرده فوج پروسی ملکه بود و موافق روزنامه گولاتک که روزنامه پروسی باشد این خبر تلگرافی را که از جانب محل اساسی پادشاه پروس بشهر برلین فرستاده و چاپ کرده بودند بدین تفصیل شهر ورسای اول ماه نومبر ضرر و زیان دویم پیاده نظام خاصه در جنگ بورژه سی یم ماه اکتوبر سی و چهار صاحب منصب و چهارصد و چهل و سه سرباز است ———

اخبار اطراف پاریس — همگی میدانند که قیمتهای معادن سنگ سمت مورور و شاتلیان بان گوز زیاد است و در پی پیان اخبار ... خیال دارند که بمصرف خود برسانند چند روز بود ما حرکت ایشان را داشت



و چندین نفر از سربازان مجری ما که دریکی از آن قاره ها مخفی شده بودند شخصی که میخواست داخل قصبه

شود دستگیر آورده اند چون این شخص نتوانست موافق قاعده جواب بدهد او را به قراولخانه سپرده اند دیگر

دیشب وقت مغرب یک سلطان مجری شخصی را که سبزی آلات در عراده خود نقل میکرد ملاحظه نموده

از عقب او دروازه اورلیان رفته آن عراده را خالی کرده و مرد را محبوس نموده و در میان

دسته سبزی آلات البته مکتوبات یافتند و امروز باز خواهند کرد — و امروز در

دروازهای شهر پاریس سربازان رعیتی بقراولی جای سربازان مبل گذاشته شده و دیروز در قلعه

مونروژ چند گلوله خونپاره بسمت شاتیان انداختند ولی تا چهار ساعت بعد از ظهر که پروسیان

خود را عقب کشیدند تیراندازی ساکت شده و یکه خبر شنیدند که نزدیک راه سکلو

پروسیان گلوله برآورده بودند بر بعضی نداو آورده اند و این بیچاره سبزی از مزارع جمع

میکرده که گلوله با او زده اند و مشکل است بهبودی حاصل شود ———

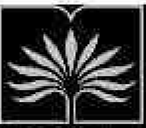
اخبار داخله پاریس — اگر چه احتمال دارد که مردم سمت عمارت

اجتماع ننمایند با وجود این سربازان آنجا از آن جهت محافظت هستند و در میدان

عمارت سربازان مبل بالقسم دسته دسته نهاده اند که مردم را از جمعیت ممانعت

نمایند فوج جوانان که از هجده سال و بیست و دو سال هستند و تازه قرار داده شده است

اکنون قریب هزار و پانصد نفر هستند اندکی از ایشان ملبوس گرفته اند ولی هیچیک



فشنگ داده نشده است و هر روز و هر دو روز داده و از فشنگ جنگی بخشند که به رویی مأمور جنگ

شوند و موافق حکم دولت نشان دولتی لژیون دونور را بدین شکل تغییر داده‌اند بجای

تاجی که بالا داشت حلقه به شکل برگ درخت بلوط قرار داده‌اند و از یک سمت در وسط

در وسط سرزنی که مشتمل جمهوری بود با عبارت جمهوری فرانسه گذارده‌اند و سمت دیگر

دو علم رنگین با عبارت عزت و دولت قرار داده‌اند ——

روز پنجاه و ششم چهارشنبه نهم ماه نوامبر

اخبار دولتی —— قاعده‌جات منفصل بر کارهای دشمن تیراندازی کرده‌اند و

بسیار مهم است که تیراندازی نمایند پروسیان باید همیشه در حالت حاضرباش باشند و یک

بکشل پیاده نظام حمله آورده‌اند و آن این است که یک سرباز مثل تا مسافت قدم فاصله

قراولان پروسی رفته او را کشت بعد باز پروسی دیگر که به مدد او آمد تیر او را کشت و

این شخص پیشتر در چپ سی نفر پروسی کشته بود و نشان دولتی لژیون دونور به او داده

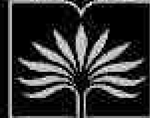
بودند و دولت در روزنامه این کیفیت را چاپ کرده است —— در چند این

روزها از دولت خواهش کرده‌اند که مانند زمان سلطنت امپراطور اخبار یکه میدانند منتشر

مردم

نمایند و دولت جواب میدهد که شکل همه اهل شهر پاریس چاره و رسیدن

شهر از برای ما ممکن نیست و هرچه سعی کرده شود نمیشود به قاعده چاپ



جمعی برسند دور او اول هفته محاصره چنانچه این خبر رسید مگر خبر حرکت قشون و منتشر نمودیم و از آنجا

خبر شب چهارم ماه اکتوبر که روز شنبه ششم رسید دیگر اصلا خبری نرسیده است به آن

که موسیو تیر روز سی‌ام ماه اکتوبر وارد شهر پاریس شد و روز شنبه ششم از شهر پاریس

بیرون آمده بود و چند نفر خبار های دیگر هم داشت از راه شامبری به مملکت فرانسه

داخل شد و شهرهای باگون و مونس و ... عبور کرده بود و در همه جا قشون دیده

و قشون‌ها که در حرکت لوار هستند زیاده از صد هزار نفر سپاه با کمال جرأت آنها را دیده بود

و قشونی که در ولایت ... زیر حکم ژنرال کامبری مهیا هستند شصت هزار

مهیا شده و سربازان محلی در ولایات شرقی این نوع مهیا شده اگرچه دولت مطالب

که متصل اخبار منتشر نماید لیکن بجهت محاصره این امر محال است ما میدانیم که مردم از

بی‌خبری زیاد مشوش هستند و هر خبری که بایشان میرسد باور میکنند باید دانست

که اکثر اراجیف از جانب دشمن منتشر میشود و البته خبری که میکشند در شهرهای بیان

و ... رسید اشخاص ... از نوع اخبار دروغ خبرها که بما رسیده این است که این دو شهر

بزرگ در حالت آرامی بودند و دولت خاطر جمع است که همه ولایات تکلیف خود را بعمل

خواهند آورد و تکلیف شهر پاریس این است که از این گونه اخبار ... قبول نکند و دولت

میداند که باید دولت را مطمئن گشت و هر خبر که هست اول آنها را مخبر ... و اینکار است



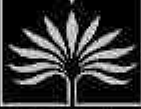
که هیچ گرده و نخواهد کرد

اخبار و حشه پاریس — هنوز در اطراف اوتیل و بیل جمعیتی مشاهده میشود و از آنجا عبور اشکال دارد — کم کم مردم گوشت های گوشت خود را میخورند و امروز در میدان اوتیل و بیل سپاری از انها که کشته بودند و از جهت هشت شاهی خرید شد و این جنس گوشت از نژاد سنگ تازه زائیده شده بزرگ تر است و یکی از فروشندگان جهت تحریک مشتری میگفت که این گوشت بسیار خوب گوشتی است چندین تفاوتی با گوشت بره ندارد

روز پنجاه و هفتم پنجشنبه دهم ماه نومبر

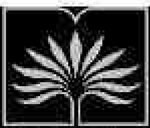
اخبار روولتی — موافق روزنامه نظامی دشمن دیوار مرا دستان شوازی را جهت امکان نشان تیر خراب کرده و ما در شب بر کارهای ایشان تیراندازی کردیم و خیلی از تعداد اعزاب کردیم و شخصی از معتبرین ایشان کشته شد و در شب دسته تفنگدار انها بر سربازان که در باغستان میان و بیل رولف و حی بودند تیراندازی کردند ولی بعد از خیلی گلوله خونریزی لابد شدند عقب نشستند

اخبار اطراف پاریس — دیشب از قلعه ... بر کارهای دشمن تیراندازی کردند و نوبت ... رسانیدند ولی



از آنجائی آمد چون پروسیان پیدا شده‌اند دو روز فرصت نیافته باشند
که سر کار خود بپایند — و شب قریب چهار ساعت از شب رفته صدای توپ
از سمت منجم خانه می آمد و نیز از سمت دروازه اورلئان که نیم ساعت بیشتر طول کشید
شدت شنیده شده امروز بعد از ظهر به سمت شرق از میان مزارعی که همه جا برف گرفته بود
تا باستیان اوژ بر و یل رسیدیم و از سمت جنوب تمام صحرا سفید است مانند پاریس
برف آب نشده است و درختان همه سفید می نمایند و هوا تیره است و منار کلیسای دو رجی
که در دست پروسیها است پیدا نیست بلکه آسیاشان که چندان مسافتی ندارد نیز به چشم
دیده نمیشود و در زمستان نزدیک آن آسیا باب بود که دیروز پیش قراولان فرانسه
تیر تفنگ تبدیل میکردند و دسته توپ که پروسیها در برج کوره ای گذاشته اند امروز بیشتر
آشکار نموده اند و دیروز چهار ساعت به صبح مانده از آنجا چند توپ انداخته اند یک گلوله
خمپاره به فاصله پانصد قدم از قلعه پاریس افتاده است ———

اخبار روزنامه پاریس — حالت بازارهای پاریس از وقت محاصره
بکلی تغییر یافته است چند کسب تازه پیدا شده است که بسیار بکار مردم می آید مثلاً جوش
شیر قهوه که هر روز صبح سفره چیده شده حالا آش لوبیا و کلم با دیگ میکردند با صد دینار
میشود آدم آش بخورد و از اول صبح دکاکین قصابان به جمعیت می شود و چند روز است



که گران تر شده است و گوشت اسب بی استخوان از قرار یک من چهار لیور تومان رسیده

و گوشت الاغ که هفته گذشته قرب دوازده هزار میفروختند حال منی دو تومان و دو هزار

و نیم رسیده است و نیز گربه یکی پنج شش هزار رسیده است — و در روزنامه ذیل

بتاریخ ختم ماه نوامبر مسطور این کاغذ را نوشته است   مقصود من این بود که

صدا دست از مأموریت خود بردار چون چند کاغذ مردم بمن نوشته اند و سئوال کرده اند

که آیا از مأموریت جزئی دولت مستحفظ استعفا کردم لابد هستم که جواب بدهم و آن جواب این است

که روز اول ماه نوامبر از مأموریت جزو جانی دولت مستحفظ خود استعفا کردم و خیال دارم

که دیگر قبول مأموریت نکنم — خانهای موسیو که روی آنها نشان است جهت آنکه سفید

بودند و پروسیان از آنها استطلاع نشان میگرفتند همه را با رنگ سیاه نمودند و نیز کل

آهن او توی که سفید است و جهت تیراندازی شب نشانیت نیز سیاه کنند —

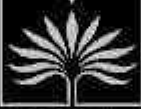
موزیکان پاریس چند مجلس موسیقی برپا کردند و در آنجا پول میان خود جمع کردند که یک

توپ جهت دولت بریزند و آنچه از مجلس شده است و جهت صدای آن جمع کرده اند —

اکنون کمک جهت مردم نمی مانند که در کارخانها مشغول ساختن چراغ و توپها هستند

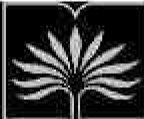
روز پنجاه و هشتم جمعه یازدهم ماه نوامبر

اخبار دولتی — دیروز که سربازان فوج دو از



به بیشه رفته بودند که شکار خرگوش کنند بعد از آنکه در بیشه تفحص کردند چیزی پیدا نکردند
از کنار رودخانه حسن مراجعت کردند یک دفعه دیدند چهار نفر پروسی با براوه از آن سمت
پیدا شدند توقف خود را پنهان کردند تا آنکه اینها از براوه چون بیایند مجدد دیدند چهار
نفر پروسی هستند و یکی از ایشان صاحب منصب است با یک نقشه و دو سرباز به سمت بیشه
رفتند و دیگری نزد براوه ماند بعد از اندک تأمل سربازان پنهانی نزدیک آن سرباز
که نزد براوه بود رسیدند دست و پای او را بسته و او را در آب انداختند منتظر آن سه
نفر شدند وقتی که آنها مراجعت کردند و نزدیک شدند دو نفر با ایشان فریاد زدند که
خود را تسلیم کنید ولی این صاحب منصب چند تیر طپانچه انداخته در وقت ایستادن دو سرباز او را
گرفتند با آن سرباز که دست و پایش را بسته بودند هر سه را با خود آوردند

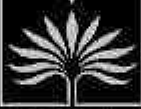
اخبار روزنامه پاریس — در محله هفتم پاریس در باب قرار تازه تقسیم نمودن
گوشت بمردم چون که خدا بیان کرده بود و شکل گرفتن بلیت را معین نموده بود اکثر
مردم این محل بی گوشت مانده‌اند — در باغ جلو عمارت دم ولی که میدان توپ بزرگ بود گلوله
بسیار گذاشته‌اند که قطر آنها چهار گره است و آنچه را از آن گلوله بیشتر از آنجا شمرده‌اند —
هلاکین نخسته دستی که بجهت عید نوروز و عید دی و دیگر که در جیبا با شما بخشیدند و انبار بوده
انبار را بیرون آورده منزل از آن محل قرار دادند چهار صد و کلان که هر یک شش نفر میگیرد



که روی هم رفته دو هزار و چهارصد نفر باشند — اکنون که گوشت گاو و سایر حیوانات
کم است در همه جا بنا شتر و اسب میکشند و وقتی که میخواهند اسب را بکشند اول چشم او را می
بندند بعد با تقماق به پیشانی اسب میزنند وقتیکه بزمین افتاد و تقماق دیگر میزنند تا
خوب گیج شود بعد ذبح میکنند آنوقت یک قصاب بر پای اسب ایستاده تکان میدهند که خون
خون او بیرون بیاید بعد از آن دم بزرگ زیر پوست او که دمیده میدمند تا خوب
باد کند که پوست او باسانی کنده شود ——

روز پنجاه و پنجم شنبه دوازدهم ماه نوامبر

اخبار دولتی — موافق روزنامه نظامی دیروز در اکثر قلعه جات هم
در روز و هم در شب تیراندازی کردند و از باستیان کراول بکارهای دشمن گلوله
باری بوده انداخته شده و در کرنیل انصرف کردیم و تدارک محافظت انجارهای سنیم و لمرز
صبح در سمتکو گیبا جمعیت با چند نفر از سربازان خود شش نفر از قراولان دشمن را
گیر آورده و تن قراولان بسیار ایستادگی کردند تا چند نفر ایشان کشته و یکنفر شان
زخم برداشته — تازه شهرت کرده است که در روز ساعی دو باره گفتگو در باب
توقف جنگ میشود و این صحت ندارد چون ناچاره مراوده با پروسی
یکی از بالونها که در پاریس هوا کرده بودند در ولایت نوارد به زمین ا



این خبر را از برای حبس چاپخانه آوردند در ساعت دهم پروسیان به بالون تفنگ

انداختند ولی گلوله به بالون نخورد وقت مغرب در ... ی گلن ولی بزمین

آمدم و همه مکتوبات را به دفترخانه چاپاری ... سپردم من صبح دیگر بشهر دوم

رسیدم و پروسیان شهرهای اورلیان و شرط را تصرف کردند محل روسیان

ایشان در ... است ولی قشون ... امشب آنها را از آن شهر بیرون کرده

چهل نفر آنها را کشته و چهل نفر اسیر کردند — یک بالون که یک صاحب منصب بحری

و یک سلاح در آن نشسته بودند بدست پروسیان آمد و اسیر شدند ———

اخبار دو حمله پاریس — امروز صبح دو بالون هوا کردند

و یکی از آنها یک نفر بالونچی و یک صاحب منصب بحری و چهار نفر جهت فوتوگراف

انداختن نشسته بودند و اسباب لازمه فوتوگراف در آن بالون بود در بالون

دیگر یک صاحب منصب بحری با سه نفر دیگر نشسته بودند و ترپ چهل و پنج وزن ...

مکتوبات در آن بالون بود — امروز صبح در دکان یک قصاب زنی فریاد میزد که

ما از این قسم تقسیم کردن غذا خسته‌ایم کاش از این محاصره نجات می‌یافتیم اگرچه شیخ ما

پروسیان هم باشد چند نفر از سربازان رعیتی که آنجا بودند او را گرفته تفتیش بودند وقت

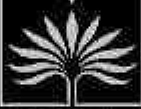
معلوم گردید که این زن دکان بزازی داشت و پروسی بود آن وقت دکان او را ...

خودش را حبس کرده — دیروز بعد از ظهر چند دسته توپ تازه از زرادخانه بلوار میگذشتند و این توپها همه تازه بودند و عرّاده‌ها را سفید رنگ کرده بودند چون عبارت شمال روی آنها رقم کرده بودند احتمال دارد که در کارخانه‌های کمپانی راه آهن شمال ساخته بودند و چند وقت قبل از این ما اعلام کرده بودیم که یک کمپانی دیگر چند توپ جهت دولت ساخته بود و اسم خود را بر آن رقم کرده بود — دو روز است که در یک کوچه پاریس یک دکان دار گوشت غریبه میفروشد روی هر تکه آنها قیمت آنرا معین کرده است از قبیل گوشت سگ و گربه و موش لیکن از برای گوشت موش چندان مشتری نیست اما گوشت نصف گربه را بچهار هزار میفروشد و گنجشک کباب کرده هم هست و یکی دو شاهی میفروشند — دولت حکم کرده است که مردهای عزب بی اولاد از بیست و پنج ساله تا سی و پنج ساله که هنوز سرباز نشده‌اند باید داخل فوج شوند و هر چه از این قبیل اشخاص در شهر پاریس پیدا شوند باید مهلت چهل و هشت ساعت در دفترخانه کدخدای محله خودشان باید اسم خود را ثبت نمایند ——

روز شصتم یکشنبه سیزدهم ماه نوامبر

اخبار روزانه — از روز پانزدهم ماه نو

شهر پاریس بجماعت از نظر گذشته خواهد شد — سمت



زیاد مردم اجتماع میکنند و مقصود این است که کسی از میدان عمارت عبور کند و در میدان سربازان

چپ صف کشیده اند و در میان دو طالبیان فرج رجعتی با تفنگ حاضراند و در حاضر شده دیگر

سه طالبیان فرج رجعتی از کوچه ... ولی با زحمت می آیند و جمعیت کم کم زیاد و مشغول

مردم خیال میکنند که علامت شورش است ولی چنین نیست قشون که آنجا جمع گرده بود

ژنرال تروشو میخواهد آنها را سان ببیند و طول کشید که ژنرال تروشو آمد و سربازان در

حالت سان فریاد میزدند که فرانسه زنده باشد و جمهوری مستدام باد و بالاخره جمع قلیل

و آرامی گذشت — در اکثر بلوارها و خیابانهای پاریس قراولخانه تخته جهت سربازان

قرار داده اند تا حال در حوالی قریب پانزده هزار نفر منزل گرفته اند — مدرسه ... شده و در

الشریع کنون بسته است و انبار رخوت سربازی قرار داده اند و هر روز در آنجا از

برای سربازان ملبوس تقسیم میکنند و طالارهای آن مدرسه خیاطان مشغول بریدن و

دوختن ملبوس هستند

روز شصت و یکم دوشنبه چهاردهم ماه اکتوبر

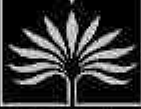
اخبار دولتی — چون از جهت محاصره اخبار تلگرافی از پاریس به ولایات

و از ولایات به پاریس ممکن نبوده قرار داده اند هر خبر تلگرافی که از ولایات می آمد در شهر

تور جمع کنند و آنها را بسم روزنامه در یک صفحه چاپ نمایند و بعد از آن بواسطه کبوترات



عکس آنها را ریزه جدا سازند و بعد بواسطهٔ کبوتر آن اطلاعات را با اهل شهر پاریس رسانند
و امروز که چهاردهم ماه نوامبر است این قسم روزنامه که هم فوتوگرافی و هم تلگرافی
هست بپاریس رسیده و بواسطهٔ ذره‌بین آسان دیده و خوانده میشود و این نمرهٔ اول روزنامه
که باندازهٔ ربع گره چاپ شده دویست و بیست و شش خبر تلگرافی دارد که از ولایات
مختلف فرانسه آمده است بازی مژده دیگر از این قبیل روزنامه خواهد رسید مگر آنکه
کبوتر را بزنند لیکن بجهت حفظشان همان یک روزنامه را متعدد کرده یکدفعه با چند
کبوتر روانه میکنند ـــ و در روزنامهٔ دولتی مطبوع بود که قشون لوار در زیر حکم
ژنرال دورل تازه فتحی کرده‌اند شهر اورلیان را از دست پروس پس گرفته‌اند
دو روز جنگ کرده‌اند و گویا دو یا سه دویست نفر از قشون پروس در زیر حکم ژنرال
تن در آن جنگ حاضر بودند و اینها به سپهسالاری است و چون این خبر بعساکر
رسید همه کس فهمیدند که همه باهم در دفع دشمن و حفظ مملکت متحد هستند و لشکر
قشون شمالی و قشون جنوبی و همه رعایا خواهند فهمید که بجهت آزاد کردن مملکت
جنگ میکنند و موسیو ژول فاور اینگونه خبر را با اهل شهر پاریس منتشر نمود که ای شهریان
و ای عزیزان من با کمال خوشحالی این خبر را بشما اعلام میکنم کنون بواسطهٔ حوادث
و بخت بد با ما مساعدت خواهد کرد و بزودی به برادران خود از ولایات



یکدیگر خاک فرانسه را نجات میدهیم جمهوری مستدام و زنده باشد و این خبر این است

که موسیو گامبتا به ژنرال تروشو نوشته که قشون لوار زیر حکم ژنرال دورل بعد از

دو روز جنگ سخت اورلیان را از قشون پروس پس گرفتند و در آن جنگ قشون ما دو

هزار نفر کشته و زخمدار داشتیم ولی زیان دشمن بیشتر بود و قریب هزار نفر از ایشان را

اسیر کردیم باز سربازان ما تعاقب ایشان مینمایند ایشان را اسیر میکنند و دو توپ تازه طرح

پروسی با بیست عراده قورخانه با اسباب و عراده‌های زیاد دیگر از اردوی دشمن گرفتیم و

اصل جنگ روز نهم نزدیک کولمیه واقع شد اگرچه هوا بد بود لیکن قشون ما

با رشادت حرکت کردند موافق روزنامه نظامی امروز صبح دیروز قلعه‌جات شام پانی

و روز اول بواسطه تیراندازی گلوله خمپاره و میترالیوز دشمن را از ده شام پانی

بیرون کرده اند در یک خانه راه آهن شرقی آتش زدند که منزل یکی از عمال کشیده که از آنجا

هم بیرون نشان کردند از قلعه گراول تیر بکارهای دشمن در موقع تیراندازی نمودند

اگرچه قریب دویست و پنجاه ذرع فاصله بود خرابی بسیار بکارهای دشمن رسانیدند

و از دیدبان ونسن دیدند که چندین گلوله توپ میان دسته توپچیان افتاد

و قلعه نوژان آن تیر بکارهای دشمن نزدیک ویلیه تیراندازی کردند و حاکم پاریس

باستیانهای اردو بوربیه و اسباب ساکراد برود سرکشی کرده است یک یاور با



لشکرداران خود جنبش و آوردان پروسی از سمت شام تپاتی رانده‌اند و از غذا ایشان

تلف کرده‌اند و امروز در کنار قلعه‌جات با تیراندازی زیاد کرده‌اند بخصوص از باستیانهای

او و بردیه و آسیاب ساکه و قلعه و آنیه متصل به ریشابان که مکان دشمن است تیراندازی

کرده‌اند و دولت حکم کرده است که سربازان رعیتی را خانواده زن و بچه سربازان که کشته شده‌اند یا مجروح شوند

مانند سربازان لشکر به ایشان مستمری داده شود ـــــ

اخبار واصله پاریس ـــ امروز شخصی خبر فتکس فونتوگ رف

که کاغذ مسیو ژول فور نوشته بود به قهوه‌خانه بزرگی آورده بالای صندلی رفته

با صدای بلند جهت اشخاص حاضره خواند بعد از تحسین بسیار همه کس فهمیدند که این خبر را بدستان

خود برساخته ـــ بیکلربیکی شهر پاریس مجلسی معین کرده است تا عمارات قدیم و مشهور

شهر را که بنای اعلام داده‌اند نوعی تدبیر نمایند که آنها را از گلوله پروسی محافظت نمایند ـــ

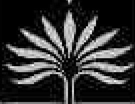
چون دولت حکم کرده بود که هر کس گاو یا ماده گاو داره اظهار نماید تا بحال سه هزار و دویست

سنجاره ابراز کرده‌اند و از قرار تقسیم غذا که بدست دو روز شهر را امید به زغال که در پاریس

نبوده از دیروز تا بحال مردم در کوچه‌ها میگردانند و میفروشند اگرچه گران است

لیکن اهل شهر پاریس رضا شده که موجود باشد و همین جهت بخرند

روز شصت و دوم سه‌شنبه نوزدهم ماه نوامبر



اخبار دولتی ـــ در یک سرکشی از سربازان پاریس نزد ولات پروس کی عقب نشینند

وران کی عقب رانده اند و چند نفر از ایشان را اسیر کرده اند و در قلعه مون و لرین [illegible]

بهر سنگلو و مونت رتو در دو جا خمپاره اندازی کرده اند و در روزنامه دولتی نوشته است

که ما پاریس را هفته میخوردیم که هوش سواران قوه خود را از غضب [illegible] استعمال کرده است

دو ماه است در این زمان صعب که بسیار زحمت کشیده است و آنچه سعی و اهتمام بود بجا

آورده که شهر پاریس مستقلم باشد و باجزای دولت مستحفظ همه هوا حرکت کرده است و

در این وقت تازه که خواهد گرفت باز همان نوع بالکلیه مستحفظ خواهیم بود چون از

دیروز دو روز [illegible] آن سرکشی رفته بود نقشه‌ای که در آنجا بوده اند اعلام نموده بود که خود را

دو را خالی نمایند [illegible] پاریس مراجعت کرده اند ولی مجروحین [illegible]

و با تلگراف پیغام فرستاده که همین است دو را خالی کرده اند چون [illegible] که شانزده هزار [illegible]

و [illegible] با پانصد و پنجاه توپ که از آنجا [illegible] آورده اند [illegible]

آنجا قرار داده احتمال دارد که [illegible] باشد ولی در باور کردن اخبار دیگر از صفوف دشمن

میرسد باید احتیاط نمود دیروز صبح [illegible] حکم شده است سربازانی که در [illegible] بوده اند

مراجعت کنند و همه اجزا مردان که نزدیک قلعه [illegible] آمده اند در روزنامه خود [illegible]

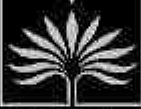
شجاعت نوشته است که در میان اسرا دو سرباز از فوج ملکه هستند و پروسیان [illegible]



رفته بودند در مزارع و در باغهای سبزی آلات جمع نمایند تیراندازی کردند و چون جمعیت
زیاد بود و کلان تیراندازی پروسیان نشنیدند دو ساعت بعد از ظهر پروسیان تیراندازی
کردند هفت نفر کشته و یازده نفر زخمدار شدند چند نفر که صدای تفنگ شنیدند [illegible]
را اخبار نمودند که پیاده کشته و زخمدار افتاده‌اند و دروازه را بسته و میل جمعیت [illegible]
منتظر بودند که بدانند خویشان و دوستان ایشان را گلوله پروسی صدمه رسانیده و یا نشده

اخبار و احوالات پاریس — خبر فتح گول بیه نزدیک اورلیان

دو روز بود که ژنرال تروشو شنیده بود و زنی که نوشته بود از صفوف پروسیان
رد شود شب شنبه خبر برای او آورده بود ولی چون گول بیه در ایالت سن مرن
که قشون انجا بودند شکست با گول بیه اورلیان شهر بود حاکم پاریس خاطر جمع شده منتظر
بود که خبر صحیح برسد تا ابراز نماید — میگویند بعضی از صفوف پروسی رد شده
به پاریس آمده است صد مکتوب و روزنامه به پاریس آورده است اگر چنین باشد
تا خود او خواهیم دانست که این خبر درست است یا نه و دیروز قریب ساعت بعد از
ظهر یک کبوتر نامه‌بر رسید او را نزد رئیس تلگراف بردند و در یک لوله کوچک کاغذی
قریب نیم گره طول پیچیده بودند در میان کاغذ خبر تلگرافی که [illegible]
بودند در آن کاغذ خبر دوباره گرفتن شهر اورلیان بود و دو [illegible]



محصّله جهت مردم ورانی بود بعد از آنکه یازده چین آنها را خواندند و صورت آنها را او

تا نصف شب همه را اسباب آنشان رسانیده بودند از قرار حکم دولتی استعفا کردن مسیو

آراگو از منصب مارچی گری شهر پاریس و موسیو فری بجای او مأمور گردید ——

روز شصت سیم چهارشنبه شانزدهم ماه نوامبر

اخبار دولتی —— موافق روزنامه نظامی که امروز صبح انتشار یافته

دشمن دو پاره نزدیک شاتو لی ای پدیدار شد لیکن بواسطه منزل بوزلا بدشدند

و پناه بجای خود بیاوردند و قلعه فرانسوی قرب پنجاه نفر پروسیان که عقب ستون شاملی

بودند پراکنده کردند و یک گلوله خمپاره میان حیات خانه که منزل صاحب منصب روسی

بود افتاد و طول نکشید که با دوربین دیدند تروزیاد ... مانند کسانی که

کشته و زخمدار رسیده ارند ——

تفصیل خبری که از شهر تور رسیده است —— روز چهاردهم

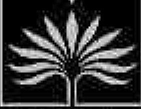
ماه نوامبر خبر خبریت اثر از جنگ کولمیه نزدیک اورلیان بدولت مستحفظ رسید

—— موافق خبری که بر نیس چاپار خانه رسیده بود بالونی که از پاریس هوا کرده

بود و بمردم رسید و شهر شاتودان با وجود خرابی خود با دشمن ایستادگی کرده و فتحی

که این خبر بپاریس رسید پانزده روز بود که هیچ خبر از ولایات نداشتیم چون خبر

اخباری که از موسیو کامبار رسید خبر روز بیست چهارم ماه اکتوبر بود بخبر بودن
از شهریان خود و از ولایات بسبب سختی محاصره است ـــ اراجیفی که منتشر میشود
بعضی میگویند دولت خبر دارد و پنهان میکند اخبار بی‌اعتباری که بعضی از روزنامه
نامه گرفته چاپ میکردند که اکثر آنها کار پروسی بود میان مردم و قشون و اولان‌ها
آن اخبار را منتشر میکردند و بعضی اشخاص بنوع صداقت باور میکردند که در ولایات بعضی جاها
اغتشاش شده است و مملکت بر اساس دولت فرانسه طاعت میکنند و قشونی که آنجا
در خبر بیست چهارم ماه اکتوبر اعلام کرده بود موجود هست با آنکه دشمن آنها را تعاقب کرده
در همان وقت که این اراجیف دروغ منتشر شده بود خبر آمد قشون ما که زیر حکم ژنرال
دو ورل فتح کرده است و یک کبوتر روز پانزدهم نیز رسید چون پیش از آن کبوتر دیگر
روانه شده خبر صحیح آورده بود در همین بحث حرکت قشون ما در ولایات خبر دیگر نداشت
ـــ و چند روزنامه انگلیس وارد پاریس شدند و بعضی تفصیلات در باب
جنگ دارند نمیدانیم صحیح است یا نه چون اکثر این اخبار را از جانب دشمن میرسد در آن
روزنامه نوشته بودند که دو کشتی فرانسه چندان کشتی آلمان را گرفته اند و قشون دشمن
در مملکت فرانسه یک شاخه بسمت شمال و دیگری بسمت جنوب حرکت
دو وی زبان از سربازان فرانسه که در شهر متس اسیر کرده به مملکت



نیز نوشته اند که شهر فیلیپات دیگر را محاصره نمایند و در روز سیم ماه نومبر دو هزار

و پانصد پروسی در جلو قلعه مزبور بودند که آنرا تصرف نمایند و در همان وقت شهر

هیرسان را تصرف کرده بودند و شهر لهورا نیز محاصره میکردند و در نزدیک مزبور

لشکرداران با جنگ کرده چهارصد و شصت و پنج نفر از پروسیان کشته بودند خبر که

از سمت مغرب داریم این است که پروسیان شهر نو بریزاک را محاصره کرده بودند و گلوله

دشمن قشون حزلا کرده تا شهر دیژان که قلعه ندارد بعد از هشت ساعت جنگ آنرا تصرف

کرده است و پنجاه هزار تومان از اهل آن شهر گرفته اند و در شهر گری پانزده صاحب منصب و پانصد

سرباز از فرانسه اسیر کردند از این اخبار چنین معلوم میشود که هر جا دشمن میرود اهل آنجا

استواری ننموده جنگ با او نکنند و در باب تسلیم نمودن شهر متس بعضی میگویند ممکن بود

که سردار بازن تسلیم نکند و بعضی میگویند امکان نداشت زیرا که در شهر نان نبود و هیچ

اکنون نمیدانیم حقیقت این مطلب چیست و ژنرال بوربکی که سردار فوج لشکر شمالی است

این اعلام نموده که چند نفر از لشکرداران با یک دسته قراول پروسی را در راه ... گرفته

گرفته چهارصد و شصت نفر ایشان کشته یا زخمدار شدند و در نزدیک رود خانه

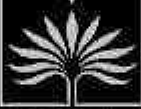
... سربازان ... و ... نظام بودند اگرچه دشمن توپخانه داشت ... نشسته

سرباز و یک صاحب منصب ایشان کشته شد

اخبار دولتخانه پاریس — امروز بعد از ظهر چهار ساعت از قواره‌های
مختلفه که در عمارت اوتیل دویل مأموریت دارند اجتماع کرده مرخصی ایشان گرفته شد
که مأموریت تازه که انتظام کل مستاین(؟) بوده واگذار شده چه بوده است — و روانه گردان مارش
دیشب نصف شب بجهت باد مخالف موقوف شده و تا بحال خبر از او نرسیده است
گویا امروز مشکل است روانه شود

روز شصت چهارم پنجشنبه هفدهم ماه نومبر

اخبار دولتی — موافق روزنامه نظامی دیروز حاکم پاریس ژنرال
تابین زبان را سرکشی کرده است و بسیار از حرکت قشون راضی شده و در سون و
متصل بر کارهای دشمن تیراندازی سخت کرده‌اند و موافق خبری که از شهر تور رسیده موسیو
روز هشتم هنگام شب بشهر تور رسیده و در یک روزنامه انگلیس چاپ کرده‌اند که دول
فرنگستان باید واسطه میان فرانسه و پروس بشوند مصالحه از این است که دولت فرانسه
خاک خود را به پروس واگذار نکند ولی قلعه‌جات جنگی که سمت ملک پروس است خراب شود
و بعد از سه روز جنگ قشون ما بار شهر اورلیان داخل شده‌اند و موافق خبر تلگرافی که
از شهر بروکسیل آمده میگویند که سرداران پروسی از ایستادگی شهر پاریس بالخصوص
از سربازان پیاده نظام ما — از اتفاق تنگه در میان ما بوده است



وست روز قبل از وقوع اغتشاش او از قبیل و بیل اسامی اشخاص متحرک این اغتشاش در

دست موسیو بیت مرگ بوده و از پیش خوشحالی میکردند ————

اخبار روزنامه پاریس — شهرت کرده است که جمعیت خود را از میان

قرار در تقسیم روغن خواهند داد شخصیکه انبار آنها را داشت گفت که چنین خیالی هرگز نخواهم

کرد زیرا که در پاریس غلاکوب بسیار است از شهر پاریس غلاکوب بسیار بیاید و حصر بوده

اکنون شهر محاصره است همه غلاکوب در آنجا مانده است — دیروز چند روزنامه

چاپ کرده بودند که موسیو رشفور و چند نفر از رفقای او در توپخانه منصب داشتند

خبر صحیح نیست زیرا که همان توپچی بی منصب هستند — امروز چندین دفعه یک بالون

در هوا ملاحظه شد بعد از تفحص معلوم کردند که این بالون را بجهت دیدبان حرکت قشون

دشمن قرار داده بودند و قریب دو ماه بود که میر العجب علوری نو چنین بالون را خوانده بود

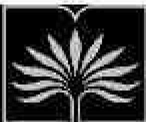
روز شصت و پنجم جمعه هجدهم ماه نومبر

اخبار دو ولتی — امروز یک خبر تلگرافی از شهر تور موسیو

گامبتا برد لفوز فرستاده است بعبارت آنچه نسبت دارد بحرکت قشون در ولایات

بدین تفصیل است شما را خبر کرده بودم که بعد از دو روز و دو جنگ سخت شهر اورلئان

را از دست پروسیان گرفتیم و دو هزار و پانصد نفر ایشان را اسیر کردم و قشون



مجبور شده اند اطراف شهر را حفظ میکنند و حاضر هستند که اگر باز دشمن پیدا شود با او جنگ

نمایند و او را برگردانند و حالت داخله مملکت فرانسه پارسا عجب بی تشویش است

و شهرهای اورلیان و مرسیل و بردو را [illegible] سخت [illegible] آرام شده و دشمن

از شهر دی ژان بیرون رفت و در همه جا با اجزای دولت با حرمت و طاعت

حرکت میکنند — و خبر وحشت انگیز بمباردمان کم کم از میان مردم رفع شده است

— ژنرال تروشو حاکم پاریس اعلام میکند که اگر چه این اخبار [illegible] چند روز هم

و آنچه در اعلام نامه جات رسانیده اند که نباید اهل پاریس در بیرون رفتن از شهر از پیش

قراولان بسبب بی ترسی تجاوز نمایند با وجود این اخبار تا حال که پروسیان خندقهای اوت

مردم نکرده اند مردم از پیش قراولان دور میشوند و بسیار نزدیک صفوف میرفتند و

اکنون که پروسیان [illegible] حرکت میکنند و مردم بی اسلحه بلکه بر زن و بچه تفنگ می اندازند

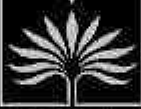
و بسیاری از ایشان کشته و زخمدار شده اند حاکم پاریس این اتفاقات را بمردم اعلام

مینماید و خواهش میکند که برخلاف این حکم حرکت نکنند —

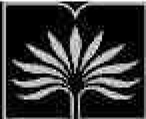
اخبار اطراف پاریس — تلگراف میان پاریس و دهات و محل

[illegible] دوباره قرار داده اند — پروسیان [illegible]

[illegible] شده [illegible] باز [illegible]



نهان میکنند شاگردان مدرسه ریشجانهای نظامی که پانزده شانزده ساله هستند با
چنان مشق کرده یاد گرفته اند که بسیار زرنگ بجز جان میکنند و کثر تعداد از اطفال
کفایت پرستاری نمایند و بچه های هفت ساله و ده ساله روزها در کوچه ها با تفنگ
بچگانه دسته دسته مشق سربازی میکنند و اینها همه علامتیست که بعد از این فرزندان
انتقام از روسیان خواهند کشید طپانچه زنی دال و رضا چیچیسان چند تن
بطالیان افواج رعیتی تقسیم کرده اند و از قراریکه این دو روز گذشته معلوم شد
حرکت دشمن در سمت چپ رودخانه سن چندان قابل ملاحظه نیست ولی میان قی به
دوره‌های حرکات قشون دشمن پر زور است بلکه از قراریکه پیش قراولان فهمیده اند بعضیت
که متصل فوج عوض میکنند مثلا یک روز به ورزیه می آورده و روز دیگر به روسی د
بعد سک ساقی همچنین اما همیشه از نزدیک ورن زی س که خارج بیرس توپ
هست میبرند و از نیت پی که حرکت قشون تیز پا رست هر روز سرداران د
امیر البحران که در قلعه جات می باشند در روزنامه ذکر میکنند دشمن متصل دسته توپ
که مخفی قرار داده بودند ما نزد آشکار مینمایند و میر البحر پوتو خبر کرده است که یک دسته
چهار عراده توپ نزدیک شوایی پا روسیان که در خفیه مقرر داشتند آشکار کرده
و نزدیک دروقی به در جلو بکان دشمن سی و پنج علم که جای سفید بالای چوب برافراشتن



قطار گوسپند داده‌اند و معلوم نیست که سبب این علمها چیست بلکه طرحهای بازیچه باشد یا اینکه
مکان نشان تیر توپ است و دور نیست که شلیک توپ شدید آنچه را که از دیدبان و بالون معروف
هویدا و مبهم است معلوم نماید و از زوال آن زود شود و در یک سرگشتی که سمت و بلوی آن کرده است
و بعد از آن اینکه در بالای سر هستند باید دو تا آب و بنجر هست خصوص نزدیک آسمان که
لهذا حکم کرده است بزودی قرارگاه گفتش چون سردار یک نظر از آن محل است
تا دو در میان سرباز آن تقسیم نماید — همه صاحب منصبان لشکر که در قلعه‌جات
و اطراف پاریس هستند هر یک نقشه مخصوص محل خودشان میدهند — چون چند ساعت
قبل از آنکه در پاریس بالون هوا کنند دشمن خبر داشت و بجهت آتش زدن بالون نشان
می‌انداختند بجهت اشخاصیکه در بالون بودند بسیار خطر داشت اکنون لازم دیدیم که این
بعد بالون را در شب بخبر هوا نمائیم و دیشب یک بالون بزرگ در منزل گار راه آهن شمالی
هوا کردند که پنج قفس در وی و شش کبوتر جهت اخبار در آن بالون بود و بجز بالونچی شخص
بجهت متوجه شدن آن کبوترها دو نفر دیگر که اسم آنها را ذکر نمیکنیم در آن بالون بود
یک ساعت نصف شب مانده آن بالون را هوا کردند معلوم است پروسیان از آن خبر ندارند
و آن بالون را نخواهند دید ——

حالت پاریس در زمان محاصره — حالت پار

بسیار تغییر یافته است و احتمال دارد که منفعت داشته باشد زیرا که آن چیزها و اخلاقی که
مردم در زمان عیش و بیهودگی از دست داده بودند دوباره نخواهند یافت مگر بسبب
وارد شدن صدمه زیاد و اهل پاریس که از اول سبک بودند حال با وقار
شده اند و غیر از چند نفر نامرد که هنوز اهل خرج رعیتی نشده اند و خود را میان
زنان پنهان میکنند همه بغیرت آمده اند و پاریس بالمره حالت شهر جنگی گرفته است
در وقت طلوع آفتاب دسته قشون با اسلحه حاضر شده طبل حاضرباش میزنند و در
دروازه ها باز میشود و یکساعت بعد از آن در همه محلات پاریس طبل میزنند که سرباز رعیتی
بروند در اطراف قلعه و قراولخانه ها قراولان را عوض نمایند و باقی سربازان میروند
مشق میکنند و از اول صبح زنان بقصابخانه ها کم جمع شده اند و در این وقت جمعیت
بیشتر است تا اینکه تا آنکه هر کس قسمت گوشت خود را بخانه ببرد و از سمت دیگر مردم
نزد روزنامه فروش میروند که روزنامه بخرند و اخبار را بخوانند و طرف ظهر حالت
پاریس آرام تر است زیرا که وقت نهار خوردن است و بعد از ظهر سمت عمارت تجارتی تردد زیاد است
چون تجار جهت امور خود در آن سمت زیاد میروند و سه ساعت و نیم بعد از ظهر باز جهت
مشق طبل حاضرباش میزنند و از هر خانه سرباز رعیتی با تفنگ بیرون می آید و چهار ساعت
بعد از ظهر باز طبل میزنند و دروازه های شهر پاریس همه بسته میشوند و دو ساعت از شب

رفته باز مردم روزنامه میخرند که اخبار روز را بخوانند و اگرچه صدای توپ متصل می‌آید

لیکن چون مردم عادی شده‌اند بکار خود مشغول هستند و اصلا التفات نمی‌شوند و تا یک ساعت بعد

از شب رفته اکثر مردم در خانه‌های خود مراجعت میکنند و چراغ هوای گاس جهت کم شدن

ذغال سنگ در کوچه‌ها کمتر روشن میکنند و تا یک ساعت نصف شب مانده دیگر چراغ نمی‌سوزد

روز شصت و ششم شنبه نوزدهم ماه نومبر

موافق حکم دولت فهرست اسامی اشخاصی که در جنگ رشادت کرده و کشته شده‌اند

از هر قسم لشکر و از هر ولایت با اسم و رسم بتفصیل در روزنامه دولتی چاپ کرده‌اند تا آنکه

هر کس از آن اسامی مطلع باشند و با آنها افتخارات نمایند ———

اخبار اطراف پاریس —

ژنرال تروشو باز ژنرال دوکرو را تا

نزدیک چشم قراولان پروسی سرکشی نموده‌اند سمت [illegible] موکت [illegible] صدای تفنگ زیاد می‌آید

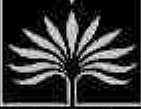
و از قلعه مون ولرین توپ [illegible] گرفتن می‌انداختند و توپ تازه بحری که قریب ده

هزار ذرع فاصله نشان میزند دوازده دست آورده [illegible] تازه قرار داده‌اند و

پریروز یک دسته از سواره نول تی با پروسیان نزدیک وی تری با هم منازعه نموده‌اند شش نفر

و سربازان [illegible] دشمن دویست نفر بودند و سربازان ما چهار نفر بو[illegible]

دو نفر پروسیان را کشت و سه سرباز دیگر از ما زخمدار شدند همراه خود ا[illegible]



تیراندازی قلعه ایوری که حمایت سربازان ما میکردند با نظم رجعت کردند دو دسته که
صبح سمت ارژان توی رفته بودند سربازان پروسی تفنگ بر ایشان انداختند و سربازان
ما آن دو نفر زخم خورده را به مریضخانه آوردند و در ساعت ده شب رفته در مکان پل دراجمیتی
رفته با دوربین گلوله خمپاره که سمت جوان دژ در میرگیه تماشا میکردند ——
روز بروز در کوچه‌ها دست فروشی زیاد تر میشود خصوص در زیر طاقهای کوچه ری ولی
چون باران می آمد مردم نمی توانستند عبور کنند بوده‌ی توپاندازی بر باستیانهای
دشمن که در شوازی هستند خواهند شد و دیروز مدارک باستیان ما رو یک ...
با تمام رسیده و مردم خبر ندارند که این کار را مهندسین راه آهن کرده و حت ...
قریب شصت نفر از اهالی شهر که در مزارع رفته بودند جهت برچیدن سبزی آلات یا چیزهای
دیگر از مزارع کشته و زخمدار شده‌اند و تقصیر خودشان است زیرا که احتمال دارد بیجا ...
بوده‌اند سربازان ما بر ایشان تفنگ انداختند و روز پیش در همانجا بیشتر از صد نفر
کشته و زخمدار شده‌اند سبب همان خبر است که امروز ذکر شده بود ——

روز شصت هشتم یکشنبه بیستم ماه نوامبر

موافق روزنامه نظامی دیشب اغلب اوقات بر کارهای دشمن در بوردره تیراندازی
کردند امروز دفعه اول است که یک نمره از روزنامه دولتی پروسی که در ورسای

چاپ میکنند بدست اجزای دولت مسقط آمده است و قتاً ما در روزنامه دولتی چاپ

خواهد شد و وزیر دول خارجه با اعلام نامه که موسیو چپ مرک در آن روزنامه

نوشته است جواب خواهد داد ——————

اخبار داخله پاریس —— بالون مسمی به ارشی گفت که ناخدای او

بحری بود با دو نفر دیگر که اسم ایشان را ذکر نکرده اند روانه شدند مکتوبات پنج کبوتر همراه برده

تکلیف سپل دیگر امروز باتمام رسید و دویست و پنجاه تفنگ سوزنی بایشان داده اند

چندین اسکدران از سواره نظام در بیرون اطراف قلعه پاریس مامور شدند دیروز

در کلیسای سن جرمن چندان از سربازان زخمدار در نماز حاضر بودند و مردم بخصوص

زنان با ایشان زیاد اظهار مهربانی کردند — چون ده سن سیر در تصرف پروسیان است

ممکن نبود که شاگردان در مدرسه نظامی سن سیر بمانند و چون شاگردان مدرسه

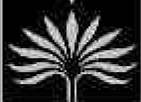
پولی تکنیک در لشکر مامور شدند و آن مدرسه خالی است شاگردان مدرسه

نظامی سن سیر را آنجا منزل داده اند و تعلیم مختصر نظامی بایشان میدهند تا زمان امکان

هر روز [illegible] مامور خدمت شوند شنیدم که امروز در باستیان قلعه آیسی قراول بودند

امروز [illegible] جشن نقل میکنند که سربازان افواج [illegible] نوبه بنوبه [illegible]

نوبه [illegible] هم بود و در جاده های قلعه جات و [illegible] وای سی [illegible]



اگر ایشان میروند بدیدن اقوام خود از سربازان چپل و دیگران دهاتی بودند میرفتند و

خانهای خود که ول کرده بودند چیزی از اسباب خود بیاورند یا سبزی آلات که در آنجا

بردارند و چندین نفر سواق عمارت روز یکشنبه بیرون آمده بودند و در راه دیدند یک عراده

با جنازه و دختری که از عقب آن چند نفر از دختران سفیدپوش با خویشان خود می آمدند

و در جلو آن عراده یک کالسکه با علم سفید و صلیب قرمز که در آن کشیش نشسته بود میرفتند

و سبب آن علم سفید مخصوص بیمارخانه است معلوم است که آنجنازه را بقرب سنگرهائی که

در تصرف پروسیان بود میبردند و قلعه والرین چند گلوله بانها انداختند

و این گلوله را بطور یقین بکارگذارهای پروسیان میزدند بنوعی که خیال میکنی باوست

ایشان را ایشان مقصود نداده اند و قلعه مون والرین که اکثر اوقات زیاد تیراندازی میکنند

امروز همان یک تیر توپ انداخته است و همیشه مورد یک بالون بسته در هوا ایستاده

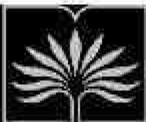
بود و این جهت دیدبان حرکت قشون دشمن است برای سربازانی در باستیانها و قلعه جات

میروش وارد شده شب که باید بیدار باشند دسته بدسته جمع میشوند نقل و شوخی و

خنده میکنند بدون آنکه در بند باشند چون از بعضی نوشتجات و روزنامه که بجهت

دشمنی دولت منتشر بود تا اثرات بدی در قشون است حاکم شهر پاریس قدغن کرده است همین

نوشتجات که بسبب تحریک دشمن میباشد دیگر هیچ اعلام نامه بدیوار ها نصب ننمایند و در حکم



گروه که اهل احتساب نظام هر وقت چنان نوشته جات بشنوند نکنند و اشخاصی که چسبانیده‌اند

تنبیه شوند

روز شصت و هشتم دوشنبه بیست و یکم ماه نومبر

موافق روزنامهٔ نظامی شب گذشته در سمت جنوب تیر اندازی شدید شنیده شد و قلعه جات

ها نیز در سمت تیر اندازی کردند و موسیو ژول فور وزیر دول خارجه مکتوبی مبنی [illegible] بهمه سفرای

دول که در مملکت خارجه هستند نگاشته است اتفاقاً [illegible] از مکتوبات موسیو بیسمارک

که در آن شروط و ذخیره آوردن شهر پاریس را برای زمان توقف جنگ از جانب دولت پروسیا

انکار نموده است اطلاع داده‌اند چون این مطلب لازمهٔ جهت غلط انداختن مردم در مکتوب

خود ذکر نموده است تصحیح اشتباه را لازم است موافق گفتهٔ او مسیو تی‌یر قبول گفتگو کرده

ولی باید مسیو بیسمارک فراموش کرده باشد که تکلیف گفتگوی توقف جنگ از جانب

چند دول شده است بخصوص وزیر دول خارجهٔ انگلیس گفته بود بی فایده نیست که ضررهای

این جنگ را به پادشاه پروس و وزرای او بگوییم اگر این جنگ طولانی شود مایهٔ [illegible]

خواهد بود و نه فقط اینکه اهل فرانسه پای تخت خود را و مردم بی اسلحه کشته شده و خزانهٔ صنایع

و علوم و اسباب گران بهای قدیم که عوض آنها ممکن نیست تلف شده [illegible]

دولت فرانسه بلای بی نشانی است و بجهت کل دول فرنگستان [illegible]

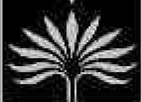


بخصوص جهت ولایات المان و سلطنت آنجا و دولت فرانسه شروطی را که موسیو
بیسمرک به موسیو ژول فور در باب مصالحه نموده است شده بود قبول نکرد ولی دولت
انگلیس بواسطه‌ی دولت اسطریش اصرار کرد که جهت تعیین کردن وکلای رعایا قبول توقف جنگ
کنند و مصلحت آنها را دانست که هرچه مناسب بحالت عزت و حرمت دولت فرانسه است قبول
نمایند بار دیگر زمانی وزیر دولت انگلیس به دولت پروس چنین حرف میزد سفیر انگلیس در شهر تور
با وزرای فرانسه موضوع مذکور گفتگو میکرد و شک نداشت که دولت پروس تدارک ورود شهر پاریس
از برای زمان توقف جنگ قبول کند. ولی موسیو بیسمرک قبول این مطلب نکرد و ما از اول
از این جنگ نفرت داشتیم و وقتی که باعثین این جنگ خراب و مغلوب شدند ما خواهش کردیم
که از راه نهایت و حقوق ملل اگرچه ضرر هم کشیدیم این جنگ موقوف شود و دولت پروس
باز در این جنگ اقدام کرد نه بجهت خاک خود بلکه بجهت تصرف کردن خاک فرانسه و چنین
ولایات ما را مجدداً به وحل آنها تلف نمود و تا بیشتر است که پای تخت ما را محاصره
کرده است و در آنجای لشکرها که در شهر بوده آن سربازها نمانده بود بعد از آنکه پاریس
آمدند لابد شدند که لشکر جدید مهیا نمایند افواج و عسکری را قرار دادند ——

اخبار اطراف پاریس —— هنوز دو روز نشده بود که توپخانه‌ها
از قلعه مورون به پروسیان در ده‌حی و بورگ و بنیو تیراندازی



نمودند و پروسیان به تیراندازی توپ جواب میدادند مگر پیش قراولان عثمانیین که تیر تفنگ
تبدیل کردند لیکن کشتاری نشد اما کارهای محافظت را از خاکریز و باستیان و غیره چنان
خوب ساخته‌اند که اگرچه نزدیک دشمن است لیکن کم اتفاق می‌افتد که کسی از ما کشته شود
مثلا سه روز است که یکنفر از ما کشته شده و آن یک چیزی بود که گلوله به پهلویش خورده و از سمت
دیگرش بیرون آمده و در جیب او افتاده و از سمت دیگر با وجود یکه نخواهند خود را محافظت نمایند
بسیار کشته شده است ـ و قلعه نوازی مدت دو ساعت قریب پنجاه تیر توپ
انداخت و خرابی بانکه دشمن رسانید و دو ساعت از نصف شب آمده پروسیان بسمت پیش
قراولان ما آمده بنای جنگ نهادند و خواهش شد که دوبار انصراف نمایند و بجهات پیش
قراولان خود تا نصف شب تیر توپ و چترال بوزبر آنجا انداختیم و چون معلوم شد که این
جنگ طول خواهد کشید امپراطور قشون خود را حاضر کرده بود که بامداد بیاید چون دشمن
دید خیال خود را بانجام نمی‌تواند رساند و به مقصود خود نرسیده‌ایم عقب کشیدند و دو
ساعت بعد از نصف شب دوباره پروسیان آمدند حمله نمایند چون دیدند ما حاضر
و مستعد هستیم عقب کشیدند و تنها در آن سمت هم که جنگ شد در تمام شب سمت شمال
و مغرب صدای توپ می‌آمد ولی در اول روز بدشمن باید ضرب ...
که مدت دو ساعت ... از پشت خاکریز دشمن که باستیان و بنا...



اخبار داخله پاریس — دیروز سه ساعت بعد از ظهر چند دسته از سربازان رعیتی بعمارت اوتیل دو ویل آمده خواهش کردند که یکی از اجزای دولت ایشانرا سان ببینند بعد از آنکه موسیو فیلان آنها را سان دید بصاحب‌منصبان از جانب دولت جمهوری شکرگذاری نمود و اسباب تحسین کرد که بجهت آسودگی مملکت خود در انگیختن مستعد و داوطلبانه بجنگ میروند که دولت را نجات بدهند — امروز بعمارت وزارت مالیه بجهة پنجاه کرور اشرفی که دولت میخواست قرض کند مردم آمدند پول آوردند که بدولت قرض بدهند روز بروز آنجاهائیکه پول می‌آوردند زیادتر می‌شدند معلوم است مردم سعی دارند که در مخارج جنگ بدولت کمک کنند — دولت اعلام کرده است که هرکس انبار سیب‌زمینی دارد و بجز ذخیره خانه باید در مهلت معین هرچه دارند بخدمت وزیر تجارت اقرار نمایند هرکس خلاف بگوید اموال و ما یتعلق او ضبط دولت خواهد بود و نیز حکم کرده‌اند که از روز سی‌ام ماه نومبر بجهت کم شدن زغال سنگ و لازم بودن آن برای کارخانه‌ها و روانه کردن بالون دیگر چراغ‌های گاس در خانه‌های مردم قطع شود

روز شصت و هفتم سه‌شنبه بیست دویم ماه نومبر

اخبار اطراف پاریس — اگرچه هوا بد است جمعیت نسبت بآن کمتر میروند و در سر راه عراده زیاد است که باقی سبزی آلات از بیرون شهر پاریس می‌آورند



و چیزی نمیگذارند بماند حتی برگ کلم و چغندر و باقی علف را بر می چینند و در درون چنین

قشون زیاد است و اهل انجا هنوز خانه خود را ترک نکفته اند و در فوتنه کم کم

خانها باز میشوند همچنین در تورزان — تمام روز از سمت سندنی و ای وری

صدای توپ می آید و در دروازه ی قیو مردی با قبای سفید را تفنگ همراه است از میان قراولان

بار و شود بگیرانند و در سبدهائی که همراه داشت کاغذی یافتند که معلوم شد جاسوس

اخبار روزنامه پاریس — در میان اشخاصی که دولت بجهت سربازی

رجعتی طلبیده کسانیکه عاجز و معیوب میباشند و قوه سربازی ندارند صاحب منصبان آنها را معین

میکنند لیکن باید زیاد معیوب باشند یا زیاد تور داشته باشند یا افلیج باشند که

استعداد سربازی نداشته باشند و امروز وقت ظهر چند فوج رجعتی از سرباز جدید در ملوار

حاضر بودند که ژنرال تروشان آنها را سان ببیند و همه آنها آراسته و شکل اسلحه و نظم

قاعده بودند و از با سایر افواج مامور خدمت جنگ خواهند بود

روز هشتادم چهارشنبه بیست سیم ماه نوامبر

اخبار دولتی — در روزنامه نظامی نوشته اند که دیروز از شدت بارندگی

دشمن در هیچ جا نتوانست مشغول تدارک محاصره شود و از آن جهت [illegible]

کم تیراندازی کردند ولی در سمت رودخانه مرن میش قراولان با یکدیگر [illegible]

در این روزها که گذشته با لشکر خود را زیاد کردیم چند فوج بسمت پیش قراولان پروسی‌ها
خواهند شد و امروز بر کارهای دشمن بخصوص سمت مودان و شاتیغان از قلعه‌جات
ها تیراندازی کردند و دیشب قریب نصف شب دشمن میخواست نزدیک زن و بل نه یک
سرکشی بکند و چند نفر ایشان منجوب شده با آن آورده از دروازه خانه مجبور کنند ولی چون پیش قراولها
مطلع شدند بر آن ده ایشان تفنگ انداخته چند نفر آنها گرفتار شده زخمدار نموده‌اند چند
نفر از سربازان فوج جی که در ده گورنیوا قراول بودند چون در زیر زمین خانه که منزل داشتند
رفتند در یک جعبه مبلغ سیصد و شصت تومان یافتند آن مبلغ را بسرهنگ خود سپردند
یک کپیتانی که از شهر تور موسیو گامبتا به لفور نوشته‌اند آورده بدین تفصیل است
در داخله مملکت با کمال انتظام است و کم کم قشون ما زیاد میشوند غیر از دویست هزار نفر که
لوار سمت اورلیان مهیا شده‌اند اول ماه دسامبر یک دسته قشون دیگر مکمل آراسته خواهیم
داشت و علاوه بر این قریب بیست هزار سرباز حاضر آماده میکنیم و شهر اورلیان را اردو
محافظت میکنیم مبادا دشمن دوباره خیال تصرف کردن آنجا نماید و فتح ما در اورلیان مایه
و تحریک همسایگان ما بوده و در هر سمت تدارک حفظ ولایات می‌بینند و همه کس منتظر هستند که انجام امور
با استراحت و آرامی بیانجامد بجهت انتخاب وکلای رعایا و توقف جنگ دیگر در میان هیچ یک
کس نفهمیدند که انتظار موسیو [illegible] مارک از ورود بجهت شهر پاریس در زمان [illegible]



جات یک شیشه بود در بسیاری میخواستند شهر پاریس را تخلی و گرسنگی بدهند و خود دولت

مانند قشونها بجهت محاصره شهر متس شده قشون ما که از جهت لوار جسته برسانند

اخبار روز اهل پاریس — یک کبوتر بسیار سه روز نامه تلگرافی انگلیس

نوشته را بجهت مردم آورده که روی هم رفته هر یک کلیسه و هشت پیغام تلگرافی دارد

که مجملا قریب هشتصد پیغام باشد گویا بجهت دولت پیغام تلگرافی در آن میان نبود —

دو شب یک ساعت به نصف شب مانده دو بالون هوا کردند — در باب کبوتر بسیار شما یک

کبوتر نبود دو کبوتر بودند که دیروز بعد از ظهر یک کبوتر خانه خود رسیده یکی از شهر اورلیان

روز هیجدهم نوامبر عازم شده امروز سه ساعت و یک ربع بعد از ظهر به پاریس رسیده و کبوتر

دیگر امروز صبح که بیست سیم نوامبر بود نیز از شهر اورلیان عازم شده پنج ساعت بعد از ظهر رسیده

رسیدن این دو کبوتر باعث مشغولیت اهل تلگراف شد بطوری قریب سی نفر ایشان با وزرا

هم مشغول خواندن و نوشتن اخبار شدند و اول شب کم کم بحاکم پاریس و وزرای مختلف

اخبار را داده و را فرستادند از این اخبار تا فردا خبری آشکار نخواهد بود همینقدر فهمیده شد

از قرار خوشحالی عمال دولت که این خبر خبر خوبی بود داخل قرخانه تلگراف این پیغامات که

کبوتران می‌آورند همه را یک یک ضبط میکنند و هر یک مزده دارند تاکنون

رسیده است و آنچه فرستاده بودند نه روزنامه رسیده است معلوم

که از شهرهای مختلف روانه میکنند نباید انتظار رسیدن او را بکشیم و یقین داشته باشیم
همه خواهند رسید از وقتیکه کبوترها را با بالون شهر تور فرستاده اند بعضی اشخاص
مشوش هستند که دیگر کبوتر جهت پیام فرستادن در شهر پاریس نمانده است جهت اطمینان ایشان
ایشان میگویم که غیر از کبوترخانه وی لت و محلات سنه لی و مون پرنس
و بت پولن یک کبوترخانه در کوچه کری نیل قرار داده اند که در آنجا کمیسیون دولت
کبوتر مخصوص پیام تعلیم میدهند و ژنرال تروشو حاکم پاریس اعلام کرده است
که در چند روزنامه تفصیل حرکات لشکرها و کارهای مختلف جهت محافظت شهر را
روزنامه چاپ کرده اند چون چنین اخبار را نباید کسی مطلع باشد و اطلاع یافتن دشمن از
برای اختلال زیاد دارد و لهذا حکم شده است که در باب حرکت قشون و کارهای محافظت شهر
با تدبیرات جنگی دیگر ابدا چاپ ننمایند و هرکس مخالف این حکم کند تنبیه خواهد شد

تمام شد جلد دوم روزنامه

محاصره شهر پاریس



